



ارائه چارچوب توسعه شهروند محوری در اداره امور عمومی (مورد مطالعه: شهرداری زنجان)^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

مقتدا بابایی ^{id}

مدیریت دولتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۰۲-۶۲۳۰-۸۶۴۰

mqtdabababy@gmail.com

زین العابدین رحمانی ^{id}

استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، ساری، ایران

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۰۲-۲۸۳۱-۱۹۷۳

p_z_rahmani@yahoo.com

مصطفی جعفری ^{id}

دانشیار، گروه مدیریت و حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، ایران

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۰۲-۲۸۳۱-۱۹۷۳

jafari.mostafa@znu.ac.ir

چکیده

اداره امور عمومی شهروند محور رویکردی برای حکمرانی است که نیازها و منافع شهروندان را در مرکز تصمیم‌گیری و ارائه خدمات قرار می‌دهد. این موضوع شامل طراحی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی است که پاسخگوی نیازها و ترجیحات شهروندان باشد و اطمینان حاصل شود که خدمات عمومی در دسترس، کارآمد و مؤثر هستند. از این رو پژوهش حاضر باهدف ارائه چارچوب توسعه شهروند محوری در اداره امور عمومی در شهرداری زنجان انجام شده است. این پژوهش کیفی و با استفاده از تحلیل مضمون تدوین شده است؛ در این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان سازمانی و دانشگاهی خط‌مشی‌گذاری، مدیریت دولتی و مدیریت شهری به تعداد ۱۷ نفر یافته‌ها تحلیل و الگوی حاضر طراحی شد. بر این اساس با تحلیل محتوای مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار Maxqda ۲۰۲۰ ابعاد مربوطه استخراج و میزان اهمیت و اولویت هر یک با استفاده از فن آنتروپی شانون تعیین شد. بر اساس رویکرد پژوهش ۳ جنبه، ۳۱ مؤلفه و ۱۴۶ کد استخراج گردید. مدیران و مسئولان ملی و استانی ابتدا بایستی ساخت و آگاهی دقیقی از پیشایندهای توسعه شهروند محوری به دست آورند و سپس اقدام به اتخاذ و پیاده‌سازی راهبردهای اثربخش نمایند تا به پیامدهای شناسایی شده دست یابند. در این پژوهش، الگوی

^۱ <https://doi.org/10.71810/JNAPA.2025.1191837>

توسعه شهروند محوری در قالب ۳۱ مؤلفه ارائه شد. از آنجاکه تاکنون مدل جامعی برای توسعه شهروند محوری ارائه نشده است، این پژوهش می‌تواند در توسعه ادبیات حوزه پژوهش و تبیین اهمیت دموکراسی محلی سودمند باشد.

کلمات کلیدی: شهروندمحوری، دموکراسی محلی، اداره امور عمومی، شهرداری زنجان

۱- مقدمه

اداره امور عمومی شهروند محور که به‌عنوان مدیریت عمومی مبتنی بر شهروندان نیز شناخته می‌شود، رویکردی برای حکمرانی است که نیازها و منافع شهروندان را در مرکز تصمیم‌گیری و ارائه خدمات قرار می‌دهد. این موضوع شامل طراحی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی است که پاسخگوی نیازها و ترجیحات شهروندان باشد و اطمینان حاصل شود که خدمات عمومی در دسترس، کارآمد و مؤثر هستند ([Wijayanto et al, ۲۰۲۰](#)) در اداره امور عمومی شهروند محور، دولت‌به‌شهروندان به‌عنوان شرکت‌کنندگان فعال در فرآیند حکمرانی می‌نگرد، نه صرفاً دریافت‌کنندگان منفعل خدمات عمومی و به دنبال توانمندسازی شهروندان از طریق مشارکت دادن آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری، درخواست بازخورد و نظرات آن‌ها و فراهم کردن فرصتهایی برای مشارکت آن‌ها در طراحی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی است ([König, ۲۰۲۰](#)). این رویکرد همچنین بر شفافیت و پاسخگویی در دولت تأکید دارد. این امر مستلزم آن است که مدیران دولتی در فرآیندهای تصمیم‌گیری خود شفاف باشند، اطلاعات و تصمیمات را به شیوه‌ای واضح و در دسترس به شهروندان منتقل کنند و در قبال اقدامات و نتایج سیاست‌ها و برنامه‌های خود پاسخگو باشند ([Demirkasimoğlu, & Demir, ۲۰۲۳](#)). اداره امور عمومی شهروند محور تنوع و نیازهای منحصر به فرد گروه‌های مختلف شهروندان را تشخیص می‌دهد. هدف آن تضمین این است که خدمات عمومی در دسترس و فراگیر باشد و همه شهروندان از فرصت‌های برابر برای مشارکت و بهره‌مندی از برنامه‌های دولتی برخوردار باشند ([Hecht et al, ۲۰۱۹](#)).

شهرداری شهروند محور به یک حکمرانی محلی اطلاق می‌شود که نیازها و منافع شهروندان خود را در فرآیندهای تصمیم‌گیری، ارائه خدمات و حکمرانی کلی در اولویت قرار می‌دهد. این رویکردی است که رفاه و مشارکت شهروندان را در مرکز عملیات، سیاست‌ها و برنامه‌های شهرداری قرار می‌دهد ([Berke, ۲۰۱۹](#)). شهرداری‌ها نقش بسیار مهمی در توسعه و پیشرفت شهرها دارند. این نهاد عمومی مسئولیت‌های گسترده‌ای را در حوزه‌های مختلف بر عهده دارند. شهرداری‌ها مسئول برنامه‌ریزی و توسعه شهری هستند. شهرداری‌ها باید برنامه‌های جامع و مناسبی را برای توسعه و بهبود زیرساخت‌های شهری ارائه دهند. این امر شامل برنامه‌ریزی برای توسعه مسکن، حمل‌ونقل، آب و فاضلاب، پارک‌ها و فضای سبز و سایر زیرساخت‌های شهری است. شهرداری‌ها مسئول مدیریت منابع شهری هستند. این نهاد باید منابع مالی، انسانی و فیزیکی را بهینه کند و از آن‌ها در بهترین نحو استفاده کند. مدیریت منابع مالی شامل بودجه‌راهبردی و برنامه‌ریزی مالی است که برای تأمین هزینه‌های عملیاتی و سرمایه‌گذاری‌های ضروری شهر لازم است. شهرداری‌ها نقش مهمی در حفظ محیط‌زیست شهرها دارند. این نهاد باید سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب را برای حفظ منابع طبیعی، کاهش آلودگی هوا و آب، مدیریت پسماندها و حفاظت از مناطق سبز شهری ارائه دهند. شهرداری‌ها می‌توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی شهرها ایفا کنند ([Göçoğlu & Karkin, ۲۰۲۳](#)). آن‌ها می‌توانند برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه اقتصادی را اجرا کنند، فضای کسب‌وکار را توسعه دهند و سرمایه‌گذاری‌های جدید را جذب کنند. شهرداری‌ها مسئول حفظ و نگهداری میراث فرهنگی و تاریخی شهر هستند. آن‌ها باید

مناطق تاریخی و معابد را حفظ کنند و برنامه‌های مناسب برای ترویج فرهنگ و هنر در شهر ارائه دهند. بنابراین، شهرداری‌ها به‌عنوان نماینده مستقیم شهروندان در مدیریت شهر، اهمیت بسیاری دارند و باید وظایف خود را به بهترین نحو انجام دهند تا شهرها را بهبود داده و رفاه عمومی شهروندان را تضمین کنند (Aschhoff, ۲۰۱۸). در این راستا بهره‌گیری از ظرفیت نظرات و ایده‌های عموم شهروندان می‌تواند تمامی وظایف شهرداری را غنی‌تر ساخته و در دستیابی به دموکراسی شهری سودمند باشد. پژوهش حاضر باهدف طراحی الگوی توسعه شهروندمحوری در شهرداری‌ها انجام می‌پذیرد. پژوهشی که علاوه بر پوشش خلأ تحقیقاتی موجود، ادبیات حوزه پژوهش را نیز توسعه خواهد داد. بنابراین نوآوری این تحقیق در طراحی یک الگوی جامع برای توسعه شهروند محوری در شهرداری‌ها نهفته است که به‌طور خاص بر مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای حکمرانی تأکید دارد. این تحقیق با شناسایی و تحلیل نیازها و خواسته‌های متنوع گروه‌های مختلف شهروندان، به دنبال تضمین دسترسی و فراگیری خدمات عمومی برای همه شهروندان است. همچنین، با تأکید بر شفافیت و پاسخگویی در تصمیم‌گیری‌های دولتی، این تحقیق به مدیران کمک می‌کند تا اطلاعات و تصمیمات را به شیوه‌ای واضح و در دسترس به شهروندان منتقل کنند. درنهایت، این پژوهش به پر کردن خلأهای موجود در ادبیات حوزه پژوهش کمک کرده و به توسعه دموکراسی شهری و بهبود کیفیت زندگی در شهرها می‌پردازد. مسئله تحقیق حاضر به بررسی و ارائه یک چارچوب توسعه شهروند محوری در اداره امور عمومی، با تمرکز بر شهرداری زنگان می‌پردازد. این تحقیق به دنبال شناسایی و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود در فرآیندهای حکمرانی محلی است که نیازها و منافع شهروندان را در مرکز تصمیم‌گیری‌ها و ارائه خدمات قرار می‌دهد. با توجه به اهمیت مشارکت فعال شهروندان به‌عنوان ذینفعان اصلی در فرآیندهای حکمرانی، این تحقیق به دنبال طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی است که پاسخگوی نیازها و ترجیحات شهروندان باشد و همچنین بر شفافیت و پاسخگویی در مدیریت شهری تأکید دارد. درنهایت، این پژوهش به دنبال غنی‌سازی ادبیات حوزه شهروند محوری و ارائه راهکارهایی برای بهبود کیفیت زندگی شهری و ارتقاء رفاه عمومی در شهرداری زنگان است. لذا این سؤال مطرح می‌شود که چارچوب توسعه شهروند محوری در اداره امور عمومی شهرداری زنگان چه ابعاد و مؤلفه‌هایی دارید؟

۲- ادبیات تحقیق

رویکرد شهروند محوری به این ایده اشاره دارد که شهروندان در خط مقدم تصمیم‌گیری دولت و ارائه خدمات قرار دارند و بر اهمیت درک نیازها، ترجیحات و اولویت‌های شهروندان و تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی برای پاسخگویی مؤثر به این نیازها تأکید می‌کند (König, ۲۰۲۱). اداره امور عمومی شهروند محور مشارکت فعال شهروندان را در فرآیندهای تصمیم‌گیری ارتقا می‌دهد. شهروندان را تشویق می‌کند تا نظرات، ایده‌ها و بازخوردهای خود را در مورد سیاست‌ها و برنامه‌ها به اشتراک بگذارند. این امر را می‌توان از طریق مشاوره عمومی، جلسات تالار شهر، گروه‌های متمرکز یا پلتفرم‌های آنلاین برای ورودی شهروندان انجام داد. شهروند محوری یک طرز فکر خدمات‌گرا را اتخاذ می‌کند که در آن شهروندان به‌عنوان مشتری دیده می‌شوند و بر ارائه خدمات عمومی باکیفیت بالا، کارآمد و قابل‌دسترس که انتظارات و نیازهای شهروندان را برآورده می‌کند، تمرکز دارد. این موضوع می‌تواند شامل بهبود ارائه خدمات، افزایش تجربه کاربر و اطمینان از پاسخگویی به سؤالات و شکایات شهروندان باشد شهروند محوری برای شفافیت و پاسخگویی در عملیات دولت ارزش قائل است. ارتباط باز و شفاف با شهروندان را ترویج می‌کند و اطلاعات مربوط به سیاست‌ها، تصمیمات و عملکرد را به‌راحتی در دسترس قرار می‌دهد. به‌طور آشکار با شهروندان ارتباط برقرار می‌کند و اطلاعاتی در مورد فعالیت‌ها، تصمیمات و عملکرد شهرداری ارائه می‌دهد (Ho & Wu, ۲۰۲۱). همچنین تضمین می‌کند که مقامات شهرداری در قبال اقدامات و نتایج سیاست‌ها و برنامه‌های خود پاسخگو هستند. این فرآیند شامل ایجاد مکانیسم‌هایی برای نظارت و بازخورد شهروندان، مانند ارزیابی عملکرد و گزارش عمومی است. شهرداری شهروند محور اهمیت همکاری و مشارکت با ذینفعان مختلف را برای رسیدگی مؤثر به چالش‌های جامعه تشخیص



می‌دهد. فعالانه با سازمان‌های اجتماعی، کسب‌وکارها، مؤسسات آموزشی و سایر نهادهای محلی درگیر می‌شود تا از تخصص، منابع و شبکه‌های آن‌ها استفاده کند. این رویکرد مشارکتی به تقویت اعتماد، تقسیم مسئولیت‌ها و ایجاد راه‌حل‌های نوآورانه برای مسائل محلی کمک می‌کند (Saßmannshausen et al, ۲۰۲۱).

پیشینه تحقیق

آشکارسازی جنبه‌های مفهومی که در این مطالعه مورد بررسی قرار می‌گیرد نیازمند این است تا برخی از مطالعات تجربی انجام‌گرفته در این حوزه را مورد بررسی قرار داده و همچنین نتایج مطالعات مرتبط با این حوزه را بررسی نموده تا بتواند معیار مناسبی برای جهت‌گیری پژوهشی باشد. بر این اساس در این بخش تلاش می‌گردد تا برخی از مهم‌ترین و مرتبط‌ترین این مطالعات ارائه گردد.

[Göçoğlu & Karkin \(۲۰۲۳\)](#) در پژوهشی با عنوان «مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری عمومی شهروند محور» بیان داشتند اخیراً، حوزه سیاست عمومی به‌طور گسترده‌ای با مطالعات متمرکز بر مراحل طراحی و اجرای خدمات عمومی تغذیه شده است. با این حال، در مورد بازیگران سیاست عمومی، مطالعات اندکی ذینفعان، به‌ویژه شهروندان را به‌عنوان متقاضیان خدمات معرفی می‌کنند. نویسندگان معتقدند که باید فضای بیشتری برای مطالعات متمرکز بر مشارکت مستقیم شهروندان در نظر گرفته شود. تغییرات اخیر در درک در مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری و همچنین اینترنت و فناوری‌های اطلاعاتی که اخیراً توسعه یافته‌اند، می‌تواند الهام‌بخش نظری و عملی برای مطالعات آینده متمرکز بر مشارکت مستقیم شهروندان باشد. درحالی‌که تغییر در درک، مبنای فکری مشارکت را غنی‌تر کرده و حمایت سیاسی آن را افزایش داده است، کانال‌های جایگزین مانند مشارکت الکترونیکی و دولت الکترونیکی مشارکت شهروندان در سیاست‌های عمومی را آسان‌تر، صریح‌تر و مستقیم‌تر ارتقا داده‌اند. هدف این پژوهش مقدماتی ایجاد یک خط پایه برای بحث‌های نو در موضوع سیاست‌گذاری عمومی شهروند محور با ارائه دیدگاهی کلی در مورد فرآیند خط‌مشی عمومی، بازیگران، شهروندان به‌عنوان یک بازیگر و مشارکت مستقیم شهروندان است.

[Gürses \(۲۰۲۳\)](#) در پژوهشی با عنوان «سیاست‌گذاری عمومی شهروند محور از طریق رسانه‌های اجتماعی در دولت‌های محلی» بیان داشتند هدف این پژوهش نشان دادن میزان بهره‌مندی دولت‌های محلی از رسانه‌های اجتماعی در فرآیندهای سیاست‌گذاری شهروند محور است. در این پژوهش، یک مطالعه دومرحله‌ای در مورد استفاده از رسانه‌های اجتماعی شهروند محور در دولت‌های محلی ترکیه طراحی شده است. در این زمینه، تحلیل تعامل در مرحله اول مطالعه و تحلیل محتوا در مرحله دوم اجرا شد. در محدوده این مطالعه، حساب‌های توئیتر شهرداری‌های کلان‌شهر ترکیه بررسی شد. با توجه به یافته‌های تجزیه و تحلیل مشارکت، مشخص شد که نمرات مشارکت شهرداری‌های کلان‌شهرها به‌طور کلی پایین است. از سوی دیگر، با توجه به یافته‌های تحلیل محتوا، این نتیجه حاصل شد که شهرداری‌های کلان‌شهرها عمدتاً از رسانه‌های اجتماعی برای اهداف اشتراک‌گذاری اطلاعات یک‌طرفه مانند رویدادها، اطلاعیه‌ها و اخبار استفاده می‌کنند. واضح بود که یافته‌های هر دو تحلیل با ادبیات مربوطه سازگار است. در نتیجه، صریح است که شهرداری‌های کلان‌شهر ترکیه نمی‌توانند به‌طور مؤثر از رسانه‌های اجتماعی برای ایجاد سیاست‌های شهروند محور استفاده کنند.

[Potipiroon \(۲۰۲۳\)](#) در پژوهشی با عنوان «رسمی‌سازی قوانین، تشریفات اداری و قانون‌شکنی اجتماعی در میان بوروکراتیک‌های سطح خیابان: دیدگاه شهروند محور» بیان داشت تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که قوانین می‌توانند از رفتارهای غیر بوروکراسی در بین بوروکراتیک‌های سطح خیابان (SLBs) جلوگیری کنند. در این تحقیق، از روایت شهروند-عامل استفاده می‌شود تا پیشنهاد شود که وقتی قوانین رسمی به‌عنوان تشریفات اداری تلقی می‌شوند که بر شهروندان تأثیر منفی می‌گذارد، بوروکراتیک‌های سطح خیابان به دلیل همدردی با شهروندان در چنین شرایطی، احتمال بیشتری برای شرکت در نقض قوانین اجتماعی (PSRB) خواهند داشت. همچنین پیشنهاد می‌شود که این تأثیر در میان بوروکراتیک‌های سطح

خیابان که بیشتر با شهروندان تعامل دارند، آشکارتر خواهد بود. داده‌های نمونه‌ای از کارمندان دولت محلی در تایلند برای آزمایش این فرضیه‌ها جمع‌آوری شد. نتایج حاصل از تحلیل‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری میانجی تعدیل‌شده پنهان نشان داد که درحالی‌که رسمی‌سازی قوانین تأثیر منفی مستقیمی بر نقض قوانین اجتماعی دارد، از طریق ادراک خطوط قرمز و احساس همدردی با شهروندانی که از تشریفات اداری رنج می‌برند، منجر به افزایش نقض قوانین اجتماعی می‌شود. همچنین مشخص شد که تماس با شهروندان تأثیر رسمی‌سازی قوانین را بر درک تشریفات اداری تقویت می‌کند، به طوری که رسمی‌سازی قوانین تأثیر غیرمستقیم قوی‌تری بر نقض قوانین اجتماعی در میان بوروکراتیک‌های سطح خیابان دارد که تماس بیشتری با شهروندان دارند. این نتایج به اهمیت حفظ سطح «بهینه» قوانین در تعاملات شهروند-دولت برای اطمینان از اینکه بوروکراتیک‌های سطح خیابان می‌توانند کار خدمات عمومی خود را به طور مؤثر انجام دهند، اشاره می‌کند.

[Hofmann et al \(۲۰۲۱\)](#) در پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل شهروند محور از اینکه چه خدمات عمومی برای کانال‌های ارتباطی دیجیتال مناسب است» بیان داشتند مزایای دیجیتالی کردن خدمات عمومی تنها در صورتی حاصل می‌شود که شهروندان خدمات دیجیتال را بپذیرند و درعین حال استفاده از کانال‌های سنتی گران‌قیمت را متوقف کنند. باین‌حال، بسیاری از شهروندان همچنان از کانال‌های سنتی استفاده می‌کنند. مطالعات در مورد انتخاب کانال و پذیرش فناوری اطلاعات به عواملی که بر رفتار کانال شهروندان تأثیر می‌گذارد، پرداخته است. باین‌حال، آن‌ها تعامل بین ادراک شهروندان از خدمات عمومی و انتخاب کانال آن‌ها و همچنین چگونگی تأثیر طراحی خدمات دیجیتال و تجربه شهروندان از استفاده از برنامه‌های کاربردی سلف‌سرویس را بر انتخاب کانال خود حذف کرده‌اند. علاوه بر این، خوش‌بینی فناورانه دولت دیجیتال ممکن است باعث شده باشد که این سؤال مهم را نادیده بگیریم که آیا همه خدمات عمومی برای دیجیتالی شدن مناسب هستند یا خیر. در این مقاله تحقیقاتی در حال انجام، ما طرح کلی یک پروژه تحقیقاتی را ارائه می‌کنیم که از تابستان امسال شروع می‌شود که در آن به طور انتقادی - از دیدگاه شهروندان و سازمان‌های بخش عمومی - اینکه چه خدمات عمومی برای کانال‌های ارتباط دیجیتال مناسب هستند، تحلیل خواهد شد.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر بر پایه پژوهش کیفی در پارادایم استقرایی بوده و از نظر هدف کاربردی است. از نظر استراتژی‌های پژوهش، یک پژوهش کیفی است که با استفاده از روش تحلیل مضمون، به تحلیل اطلاعات پرداخته شده و از نظر اهداف پژوهش نیز توصیفی اکتشافی به حساب می‌آید. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند ([Abedi et al, ۲۰۱۱](#); [Braun & Clarke, ۲۰۰۶](#)) فرآیند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان شامل ۱. تجزیه و توصیف متن، ۲. تشریح و تفسیر متن و ۳. ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن، شش گام شامل ۱. آشنایی با داده‌ها، ۲. ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، ۳. جست‌وجو و شناخت مضامین، ۴. ترسیم شبکه مضامین، ۵. تحلیل شبکه مضامین، ۶. تدوین گزارش تقسیم نمود ([Abedi et al, ۲۰۱۱](#)). جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه اساتید دانشگاهی و خبرگان در حوزه خط‌مشی گذاری، مدیریت دولتی و مدیریت شهری بود که با توجه به هدف پژوهش، نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند با استفاده از فن گلوله برفی و به تعداد ۱۷ نفر انجام شده است. تعیین حجم نمونه با استفاده از اصل اشباع نظری صورت گرفته است به نحوی که پس از انجام مصاحبه با نفرات پانزدهم و شانزدهم دیگر عامل جدیدی شناسایی نگردید و فرایند مصاحبه با نفر هفدهم به پایان رسید. پروتکل مصاحبه مطابق با جدول ۱ است. مصاحبه‌ها به صورت چهره به چهره و با سؤالات باز انجام شد و سپس با استفاده از فرآیند کدگذاری پیش‌بیندها، استراتژی‌ها و پس‌بیندها در قالب ۳۱ مؤلفه شناسایی شدند. برای اطمینان از صحت کدگذاری و استخراج مفاهیم، کدهای به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها مجدداً در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا از تأیید کدهای استخراج‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان اطمینان حاصل شود. هدف رسیدن به ایده اصلی مصاحبه‌شونده است.

جدول (۱) پروتکل مصاحبه

بسمه تعالی

با سلام و احترام؛ فرم پیشرو پیرامون پژوهش علمی با عنوان «ارائه چارچوب توسعه شهروندمحوری در اداره امور عمومی (مورد مطالعه: شهرداری زنجان)» است. لازم به یادآوری است که پاسخ‌های جنابعالی محرمانه بوده و صرفاً در کشف مفاهیم، مقوله‌ها و روابط بین آن‌ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

شماره مصاحبه:	تاریخ مصاحبه:
---------------	---------------

الف. ویژگی‌های جمعیت شناختی (دموگرافیک) مصاحبه‌شونده:

جنسیت ۱. مرد ۲. زن

سابقه خدمت:

تحصیلات	۱. کارشناسی <input type="checkbox"/>	۲. کارشناسی ارشد <input type="checkbox"/>	۳. دکتری تخصصی <input type="checkbox"/>
			شغل:

ب. سؤالات مصاحبه

۱. به نظر شما چه پیشایندهایی برای توسعه شهروندمحوری در شهرداری وجود دارد؟
۲. چه عواملی بایستی در توسعه شهروندمحوری در اداره امور عمومی در نظر گرفته شود؟
۳. به نظر شما چه استراتژی‌هایی برای توسعه شهروندمحوری در شهرداری وجود دارد؟
۴. توسعه شهروندمحوری در اداره امور عمومی منجر به چه پیامدهایی در شهرداری می‌شود؟

در پژوهش حاضر، روایی، پایایی و اعتبار یافته‌ها از طریق چندین روش سنجیده شده است. ابتدا، برای اطمینان از صحت کدگذاری و استخراج مفاهیم، کدهای به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها مجدداً در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا تأیید آن‌ها بر روی کدهای استخراج‌شده حاصل شود که این فرآیند به افزایش روایی یافته‌ها کمک می‌کند. همچنین، با استفاده از اصل اشباع نظری، حجم نمونه به‌گونه‌ای تعیین شد که پس از مصاحبه با نفرات پانزدهم و شانزدهم، دیگر عامل جدیدی شناسایی نشد که این امر نشان‌دهنده پایایی داده‌ها و اطمینان از جامعیت اطلاعات جمع‌آوری‌شده است. علاوه بر این، استفاده از پروتکل مصاحبه استاندارد و سؤالات باز، به غنی‌تر شدن داده‌ها و افزایش اعتبار یافته‌ها کمک کرده و اطمینان حاصل می‌کند که ایده‌های اصلی مصاحبه‌شوندگان به‌درستی منعکس شده است.

جدول (۲) ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

جنسیت	تحصیلات	شغل	سابقه کار	جنسیت	تحصیلات	شغل	سابقه کار
زن	دکتری	عضو هیئت علمی	۱۲	مرد	دکتری	عضو هیئت علمی	۱۶
زن	دکتری	عضو هیئت علمی	۸	زن	کارشناسی ارشد	مدیر	۱۰
مرد	دکتری	عضو هیئت علمی	۱۵	مرد	دکتری	عضو هیئت علمی	۱۷
مرد	دکتری	عضو هیئت علمی	۱۳	مرد	دکتری	عضو هیئت علمی	۲۱
مرد	دکتری	عضو هیئت علمی	۹	مرد	کارشناسی ارشد	مدیر	۷
مرد	کارشناسی ارشد	مدیر	۱۶	مرد	دکتری	مدیر	۱۱
مرد	دکتری	مدیر	۸	زن	دکتری	عضو هیئت علمی	۱۸
مرد	دکتری	عضو هیئت علمی	۶	مرد	کارشناسی ارشد	مدیر	۱۲
مرد	دکتری	عضو هیئت علمی	۱۹				

۴- یافته‌ها

در این پژوهش با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از این کدها، هر یک در مفهومی مشابه دسته‌بندی شدند و به این ترتیب، مفاهیم پژوهش مشخص شد. بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته به کمک روش تحلیل مضمون مصاحبه‌ها در مجموع ۳ مضمون فراگیر، ۳۱ مضمون سازمان دهنده و ۱۴۶ مضمون پایه شناسایی و استخراج شد. یافته‌های حاصل از این مرحله بیانگر آن است که تاکنون چنین مطالعه نظام‌مند و جامعی انجام نشده و هر یک از مطالعات، بر جنبه خاصی تمرکز داشته‌اند و به صورت چارچوبی جامع و نظام‌مند ارائه نشده‌اند. در جدول ۳، کدهای نهایی استخراج شده نشان داده شده است.

جدول (۳) مضامین مرتبط با توسعه شهروندمحوری در اداره امور عمومی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
	توجه به منفعت عامه	پیوند عدالت و حقوق عامه تعهد برای رفاه و بقا اصل تقدم مصلحت و منفعت عامه تأمین منافع عامه جامعه معیار تعیین شاخص ارزشیابی عملکرد حکمرانان بهره‌مندی عامه
پیشایندها	شناسایی نیازها و خواسته‌های شهروندان	ممیزی اجتماعی طرح‌ریزی سازوکار سنجش نیاز و رضایت شناخت کامل از خواسته‌ها و نیازهای ساکنین ارتباط‌های دوسویه بین تصمیم‌گیرندگان و شهروندان
	اهمیت پاسخگویی	شفافیت در اطلاع‌رسانی بهبود روابط با جامعه محلی تلاش برای بهبود کیفیت خدمات عمومی

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
رفع مشکلات و ارائه خدمات به مردم		
پیشگیری از بسترهای تبعیض لزوم تأکید بر برابری حق گرایی جلوگیری از ویژه خواری خدمات برابر مفهوم عقلانیت و معنویت توجه به حقوق آحاد مردم	عدالت محوری	
هماهنگی در سطح محلی مقابله با تعارض منافع هم افزایی راهبردی توسعه کانال های ارتباطی هم راستایی اهداف پیشگیری از تکراری شدن کار ها و تداخل در فعالیت ها	هماهنگی نهادهای دخیل	
بستر سازی لازم جهت مشارکت توسعه فناوری اطلاعات بهره گیری از ظرفیت دولت الکترونیک	آماده کردن زیرساخت ها	
هوش جمعی تفکر حاکم	خرد جمعی	
تمرکز بر خدمت مستمر شناخت و رفع نیازها طراحی و ارائه بهترین خدمات ممکن نیازهای اجتماعی و رسیدن به خواسته های مردم	نگرش خدمت گرا	
آشنایی افراد با حقوق و وظایف شهروندی ارزش های اجتماعی و فرهنگی اصول دموکراسی مرتبط با زندگی شهروندی شهروندی فعال و مسئول شناخت بیشتر از سیستم سیاسی و حکومت	آموزش مدنی	
احترام به حقوق انسانی توجه به تنوع فرهنگی تمرکز بر ارزش ها و اصول تأکید بر اصول و ارزش هایی که به عنوان راهنما برای رفتار در جامعه هستند	ارزش محوری	
کمیته های شهروندی جلسات عمومی پلتفرم های آنلاین نظرسنجی ها و رأی گیری ها گروه های کاری	مکانیسم های مشارکت	
آموزش و اطلاع رسانی فرآیندهای شفاف تشکیل گروه های مشارکت ایجاد فضای امن	توانمندسازی شهروندان	
ارائه آزادانه و بدون محدودیت داده ها، اطلاعات و دانش فزایش دسترسی عمومی به اطلاعات حفظ حریم خصوصی و حقوق مالکیت فکری	اطلاعات باز	راهبردها

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
سامانه‌های اطلاعات شهری پلتفرم‌های تعاملی سامانه‌های حمایت از شهروندان پلتفرم‌های مشارکتی	فناوری‌های اثربخش	
کاهش مراحل و فرآیندهای پیچیده و طولانی استفاده از فناوری برای خودکارسازی فرآیندها و کاهش نیاز به دخالت دستی در فرآیندها افزایش انعطاف‌پذیری تسهیل در دسترسی به اطلاعات	سیال سازی بوروکراسی‌ها	
استفاده از داده‌ها، اطلاعات و شواهد موجود برای تصمیم‌گیری تصمیمات بر اساس داده‌های قابل‌اثبات و شواهد قابل‌مشاهده استفاده از تحلیل هزینه-فایده استفاده از تحلیل ریسک استفاده از تحلیل چند معیار	تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد	
تفکر راهبردی ارتباط بین فردی آگاهی محیطی توانایی تحلیل و بررسی داشتن دانش و تجربه لازم آگاهی از قوانین و مقررات توانایی مدیریت ریسک حفظ حریم خصوصی	صلاحیت‌های حرفه‌ای کارگزاران	
شناسایی و بهره‌گیری از افراد کلیدی جلب نظر ذی‌نفعان ائتلاف‌های راهبردی	شبکه‌سازی	
حساسیت به مسائل عمومی دانش و تخصص اخلاق حرفه‌ای ابزارهای جدید و نوین برای گزارش دهی گزارش در شرایط سخت و زمان‌بندی‌های فشرده	گزارشگری عمومی	
تبلیغات هدفمند افزایش آگاهی عمومی ارتباط مستقیم با مسئولین اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی	ظرفیت رسانه‌های اجتماعی	
ارتقا کیفیت زندگی شهروندان حمل‌ونقل عمومی کارآمد خدمات آموزشی نشاط عمومی اقبال شهروندان	خدمات عمومی کارآمد	
افزایش آگاهی و درک افراد از اهمیت و ارزش شفافیت فرهنگ شفافیت بر اهمیت انتشار اطلاعات و دسترسی آزاد تأکید دارد	توسعه فرهنگ شفافیت	پسایندها
توسعه فرهنگ شفافیت می‌تواند منجر به کاهش فساد، افزایش اعتماد عمومی و بهبود عملکرد سازمان‌ها و نظام‌های سیاسی و		

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
اجتماعی شود.		
ایجاد روابط مثبت و همکاری بین دو طرف شفافیت در عملکرد حکومتها و سازمانهای محلی، اطلاعات عمومی را به شهروندان ارائه می دهد و این امر باعث می شود که شهروندان بتوانند بهترین تصمیمات را بگیرند و نظارت بر عملکرد حکومتها را داشته باشند ارائه اطلاعات مناسب به شهروندان در مورد مسائل شهری و نحوه شرکت در فرآیند تصمیم گیری، به آنها کمک می کند تا بهتر درک کنند که چگونه می توانند در فرآیند تصمیم گیری شهری شرکت کنند	هم افزایی بین شهروندان و حکومت های محلی	
بهبودسازی خطی بهبودسازی استفاده از منابع موجود منابع موجود به گونه ای تخصیص داده می شوند که بتوانند به بهترین شکل ممکن در راستای دستیابی به اهداف استفاده شوند کاهش هدر رفت منابع مشخص کردن هدف و اولویتها	تخصیص بهینه منابع	
ارتقا شفافیت، مشارکت و قدرت تصمیم گیری شهروندان در امور محلی اطلاعات مربوط به امور شهری و روستایی به صورت شفاف در دسترس شهروندان قرار می گیرد توسعه نظام انتخاباتی محلی تقویت قدرت شوراهای محلی	تقویت دموکراسی محلی	
ارائه خدمات و امکانات مناسب برای شهروندان بازبینی خدمات موجود بهره گیری از فنون نوین دسترسی به این شرایط و امکانات برای تمام شهروندان و به صورت مناسب و کافی	ارتقا سطح رفاه	
تعاملات متقابل بین افراد بازخورد به عنوان یک ابزار برای بهبود عملکرد و رشد قوانین و رویه هایی برای ارائه بازخورد رویکردهای رفتاری و روان شناختی برای پذیرش بازخورد تمرین و توسعه مهارت های ارائه و دریافت بازخورد پایبندی به مجموعه ارزش ها، رفتارها و رویه های رایج چرخه های بازخورد و اصلاحات مداوم در فرآیندها، روشها و سامانه ها	فرهنگ بازخورد	
پیگیری و بهبود مداوم عملکرد تلاش مداوم، توجه به جزئیات، پذیرش بازخورد و تحلیل دقیق آن	بهبود مستمر	
وجود ارتباطات مثبت بین اعضای یک جامعه اشتراکات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، زبانی تقویت روابط مثبت و کاهش تفاوت های اجتماعی انسجام اجتماعی به شکل مستقیم با کیفیت زندگی شهروندان و توسعه جامعه مرتبط است ترویج فرهنگ همدلی و همکاری	انسجام اجتماعی	

ترویج فعالیت‌های اجتماعی	
ترویج روابط مثبت بین اعضای جامعه	
ترویج تفکرات مثبت و سازنده	
احساس متعلق بودن به یک جامعه	
حس تعلق یکی از عوامل مهم در رشد و توسعه	
حس تعلق به جامعه، فرد را به فعالیت‌های اجتماعی و خیریه	حس تعلق
تشویق می‌کند و به افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی کمک می‌کند	
ایجاد فضاهای اجتماعی مشترک	
شرکت و مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت‌های محلی	
با فراهم کردن فرصت‌های مشارکت مدنی، حکومت‌های محلی می‌توانند از تجربه، دانش و دیدگاه شهروندان بهره ببرند و تصمیمات خود را بر اساس نیازها و اولویت‌های واقعی جامعه اتخاذ کنند	مشارکت مدنی
مشارکت مدنی یکی از عناصر اساسی و مهم در فرهنگ شفافیت و حکومت‌های محلی	

کنترل کدهای استخراجی

به منظور کنترل کدهای استخراجی، زمانی که دو رتبه دهنده پاسخ‌گویان را رتبه‌بندی می‌کنند و قصد سنجش میزان توافق این دو رتبه دهنده را دارند، از شاخص کاپا استفاده می‌شود (Nazari & Dastar, ۲۰۱۸). برای کنترل مفاهیم استخراجی، از مقایسه نظر پژوهشگر با یک خبره استفاده است. شاخص کاپا بین صفر و ۱ نوسان دارد و هرچه مقدار سنج به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده توافق بین رتبه دهنده‌گان است (Dehghani et al, ۲۰۱۹). مقدار شاخص با استفاده از نرم‌افزار SPSS در سطح معناداری ۰/۰۰۰ عدد ۰/۸۱۴ محاسبه شد که در جدول ۳، نشان داده شده است. با توجه به کوچک‌تر بودن عدد معناداری از ۰/۰۵ فرض استقلال کدهای استخراجی رد می‌شود. همچنین، استخراج کدها از پایایی مناسبی برخوردار بوده است.

جدول (۴) مقادیر اندازه توافق

مقدار	انحراف استاندارد	عدد معناداری
۰/۸۱۴	۰/۰۶۲	۰/۰۰۰
۱۳۸		

تحلیل متون مصاحبه مرحله‌ای از فرایند اطلاعاتی است که به وسیله آن محتوای اطلاعات با استفاده از به‌کارگیری مجموعه‌ای از قوانین طبقه‌بندی شده و نظام‌دار تغییر و تبدیل می‌یابد و به صورت داده‌های خلاصه شده و قابل مقایسه درمی‌آید. روش آنتروپی شانون پردازش داده‌ها را در مبحث تحلیل متون بسیار قوی انجام می‌دهد. در این روش ابتدا پیام‌ها برحسب مقوله‌ها به تناسب هر پاسخگو در قالب فراوانی شمارش می‌شوند. سپس با استفاده از بار اطلاعاتی هر مقوله، درجه اهمیت هر یک محاسبه می‌شود (Dehghani et al, ۲۰۱۹). در این پژوهش از روش آنتروپی شانون به دلیل قدرت آن و سادگی محاسبه استفاده شده است. بر این اساس، میزان پشتیبانی پژوهش‌های گذشته از یافته‌های این پژوهش به صورت آماری نشان داده می‌شود. برای محاسبه بار اطلاعاتی عدم اطمینان و ضریب اهمیت به ترتیب از رابطه ۱ و ۲ استفاده می‌شود.

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [p_{ij} \ln p_{ij}]$$

$$(j = 1, 2, \dots, n) , K = \frac{1}{\ln m}$$

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j}$$

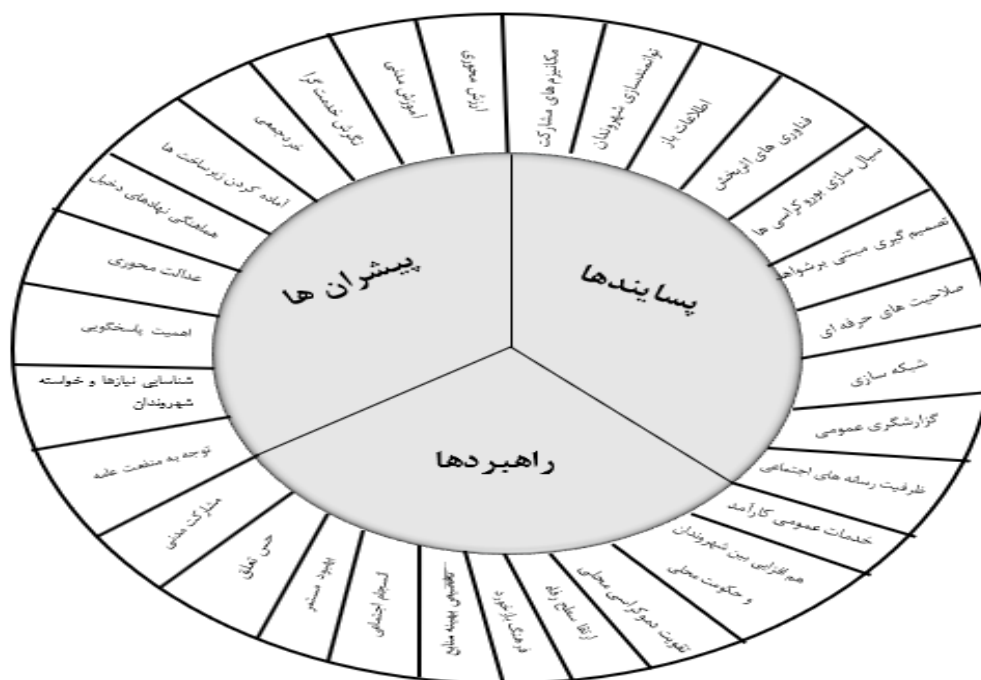
برای محاسبه وزن هر یک از مفاهیم نیز به محاسبه مجموع وزن کدهای آن مفهوم پرداخته شده و بر اساس وزن‌های به دست آمده در جدول ۵، رتبه‌بندی صورت گرفته است.

جدول (۵) رتبه‌بندی و ضریب اهمیت پیشایندها، استراتژی‌ها و پسایندها

رتبه در کل	رتبه در مفاهیم	ضریب اهمیت W_j	ضریب عدم اطمینان E_j	فراوانی	کد
۱۰	۵	۰/۰۲۰۵	۰/۰۰۲	۵	توجه به منفعت عامه
۵	۹	۰/۰۱۲۴	۰/۰۰۲	۱	شناسایی نیازها و خواسته‌های شهروندان
۱	۱	۰/۰۱۳۸	۰/۰۰۲	۲	اهمیت پاسخگویی
۶	۲	۰/۰۱۱۸	۰/۰۰۵	۳	عدالت محوری
۲	۱	۰/۰۲۰۷	۰/۰۰۴	۱۳	هماهنگی نهادهای دخیل
۳	۴	۰/۰۱۲۷	۰/۰۰۲	۳	آماده کردن زیرساخت‌ها
۱۲	۷	۰/۰۱۵۸	۰/۰۰۹	۴	خرد جمعی
۲۱	۵	۰/۰۱۰۶	۰/۰۱۲	۵	نگرش خدمت‌گرا
۱۰	۴	۰/۰۲۰۸	۰/۰۰۴	۲	آموزش مدنی
۱۳	۳	۰/۰۱۹۲	۰/۰۰۴	۳	ارزش محوری
۱۲	۲	۰/۰۲۰۳	۰/۰۰۶	۷	مکانیسم‌های مشارکت
۱۴	۱۱	۰/۰۱۲۹	۰/۰۰۳	۳	توانمندسازی شهروندان
۳	۲	۰/۰۱۸۲	۰/۰۰۵	۲	اطلاعات باز
۶	۵	۰/۰۱۱۵	۰/۰۰۵	۴	فناوری‌های اثربخش
۲۴	۹	۰/۰۲۰۳	۰/۰۰۷	۱	سیال سازی بوروکراسی‌ها
۱۹	۴	۰/۰۱۲۷	۰/۰۰۲	۱	تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد
۸	۶	۰/۰۱۰۰	۰/۰۰۳	۵	صلاحیت‌های حرفه‌ای کارگزاران
۱۶	۳	۰/۰۱۱۵	۰/۰۰۴	۱۶	شبکه‌سازی
۴	۴	۰/۰۲۰۶	۰/۰۰۸	۹	گزارشگری عمومی
۵	۳	۰/۰۱۱۸	۰/۰۰۲	۳	ظرفیت رسانه‌های اجتماعی
۲	۱	۰/۰۱۴۱	۰/۰۰۴	۱۰	خدمات عمومی کارآمد
۸	۳	۰/۰۲۱۶	۰/۰۰۸	۵	توسعه فرهنگ شفافیت
۱۷	۴	۰/۰۱۲۷	۰/۰۰۵	۸	هم‌افزایی بین شهروندان و حکومت‌های محلی
۲۸	۱	۰/۰۱۷۳	۰/۰۰۳	۷	تخصیص بهینه منابع
۱۴	۲	۰/۰۲۰۵	۰/۰۰۲	۲	تقویت دموکراسی محلی
۵	۲	۰/۰۱۵۲	۰/۰۰۶	۳	ارتقا سطح رفاه
۵	۲	۰/۰۲۰۳	۰/۰۰۲	۳	فرهنگ بازخورد
۸	۴	۰/۰۱۷۵	۰/۰۰۸	۵	بهبود مستمر

رتبه در کل	رتبه در مفاهیم	ضریب اهمیت Wj	ضریب عدم اطمینان E _j	فراوانی	کد
۱۳	۲	۰/۰۲۰۹	۰/۰۰۲	۲	انسجام اجتماعی
۳	۶	۰/۰۱۰۸	۰/۰۰۲	۵	حس تعلق
۳	۶	۰/۰۱۰۶	۰/۰۰۲	۵	مشارکت مدنی

بر اساس ضرایب به دست آمده در جدول ۵، مشخص شد از بین پیشایندها، توجه به منفعت عامه، هماهنگی نهادهای دخیل و آموزش مدنی بالاترین رتبه را به دست آوردند. همچنین از راهبردهای بیان شده، مکانیسم‌های مشارکت، سیال سازی بوروکراسی‌ها و گزارشگری عمومی بالاترین رتبه را به دست آوردند و پیامدهای مدل، توسعه فرهنگ شفافیت، تقویت دموکراسی محلی، فرهنگ بازخورد و انسجام اجتماعی نیز بالاترین رتبه را به دست آوردند بدین معنا که در توسعه شهروندمحوری در اداره امور عمومی به این موضوعات توجه بیشتری از جانب خبرگان شده و مورد بررسی فراوانی در پژوهش‌ها قرار گرفته‌اند. از این رو، می‌توان گفت که توجه به این شاخص‌ها در توسعه شهروندمحوری بسیار حائز اهمیت است. بر اساس مطالعه پژوهش‌های پیشین و کدهای استخراج شده با استفاده از روش تحلیل تم، مضامین فراگیر توسعه شهروندمحوری در اداره امور عمومی شامل پیشایندها، راهبردها و پساایندها می‌باشند.



شکل (۱) چارچوب توسعه شهروندمحوری در اداره امور عمومی (منبع: پژوهش حاضر)

۵- بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری کلی این پژوهش نشان می‌دهد که چارچوب توسعه شهروندمحوری در اداره امور عمومی، به‌ویژه در شهرداری‌ها، یک رویکرد استراتژیک و ضروری است که می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات و افزایش مشارکت مدنی منجر شود.

با تمرکز بر نیازها و منافع شهروندان، این چارچوب نه تنها به ارتقای حس اعتماد و مسئولیت‌پذیری در جامعه کمک می‌کند، بلکه به ایجاد جوامع قوی‌تر و فراگیرتر نیز می‌انجامد. پژوهش حاضر با شناسایی پیشایندها، راهبردها و پسایندهای مؤثر در توسعه شهروندمحوری، به‌ویژه در شهرداری زنجان، به ارائه یک الگوی بومی پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها و مصاحبه‌ها با خبرگان نشان می‌دهد که توجه به منفعت عامه، هماهنگی نهادهای دخیل و آموزش مدنی به‌عنوان پیشایندهای کلیدی و مکانیسم‌های مشارکت، سیال‌سازی بوروکراسی‌ها و گزارشگری عمومی به‌عنوان راهبردهای مؤثر، از اهمیت بالایی برخوردارند. این پژوهش نشان می‌دهد که برای تحقق توسعه شهروندمحوری، لازم است مدیران و مسئولان ملی و استانی به شناخت و آگاهی دقیقی از این عوامل دست یابند و از آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها بهره‌برداری کنند. درنهایت، این تحقیق به‌عنوان یک گام مهم در پر کردن شکاف‌های مطالعاتی موجود در زمینه توسعه شهروندمحوری در شهرداری‌ها، به ارائه یک الگوی جامع و بومی پرداخته است که می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای بهبود عملکرد و خدمات شهری در استان‌ها و شهرهای دیگر نیز مورداستفاده قرار گیرد. در مقایسه با نتایج مطالعات پیشین، چارچوب توسعه شهروندمحوری در اداره امور عمومی به‌ویژه در شهرداری‌ها، به‌وضوح بر اهمیت مشارکت مستقیم شهروندان تأکید دارد.

پژوهش [Göçoğlu & Karkin \(۲۰۲۳\)](#) به این نکته اشاره می‌کند که در سیاست‌گذاری عمومی، نیاز به توجه بیشتر به نقش شهروندان به‌عنوان ذینفعان و متقاضیان خدمات وجود دارد. این موضوع در پژوهش شما نیز مورد تأکید قرار گرفته است، جایی که بر اهمیت تعامل با شهروندان و گنجاندن بازخورد آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری تأکید می‌شود. هر دو پژوهش به دنبال ارتقاء کیفیت خدمات عمومی و افزایش حس اعتماد و مسئولیت‌پذیری در جامعه هستند، اما پژوهش شما به‌طور خاص بر روی شهرداری‌ها و نیاز به سفارشی‌سازی خدمات بر اساس نیازهای محله‌های مختلف تمرکز دارد. از سوی دیگر، پژوهش [Gürses \(۲۰۲۳\)](#) نشان می‌دهد که شهرداری‌های کلان‌شهر ترکیه به‌طور مؤثر از رسانه‌های اجتماعی برای ایجاد سیاست‌های شهروند محور استفاده نمی‌کنند و بیشتر به اشتراک‌گذاری اطلاعات یک‌طرفه بسنده می‌کنند. این یافته‌ها با تأکید شما بر اهمیت استفاده از فناوری و رویکردهای نوآورانه برای دسترسی بیشتر و کاربرپسندتر کردن خدمات شهری هم‌راستا است. درنهایت، پژوهش [Potipiroon \(۲۰۲۳\)](#) به تأثیر قوانین رسمی بر رفتار بوروکرات‌ها و تعاملات آن‌ها با شهروندان می‌پردازد که نشان‌دهنده اهمیت حفظ سطح «بهینه» قوانین در تعاملات شهروند-دولت است. این نکته نیز در پژوهش شما با تأکید بر پیشایندهایی مانند عدالت محوری و هماهنگی نهادهای دخیل، مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور کلی، پژوهش شما با تأکید بر نیاز به یک الگوی بومی و جامع برای توسعه شهروندمحوری، به شکاف‌های موجود در مطالعات پیشین پاسخ می‌دهد و ابعاد جدیدی از این موضوع را معرفی می‌کند. این تحقیق با ارائه یک الگوی بومی و جامع برای توسعه شهروند محوری در اداره امور عمومی، به‌ویژه در شهرداری‌ها، نوآوری قابل توجهی به دامنه علم افزوده است. این الگو نه تنها بر اهمیت مشارکت مستقیم شهروندان و تعامل فعال آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری تأکید دارد، بلکه به شناسایی پیشایندها و راهبردهای کلیدی مانند منفعت عامه، هماهنگی نهادها و آموزش مدنی می‌پردازد که می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات و افزایش اعتماد عمومی منجر شود. همچنین، این تحقیق به بررسی چالش‌های موجود در استفاده از فناوری و رویکردهای نوآورانه در ارائه خدمات شهری می‌پردازد و بر لزوم سفارشی‌سازی خدمات بر اساس نیازهای محله‌های مختلف تأکید می‌کند. از این‌رو، این پژوهش به پر کردن شکاف‌های مطالعاتی موجود در زمینه توسعه شهروند محوری کمک کرده و ابعاد جدیدی از این موضوع را معرفی می‌کند که می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای بهبود عملکرد و خدمات شهری در سایر استان‌ها و شهرها نیز مورداستفاده قرار گیرد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:



برای بهبود توسعه شهروند محوری در اداره امور عمومی، به‌ویژه در شهرداری‌ها، پیشنهاد می‌شود که اولاً، برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های مشارکتی برای شهروندان برگزار شود تا آن‌ها را با فرآیندهای تصمیم‌گیری و حقوق خود آشنا کند و به افزایش مشارکت فعال آن‌ها کمک کند. ثانیاً، شهرداری‌ها باید از فناوری‌های نوین و رسانه‌های اجتماعی به‌طور مؤثر استفاده کنند تا ارتباط دوطرفه با شهروندان برقرار کرده و بازخوردهای آن‌ها را در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ کنند. ثالثاً، ایجاد مکانیسم‌های شفافیت و گزارشگری عمومی می‌تواند به افزایش اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی کمک کند. همچنین، لازم است که شهرداری‌ها به سفارشی‌سازی خدمات بر اساس نیازهای خاص محله‌ها توجه کنند و با همکاری نهادهای مختلف، هماهنگی لازم را برای اجرای سیاست‌های شهروند محور فراهم آورند. درنهایت، توجه به عدالت محوری و تأمین حقوق برابر برای تمامی شهروندان در فرآیندهای حکمرانی، می‌تواند به ایجاد جوامع فراگیرتر و قوی‌تر منجر شود.

با توجه به موارد فوق، محدودیت‌های تحقیق حاضر شامل چندین جنبه است که می‌تواند بر نتایج و تعمیم‌پذیری آن تأثیر بگذارد. اولاً، نمونه‌گیری هدفمند ممکن است نماینده کاملی از جامعه بزرگ‌تر نباشد و به همین دلیل، نتایج ممکن است به سایر مناطق یا گروه‌های مشابه تعمیم‌پذیر نباشند. ثانیاً، تغییرات سریع در سیاست‌ها و شرایط اجتماعی ممکن است باعث شود که نتایج این تحقیق در آینده کمتر قابل اعتبار باشد و نیاز به بررسی‌های مکرر و به‌روز داشته باشد. لذا با توجه به محدودیت‌های رایج شده پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی با استفاده از نمونه‌گیری گسترده‌تر و متنوع‌تر، به بررسی تأثیرات چارچوب توسعه شهروند محوری در مناطق مختلف و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوت بپردازند. همچنین، انجام تحقیقات کمی به همراه تحلیل‌های کیفی می‌تواند به تعمیق درک از ابعاد مختلف این موضوع کمک کند. علاوه بر این، بررسی تأثیر فناوری‌های نوین و رسانه‌های اجتماعی بر مشارکت شهروندان و کیفیت خدمات عمومی می‌تواند به شناسایی راهکارهای مؤثرتر در این زمینه منجر شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده به بررسی تجربیات موفق در دیگر کشورها و مقایسه آن‌ها با شرایط محلی بپردازند تا الگوهای بهتری برای توسعه شهروند محوری ارائه دهند. درنهایت، توجه به تغییرات اجتماعی و سیاسی و نیاز به به‌روزرسانی مداوم نتایج تحقیق، می‌تواند به بهبود مستمر سیاست‌ها و خدمات شهری کمک کند.



References

- Abedi Ja'fari H, Taslimi M. S, Faghihi A, & Sheikhzade M. (۲۰۱۱). Thematic Analysis and Thematic Networks: A Simple and Efficient Method for Exploring Patterns Embedded in Qualitative Data Municipalities). *Strategic Management Thought*. ۵(۲). ۱۵۱-۱۹۸. [doi: 10.30497/smt.2011.163](https://doi.org/10.30497/smt.2011.163). (in persian).
- Aschhoff N. (۲۰۱۸). Citizens differ from organizations: Modeling a specific citizen-centered collaborative capacity. *International Journal of Public Administration*. ۴۱(۴). ۲۸۴-۲۹۶. [DOI: 10.1080/01900692.2016.1263657](https://doi.org/10.1080/01900692.2016.1263657)
- Berke S. (۲۰۱۹). The sustainable development of data-driven smart cities: Citizen-centered urban governance and networked digital technologies. *Geopolitics, History, and International Relations*. ۱(۱), ۱۲۲-۱۳۷. [doi:10.22381/GHIR11120199](https://doi.org/10.22381/GHIR11120199)
- Braun V, & Clarke V. (۲۰۰۶). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, ۲, ۷۷-۱۰۱. [DOI:10.1191/1478088706qp063oa](https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa)
- Dehghani M, Yaghoubi N. M, Mooghali A, & Vazife Z. (۲۰۱۹). A comprehensive model of factors affecting establishment of knowledge management. *Journal of New Approaches in Educational Administration*. ۱۰(۳۷), ۱۰۹-۱۳۲. [Doi:20.1001.1.20086369.1398.10.37.6.0](https://doi.org/10.1001.1.20086369.1398.10.37.6.0) (in persian).
- Demirkasimoğlu N, & Demir T. G. (۲۰۲۳). Evaluation of Higher Education Policies in Turkey in the Context of Citizen-Centered Public Policies. In *Citizen-Centered Public Policy Making in Turkey* (pp. ۳۶۷-۳۸۴). Springer, Cham. [DOI:10.1007/978-3-031-35376-2_20](https://doi.org/10.1007/978-3-031-35376-2_20)
- Göçoğlu V, & Karkin N. (۲۰۲۳). Introduction to Citizen-Centered Public Policy Making. In *Citizen-Centered Public Policy Making in Turkey* (pp ۳-۱۴). Cham: Springer International Publishing. [DOI:10.1007/978-3-031-35376-2_14](https://doi.org/10.1007/978-3-031-35376-2_14)
- Gürses F, Arslan E, & Çelik İ. (۲۰۲۳). Citizen-Centered Public Policy making Through Social Media in Local Governments: A Research on Twitter Accounts of Metropolitan Municipalities in Turkey. In *Citizen-Centered Public Policy Making in Turkey* (pp. ۲۵۱-۲۷۰). Cham: Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-031-35376-2_14
- Hecht B, Valaskova K, Kral P, & Rowland Z. (۲۰۱۹). The digital governance of smart city networks: Information technology-driven economy, citizen-centered big data, and sustainable urban development. *Geopolitics, History and International Relations*, ۱۱(۱), ۱۲۸-۱۳۳. <http://dx.doi.org/10.22381/GHIR111201910>
- Ho A. T, & Wu M. (۲۰۲۱). Analyzing Citizen-Centered Collaborative Management: The "Who" and the "How". In *Citizenship and Ethics: From the Neighborhood to the City, Country to the World* (pp. ۲۹-۴۰). Rowman and Littlefield. <https://msesj.com/index.php/mses/article/view/90>
- Hofmann S, Madsen C. Ø, Lindgren I, & Verne G. (۲۰۲۱). A citizen-centered analysis of what public services are suitable for digital communication channels. In *Proceedings of Ongoing Research, Practitioners, Posters, Workshops, and Projects at EGOV-CeDEM-ePart*. Springer. <https://dgsociety.org/egov-2021/>



- Ju J, Liu L, & Feng Y. (۲۰۱۸). Citizen-centered big data analysis-driven governance intelligence framework for smart cities. *Telecommunications Policy*, ۴۲(۱۰), ۸۸۱-۸۹۶. DOI: [10.1016/j.telpol.2018.01.003](https://doi.org/10.1016/j.telpol.2018.01.003)
- König P. D. (۲۰۲۱). Citizen-centered data governance in the smart city: From ethics to accountability. *Sustainable Cities and Society*, ۷۵, ۱۰۳۳۰۸. DOI: [10.1016/j.scs.2021.103308](https://doi.org/10.1016/j.scs.2021.103308)
- Marsal-Llacuna M. L. (۲۰۱۶). City indicators on social sustainability as standardization technologies for smarter (citizen-centered) governance of cities. *Social Indicators Research*, ۱۲۸, ۱۱۹۳-۱۲۱۶. DOI: [10.1007/s11205-015-1075-6](https://doi.org/10.1007/s11205-015-1075-6)
- Nazari M, & Dastar H. (۲۰۱۸). Identification of Factors Affecting Overall Store Price Image (OSPI): A Meta Synthesis Approach. *New Marketing Research Journal*, ۸(۱), ۱-۲۰. doi: [10.22108/nmrj.2017.105788.1360](https://doi.org/10.22108/nmrj.2017.105788.1360). (in persian).
- Orhan G. (۲۰۲۳). Citizen-Centered Environmental Policy making in Turkey: The Struggle of Unheard Voices. In Citizen-Centered Public Policy Making in Turkey (pp. ۳۱۱-۳۳۰). Cham: *Springer International Publishing*. DOI: [10.1007/978-3-031-35364-2_17](https://doi.org/10.1007/978-3-031-35364-2_17)
- Potipiroon W. (۲۰۲۲). Rule formalization, bureaucratic red tape, and prosocial rule breaking among street-level bureaucrats: a citizen-centered perspective. *Public Performance & Management Review*, ۴۵(۳), ۶۳۸-۶۷۱. DOI: [10.1080/10539576.2022.2065644](https://doi.org/10.1080/10539576.2022.2065644)
- Saßmannshausen S. M, Radtke J, Bohn N, Hussein, H, Randall D, & Pipek V. (۲۰۲۱). Citizen-centered design in urban planning: How augmented reality can be used in citizen participation processes. In *Designing Interactive Systems Conference*, ۲۵۰-۲۶۵. DOI: [10.1145/3461778.3462130](https://doi.org/10.1145/3461778.3462130)
- Tekel E, & Su A. (۲۰۲۳). Access versus Quality Trade-off: How Citizen-Centered Is the Public Policy Making in the Expansion of the Turkish Higher Education System?. In Citizen-Centered Public Policy Making in Turkey (pp. ۳۸۵-۴۰۴). Cham: *Springer International Publishing*. DOI: [10.1007/978-3-031-35364-2_21](https://doi.org/10.1007/978-3-031-35364-2_21)
- Wijayanto P. K, Zauhar S, Hakim L, & Said A. (۲۰۲۰). Local Autonomy: State-Centered Government Wrapped in Citizen-Centered Governance in the Tourism Development. *JPAS Journal of Public Administration Studies*, ۵(۱), ۳۹-۴۶. DOI: <https://doi.org/10.21776/ub.jpas.2020.05.018>



Providing a Framework for Citizen-Centric Development in Public Administration (Case Study: Zanzan Municipality)

Received: ۲۸ November ۲۰۲۴ | Revised: ۲۲ December ۲۰۲۴ | Accepted: ۲۶ December ۲۰۲۴

Moghteda Babaei 

Public Administration, Unit Sari, Islamic Azad University, Mazandaran, Iran

ORCID:۰۲-۶۲۰۳-۸۶۴۰

mqtdabababy@gmail.com

Zain al-Abidin Rahmani 

Assistant Professor, Department of Management, Payame Noor University, Sari, Iran

ORCID:۰۲-۲۸۳۱-۱۹۷۳

p_z_rahmani@yahoo.com

Mostafa Jafari 

Department of Management and Accounting, Humanities Faculty, University of Zanzan, Iran

ORCID:۰۳-۳۴۰۹-۹۰۸۰

jafari.mostafa@znu.ac.ir

Abstract

Citizen-centric public administration is an approach to governance that places the needs and interests of citizens at the center of decision-making and service delivery. This concept encompasses designing and implementing public policies and programs that respond to citizens' needs and preferences, ensuring that public services are accessible, efficient, and effective. Therefore, the present research aims to provide a framework for citizen-centric development in public administration within Zanzan. This qualitative study employs thematic analysis based on semi-structured interviews with ۱۷۷ experts in policy-making, public management, and urban management.

The findings were analyzed using the ۲۰۲۰ Maxqda software, from which relevant dimensions were extracted, and the importance and priority of each were determined using the Shannon entropy technique.

According to the research approach, three aspects, ۳۱ components, and ۱۴۶ codes were extracted. National and provincial managers and officials must first gain a precise understanding and awareness of the antecedents of citizen-centric development and then proceed to adopt and implement effective strategies to achieve the identified outcomes. In this study, the citizen-centric development model is presented in the form of ۳۱ components. Since no comprehensive model for citizen-centric development has been proposed to date, this research can contribute to the development of literature in this field and elucidate the importance of local democracy.

Keywords: Citizen-Centered, Local Democracy, Public Administration, Zanzan Municipality



مدیریت راهبردهای خرید در بازار ارزهای رمزی پایه؛

مقایسه تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶



فریدون قاسمی

گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۷۸۸۸-۹۷۳۰

Dr.FGhasemi@hotmail.com



میلاد استعلامی

کارشناسی ارشد، گروه مدیریت کسب و کار، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۱-۸۴۰۱-۹۳۸X

Milad.Estelami@gmail.com

چکیده

باتوجه به پذیرش ارزهای رمز پایه بین عموم مردم، استفاده از ارزهای رمز پایه به عنوان پول رایج در تمام سطوح اقتصادی جهان و گسترش دنیای دیجیتال بر پایه بلاک چین، اهمیت سرمایه گذاری در بازار ارزهای رمزی پایه روز به روز بیشتر می شود، و در نتیجه نیاز به آگاهی از روش های مناسب تحلیل قیمت برای اتخاذ تصمیمات منطقی و سود ساز در این بازار پر نوسان و اجتناب از رفتارهای هیجانی افزایش می یابد. محقق در تحقیق حاضر به دنبال معرفی بهترین روش سرمایه گذاری از بین دو روش تخصصی مطرح در بازار سرمایه یعنی روش تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی می باشد. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی مقایسه ای می باشد که ماهیتاً پس رویدادی بوده و به اطلاعات گذشته توجه می نماید. جامعه آماری این مطالعه تمامی ارزهای رمز پایه موجود در صرافی های مرتبط به این بازار می باشد که در وبگاه مرجع، Coinmarketcap، فهرست شده اند و برای محاسبه ی نمونه آماری از روش قضاوتی استفاده شده است. حجم نمونه شامل شش ارز رمزی پایه برتر بر اساس ارزش بازار می باشد و در بررسی آنها از ۴ شاخص پر کاربرد تحلیل بنیادی و ۴ شاخص مطرح تحلیل تکنیکی استفاده شده است. نتایج نشان دهنده ی تایید فرضیه محقق در یک دوره ی دوماهه می باشد که میزان بازدهی اکتسابی از روش تحلیل تکنیکی بسیار بیشتر از تحلیل بنیادی بوده است.

کلمات کلیدی: تحلیل بنیادی، تحلیل تکنیکی، بازار ارزهای رمزی پایه، خط مشی سرمایه گذاری، بازدهی

^۲ <https://doi.org/10.71810/JNAPA.2020.1192439>

۱- مقدمه

به پولی که در کیف خود نگه می‌دارید سود پرداخت نمی‌شود، اگر به جای نگهداری در کیف آن را صرف خرید اوراق قرضه و... کنید، می‌توانید از یک درآمد با نرخ بهره اسمی سود ببرید (منکیو، ۱۳۹۱). امروزه با وجود تورم زیاد، کاهش هرروزه‌ی ارزش پول، افزایش سطح آگاهی مالی در افراد جامعه و آشنایی با مبحث خلق پول توسط خود آن، پس‌انداز پول جای خود را به سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی نظیر: خرید اوراق بهادار، اوراق قرضه، بازار ارز، کالا و ارز رمز پایه می‌دهد. به گفته Pindyck سرمایه‌گذاری به معنای هزینه‌کردن در زمان حال برای یافتن درآمد بیشتر در آینده است. روشن است که درآمد در آینده امری غیرقطعی است؛ چرا که به آینده مربوط است. اما هرچقدر محیط اقتصاد دارای ثبات بیشتری باشد پیش‌بینی آینده دقیق‌تر و به تبع آن سرمایه‌گذاری مطمئن‌تر می‌شود (سرزعی، ۱۳۹۷). در سرمایه‌گذاری مطمئن، باید سرمایه‌گذار دیدگاه درستی از رفتارهای قیمتی در بازارهای مالی داشته باشد و این کار با چیزی جز تحلیل منطقی به دست نمی‌آید. قدم اول برای سرمایه‌گذاری، شناخت دانش و مبانی آن است، چرا که در صورت نداشتن دانش موردنیاز سرمایه‌گذاری ممکن است دچار ضرر شوید. در این تحقیق، ابزارهای علمی و عملی دانش سرمایه‌گذاری را در بازار ارزهای رمز پایه بررسی می‌کنیم تا ابزاری که بازدهی بیشتر و سریع‌تری را ارائه می‌کند را بشناسیم. دو رویکرد تحلیل تکنیکی (پیش‌بینی بر اساس گذشته نمودار قیمت) و تحلیل بنیادی (یافتن ارزش ذاتی بر اساس داده‌های بلاک‌چین) به‌عنوان دو متغیر مستقل و بازدهی حاصل از استراتژی تحلیل‌های بنیادی و تکنیکی به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای بررسی اینکه کدام رویکرد اعتبار بیشتری برای کمک به سرمایه‌گذار در معاملات ارزهای رمز پایه دارد، پیش‌بینی رفتار قیمت ارزهای رمز پایه بر اساس این دو نوع تحلیل بررسی می‌گردد و با مقایسه نتایج حاصل، بهترین روش برای انتخاب استراتژی‌های معامله در این بازار معرفی خواهد شد.

در تحقیق حاضر به بررسی مقایسه‌ی تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی در بازار ارزهای رمز پایه پرداخته خواهد شد و محقق با نوشتن فرضیات مورد نیاز برای این سوال که کدام یک از این دو روش‌های تحلیل بازار سرمایه، بازدهی بیشتری دارد؟ به دنبال پاسخ مناسب خواهد بود.

۲- ادبیات تحقیق

ارزهای رمز پایه

خرید ارزهای رمز پایه از راه‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد که در جلسه ۱۳۹۸/۰۵/۰۶ به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران توسط مصوبه هیئت وزیران به شماره ۵۸۱۴۴/ت/۵۵۵۶۳۷-ه در خصوص صدور مجوز فعالیت در حوزه ارز دیجیتال با شرط کسب مجوز قانونی، مجاز اعلام شده است.

ارز رمز پایه، یک ارز دیجیتال است که از رمزنگاری برای تامین فرایندهای درگیر در معاملات و تولید واحدها استفاده می‌کند. بیت‌کوین به عنوان اولین رمزنگاری غیرمتمرکز جهان، در سال ۲۰۰۹ و بر اساس یک White Paper که توسط شخصی با نام مستعار ساتوشی ناکاموتو نوشته شده بود، ایجاد شد. در ارزهای متمرکز، دولت‌ها با چاپ پول جدید، عرضه ارز را کنترل می‌کنند. در مقابل، بیت‌کوین یک ارز غیرمتمرکز است، و هیچ نهادی مسئولیت ایجاد واحدهای جدید بیت‌کوین را

برعهده ندارد، همچنین بیت‌کوین امن‌ترین شکل تراکنش در تاریخ جهان است، معاملات بلاک‌چین به شدت رمزگذاری شده است. در حال حاضر، برای حمله به بلاک‌چین بیت‌کوین و سایر ارزهای رمز پایه، به قدرتی به اندازه پنجاههزار ابررایانه نیاز است که ساخت این مقدار ابررایانه در جهان امروز فعلاً امکان‌پذیر نیست (Harvey, ۲۰۱۴). ساختار بلاک‌چین دارای یک رجیستری قوی برای همه معاملات است. بلاک‌چین برای فرایندهای تجاری سنتی مشکلات جدی ایجاد کرده است؛ زیرا برنامه‌ها و معاملاتی که برای تأیید آنها به معماری متمرکز و یا به اشخاص ثالث مورداعتماد احتیاج بود، اکنون می‌توانند با همان سطح اطمینان، به روشی غیرمتمرکز و منحصر به فرد عمل کنند. ویژگی‌های معماری بلاک‌چین خواصی مانند شفافیت، استحکام و امنیت را فراهم می‌آورد (Greenspan, ۲۰۱۵). بلاک‌چین اخیراً علاقه‌مندی‌های ذی‌نفعان را به طیف وسیعی از صنایع جلب کرده است: امور مالی، مراقبت‌های بهداشتی، اینترنت اشیا، خدمات شهری، املاک و بخش دولتی. برنامه‌هایی که فقط از طریق یک واسطه قابل اعتماد قابل اجرا بودند، امروزه می‌توانند با روشی غیرمتمرکز، بدون نیاز به انحصار مرکز عمل کنند با همان میزان اطمینان (Christidis & Devetsikiotis, ۲۰۱۶). به طور مثال در سال ۲۰۱۵ متوسط هزینه انتقال پول بین‌المللی ۷،۳۷ درصد در سراسر جهان بود. علاوه بر این، حتی اگر طرفین انتقال پول، درگیر بانک‌های مرکزی دولت باشند همچنان امکان کلاهبرداری و سرقت وجود دارد، درحالی‌که بازار بین‌المللی انتقال پول شامل واسطه‌های بی‌شماری علاوه بر بانک‌های مرکزی است که امنیت کمتری نیز دارند. استفاده از فناوری بلاک‌چین در بانک‌ها می‌تواند تمام این ترس‌ها را غیرضروری کند و باعث می‌شود تا بانک‌های مرکزی بتوانند رفتار سپرده‌گذاران خود را مستقیماً رصد کنند و به شکست مسائلی مانند پول‌شویی و فرار مالیاتی بسیار کمک کند (Raskin & Yermack, ۲۰۱۸). تقریباً یک دهه پیش ساتوشی ناکاموتو، فرد/گروه ناشناخته پشت بیت‌کوین، توضیح داد که چگونه می‌توان از فناوری بلاک‌چین، یک ساختار توزیع شده نظیر به نظیر برای حل مشکل نظم معاملات و جلوگیری از افزایش مشکل هزینه استفاده کرد (Nakamoto, ۲۰۰۸). فناوری بلاک‌چین به معنی بلوک‌های زنجیره‌ای است که هر بلوک علاوه بر تراکنش‌ها، دو عامل دیگر را در خود دارد، نخست خلاصه‌ای کوتاه از اطلاعات بلوک‌های قبلی که هش نامیده می‌شود و دوم یک مسئله ریاضی سخت که برای ایجاد بلوک بعدی به پاسخ آن نیاز است (استخراج)، بلوک‌های این فناوری قابل تغییر نیستند و اکوسیستم یکپارچه‌ای برای ارزهای رمز پایه ایجاد می‌کند که تمامی بلوک‌ها زنجیروار به هم متصل هستند (عباسی، ۱۳۹۷). بلاک‌چین مکانیزمی است که اجازه می‌دهد معاملات توسط گروهی از بازیگران غیرقابل شناسایی تأیید شود. این یک دفتر توزیع شده، تغییرناپذیر، شفاف، امن و قابل کنترل است و اجازه دسترسی به تمام معاملات انجام شده از زمان معامله اول سیستم را به تمام کاربران می‌دهد (Antonopoulos, ۲۰۱۴).

دو مورد از چالش‌های حوزه ارز رمز پایه، مقیاس‌پذیری شبکه بلاک‌چین و مصرف بالای انرژی برق در استخراج ارزهایی نظیر بیت‌کوین، اتریوم و ... می‌باشد. در مورد مقیاس‌پذیری، ویژگی سوم از سه‌گانه بلاک‌چین (تمرکززدایی، امنیت و مقیاس‌پذیری)، باید اذعان داشت که این مورد با توجه به قدرت گره‌های شبکه و کاهش امنیت با افزایش سرعت پردازش تراکنش‌ها یکی از چالش‌های مهمی است که متخصصان بلاک‌چین تلاش کرده‌اند با ایده‌های مختلف نظیر تکنیک شاردینگ در صدد بهبود عملکرد مقیاس‌پذیری شبکه باشند. همچنین در فرایند استخراج، مصرف بالای برق و به‌وجود آمدن حجم وسیعی از پسماندهای الکترونیکی غیرقابل استفاده در آینده از نگرانی‌های فعالان محیط‌زیست در رابطه با موضوع فناوری بلاک‌چین است.

سرمایه‌گذاری در بازار ارزهای رمز پایه به شکل گسترده‌ای مورد استقبال عموم مردم در کل جهان قرار گرفته و هر روز بر تعداد سرمایه‌گذاران در این حوزه افزوده می‌شود. بحران اعتماد در نظم جهانی موجود و سیستم فعلی مقررات دولتی در مواقع بحران، سطح اعتماد بازیگران اقتصادی به دولت‌ها به طور پیوسته در حال کاهش است. پدیده‌های منفی مانند تورم بالا، کاهش شدید ارزش پول، جنگ ارزی و تحریم‌ها باسیاست خارجی، سیاست‌های اقتصادی و مالی دولت مرتبط است. دگرگونی اجتماعی - اقتصادی در نتیجه فرایند دیجیتالی‌شدن، ارزهای رمز پایه اولین آزمایش در مقیاس بزرگ فناوری بلاک‌چین (فناوری دفترکل توزیع شده) بودند. این فناوری امکان ایجاد تعاملات غیرمتمرکز را فراهم می‌کند و امنیت آنها را تضمین می‌کند. با حذف واسطه‌هایی که نقش ضامن تعهدات را بازی می‌کنند، روابط اقتصادی را از نظر فناوری کارآمدتر می‌کند. علاوه بر این، روندهایی مانند توسعه سریع فناوری‌های دیجیتال، ارزان شدن فناوری رایانه، افزایش قدرت محاسباتی و نفوذ عمیق دستگاه‌های تلفن همراه راه‌های جدیدی را برای سازماندهی روابط اقتصادی و اجتماعی برای مردم باز می‌کند ([Gapurbaeva et al., 2024](#)). بعد از بیت‌کوین سایر ارزهای رمز پایه با ایجاد راهکارهایی بهتر هر کدام در جهت رفع قسمتی از مشکلات پول و انتقال آن به وجود آمدند. به طور مثال اتریوم برای بهبود قراردادهای هوشمند مستقل یا نرم‌افزارهای غیرمتمرکز ساخته شد و در تحقق این هدف هم بسیار موفق بود. استفاده از اتریوم باعث می‌شود احتمال جعل به صفر برسد ([Buterin, 2013](#)). ارز ریپل باهدف ظرفیت تراکنش بالا عرضه شد، لایت‌کوین از فناوری هم‌تا به هم‌تا مثل بیت‌کوین استفاده کرد و سرعت بالا در تراکنش‌ها و استخراج راحت‌تر از ویژگی‌های لایت‌کوین است و مثال‌های متعدد دیگر. ارزهای رمز پایه دو نوع هستند: ارزی که بلاک‌چین مختص خود را دارند که به آنها کوین می‌گویند و در مقابل ارزی که بر بستر بلاک‌چین ارز دیگری طراحی شده باشند نیز توکن نام دارند. خریدوفروش ارزهای رمز پایه، امروزه یکی از روش‌های کسب درآمد در بازارهای مالی محسوب می‌شود که مانند تمام بازارهای مالی دیگر، این امر نیازمند شناخت استراتژی‌های کارآمد و استفاده از تحلیل بنیادی یا تکنیکی یا ترکیبی از هر دو این تحلیل‌هاست.

تحلیل بازارهای مالی

مردم در کسب‌وکار خود با بازارهای داخلی و برون‌مرزی درارتباط هستند. در سطح جهانی و در طی شبانه‌روز بازارهای سهام، کالا، اوراق قرضه و ارز در حال تغییر هستند و هر زمان از خواب برمی‌خیزیم ممکن است رویداد جدیدی را برای ما پدید آورده باشند. در واقع با این مسئله روبرو هستیم که بازارهای مالی، امروز یا هفته آینده چگونه حرکت خواهند کرد؟ ([مورفی, 1387](#)). با تغییر چشمگیر بازارهای مالی، تحلیل آنها از مهم‌ترین موضوعات برای تعیین سرمایه‌گذاری در روند بازار و کاهش جنبه‌ی شانس و قمار در سرمایه‌گذاری است ([Hooke, 2010](#)). تحلیل‌گری مالی شیوه‌ای است که برای استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی این امکان را فراهم می‌کند تا هنگام تصمیم‌گیری اقتصادی به اطلاعاتی دست یابند که از طریق سیستم اطلاعات موجود در بازار امکان آگاهی از آنها وجود ندارد و در واقع اطلاعات تخصصی هستند ([نیکومرام & رودپشتی, 1396](#)). در بازارهای مالی به منظور ورود به سرمایه‌گذاری و انتخاب یک دارایی مالی، اقدام به بررسی آن می‌نمایند تا در صورت ارزنده بودن، وجوه خود را به آن دارایی تبدیل کنند. دو نوع تحلیل وجود دارد که توسط سرمایه‌گذاران مورد استفاده قرار می‌گیرد، تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی. از هر دو آن‌ها می‌توان برای تعیین ارزش و عملکرد آینده بازار استفاده کرد. تحلیل بنیادی ارزش ذاتی یک سهام را تحلیل می‌کند و آن را با قیمت فعلی مقایسه می‌کند در حالی که تحلیل تکنیکی پیش‌بینی می‌کند بهترین زمان برای خرید و فروش سهام برای سرمایه‌گذار چه زمانی است و بر مبنای قیمت گذشته است ([Jakpar et al., 2018](#)).

تحلیل بنیادی

از دهه ۱۹۲۰ با معرفی ارزش زمانی پول، ساختار انتخاب و ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری با گذشته، از بعضی جهات متفاوت شد و با بروز بحران اقتصادی و جنگ جهانی دوم، رشد این نظریه‌ها به کندی انجام گرفت ولی از دهه ۱۹۴۰ با معرفی ابزارهای جدید مالی، روش‌های قیمت‌گذاری دارایی‌ها سرعت بیشتری گرفت و از دهه ۱۹۷۰ به بعد نیز فرضیات نظریه‌های مدرن مورد تردید قرار گرفته و هر روز به بررسی و مطالعه‌های بیشتر منجر شده است و آثار و تبعات آن تا امروز و حتی تا دهه‌های پیش‌رو، در نظریه‌های سرمایه‌گذاری ادامه‌دار خواهد بود (رایلی & براون، ۱۳۹۵). تحلیل بنیادی به عنوان سنگ‌بنای سرمایه‌گذاری شناخته می‌شود که برای ارزیابی ارزش ذاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Drakopoulou, ۲۰۱۶). این ارزش ذاتی تابعی است از متغیرهای بنیادی سهام که با برآورد و تعیین مقدار ارزش، می‌توان با قیمت فعلی سهم در بازار مقایسه کرد (جونز، ۱۳۸۸). هدف اصلی از تحلیل بنیادی پیش‌بینی درآمد آینده و ارزش ذاتی سهم است تا سرمایه‌گذار بتواند به موقع تصمیم بگیرد و سود خود را به دست آورد، سه مرحله برای بررسی تحلیل بنیادی وجود دارد که به عنوان چهارچوب اقتصاد - صنعت - شرکت یا رویکرد از بالا به پایین شناخته می‌شود (AS, ۲۰۱۳). در سطح شرکت، تحلیل بنیادی با صورت‌های مالی، مدیریت، مفهوم تجارت و سایر جنبه‌های مالی سر و کار دارد تا بینش بیشتر و دقیق‌تری در مورد عملکرد شرکت داشته باشد. داده‌های حسابداری مانند سودآوری، اهرم، فعالیت‌های مالی و نسبت‌های بهره‌وری، ارزش شرکت را نشان می‌دهد (Iqbal et al., ۲۰۱۳). تحلیل بنیادی، در امور مالی، برای تحلیل دارایی‌ها، بدهی‌ها و سودهای تجاری، بررسی سلامت مالی و شرایط رقبا و بازار، وضعیت اقتصاد و عواملی مانند نرخ بهره، تولید، درآمد، اشتغال، تولید ناخالص داخلی، مسکن، و ... را در نظر می‌گیرد. دو روش در تحلیل بنیادی وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد: تحلیل از پایین به بالا و تحلیل از بالا به پایین. در تحلیل پایین به بالا انتخاب سهام بر اساس عوامل بنیادی شرکت انجام می‌گیرد و در روش بالا به پایین به وضعیت فعلی و دورنمای بخش‌های ملی و جهانی اقتصاد توجه می‌شود (رایلی & براون، ۱۳۹۵). تحلیل بنیادی یک شرکت از مهم‌ترین عواملی است که در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری تاثیر می‌گذارد. عوامل بنیادی به عنوان اصلی‌ترین عوامل موثر بر حرکت بازده سهام در نظر گرفته می‌شوند (Hou et al., ۲۰۱۱). تحلیل بنیادی بر این فرض استوار است که هر مورد معامله‌ای در بازار مالی دارای یک ارزش ذاتی می‌باشد که تابعی از متغیرهای بنیادی است و تحلیل‌گران این حوزه با مطالعه متغیرهای مربوط به آن درصد تعیین قیمت ذاتی برای تشخیص مناسب بودن یا نبودن موقعیت سرمایه‌گذاری هستند (Bettman et al., ۲۰۰۹). به کارگیری تحلیل بنیادی در دو بازار بورس و ارزهای رمزپایه در نوع عوامل تاثیرگذار، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد. در بورس، تحلیل را روی سهام یک شرکت واقعی انجام می‌دهیم که در آمد سه ماهه، بازدهی و سود را به عنوان شاخص‌های رشد شرکت گزارش می‌دهد، ولی در تحلیل بنیادی ارزهای رمز پایه، عوامل موثر بر قیمت متفاوت بوده و ساختار بررسی در این حوزه مالی به عوامل دیگری وابسته است. تحلیل در هر دو بازار ماهیت یکسانی دارد؛ اما به خاطر تفاوت مشخصه‌های مورد نیاز برای بررسی، دچار تفاوت شده‌اند. بر اساس میزان اهمیت عوامل بنیادی، ۴ عامل بنیادی در این بررسی انتخاب شده است:

۱. پارامتر Market Cap
 ۲. پارامتر NVT
 ۳. پارامتر FCAS
 ۴. پارامتر ROI
- مارکت کپ یا ارزش کل بازار
- مارکت کپ به عنوان یکی از مهم‌ترین عامل‌ها در سرمایه‌گذاری روی پروژه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهمیت این عامل به اندازه‌ای است که رتبه‌بندی ارزهای دیجیتال بر اساس آن انجام می‌گیرد.
- پارامتر ارزش شبکه نسبت به میزان تراکنش‌ها

این پارامتر، ارزش یک شبکه نسبت به ارزش تراکنش‌های انجام شده در آن شبکه را در بازه‌های زمانی مختلف بررسی می‌کند. پارامتر NVT برای اولین بار توسط ویلی وو معرفی شد. این پارامتر از تقسیم کل حجم سرمایه موجود در پروژه بر تراکنش‌های روزانه انجام شده در شبکه آن پروژه به دست می‌آید و مشابه پارامتر P/E در تحلیل بازار سهام است. وقتی NVT یک ارز بالا باشد، ارزش شبکه آن بر ارزش مقدار ارز مبادله شده در شبکه پیشی گرفته است و زمانی اتفاق می‌افتد که سرمایه‌گذاران به عنوان سرمایه‌گذاری بلندمدت به این ارز دیجیتال نگاه کرده و آن را نگهداری یا به اصطلاح HODL (نگهداری) کنند.

پارامتر امتیاز پروژه‌ها از نظر شاخصه‌های بنیادی

این پارامتر امتیاز پروژه‌ها از نظر بنیادی است که به صورت نسبی و مقایسه‌ای بین پروژه‌های مختلف انجام می‌شود. معیارهای موثر در این امتیازدهی فعالیت کاربران پروژه و عملکرد برنامه‌نویسان آن می‌باشد. امتیازدهی در پارامتر FCAS به صورت یک بازه امتیازدهی ۱۰۰۰-۰ که به پنج دسته تقسیم می‌شود.

پارامتر نرخ بازگشت سرمایه

نرخ بازگشت سرمایه، نشان‌دهنده میزان رشد قیمت یک ارز از ابتدای راه‌اندازی تا زمان بررسی این پارامتر است، قابل ذکر است که این درصد سود در صورتی است که شناختی نسبت به بازار نداشته باشیم و به صورت تصادفی اقدام به خرید و فروش کنیم.

تحلیل تکنیکی

تحلیل تکنیکی یک روش برای پیش‌بینی حرکت قیمت سهام با استفاده از ابزارهای پیش‌بینی مانند تشخیص الگوی حرکتی قیمت و تحلیل نمودار، بدون مراجعه به تحلیل‌های بنیادی است (مورفی، ۱۳۹۸). از تحلیل تکنیکی می‌توان برای پیش‌بینی وضعیت آینده در همه بازارهای مالی استفاده نمود. اساس این تحلیل‌ها در نمودار قیمت‌ها و شاخص‌های حرکتی قیمت خلاصه می‌شود (John, ۲۰۱۴). تحلیل تکنیکی بر اساس سه اصل پایه‌گذاری شده است: ۱. همه اطلاعات در قیمت‌ها لحاظ شده است. ۲. قیمت بر اساس روند حرکت می‌کنند. ۳. تاریخ تکرار می‌شود (میرز، ۱۳۸۴). این تحلیل‌گران معتقدند که عوامل موثر بر عرضه و تقاضا بی‌شمارند و نمی‌توان آن‌ها را به دقت شناسایی نمود، لذا بهترین روش را مطالعه حرکات گذشته و یافتن الگوی تغییرات آینده قیمت می‌دانند، عرضه و تقاضا را وابسته به عوامل بسیار زیادی دانسته و معتقدند که قیمت گذشته منعکس‌کننده آینده بوده و قیمت را تابع محض عرضه و تقاضا می‌دانند (Neftci, ۱۹۹۱). در تحلیل تکنیکی نمودارها، منحنی‌ها، روابط هندسی و ریاضی موجود، مورد تحلیل قرار گرفته تا مشخص شود که اقلام معاملاتی در آینده به چه قیمتی خواهد رسید و در چه زمان انجام می‌شود (طالع، ۱۳۸۷). تئوری Dow، پدر تمام تحقیقات و مطالعات تکنیکی بازار است. اگر چه مکرراً به دلیل تاخیر زیاد مورد انتقاد قرار گرفته و گاهی (خصوصاً در مراحل اولیه بازار راکد) توسط کسانی که در پذیرفتن نظرات او تمرد می‌کنند، مورد تمسخر قرار گرفته است، با این حال نام او برای هر کسی که با بازار سهام ارتباط داشته است، آشنا و معتبر است (تهرانی & اسماعیلی، ۲۰۱۲). داو اظهار داشت که وقتی یکی از میانگین‌ها (میانگین متوسط صنعتی Dow Jones یا میانگین حمل‌ونقل Dow Jones) افزایش یابد، همتای خود تمایل دارد طی مدت‌زمانی به همان سطح بالا برود. اگر این اتفاق نیفتد، گفته می‌شود که میانگین‌ها واگرایی نشان می‌دهند و این اتفاق باعث روند معکوس بازار می‌شود (Reilly & Brown, ۲۰۱۲). چارلز داو در سال ۱۹۰۰ تئوری داو را توسعه داد اما به دلیل درگذشت در سال ۱۹۰۲ موفق به انتشار این تئوری به صورت کامل نشد. پس از مرگ وی، تعدادی از همکارانش مثل ویلیام پیتز همیلتون و جورج شفی، این تئوری را بیشتر مورد مطالعه قرار دادند و تئوری را گسترش دادند (Ray, ۲۰۱۲). مطالعات نزدیک‌تر نشان داد که کیفیت نظریه پس از

سال ۱۹۳۸ به طرز چشمگیری تغییر کرده است. اگرچه نتایج نظریه داو، ویژگی‌های ذاتی فرمول‌های پیش‌بینی را هم در حوزه تجارت و هم در امور مالی نشان می‌دهد، اما این تغییرات تصادفی نیست ([Graham, ۲۰۱۶](#)). امروزه تحلیل تکنیکی به صورت یک علم پذیرفته شده در مطالعات دانشگاهی ایفای نقش می‌کند و نسبت به نظریه ابتدایی داو پیشرفت زیادی داشته و ضعف‌های نظریه وی را در اعلام اخطار خرید و فروش قبل از شروع تحرکات بازار تا حد زیادی بهبود بخشیده است. به نظر می‌رسد داو هرگز قصد استفاده از نظریه‌اش برای پیش‌بینی جریان بازار را نداشت و برداشت او این بود که از این نظریات برای تعیین وضعیت عمومی سرمایه‌گذاری درجهان می‌توان استفاده کرد. با این حال نظریه داو پایه و اساس تحلیل تکنیکی را تشکیل می‌دهد ([مورفی, ۱۳۹۸](#)). اگرچه تحلیل تکنیکی از قوانین و اصول از پیش تعریف شده پیروی می‌کند، تفسیر نتایج عموماً ذهنی است. به این معنا که اگرچه جنبه‌های خاصی مانند محاسبه شاخص‌ها از قوانین خاصی پیروی می‌کنند، تفسیر یافته‌ها اغلب بر اساس ترکیبی از تکنیک‌هایی است که متناسب با سبک و رویکرد تحلیلگر فردی است. از این نظر، تحلیل تکنیکی شبیه به تحلیل بنیادی است که برای مثال قوانین خاصی برای محاسبه نسبت‌ها دارد، اما ذهنیت را در مرحله ارزیابی افزایش می‌دهد ([Jogani, ۲۰۲۴](#)).

امروزه در علم تحلیل تکنیکی، عوامل پرکاربردی به وجود آمده است که بر اساس کارایی این عوامل، چهار عامل در این بررسی انتخاب می‌شوند:

۱. پرایس اکشن یا بررسی فعالیت قیمت
 ۲. نظریه موج الیوت و نسبت فیبوناچی
 ۳. الگوهای قیمتی
 ۴. نوسان‌نماها: مکدی، قدرت نسبی و میانگین متحرک
- پرایس اکشن یا بررسی فعالیت قیمت
- این ابزار از چهار بخش: ۱. کندل‌ها ۲. شتاب و سرعت ۳. عمق و مسافت ۴. رفتارشناسی معامله‌گران ۱. کندل‌ها: در این بخش به بررسی قدرت کندل‌ها پرداخته می‌شود. ۲. شتاب و سرعت: سنجش سرعت حرکتی موج به ما قدرت موج را نشان می‌دهد، برای بررسی این مقوله ابتدا یک خط زاویه را در شروع موج منطبق بر زاویه صفر درجه رسم می‌کنیم و تا انتهای روند ادامه می‌دهیم، حال زاویه خط نشان‌دهنده سرعت حرکت موج است که با سرعت دو موج قبلی مقایسه کرده و قدرت روند فعلی را ارزیابی می‌کنیم ۳. عمق و مسافت: اندازه موج اصلاحی را عمق و اندازه موج پیش‌رونده را مسافت می‌نامند. هرچه مسافت یک موج نسبت به دو موج قبلی بیشتر باشد قدرت روند بیشتر است و برعکس، و هرچه عمق یک موج اصلاحی نسبت به دو موج قبلی خود بیشتر باشد روند ضعیف‌تر است و برعکس ۴. رفتار و واکنش معامله‌گران نسبت به حرکت قیمت.

نظریه موج الیوت و نسبت فیبوناچی

موج الیوت: طبق قانون سوم نیوتن هر کنشی، واکنشی برابر و خلاف جهت آن دارد، در مورد بازارهای مالی نیز همین قانون صدق می‌کند. هر حرکت قیمتی، چه نزولی و چه صعودی باید با حرکت خلاف جهت آن همراه باشد ولی تفاوت آن با قانون سوم نیوتن این است که این کنش و واکنش با یکدیگر برابر نیستند و نسبت‌های فیبوناچی، اندازه موج‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. موج‌های اصلی، امواج پیش‌رونده و امواج خلاف جهت، امواج اصلاحی نامیده می‌شوند. پیش‌رونده، جهت اصلی روند قیمت‌ها را نشان می‌دهد در حالی که موج اصلاحی بر خلاف جهت گرایش اصلی حرکت می‌کند.

نسبت فیبوناچی: نسبت‌های ریاضی که از دنباله فیبوناچی بدست آمده‌اند. دنباله فیبوناچی توسط لئوناردو فیبوناچی در سال ۱۱۸۰ میلادی انجام شد. دنباله فیبوناچی در مهندسی، مطالعات فضایی، بازارهای مالی و بسیاری از امور کاربرد دارد.

از استفاده‌های مهم نسبت‌های فیبوناچی، پیش‌بینی معاملات می‌باشد. مجموعه فیبوناچی، زنجیره‌ی ریاضی است که در آن هر رقم، از حاصل جمع دو رقم قبلی به دست می‌آید. نسبت‌های فیبوناچی در تحلیل تکنیکی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. فیبوناچی اصلاحی، نشان می‌دهد که قیمت نسبت به حرکت قبل چه مقدار اصلاح شده است. سطوح فیبوناچی ریتریسمنت: 23.6% ، 38.2% ، 50% ، 61.8% ، 78.6%

۲. فیبوناچی بازگشتی خارجی ابزاری است برای پیش‌بینی سطوح قیمتی بیشتر از ۱۰۰ درصد. مهم‌ترین درصدهای فیبوناچی اکستنشن عبارت‌اند از: $127/2$ ، $161/8$ ، $261/8$ ، $423/6$

۳. فیبوناچی پروجکشن هم برای یافتن اهداف قیمت و هم برای یافتن نقاط ورود به کار می‌رود. در فیبوناچی پروجکشن ما از سه نقطه برای استفاده می‌کنیم. فیبوناچی پروجکشن شامل دو سطح ۱۰۰ و $161/8$ می‌باشد که البته سطح 100% به دلیل اینکه برای حرکات متقارن استفاده می‌شود اهمیت بیشتری دارد.

الگوهای قیمتی

اشکالی هستند که در نمودار قیمتی رسم می‌شوند، برای یافتن اهداف قیمتی و در دو گروه قرار می‌گیرند:

الگوهای برگشتی که بر روی نمودار قیمت تشکیل می‌شوند و نشانه تغییر در روند می‌باشند:

سر و شانه - الگوهای دوقلو و سه‌قلوی کف و سقف

الگوهای ادامه‌دهنده نشانه توقف در روند هستند، یعنی روند قبلی پس از مدتی دوباره از سر گرفته می‌شود.

الگوهای ادامه‌دهنده: مثلث‌ها (متقارن، افزایشی، کاهش‌ی، پهن) و الگوی پرچم (سه‌گوش، چهارگوش)

نوسان‌نماها (مکدی، قدرت نسبی و میانگین متحرک)

ابزاری هستند که با استفاده از زمان و قیمت، اظهارهای خرید و فروش صادر می‌کنند. در ساخت این ابزارها از قیمت‌های آغاز، پایان، بالاترین و پایین‌ترین قیمت در یک دوره مشخص استفاده می‌کنیم.

الف) اسیلاتور مکدی، میانگین متحرک همگرایی و واگرایی معمولاً در بازه زمانی ۱۲ و ۲۶ روزه همگرایی و واگرایی را مورد بررسی قرار می‌دهد و شامل سه خط است خط MACD، خط سیگنال و هیستوگرام که بر اساس تفاوت این دو خط تولید می‌شود.

ب) اسیلاتور قدرت نسبی بین دو سطح ۰ و ۱۰۰ در نوسان می‌باشد. در این بین، دو سطح کلیدی ۳۰ و ۷۰ را به ترتیب به عنوان سطوح اشباع فروش و اشباع خرید می‌نامند. هرگاه مقدار RSI از عدد ۳۰ کمتر شود شاهد فروش افراطی در بازار، برعکس عبور از سطح ۷۰ به سمت بالا خرید افراطی در بازار می‌باشد.

ج) میانگین متحرک، معمول‌ترین ابزار موجود برای تحلیل تکنیکی و پایه‌ی محاسبه دیگر اندیکاتورها می‌باشد که با محاسبه معدل یک دوره زمانی با قیمت‌های پایانی و ابتدایی کندل‌ها بدست می‌آید.

پیشینه تحقیق

این مطالعه ادبیات جدیدی در بررسی بازدهی بازار ارز رمزپایه می‌باشد، در مطالعات داخل و خارج از کشور در مورد مقایسه دو تحلیل مطالعه‌ای صورت نگرفته است، مطالعاتی در مقایسه بازدهی تحلیل بنیادی و تکنیکی در بازارهای سهام انجام شده است و یا به ارزیابی قیمت بیت‌کوین و سایر ارزها پرداخته‌اند.

مطالعات داخلی

در مطالعه‌ای (اردستانی & ورزشکار، ۲۰۲۱) با عنوان بررسی و مقایسه بازدهی ناشی از انتخاب سهام بر اساس تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیده‌اند که بازدهی سرمایه‌گذاری به روش

تحلیل بنیادی بیشتر از تحلیل تکنیکی می‌باشد و به سرمایه‌گذاران پیشنهاد کردند که در سرمایه‌گذاری خود با تحلیل بنیادی اقدام به انجام معاملات کنند تا به سود بیشتری برسند.

در مطالعه‌ای (تهرانی & اسماعیلی، ۲۰۱۲) با عنوان بررسی تاثیر استفاده از شاخص‌های تحلیل تکنیکی بر بازدهی کوتاه مدت سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بازدهی استفاده از نوسان‌نماها، از استراتژی خرید و نگهداری بیشتر است و در صورت استفاده از شاخص‌های اندیکاتور به صورت ترکیبی، می‌توان بازدهی بالاتری نسبت به روش خرید و نگهداری کسب نمود.

مطالعات خارج از کشور

در تحقیقی (Liugita et al., ۲۰۲۴) با عنوان تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری، که به انجام رسانده‌اند، با به کارگیری پنج شاخص بنیادی و تنها یک شاخص تکنیکی در دوره چهارساله بررسی خود، به این نتیجه رسیدند که تفاوتی بین تحلیل بنیادی و تکنیکی در پیش‌بینی قیمت سهام وجود ندارد و به سایر محققان پیشنهاد کردند که در تحقیقات خود با در نظر گرفتن شاخص‌های تکنیکی و بنیادی بیشتر، تعداد بیشتری از سهام را بررسی کنند تا به نتایج دقیق‌تری برسند.

در تحقیقی (Hudson & Urquhart, ۲۰۲۱) با عنوان بررسی بازدهی تحلیل تکنیکال در ارزهای رمز پایه به انجام رساندند و با به کارگیری تعداد زیادی از نوسان‌نماهای تحلیل تکنیکی در ۵ دسته، سودآوری این تحلیل را در پنج مورد از ارزهای رمز پایه در بازه‌های زمانی مختلف بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که قوانین تحلیل تکنیکی دارای قدرت پیش‌بینی بسیار خوبی در بازارهای رمز پایه هستند.

در مطالعه‌ای (Huang et al., ۲۰۱۹) با عنوان پیش‌بینی بازده بیت‌کوین، از ۱۲۴ ابزار تکنیکی در پنج گروه استفاده کردند: (شاخص‌های همپوشانی، حرکت، چرخه، نوسانات و الگوها)، با استفاده از یک درخت تصمیم‌گیری به بررسی نتایج حاصل از بازدهی تحلیل تکنیکی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که تحلیل تکنیکی در بازار بیت‌کوین قدرت پیش‌بینی بسیار خوبی دارد.

در مطالعه‌ای (Jakpar et al., ۲۰۱۸) با عنوان مقایسه تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی در بازار سهام مالزی تحقیقاتی انجام دادند که با بررسی ۸۰ شرکت تولید مواد غذایی از شرکت‌های موجود در بورس مالزی با استفاده از روش تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی و مقایسه بازدهی حاصل از دو تحلیل طی دوره‌ی ۴ ساله به این نتیجه رسیدند که هر دو تحلیل قادر به پیش‌بینی بازده سهام هستند و برتری نسبت به یکدیگر ندارند، مطالعات آنها با سه شاخص بنیادی و فقط یک شاخص تکنیکی بوده است.

(Raskin & Yermack, ۲۰۱۸) پیامدهای بانک‌داری مرکزی را در نظر می‌گیرند و در مقایسه با بلاک‌چین به برتری‌ها و معایب ارز رمز پایه می‌پردازند.

(Easley et al., ۲۰۱۹) هزینه‌های استخراج بیت‌کوین را بررسی می‌کنند و چشم‌انداز سرمایه‌داری در بیت‌کوین را با توجه به هزینه‌ها بررسی کرده‌اند.

تکنیکی می‌توان جای داد. (Harvey et al., ۲۰۱۶) بحثی درباره مکانیک ارزشهای رمز پایه ارائه می‌دهد که این مطالعه را در ادبیات تحلیل

۳- روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی، از نظر روش تحقیق توصیفی و از نوع مقایسه‌ای می‌باشد و از نظر ماهیت پس رویدادی و وابسته به اطلاعات گذشته است. در جمع‌آوری داده نیز از داده‌های کمی پیوسته استفاده شده است. جامعه آماری این مطالعه تمامی ارزشهای رمز پایه موجود در صرافی‌های مرتبط به این بازار می‌باشد. در زمان نگارش این تحقیق، تعداد ۸۲۰۰ ارز در کوین‌مارکت‌کپ لیست شده است و جامعه آماری ما تمام ارزشهای لیست شده در این سایت می‌باشد که در مارکت‌های مختلف معامله می‌شوند. با توجه به نوپا بودن این بازار و اینکه اغلب ارزها به تازگی در صرافی‌ها لیست شده‌اند برای محاسبه‌ی نمونه آماری از روش قضاوتی استفاده شده است. حجم نمونه شامل شش ارز رمز پایه برتر بر اساس ارزش بازار می‌باشد که از سایت مرجع ارزشهای دیجیتال، رتبه‌بندی روز اول ماه یازدهم میلادی انتخاب شده‌اند:

۱. بیت کوین ۲. اتریوم ۳. ریپل ۴. بیت کوین کش ۵. لینک ۶. بایننس کوین

روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای می‌باشد که برای داده‌های مورد نیاز تحلیل بنیادی و تکنیکال به سایت کوین‌مارکت‌کپ و برای انجام تحلیل تکنیکال داده‌ها، به سایت [Trading view](#) مراجعه شده است.

جدول (۱) قیمت واقعی ارزشهای نمونه آماری در روز سی و یک دسامبر سال ۲۰۲۰ و مقایسه قدرت پیش‌بینی‌کنندگی با استفاده از تغییرات قیمت پیش‌بینی شده توسط تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی

نام ارز	قیمت روز ۳۱ دسامبر	تغییرات قیمت نسبت به ابتدای ماه	درصد قدرت پیش‌بینی تکنیکی	درصد قدرت پیش‌بینی بنیادی
بیت کوین	۲۹,۰۰۰ دلار	۱۰۲۰۰ دلار مثبت	۹۰ درصد	۳۱ درصد
اتریوم	۷۵۱ دلار	۱۶۴ دلار مثبت	۹۹ درصد	۴۸ درصد
ریپل	۰/۲۲ دلار	۰/۳۹ دلار منفی	۹۵ درصد	۰ درصد
بیت کوین کش	۳۴۳ دلار	۵۵ دلار مثبت	۸۸ درصد	۵۸ درصد
لینک	۱۱/۲۷ دلار	۲/۱۳ دلار منفی	۸۹ درصد	۰ درصد
بایننس کوین	۳۷/۴ دلار	۷/۳ دلار مثبت	۹۲ درصد	۱۳ درصد

(منبع: سایت کوین مارکت کپ)

در تحقیق حاضر ما دارای سه متغیر هستیم که سهم متغیر وابسته یک عدد (انتخاب استراتژی مناسب خرید) و سهم متغیر مستقل دو عدد (تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی) می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون مقایسه زوجی که دو متغیر مستقل تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی و یک متغیر وابسته انتخاب استراتژی معاملاتی مناسب را داریم.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: قدرت تحلیل تکنیکی اعتبار بیشتری از تحلیل بنیادی در پیش‌بینی قیمت ارز رمز پایه دارد.

فرضیه صفر: قدرت تحلیل تکنیکی و تحلیل بنیادی در پیش‌بینی قیمت ارز رمز پایه، برابر است.

۴- یافته‌های پژوهش

با انجام تحلیل در شش نمونه توسط شاخص‌های انتخاب شده در هر دو تحلیل بنیادی و تکنیکال طی دوره دوم‌ماهه، درصد میزان درست بودن و اعتبار هر کدام از تحلیل‌ها با در نظر گرفتن سه عامل: ۱. تحلیل درست از روند ۲. هدف قیمت ۳. حد ضرر (میزان کاهش قیمت) قبل از رسیدن به هدف قیمتی، محاسبه شده است (جدول ۱). سپس درصد پیش‌بینی‌کنندگی به‌دست‌آمده برای تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی را با استفاده از آزمون مقایسه زوجی در نرم‌افزار SPSS بررسی کردیم که یافته‌های پژوهش به شرح زیر به‌دست‌آمده است:

در بررسی آمار توصیفی با توجه به جدول ۲ که نتایج آزمون شاخص‌های مرکزی و پراکندگی داده‌ها را در بر دارد، مشاهده می‌کنیم که میانگین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی تحلیل تکنیکی بسیار بیشتر از تحلیل بنیادی است و انحراف معیار و انحراف استاندارد در تحلیل بنیادی بیشتر از تحلیل تکنیکی می‌باشد که نشان‌دهنده پراکندگی داده‌ها از میانگین و نوسانات قیمتی زیاد در پیش‌بینی به روش تحلیل بنیادی است، اما معنی‌دار بودن این تفاوت میانگین را باید با سنجش میزان سطح معنی‌داری بررسی کرد.

جدول ۲- توزیع متغیرهای پژوهش بر اساس شاخص‌های مرکزی و پراکندگی

شاخص	میانگین پیش‌بینی‌کنندگی	میانگین	انحراف معیار	انحراف استاندارد
تکنیکی	۹۲/۱۶۷	۹۱	۴/۱۶۷۳۲	۱/۷۰۱۳۱
بنیادی	۲۵	۲۲	۲۴/۶۹۰۰۸	۱۰/۰۷۹۶۸

(منبع: یافته‌های پژوهش)

در ادامه برای بررسی توزیع نرمال داده‌ها با ایجاد دو فرضیه زیر از آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد.

H_0 : داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند. H_1 : داده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند.

با توجه به جدول ۳، نتایج آزمون شاپیرو ویلک، اگر سطح معنی‌داری (sig) برای کلیه متغیرها بزرگ‌تر از سطح آزمون (۰/۰۵) باشد توزیع داده‌ها نرمال می‌باشد. به دلیل این‌که سطح معنی‌داری به‌دست آمده برای تمامی متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که فرض پژوهش رد و فرضیه صفر تأیید می‌شود در نتیجه توزیع داده‌های تمامی متغیرها نرمال می‌باشد. و همچنین مشاهدات مستقل از یکدیگر می‌باشند.

جدول ۳- نتایج آزمون شاپیرو ویلک

ردیف	شاخص	سطح معنی داری	مقدار آماره آزمون	نرمال بودن جامعه آماری
۱	تکنیکال	۰/۴۹۹	۰/۹۱۹	تایید
۲	بنیادی	۰/۳۷۰	۰/۸۹۹	تایید

(منبع: یافته‌های پژوهش)

برای بررسی میزان همبستگی بین دو متغیر مستقل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. سطح معنی دار اگر از ۰/۰۵ بزرگ‌تر باشد آماره مورد نظر معنی دار نیست، با توجه به جدول ۴، مقدار اندک ضریب همبستگی پیرسون به این نتیجه می‌رسیم که میزان همبستگی بین دو متغیر معنی دار نیست و دو متغیر به یکدیگر وابسته نیستند و می‌توان آن‌ها را مجزا برای بررسی پیش‌بینی قیمت استفاده کرد.

جدول ۴- ضریب همبستگی پیرسون

متغیرها	تعداد نمونه	میزان همبستگی	سطح اطمینان معنی داری
تکنیکال و بنیادی	۶	۰/۰۳۳	۰/۹۵۰

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با بررسی آزمون فرضیه نتایج منتشر شده در جدول ۵ می‌توان اظهار داشت که مقدار سطح معنی دار مربوط به آماره t ، کوچک‌تر از سطح معنی دار ۰/۰۵ می‌باشد ($p\text{-value} < ۰,۰۵$) و مقدار t در مقایسه با ناحیه بحرانی جدول استیودنت در قسمت H_1 قرار دارد. با توجه به این موارد، دو نمونه از نظر آماری با یکدیگر تفاوت معنی دار دارند و فرض H_0 رد می‌گردد. با ۰/۹۵ درصد سطح اطمینان ادعای محقق در فرضیه H_1 مورد تایید قرار می‌گیرد و قدرت پیش‌بینی‌کنندگی تحلیل تکنیکی اعتبار بیشتری از تحلیل بنیادی در پیش‌بینی قیمت ارز رمزپایه دارد.

جدول ۱- نتایج آزمون مقایسه زوجی دو متغیر

متغیرها	تعداد	سطح معنی داری Sig یا	درجه آزادی	مقدار بحرانی جدول t استیودنت با آلفا ۵ درصد
		p-value	Df	
تکنیکال - بنیادی	۶/۶۰۷	۰/۰۰۱	۵	۲/۰۱۵

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۵- نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر، بررسی بیشترین بازدهی در پیش‌بینی قیمت بازار ارزهای رمز پایه با مقایسه‌ی دو تحلیل معتبر بازار سرمایه، تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی، و انتخاب استراتژی مناسب برای خرید در این بازار می‌باشد، لازم به ذکر است در این

تحقیق مقایسه بین عملکرد این دو تحلیل انجام شده است و مطمئنا ترکیب این دو تحلیل و استفاده مشترک از آن‌ها در استراتژی معامله‌گر می‌تواند راهکار مناسبی برای کسب موفقیت در بازارهای مالی باشد، اما در حالت مقایسه این دو تحلیل، با بررسی‌های لازم به نتیجه‌های ذکرشده در زیر منتج می‌شود.

باتوجه به تایید فرضیه اصلی محقق توسط نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و رد فرضیه صفر، می‌توان به صورت کلی اذعان داشت که سرمایه‌گذاری در رمزارزها با استفاده از استراتژی تحلیل تکنیکی بازدهی بیشتری نسبت به استراتژی تحلیل بنیادی دارد. لازم به توضیح است که انتخاب استراتژی مناسب از میان صدها نوع استراتژی در تحلیل تکنیکی بستگی به سرمایه‌گذار دارد که استراتژی مناسب خود را انتخاب کند. در این تحقیق محقق با استفاده از ۴ ابزار تکنیکی پرکاربرد در بازار ارزهای رمز پایه، استراتژی تحلیلی مدنظر را انتخاب کرده است. در بررسی نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق‌های پیشین در این بازار باید اذعان داشت که بررسی‌های طرح‌شده در بازار ارزهای رمز پایه همان‌طور که در بخش پیشینه پژوهش ذکر شده، نیز به بازدهی مناسب تحلیل تکنیکی در این بازار اذعان دارند و به این نکته تاکید شده است.

در مقایسه نتیجه تحقیق با تحقیقات اشاره شده در پیشینه باید اذعان داشت که (Hudson & Urquhart, ۲۰۲۱) در بررسی بازدهی تحلیل تکنیکی در بازار رمزارزها نیز تاکید داشتند که این تحلیل قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بسیار خوبی در بازار رمزارزها دارد و (Huang et al., ۲۰۱۹) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که تحلیل تکنیکی قدرت بسیار خوبی در پیش‌بینی‌کنندگی بازار ارزهای رمز پایه دارد و بازدهی حاصل از استراتژی‌های این تحلیل را مناسب برای تصمیم خرید دانستند. (تهرانی & اسماعیلی, ۲۰۱۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که تحلیل تکنیکی نسبت به روش خرید نگهداری در بورس اوراق بهادار ایران قدرت پیش‌بینی‌کنندگی خوبی دارد. همچنین (Liugita et al., ۲۰۲۴) و (et Jakpar al., ۲۰۱۸) نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی در بازار سهام تفاوت چندانی باهم ندارند و (اردستانی & ورزشکار, ۲۰۲۱) نیز در بررسی مقایسه‌ای سهام بورس ایران با دو تحلیل بنیادی و تکنیکی به این نتیجه رسیدند که تحلیل بنیادی کارآمدتر از تحلیل تکنیکی در بورس ایران است البته باید توجه داشت که در تحقیقات اشاره شده کم‌بودن شاخص‌های تحلیل تکنیکی نیز از چالش‌هایی بوده است که نویسندگان مقالات نیز به آن تاکید داشته‌اند.

باتوجه به رشد روزافزون بازار ارزهای رمز پایه و مقبولیت آن در بین جوامع مختلف به عنوان ارزهای قابل اعتماد، نیاز به تحقیقات پیرامون جوانب مختلف تاثیرگذار بر قیمت این ارزها بیش‌ازپیش حس می‌شود و مطمئنا با یک یا چند تحقیق نمی‌توان به شناخت کافی و کامل در این بازارها رسید. به تمام محققینی که بررسی این پارامترها را انجام می‌دهند، پیشنهاد می‌شود که از ابزارهای به‌روز شده در هر دو تحلیل استفاده کنند و با توجه به تغییرات روزافزون در این حوزه همگام با این تغییرات، ابزارهای کارآمدتر را شناسایی کنند و همچنین در انتخاب نمونه از جامعه آماری، انتخاب ارزهایی که سهم بازار زیادتری را به خود اختصاص داده‌اند به دلیل این‌که در این ارزها هیجانات مقطعی قیمت و تغییرات ناگهانی بسیار نادر بوده و بازار این ارزها به ثبات تقریبا کاملی رسیده‌اند و اصطلاحا به بلوغ رسیده‌اند. البته ارزهای دیگری نیز وجود دارند که به ثبات کاملی رسیده‌اند. ولی باتوجه به محدودیت زمانی و ابزاری امکان بررسی همه ارزها در قالب یک تحقیق وجود نداشت و به سایر محققان پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات خود نمونه جامعه آماری بزرگتر و وسیع‌تری انتخاب کرده و بررسی خود را با تعداد بیشتری از ارزهای رمز پایه انجام دهند.

و به محققان این حوزه توصیه می‌شود در تحقیقات خود به ترکیب تحلیل بنیادی و تکنیکی و ساخت استراتژی‌های حاصل از این ترکیب نیز توجه کرده و به بررسی این نوع از استراتژی‌های خرید نیز بپردازند.

همچنین با توجه به نوپا بودن ادبیات حوزه‌ی ارزش‌های رمز پایه و نبود مطالعات مقایسه‌ای تحلیل بنیادی و تکنیکی در بازار این ارزش‌ها، مشکلاتی اعم از عدم وجود اطلاعات کافی در این تحقیق وجود داشت که به یاری خدا، با تلاش بیشتر و جمع‌آوری اطلاعات پراکنده و تبیین این اطلاعات، مسئله نبود اطلاعات کافی در سر راه این تحقیق نیز تا حدودی مرتفع گردید.

منابع و مآخذ

- تهرانی، رضا؛ و اسماعیلی، محمد. (۲۰۱۲). بررسی تاثیر استفاده از شاخص‌های مهم تحلیل تکنیکی بر بازدهی کوتاه مدت سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار. ۵(۱۳)، ۲۱-۳۳. <https://www.sid.ir/paper/۲۰۰۲۵۷/fa>
- جونز، چارلز. (۱۳۸۸). مدیریت سرمایه گذاری. نگاه دانش.
- رایلی، فرانک؛ و براون، کیت. (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل سرمایه گذاری و مدیریت سبد اوراق بهادار. دانشگاه علامه طباطبائی. سرزمین، علی. (۱۳۹۷). اقتصاد برای همه. ترمه.
- صالح اردستانی، علی؛ و ورزشکار، هادی. (۲۰۲۱). بررسی و مقایسه بازدهی اکتسابی ناشی از انتخاب سهم براساس تحلیل بنیادی و تحلیل تکنیکی در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*. ۱۹(۲)، ۵۳-۶۴. https://mri.modares.ac.ir/article_۳۵۸.html
- عباسی، جواد. (۱۳۹۷). کسب، فروش و سرمایه‌گذاری بیت‌کوین. چالش.
- منکیو، گریگوری. (۱۳۹۱). اقتصاد کلان. نشر نی.
- مورفی، جان. (۱۳۸۷). تحلیل بین بازارها چالش.
- مورفی، جان. (۱۳۹۸). تحلیل تکنیکال در بازار سرمایه. چالش.
- میرز، توماس. (۱۳۸۴). پیش بینی قیمت سهام در بورس به روش تحلیل تکنیکال. نص.
- نیک طالع، علی. (۱۳۸۷). تجارت در بازار جهانی فارکس. چالش.
- نیکومرام، هاشم؛ و رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۶). مبانی مدیریت مالی. ترمه.

References

- Antonopoulos, A. M. (۲۰۱۴). *Mastering Bitcoin: unlocking digital cryptocurrencies*. "O'Reilly Media, Inc." <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=۲۵۲۵۰۴۳>
- AS, S. (۲۰۱۳). A study on fundamental and technical analysis. *International Journal of Marketing, Financial Services & Management Research*, ۲(۵), ۴۴-۵۹. https://www.researchgate.net/publication/۳۴۹۹۴۸۱۱۲_A_STUDY_ON_FUNDAMENTAL_AND_TECHNICAL_ANALYSIS
- Bettman, J. L., Sault, S. J., & Schultz, E. L. (۲۰۰۹). Fundamental and technical analysis: substitutes or complements? *Accounting & Finance*, ۴۹(۱), ۲۱-۳۶.



<https://www.researchgate.net/publication/۲۳۹۶۰۸۲۵> Fundamental and technical analysis S
[ubstitutes or complements](#)

Buterin, V. (۲۰۱۳). Ethereum white paper. *GitHub repository*, ۱, ۲۲-۲۳
<https://ethereum.org/en/whitepaper/>

Christidis, K., & Devetsikiotis, M. (۲۰۱۶). Blockchains and smart contracts for the internet of things. *IEEE access*, ۴, ۲۲۹۲-۲۳۰۳.

<https://www.researchgate.net/publication/۳۰۲۹۱۹۴۹۷> Blockchains and Smart Contracts for
[the Internet of Things](#)

Drakopoulou, V. (۲۰۱۶). A review of fundamental and technical stock analysis techniques. *Journal of Stock & Forex Trading*, ۰.

<https://www.researchgate.net/publication/۲۹۳۸۰۸۲۴۹> A Review of Fundamental and Tech
[nical Stock Analysis Techniques](#)

Easley, D., O'Hara, M., & Basu, S. (۲۰۱۹). From mining to markets: The evolution of bitcoin transaction fees. *Journal of Financial Economics*, ۱۳۴(۱), ۹۱-۱۰۹.

<https://ssrn.com/abstract=۳۰۵۵۳۸۰>

Gapurbaeva, S., Abdylidaeva, U., Tulemysheva, B., Israilova, A., & Elenova, T. (۲۰۲۴). Prospects for the use of cryptocurrencies in international maritime logistics. *BIO Web of Conferences*, <https://doi.org/۱۰.۱۰۵۱/bioconf/۲۰۲۴۱۰۷۰۴۰۰۸>

Graham, B. (۲۰۱۶). The Intelligent Investor. Inc. <https://www.amazon.com/Intelligent-Investor-Definitive-Investing-Essentials/dp/۰۰۶۰۵۵۵۶۶۱>

Greenspan, G. (۲۰۱۵). Multichain private blockchain-white paper.

<http://www.multichain.com/blog/۲۰۱۵/۰۷/bitcoin-vs-blockchain-debate>.

Harvey, C. R. (۲۰۱۴). Bitcoin myths and facts. Available at SSRN ۲۴۷۹۶۷۰.
<http://ssrn.com/abstract=۲۴۷۹۶۷۰>.

Harvey, C. R., Liu, Y., & Zhu, H. (۲۰۱۶). ... and the cross-section of expected returns. *The Review of Financial Studies*, ۲۹(۱), ۵-۶۸. <https://academic.oup.com/rfs/article/۲۹/۱/۵/۱۸۴۳۸۲۴>

Hooke, J. C. (۲۰۱۰). Security analysis and business valuation on Wall Street: A comprehensive guide to Today's valuation methods. *John Wiley & Sons Inc.* <https://pdfroom.com/books/security-analysis-and-business-valuation-on-wall-street-companion-web-site-a-comprehensive-guide-to-todays-valuation-methods/MkLg^QWj^ZB>

Hou, K., Karolyi, G. A., & Kho, B.-C. (۲۰۱۱). What factors drive global stock returns? *The Review of Financial Studies*, ۲۴(۸), ۲۵۲۷-۲۵۷۴.

<https://www.researchgate.net/publication/۴۸۱۱۹۸۶> What Factors Drive Global Stock Return
[S](#)

<https://coinmarketcap.com/>

<https://www.tradingview.com/>

Huang, J.-Z., Huang, W., & Ni, J. (۲۰۱۹). Predicting bitcoin returns using high-dimensional technical indicators. *The Journal of Finance and Data Science*, ۵(۳), ۱۴۰-۱۵۵.

<http://www.keaipublishing.com/en/journals/jfdfs/>

Hudson, R., & Urquhart, A. (۲۰۲۱). Technical trading and cryptocurrencies. *Annals of Operations Research*, ۲۹۷(۱), ۱۹۱-۲۲۰. <https://doi.org/۱۰.۱۰۰۷/s۱۰۴۷۹-۰۱۹-۰۳۳۵۷-۱>



Iqbal, N., Khattak, S. R., & Khattak, M. A. (۲۰۱۳). Does fundamental analysis predict stock returns? Evidence from non-financial companies listed on KSE. *Knowledge Horizons. Economics*, ۵(۴), ۱۸۲.

<https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=d02e86fcea24da2971132a7d09d9d43297241df8>

Jakpar, S., Tinggi, M., Tak, A. H., & Chong, W. Y. (۲۰۱۸). Fundamental analysis vs technical analysis: The comparison of two analysis in malaysia stock market. *UNIMAS Review of Accounting and Finance*, ۲(۱). <https://doi.org/10.32736/uraf.1208/>

Jogani, A. (۲۰۲۴). The Basics of Technical Analysis. Available at SSRN ۴۸۷۰۹۴۳. <https://ssrn.com/abstract=4870943>

John, C. (۲۰۱۴). *Fundamentals of Futures and Options Markets*. Pearson Education.

Liugita, P., Salsabilla, S., & Meythi, M. (۲۰۲۴). FUNDAMENTAL ANALYSIS AND TECHNICAL ANALYSIS IN INVESTMENT DECISION MAKING. *International Journal of Innovative Technologies in Economy*, ۱(۴۵).

https://doi.org/10.31430/rsglobal_ijite/30122023/8110

Nakamoto, S. (۲۰۰۸). Bitcoin: A peer-to-peer electronic cash system. *Satoshi Nakamoto*. <https://Bitcoin.org/Bitcoin.pdf>

Neftci, S. N. (۱۹۹۱). Naive trading rules in financial markets and wiener-kolmogorov prediction theory: A study of "technical analysis". *Journal of Business*, ۵۴۹-۵۷۱.

https://archive.org/stream/in.ernet.dli.2015.66901/2015_66901.The-Journal-Of-Laboratory-And-Clinical-Medicine228_djvu.txt

Raskin, M., & Yermack, D. (۲۰۱۸). Digital currencies, decentralized ledgers and the future of central banking. *In Research handbook on central banking* (pp. ۴۷۴-۴۸۶). Edward Elgar Publishing. <http://www.nber.org/papers/w22238>

Ray, S. (۲۰۱۲). Revisiting the strength of Dow Theory in assessing stock price movement. *Advances in Applied Economics and Finance*, ۳(۳), ۵۹۱-۵۹۸.

https://www.researchgate.net/publication/266344504_Revisiting_the_Strength_of_Dow_Theory_in_Assessing_Stock_Price_Movement

Reilly, F., & Brown, K. (۲۰۱۲). Analysis of Investments and Management of Portfolios (Tenth Edit). *South-Western Cengage Learning. Inc.*

<https://prawo.uni.wroc.pl/sites/default/files/students>



Managing Buying Strategies in the Cryptocurrency Market; Comparing Fundamental and Technical Analysis



Fereydoon Ghasemi
Faculty of Management, Islamic Azad University of Central Tehran Branch, Tehran, Iran

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۷۸۸۸-۹۷۳۰

Dr.FGhasemi@hotmail.com



Milad Estelami
MBA Strategy Orientation, Faculty of Management, Islamic Azad University, Tehran, Iran *MSc*

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۱-۸۴۰۱-۹۳۸X

Milad.Estelami@gmail.com

Received: ۰۸ December ۲۰۲۴ | Revised: ۲۸ December ۲۰۲۴ | Accepted: ۲۹ December ۲۰۲۴

Abstract

Due to the acceptance of cryptocurrencies among the general public, the use of cryptocurrencies as a common currency at all levels of the world economy, and the expansion of the blockchain-based digital world, the importance of investing in the cryptocurrency market is increasing day by day and consequently, the need to be aware of appropriate price analysis methods to make rational and profitable decisions in this volatile market and avoid emotional behavior is increasing.

In the present study, the researcher seeks to introduce the best investment method among the two specialized methods in the capital market, namely the fundamental analysis method and technical



فصلنامه علمی رویکردهای نو در مدیریت دولتی

The scientific quarterly of
New Approaches in Public Administration



analysis. This research is applied research in terms of purpose and a descriptive comparative method with a post-event approach, focusing on historical data and paying attention to past information. The statistical population of this study is all the crypto currencies available in the exchanges related to this market that are listed on the reference site, coin Market Cap and a judgmental method has been used to calculate the statistical sample. The sample size includes the top six cryptocurrencies based on market value four widely used fundamental analysis indicators and four popular technical analysis indicators used in their study.

The results confirm the researcher's hypothesis that, over a two-month period, the rate of return obtained from the technical analysis method was much higher than that obtained from the fundamental analysis.

Keywords: Fundamental Analysis, Technical Analysis, Cryptocurrency Market, Investment Strategy, Return



تأثیر اخلاق کار اسلامی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار از طریق بی‌نزاکتی سرپرست و سیاست‌های سازمانی ادراک شده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۳ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

عباس قائدامینی هارونی

مربی، گروه مدیریت، دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز فرهنگی هنری دریژنو، چهارمحل و بختیاری، ایران (نویسنده مسئول)

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۴۰۰۴-۳۵۶۹ ^{ID}

abbasgheadamini2020@gmail.com

مهسان همتی‌زاده

دانشجوی کارشناسی، مدیریت فرهنگی، دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز فرهنگی هنری دریژنو، چهارمحل و بختیاری، ایران.

ORCID: ۰۰۰۹-۰۰۰۳-۹۸۴۴-۴۷۳۳ ^{ID}

mhsanhmtyzadh@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر اخلاق کاری اسلامی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار با نقش میانجی سیاست سازمانی ادراک شده و بی‌نزاکتی سرپرست انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه کارکنان دانشگاه‌های استان چهارمحل و بختیاری به تعداد ۲۲۰۰ نفر تشکیل دادند که از طریق فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۶۰۰ نفر به عنوان نمونه از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسش‌نامه اخلاق کار اسلامی علی (۱۹۹۲)، پرسش‌نامه رفتارهای انحرافی در محیط کار بنت و رایبسون (۲۰۰۰)، پرسش‌نامه سیاست سازمانی ادراک شده کاجمار و کارلسون (۱۹۹۷) و پرسش‌نامه بی‌نزاکتی سرپرست کورتینا و همکاران (۲۰۰۱) بودند که روایی پرسش‌نامه‌ها بر اساس، روایی محتوایی، صوری و سازه مورد بررسی قرار گرفتند و پس از اصطلاحات لازم روایی مورد تأیید قرار گرفت و از سوی دیگر پایایی پرسش‌نامه‌ها با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۸، ۰/۸۰ و ۰/۸۰ برآورد شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی مشتمل بر مدل سازی معادلات ساختاری انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که اخلاق کاری اسلامی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار تأثیر منفی داشت که ضریب این تأثیر ۰/۶۵- بود و همچنین، نتایج نشان داد که سیاست سازمانی ادراک شده و بی‌نزاکتی سرپرست نقش میانجی بین اخلاق کاری اسلامی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار داشت.

واژگان کلیدی: اخلاق کار اسلامی، سیاست سازمانی ادراک شده، بی‌نزاکتی سرپرست، رفتارهای انحرافی در محیط کار

^۱ <https://doi.org/10.71810/JNAPA.2025.1193403>



۱-مقدمه

اخلاق کار اسلامی، اصول و ارزش‌های اخلاقی اشاره دارد که برگرفته از ایمان اسلامی است و افراد را در رفتار حرفه‌ای خود راهنمایی می‌کند (Husin & Kernain, ۲۰۲۰). این اصول شامل صداقت، درستکاری، مسئولیت‌پذیری، انصاف و احترام به دیگران، همراه با تأکید شدید بر سخت‌کوشی، فداکاری، و وقت‌شناسی و همچنین اهمیت انجام تعهدات و مسئولیت‌های خود در قبال دیگران است (Ahmad & Owoyemi, ۲۰۱۲). اخلاق کار اسلامی، همچنین افراد را تشویق می‌کند که برای تعالی تلاش کنند و به جامعه خدمت کنند، در حالی که از اقداماتی که ممکن است مضر یا استثمارگرانه باشند اجتناب کنند (Javed & et al, ۲۰۱۹). علاوه بر این، اخلاق کار اسلامی، بر اهمیت هدایت شدن توسط احساس مسئولیت در برابر خدا و جامعه خود، همراه با این باور که اعمال فرد بر اساس محتوای اخلاقی و اخلاقی آن‌ها مورد قضاوت و پاداش قرار می‌گیرد، تأکید می‌کند (Akhmadi & et al, ۲۰۲۳). ادبیات اخلاق کسب و کار به طور سنتی بر شناسایی علل رفتارهای انحرافی در محیط کار کارکنان متمرکز بوده است، اما در مورد این‌که چگونه پایبندی به باورهای مذهبی مانند اخلاق کار اسلامی می‌تواند به کاهش رفتار انحرافی در محیط کار کمک کند، کمتر پژوهشی وجود دارد (Javed & et al, ۲۰۱۸; Zia & et al, ۲۰۲۲). کارکنانی که به اخلاق کاری اسلامی پایبند هستند، کمتر به رفتارهای انحرافی در محیط کار می‌پردازند، زیرا آن‌ها با مجموعه‌ای از اصول اخلاقی هدایت می‌شوند که چنین رفتارهایی را منع می‌کند. به عنوان مثال، اگر کارکنان به صداقت متعهد باشند، ممکن است کمتر درگیر رفتارهای فریبکارانه یا متقلبانه باشند تا نسبت به همکاران خود برتری پیدا کنند. به طور مشابه، اگر کارکنان به انصاف متعهد باشند، ممکن است کمتر به رفتار تبعیض آمیز دست بزنند یا برای کار دیگران اعتبار قائل شوند. چندین پژوهش نشان داده‌اند که اخلاق کار اسلامی، می‌تواند منجر به رفتار مثبت می‌شود (Akhmadi & et al, ۲۰۲۳; De Clercq & et al, ۲۰۱۹; Suryani & et al, ۲۰۲۱; Zia & et al, ۲۰۲۲) و از رفتارهای انحرافی در محیط کار جلوگیری می‌کند (Ahmad, S., & Owoyemi, ۲۰۱۲; Ali, ۱۹۹۲; Javid & et al, ۲۰۱۹; Yousef, ۲۰۰۱). پژوهش حاضر، استدلال می‌کند که کارکنان دارای اخلاق کار اسلامی، کمتر درگیر رفتارهای انحرافی در محیط کار خواهند بود، زیرا آن‌ها معتقدند که اعمال آن‌ها توسط خداوند نظارت می‌شود و کارهای خوب پاداش می‌گیرند (Rawwas & et al, ۲۰۱۸; Javid & et al, ۲۰۱۷). همان‌طور که عمیق‌تر در مورد رابطه بین اخلاق کار اسلامی و رفتار انحرافی در محیط کار در پرتو ادبیات موجود بررسی می‌شود، شاهد کمی شواهد هستیم که نشان می‌دهد چگونه و چه زمانی باورهای مذهبی کارکنان به آن‌ها در کاهش رفتار انحرافی خود کمک می‌کند، که می‌تواند هنجارهای سازمانی را نقض کند و بر بهره‌وری تأثیر منفی بگذارد (Bennett & Robinson, ۲۰۰۳). بنابراین توصیه می‌شود که پژوهش‌های بیشتر برای درک تأثیر اخلاق کار اسلامی بر نتایج محیط کار ضروری انجام شود. پژوهش‌های قبلی بر اهمیت پژوهش سیاست به دلیل شیوع و پیامدهای منفی آن در سازمان‌ها تأکید کرده است (Abbas & et al, ۲۰۱۴; Naseer & et al, ۲۰۱۶; Vigoda & Cohen, ۲۰۰۲). اخلاق کار اسلامی می‌تواند به کاهش سیاست در محیط کار کمک کند و در نتیجه رفتارهای انحرافی را کاهش دهد. به طور خاص، سیاست سازمانی را به عنوان یک واسطه در رابطه رفتار انحرافی و اخلاق کار اسلامی معرفی ایفای نقش می‌کند. سیاست سازمانی شامل درگیر شدن در رفتارهای غیرمجاز، غیرمتمدانانه، منحرف کننده و غیرقانونی برای به دست آوردن قدرت، منابع و مزایا برای منافع شخصی است (Ferris & et al, ۱۹۸۹). این ارزیابی شخصی کارکنان از اعمال خود خدمتی سیاسی سایر کارکنان را نشان می‌دهد (Ferris & Kacmar, ۱۹۹۲). پژوهش‌ها نشان داده است که کارکنانی که سطوح بالایی از سیاست را در محیط کار خود درک می‌کنند، بیشتر درگیر اعمال انحرافی مانند رفتار سهل‌آمیز هستند (Meisler & Vigoda-Gadot, ۲۰۱۴; Miller & et al, ۲۰۰۸; Vigoda, ۲۰۰۰, ۲۰۰۱). سیاست سازمانی اغلب با یک محیط کاری خود خدمت و منفی همراه است و کارکنان را به سمت رفتارهای غیرمولد و انحرافی



سوق می‌دهد (Crawford & et al, ۲۰۱۹؛ Zettler & Hilbig, ۲۰۱۰). در مقابل، اخلاق کار اسلامی، رفتارهای مثبتی مانند سخت‌کوشی، فداکاری و انجام به موقع وظایف را ترویج می‌کند، در حالی که در عین حال رفتارهای منفی و انحرافی را منع می‌کند (Ali & Al-Owaihan, ۲۰۰۸؛ Ali & ۱۹۸۸، ۲۰۲۱؛ Düşmezkalender, Secilmis, and Yilmaz). پژوهش‌ها همچنین نشان داده است که کارکنانی که به اصول اخلاق کار اسلامی پایبند هستند کمتر درگیر رفتار سهل‌آمیز هستند (Morteza & et al, ۲۰۱۶؛ Rawwas & et al., ۲۰۱۸). بنابراین، پژوهش حاضر، استدلال می‌کند که کارکنانی که از اخلاق کار اسلامی پیروی می‌کنند، به دلیل تمایل آن‌ها به اجتناب از دخالت در سیاست برای به دست آوردن قدرت و منابع، کمتر در معرض رفتارهای انحرافی در محیط کار خواهند بود. در مجموع، اخلاق کار اسلامی می‌تواند شیوع سیاست‌های سازمانی را در محیط کار کاهش دهد، که به نوبه خود رفتارهای انحرافی را کاهش دهد. تأثیر منفی اخلاق کار اسلامی بر رفتارهای انحرافی از طریق سیاست سازمانی بستگی به نحوه رفتار سرپرستان با زیردستان خود دارد. پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که کارکنان ممکن است بسته به زمینه، واکنش‌های متفاوتی نسبت به رفتار توهین‌آمیز سرپرستان نشان دهند (Tepper, ۲۰۰۷؛ Zhang & Liao, ۲۰۱۵). کارکنانی که دارای حس قوی اخلاق کار اسلامی هستند تمایل دارند حتی در هنگام مواجهه با عوامل استرس‌زا در محیط کار مثبت و اخلاقی عمل کنند (Khan & et al., ۲۰۱۶؛ Morteza & et al., ۲۰۱۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بی‌نزاکتی سرپرست پیامدهای منفی هم برای سازمان و هم برای جامعه دارد (Porath & Pearson, ۲۰۱۳). قربانیان بی ادبی می‌توانند نگرش‌های منفی نسبت به شغل و سازمان خود ایجاد کنند که منجر به کاهش عملکرد و ضرر مالی می‌شود (Jawahar & Schreurs, ۲۰۱۸؛ Schilpzand & et al). در حالی که پژوهش‌های قبلی بر اثرات بی‌نزاکتی در محیط کار متمرکز شده‌اند (جوهر و شرورز، ۲۰۱۸؛ شیلیپسند و همکاران، ۲۰۱۶)، همچنین مهم است که چگونه بی‌نزاکتی به عنوان متغیر میانجی بر رابطه بین سیاست سازمانی و رفتارهای انحرافی در محیط کار عمل می‌کند. پژوهش حاضر، استدلال می‌کند که بی‌نزاکتی ممکن است تأثیر مثبت سیاست‌های سازمانی را بر رفتارهای انحرافی در محیط کار تشدید می‌کند. بنابراین سؤالات پژوهشی زیر ارائه می‌شود: چگونه اخلاق کار اسلامی کارکنان بر رفتار انحرافی محیط کار آن‌ها از طریق سیاست‌های سازمانی تأثیر می‌گذارد؟ و آیا بی‌نزاکتی سرپرست رابطه غیرمستقیم بین اخلاق کار اسلامی و رفتار انحرافی محیط کار را از طریق سیاست‌های سازمانی تعدیل می‌کند؟ برای پرداختن به سؤالات پژوهشی خود، از نظریه حفاظت از منابع استفاده می‌شود تا چگونه اخلاق کار اسلامی می‌تواند رفتار انحرافی را در محیط کار کاهش دهند. پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌کند که کارکنانی که منابع مذهبی قوی دارند، در مواجهه با عوامل استرس‌زای محیط کار ناشی از سیاست‌های سازمانی، کمتر احتمال دارد که رفتار انحرافی داشته باشند و منابع مذهبی نیز می‌توانند به عنوان حایلی در برابر اثرات منفی سیاست‌های سازمانی و بی‌نزاکتی در محیط کار بر رفتار انحرافی در محیط کار عمل کنند. پژوهش حاضر، چگونه و چه زمانی اخلاق کار اسلامی کارکنان رفتار انحرافی در محیط کار را کاهش می‌دهد، سیاست سازمانی را به‌عنوان پیوندی بین اخلاق کار اسلامی و رفتار انحرافی در محیط کار پیشنهاد می‌شود و از بی‌نزاکتی در محیط کار به‌عنوان عاملی استفاده می‌شود که این رابطه را میانجی می‌کند. پژوهش حاضر، بینش‌های در مورد اهمیت اخلاق کار اسلامی در کاهش رفتار انحرافی در محیط کار ارائه می‌دهد. علاوه بر این، پژوهش حاضر، را در زمینه فرهنگی مرتبط با یک کشور اسلامی در حال توسعه مانند ایران انجام می‌شود، جایی که فاصله قدرت زیاد و اجتناب از عدم قطعیت ممکن است به سطوح بالاتر فساد و رفتار غیراخلاقی کمک کند.

۲- مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

اخلاق کار اسلامی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار

«اخلاق» به اصول راهنمایی اشاره دارد که حق را از باطل تشخیص می‌دهد. مذهب اغلب به عنوان عامل کلیدی تعیین‌کننده ارزش‌های اخلاقی ذکر می‌شود و اکثر ادیان رفتار غیراخلاقی را تایید نمی‌کنند (Emerson & Mckinney, ۲۰۱۰). در دهه‌های اخیر، به دلیل پیروان زیاد اسلام در شمال آفریقا، خاورمیانه و آسیا، پژوهش‌های بر اخلاق



کاری مذهبی، و به‌ویژه بر روی اخلاق کار اسلامی متمرکز شده است (Ali, ۱۹۸۸; Javid et al., ۲۰۲۲; Kim & et al., ۲۰۰۹; Weber, ۱۹۹۲). مسلمانان معتبر است. نیت مهمترین معیار در ارزیابی اخلاقی بودن یک عمل در اسلام است و اعمال با نیت سوء، حرام تلقی می‌شود (Ali & Al-Owaihan, ۲۰۰۸). قرآن کریم می‌فرماید که افراد بر اساس اعمالشان مورد قضاوت قرار می‌گیرند. در زندگی روزمره، از مسلمانان انتظار می‌رود که همکاری و کمک کنند و این در تنظیمات سازمانی نیز صدق می‌کند، جایی که اصول اسلامی بر اهمیت روابط بین فردی خوب برای ایجاد یک محیط مولد و مفید تأکید می‌کند (Bouma et al., ۲۰۰۳). رفتارهای انحرافی در محیط کار پیامدهای مالی قابل توجهی برای سازمان‌ها دارد و میلیون‌ها یا حتی میلیاردها دلار هزینه دارد (Christian & Ellis, ۲۰۱۴; Dunlop & Lee, ۲۰۰۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل مختلف فردی، سازمانی، شغلی و زمینه‌ای می‌توانند در بروز رفتارهای انحرافی نقش داشته باشند. به عنوان مثال، عوامل مرتبط با کار شامل ویژگی‌های شغلی مانند تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست، و همچنین مسائل مربوط به نظارت مانند عدم پشتیبانی یا ارتباطات ضعیف، و مسائل با همتایان مانند عدم حمایت یا مشکلات در ساخت تیم است. پژوهش‌ها همچنین نشان داده است که سطوح بالای اخلاق کار اسلامی می‌تواند رفتارهای انحرافی در محیط کار را کاهش دهد، حتی در مواردی که سرپرستی توهین‌آمیز در سازمان وجود داشته باشد (Javed & et al, ۲۰۱۹) رابطه منفی بین اخلاق کار اسلامی و رفتارهای انحرافی در محیط کار می‌تواند از دریچه نظریه محافظت از منابع تفسیر کرد. بر اساس این نظریه، افراد دارای منابع محدودی مانند زمان، پول، انرژی و حمایت اجتماعی هستند و زمانی که این منابع در معرض تهدید یا تخلیه قرار می‌گیرند، استرس را تجربه می‌کنند. پایبندی به اخلاق کار اسلامی شامل پذیرش مجموعه‌ای از اصول اخلاقی است که از رفتارهای انحرافی مانند عدم صداقت، بی‌انصافی و بی‌احترامی جلوگیری می‌کند. بنابراین، با رعایت این اصول، افراد برای حفظ منابع ارزشمند خود از جمله زمان، انرژی، شهرت، شبکه حمایت اجتماعی، صداقت شخصی و رفاه مالی تلاش می‌کنند (Husin & Kernain, ۲۰۲۰). (Javid et al., ۲۰۲۲). به طور خاص، اخلاق کار اسلامی فضیلت تعهد به کار را برجسته می‌کند و بر اهمیت مشارکت فعالانه در وظایف تأکید می‌کند. این فداکاری به افراد کمک می‌کند تا منابع خود مانند زمان و انرژی را برای کار معنادار سرمایه‌گذاری کنند، بنابراین احتمال درگیر شدن در رفتارهای انحرافی مانند تنبلی یا خیال‌پردازی را کاهش می‌دهد. اخلاق کار اسلامی بر عدالت و سخاوت در محیط کار به عنوان شرایط لازم برای رفاه اجتماعی تأکید می‌کند. با ترویج رفتار منصفانه و عادلانه، افراد از یک محیط کاری مثبت حمایت می‌کنند و از بروز رفتارهای انحرافی مانند مسخره کردن کسی یا درگیر شدن در اظهارات نژادی می‌کاهند. در همین راستا، اخلاق کار اسلامی بر انجام کار به بهترین شکل ممکن، تشویق افراد برای سرمایه‌گذاری منابع خود در تلاش‌های مولد تأکید می‌کند. این تعهد به تعالی، احتمال درگیر شدن در رفتارهای انحرافی را کاهش می‌دهد (Husin & Kernain, ۲۰۲۰). علاوه بر این، اخلاق کار اسلامی بر اهمیت روابط انسانی در سازمان‌ها، ترویج تعاملات اجتماعی مثبت تأکید می‌کند. این تمرکز بر تقویت روابط سالم، احتمال درگیر شدن در رفتارهای مضر را کاهش می‌دهد، مانند شرمساری عمومی شخصی یا رفتار بی‌ادبانه با همکاران. علاوه بر این، اخلاق کار اسلامی بر ارزش کار ناشی از اهداف همراه به جای تمرکز صرف بر نتایج تأکید می‌کند. با همسو کردن مقاصد خود با اصول اخلاقی، افراد می‌توانند حفظ منابعی مانند صداقت و شهرت را در اولویت قرار دهند که از رفتارهای انحرافی مانند جعل و دریافت رشوه یا بحث درباره اطلاعات محرمانه جلوگیری می‌کند. در مجموع، اخلاق کار اسلامی باعث می‌شود که کارکنان این باور را داشته باشند که اقدامات خوب آن‌ها باعث محافظت و رشد منابع آن‌ها می‌شود، در حالی که اقدامات بد آن‌ها باعث می‌شود منابع ارزشمند و محدود خود را از دست بدهند که در نهایت آن‌ها را از انجام رفتارهای انحرافی در محیط کار باز می‌دارد. شواهد تجربی نشان می‌دهد که اخلاق کار اسلامی به طور منفی با رفتارهای انحرافی در محیط کار و به طور مثبت با نتایج مختلف مرتبط با شغل مرتبط است. به عنوان مثال، برخی از پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که اخلاق کار اسلامی رفتار انحرافی در محیط کار را کاهش می‌دهد (Düşmezkalender et al., ۲۰۲۱; Javed et al., ۲۰۱۹; Zia et al., ۲۰۲۲) پژوهش‌های دیگر



همچنین نشان داده است که اخلاق کار اسلامی به طور مثبت بر تعهد سازمانی (Yousef, ۲۰۲۰; Husin & Kernain, ۲۰۲۰) رفتار شهروندی سازمانی و رفتار اشتراک دانش تأثیر می‌گذارد (Javaid et al., ۲۰۲۰; Husin & Kernain, ۲۰۲۰) عملکرد انطباقی و رفتار کاری نوآورانه (Javed et al., ۲۰۱۷) و رضایت شغلی و تمایل به ترک شغل (Rokhman, ۲۰۱۰). بر اساس منطق نظری که توسط نظریه حفاظتاز منابع و شواهد تجربی پشتیبانی می‌شود، بنابراین فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود که:

فرضیه ۱: اخلاق کار اسلامی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار تأثیر دارد.

نقش میانجی سیاست سازمانی ادراک شده

اصطلاح "سیاست" در سازمان‌ها اغلب برای اشاره به استفاده از قدرت و نفوذ برای دستیابی به اهداف شخصی به هزینه دیگران یا سازمان به عنوان یک کل استفاده می‌شود. سیاست سازمانی را به عنوان اقداماتی که افراد برای پیشبرد منافع خود بدون توجه به رفاه دیگران یا سازمان انجام می‌دهند، تعریف می‌شود (Kacmar & Baron, ۱۹۹۹; Ferris et al., ۱۹۸۹). با افزودن به درک قبلی از سیاست سازمانی، تأکید می‌کنند که سیاست سازمانی در واقع ارزیابی ذهنی فرد از محیط کار است و بنابراین، محیط درک شده از سیاست در محیط کار بر نحوه تفکر، احساس و عمل کارکنان تأثیر می‌گذارد. (Cropanzano & Li, ۲۰۰۶) با تکیه بر فرضیه قبلی در مورد رابطه منفی بین اخلاق کار اسلامی با رفتارهای انحرافی در محیط کار که ریشه در تئوری حفاظت از منابع دارد، پژوهش حاضر، سیاست سازمانی درک شده به عنوان مکانیزمی که توضیح می‌دهد چرا اخلاق کار اسلامی ممکن است به طور منفی با رفتارهای انحرافی در محیط کار مرتبط باشد، گسترش می‌دهد. سیاست سازمانی ادراک شده رفتارهای مرتبط با منافع شخصی، جنگ قدرت و دستکاری در سازمان را برجسته می‌کند. به عنوان مثال، عواملی مانند از بین بردن دیگران، گروه‌های تأثیرگذار و اهمیت توافق با دیگران قدرتمند، محیطی را نشان می‌دهد که در آن منافع شخصی بر رفاه جمعی اولویت دارد. این رفتارها با اصول و ارزش‌های اخلاقی مورد حمایت اخلاق کار اسلامی ناسازگار است. علاوه بر این، افرادی که اصول اخلاقی، اخلاق کار اسلامی را تجسم می‌دهند، کمتر احتمال دارد که سیاست‌های سازمانی را در محیط کار خود درک کنند. این تصور به دلیل عدم همسویی بین ارزش‌های اخلاق کار اسلامی و رفتارهای خود خدمت‌رسان مرتبط با سیاست‌های سازمانی به وجود می‌آید. افرادی که اخلاق کار اسلامی را در اولویت قرار می‌دهند، تمایل بیشتری به تقویت روابط مثبت، ترویج انصاف و صداقت، و کمک به رفاه سازمان خود دارند، در نتیجه شیوع سیاست‌های سازمانی درک شده را کاهش می‌دهند. از سوی دیگر، ادراک رفتارهای سیاسی در درون سازمان می‌تواند محیطی با کاهش منابع ایجاد کند و منجر به افزایش رفتارهای انحرافی در محیط کار شود. هنگامی که کارکنان سطوح بالایی از سیاست‌های سازمانی را درک می‌کنند، این نشان دهنده وجود رفتارهایی مانند از بین بردن دیگران، وجود گروه‌های تأثیرگذار و فرهنگی است که در آن صحبت شفاف می‌شود. این رفتارهای سیاسی باعث ایجاد حس رقابت، جنگ قدرت و فقدان انصاف در سازمان می‌شود. در نتیجه، کارکنان ممکن است منابع خود مانند فرصت‌های رشد، شناخت و رفتار منصفانه را در معرض خطر تلقی کنند. ادراک سیاست‌های سازمانی می‌تواند واکنش‌های عاطفی منفی مانند احساس بی‌عدالتی، بی‌اعتمادی و سرخوردگی را در بین کارکنان ایجاد کند. این واکنش‌های عاطفی، همراه با ادراک کاهش منابع، می‌تواند افراد را به سمت رفتارهای انحرافی سوق دهد که راهی برای بازیابی حس کنترل یا جستجوی منافع شخصی در سازمان است. رفتارهای انحرافی، مانند درگیر شدن در مسائل شخصی در طول ساعات کاری، تصاحب اموال بدون اجازه، یا شایعه پراکنی ابزارهایی هستند که از طریق آن‌ها افراد تلاش می‌کنند کمبود منابع درک شده خود را برطرف کنند یا در برابر بی‌عدالتی‌های درک شده تلافی کنند. علاوه بر این، این تصور که تصمیمات پرداخت و ارتقاء به جای این که مبتنی بر سیاست‌های عینی باشد، تحت تأثیر عوامل سیاسی قرار می‌گیرد، می‌تواند احساس بی‌عدالتی و بی‌عدالتی را در بین کارکنان ایجاد کند. این تصور اعتماد کارکنان به سازمان و سیستم‌های آن را تضعیف می‌کند و منجر به افزایش رفتارهای انحرافی در محیط کار به عنوان راهی برای ابراز نارضایتی یا جستجوی مزایای شخصی می‌شود. این امر همچنین می‌تواند تأثیر منفی بر بهره‌وری کلی کارکنان و عملکرد سازمان ایجاد کند (Vigoda,



(۲۰۰۰) بر اساس مطالب فوق، پیشنهاد می‌شود که سیاست سازمانی می‌تواند به عنوان میانجی در رابطه بین اخلاق کار اسلامی و رفتار انحرافی در محیط کار ایفا نقش می‌کند. انتظار می‌رود که سطح بالاتر اخلاق کار اسلامی با سطح پایین‌تری از سیاست‌های سازمانی مرتبط باشد که در نهایت با سطح پایین‌تری از رفتارهای انحرافی در محیط کار همراه خواهد بود. در سطح تجربی، سیاست‌های سازمانی می‌تواند با ایجاد احساس نابرابری و منجر به نگرش‌ها و رفتارهای منفی بر عملکرد کارکنان تأثیر منفی بگذارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سیاست سازمانی می‌تواند منجر به کاهش رضایت شغلی شود (Ferris & Kacmar, ۱۹۹۲) ناراضی‌تانی از سرپرستان و کاهش تعهد سازمانی (Maslyn & Fedor, ۱۹۹۸). مربوط به پنهان کردن اطلاعات، غیبت (Eran Vigoda-Gadot, ۲۰۰۷)، اضطراب شغلی (Ferris et al., ۱۹۹۶)، استرس و فرسودگی شغلی (Vigoda-Gadot & Talmud, ۲۰۱۰)، رفتار کاری ضد تولید (Bashir et al., ۲۰۱۹; Rosen, ۲۰۰۶) و تمایل به ترک شغل (Maslyn & Fedor, ۱۹۹۸). در یک پژوهش اخیر بر روی معلمان دانشگاه، رابطه منفی بین سیاست سازمانی و رفتارهای کاری مولد پیدا کردند. ایده این است که کارکنان وقتی سیاست‌های سازمانی را درک می‌کنند تمایل دارند رفتار منفی داشته باشند، در حالی که روابط مبادله منصفانه ممکن است سطح سیاست‌های سازمانی را کاهش دهد (Vigoda-Gadot, ۲۰۰۷) بنابراین، فرضیه زیر مطرح می‌شود که:

فرضیه ۲: سیاست سازمانی رابطه منفی بین اخلاق کار اسلامی با رفتارهای انحرافی در محیط کار را واسطه می‌کند.

نقش میانجی بی‌نزاکتی سرپرست

بی‌نزاکتی در محیط کار، که به عنوان رفتار انحرافی با شدت کم با قصد مبهم برای آسیب تعریف می‌شود (Andersson & Pearson, ۱۹۹۹) به یک پدیده رایج در محیط کار تبدیل شده است (Porath & Pearson, ۲۰۱۳) و در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (Schilpzand et al., ۲۰۱۶). این می‌تواند شامل اظهارات تحقیرآمیز، گوش ندادن به دیگران و رفتار بی‌ادبانه باشد (Porath & Pearson, ۲۰۱۳) و می‌تواند توسط همکاران، رهبران / سرپرستان، یا حتی مشتریان اعمال شود. می‌تواند پیامدهای مالی قابل توجهی برای سازمان‌ها ایجاد کند، مانند کاهش تلاش کاری و تعاملات منفی با مشتریان (Porath & Pearson, ۲۰۱۳). اهداف بی‌نزاکتی در محیط کار نیز سطوح بالایی از پریشانی و انگیزه پایین را تجربه می‌کنند که می‌تواند قصد آن‌ها را برای ترک کار افزایش دهد (Bowling & Beehr, ۲۰۰۶). این پژوهش بر بی‌نزاکتی سرپرست متمرکز است، زیرا پیامدهای قابل توجهی برای سازمان‌ها از منظر عملکرد دارد (Jawahar & Schreurs, ۲۰۱۸) و همچنین برای افراد از نظر سلامت و کیفیت زندگی (Hogan & Kaiser, ۲۰۰۵). یکی دیگر از دلایل تمرکز بر بی‌نزاکتی سرپرست این است که می‌تواند مضرتر از بی‌نزاکتی همکاران یا مشتریان باشد، زیرا سرپرستان به طور مستقیم کارکنان را برای پاداش و ارتقاء ارزیابی می‌کنند. بی‌نزاکتی سرپرست به عنوان سوء استفاده عاطفی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند روحیه کارکنان را کاهش دهد (Hershcovis & Barling, ۲۰۱۰). بی‌نزاکتی سرپرست می‌تواند پیامدهای رفتاری منفی شدیدی به همراه داشته باشد. بررسی ۱۵ سال پژوهش در مورد بی‌نزاکتی در محیط کار، ارتباط منفی بین بی‌نزاکتی و پیامدهای شغلی مختلف، از جمله نگرش‌ها و رفتارهای کارکنان را نشان داد (Schilpzand et al., ۲۰۱۶). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بی‌نزاکتی سرپرست عملکرد نقش و نقش اضافی و درگیری کاری را کاهش می‌دهد (Chen & Li, ۲۰۱۳; Taylor et al., ۲۰۱۲). حتی زمانی که کارکنان به سرپرستان خود اعتماد بیشتری دارند، بی‌نزاکتی سرپرست همچنان در نقش و عملکرد اضافی کاهش می‌یابد. بی‌نزاکتی سرپرست می‌تواند از منظر سازمانی یک موقعیت مخاطره آمیز ایجاد کند و زمانی که کارکنان سیاست‌های سازمانی را درک می‌کنند، اهداف عملکرد را در معرض خطر قرار دهد. ترکیبی از سیاست‌های سازمانی بالا و بی‌نزاکتی سرپرست می‌تواند تصویری از بی‌عدالتی و بی‌عدالتی را در بین کارکنان ایجاد کند. هنگامی که افراد دریافته‌اند که منابع، پاداش‌ها و فرصت‌ها بر اساس ملاحظات سیاسی یا رفتار مغرضانه توزیع شده است، ممکن است احساس عدالت کنند که می‌تواند منجر به تخلیه منابع عاطفی و روانی شود و احتمال نتایج منفی را افزایش دهد، حتی اگر کارکنان به سرپرست اعتماد دارد (Jawahar & Schreurs, ۲۰۱۸; Naseer et al., ۲۰۱۶). در چنین



شرایطی، کارکنان ممکن است درگیر شدن در رفتارهای انحرافی در محیط کار را به عنوان روشی برای بازیابی حس کنترل، تلافی یا بازگرداندن عدالت درک شده خود توجیه کنند. این رفتار انحرافی به عنوان یک پاسخ معکوس به بی‌عدالتی درک شده در سازمان عمل می‌کند. بنابراین فرضیه زیر مطرح می‌شود که:

فرضیه ۲: بی‌نزاکتی سرپرست رابطه منفی بین اخلاق کار اسلامی با رفتارهای انحرافی در محیط کار را واسطه می‌کند.

پیشینه پژوهش

مقبول و همکاران^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان سرپرستی توهین‌آمیز، رفتار انحرافی محیط کار را در کارکنان پرستاری ایجاد می‌کند: نقش نقض قرارداد روانی و اخلاق کاری اسلامی که با نمونه آماری ۲۶۹ نفر از کارکنان بانک و روش توصیفی از نوع همبستگی انجام داد به این نتیجه رسیدند که سرپرستی توهین‌آمیز به طور مثبت بر رفتار انحرافی محیط کار تأثیر گذاشت و نقض قرارداد روانی واسطه این رابطه بود. با این حال، کارکنان با اخلاق کاری اسلامی بالا کمتر به رفتار انحرافی محیط کار اهمیت دادند و کمتر به آن‌ها توجه می‌کنند. بنابراین، اخلاق کاری اسلامی اثر سرپرستی توهین‌آمیز بر رفتار انحرافی محیط کار کاهش داد. امان الله و محمود^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان نقش اخلاق کاری اسلامی در شکل دادن به رفتار کارکنان: شواهدی از بخش بانکداری در آزاد جامو و کشمیر که با نمونه آماری ۲۶۹ نفر از کارکنان بانک و روش توصیفی از نوع همبستگی انجام داد به این نتیجه رسیدند که اخلاق کاری اسلامی با رفتارهای مثبت رابطه مثبت و با رفتارهای منفی رابطه منفی داشت. زیا و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر تعاملی اخلاق کاری اسلامی و تبادل اعضای رهبر بر رفتار انحرافی محیط کار و عملکرد انطباقی که با نمونه آماری ۲۶۹ نفر از کارکنان بانک و روش توصیفی از نوع همبستگی انجام داد به این نتیجه رسیدند که تبادل اعضای رهبر تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد تطبیقی داشت و به طور منفی با رفتار انحرافی محیط کار کارکنان مرتبط بود. نتایج اثر تعدیل نشان داد که رابطه مثبت تبادل اعضای رهبر با عملکرد انطباقی و رابطه منفی با رفتار انحرافی محیط کار برای اخلاق کاری اسلامی قوی‌تر بود. وحیدی^۴ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان تأثیر اخلاق کار مذهبی بر رفتارهای انحرافی و نقش میانجیگری جو اخلاقی که در اندونزی با نمونه آماری ۱۰۰ نفر و روش توصیفی از نوع همبستگی انجام داد به این نتیجه رسیدند که اخلاق کار مذهبی بر رفتارهای انحرافی تأثیر منفی داشت و جو اخلاقی نقش میانجیگری داشت. کوکلیتی^۵ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان تعامل رهبری اسلامی و رفتارهای انحرافی در محیط کار چگونه است؟ با رویکرد آمیخته اکتشافی انجام داد به این نتیجه رسیدند که از نتایج مثبت رهبری اسلامی، ملاحظات سازمانی و پذیرش معنویت اسلامی از طریق ارزش‌های سازمانی و دیدگاه دین داری برای تولید، ایجاد انگیزه ذاتی و افزایش رفاه کارکنان که برای مقابله با رفتارهای انحرافی در محیط کار بود. و رهبری اسلامی از افزایش رفتارهای انحرافی مانند گرفتن استراحت بیش از حد، آهسته کار کردن، سرقت یا از بین بردن تجهیزات اداری، فساد، تجاوز شخصی و سازمانی جلوگیری می‌کرد. جواد و همکاران^۶ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان تأثیر سرپرستی توهین‌آمیز بر رفتار انحرافی کاری با نقش میان‌جی اخلاق کار اسلامی که با روش توصیفی از نوع همبستگی و نمونه آماری ۱۳۶ نفر در پاکستان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که سرپرستی توهین‌آمیز بر رفتار انحرافی کاری تأثیر مثبت داشت و اخلاق کار اسلامی نقش میان‌جی داشت. زینی و همکاران^۷ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان بررسی مقدماتی تأثیر دینداری و اخلاق کار اسلامی نسبت به رفتار انحرافی در محیط کار در بین کارمندان مسلمان مالزی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که افزایش دینداری و اخلاق کار اسلامی، رفتار انحرافی در محیط کار کاهش می‌یابد.

۱ - Maqbool & et al

۲ - Aman-Ullah & Mehmood

۳ - Zia & et al

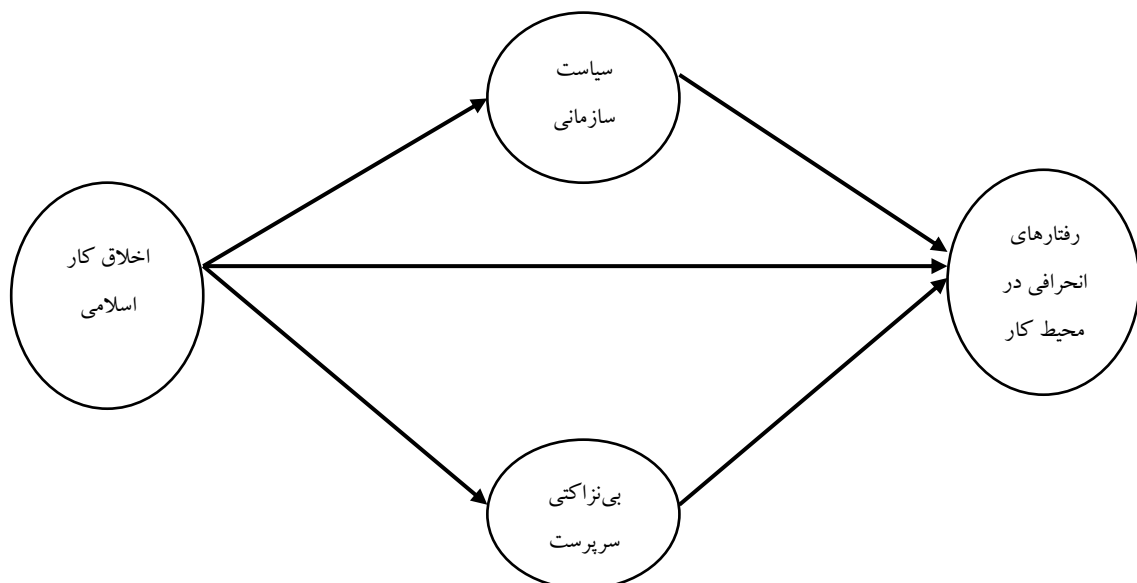
۴ - Wahyudi

۵ - Kuklytë

۶ - Javed & et al

۷ - Zaini & et al

همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، متغیر مستقل اخلاق کار اسلامی است. تمرکز پژوهش حاضر، بر اخلاق کار اسلامی است زیرا بیشترین پژوهش‌ها در مورد اخلاق کار غربی متمرکز شده است. که دارای سه بعد توجه به تلاش و فعالیت در اسلام، ارزش‌های اخلاق کار اسلامی و توجه به ارتباطات انسانی در اخلاق کار اسلامی است. متغیر وابسته رفتارهای انحرافی در محیط کار است. رفتارهای انحرافی در محیط کار به دو دسته انحرافات بین فردی و سازمانی طبقه بندی می‌شوند. پژوهش حاضر، بر هر دو بعد رفتارهای انحرافی در محیط کار متمرکز بود زیرا بسیاری از پژوهشگران دیگر نیز از هر دوی این ابعاد به طور همزمان استفاده کردند و سیاست سازمانی ادراک شده و بی‌نزاکتی سرپرست به عنوان میانجی رابطه بین اخلاق کار اسلامی با رفتارهای انحرافی در محیط کار نقش ایفا می‌کنند.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر تحلیل داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی (مدل سازی معادله ساختاری) می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کارکنان شاغل در دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری به تعداد ۲۲۵۵ نفر می‌باشد که نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای از بین این افراد صورت خواهد گرفت. به منظور نمونه‌گیری، پژوهش‌گر ابتدا یک نمونه مقدماتی گرفت و واریانس نمونه را محاسبه کرد که بیشترین مقدار واریانس ۰/۶۰۱ محاسبه گردید سپس با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه محاسبه گردید.

فرمول شماره (۱) نمونه‌گیری جامعه محدود

$$n = \frac{N(t_{\alpha/2})^2 S^2}{(N-1)\epsilon^2 + (t_{\alpha/2})^2 S^2}$$

$$n = \frac{2255 * (1.96)^2 (0.601)}{(2255 - 1)(0.05)^2 + (1.96)^2 (0.601)} = 600$$

براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران برای کل مناطق ۶۰۰ نمونه استخراج گردید و سپس متناسب با حجم هر منطقه زیرمجموعه نمونه لازم برای آن دانشگاه استخراج گردید. بنابراین در این پژوهش با توجه به حجم نمونه محاسبه شده با توجه به فرمول کوکران، متناسب با هر طبقه که در جدول شماره ۱ آمده است نمونه‌گیری صورت گرفت.

جدول (۱): اطلاعات مربوط به جامعه آماری

منطقه	تعداد پرسنل	حجم نمونه
دانشگاه دولتی شهرکرد شهرکرد	۱۰۰۰	۲۷۰
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد	۷۰۰	۱۸۰
دانشگاه پیام نور استان	۳۰۰	۸۰
دانشگاه جامع علمی و کاربردی استان	۲۰۰	۶۰
موسسه غیر انتفاعی	۵۵	۱۰
جمع کل	۲۲۵۵	۶۰۰

در این پژوهش برای گردآوری داده های مورد نیاز تحقیق از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. سوالات تخصصی در طیف لیکرت بوده که نحوه امتیاز دهی به صورت زیر می باشد: ترکیب سوالات پرسشنامه به ترتیب زیر می باشد:

جدول شماره (۲) ترکیب سوالات پرسشنامه

متغیرهای مورد بررسی	تعداد سوالات	نگارنده
اخلاق کار اسلامی	۱۷	علی (۱۹۹۲)
رفتارهای انحرافی در محیط کار	۲۱	بنت و رایبسون (۲۰۰۰)
سیاست سازمانی ادراک شده	۱۵	کاچمار و کارلسون (۱۹۹۷)
بی نزاکتی سرپرست	۴	کورتینا و همکاران (۲۰۰۱)

به منظور بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه ها قبل از اجرا با استفاده از نظرات اساتید و خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. به منظور بررسی روایی صوری پرسشنامه های مذکور توسط ۳۰ نفر از جامعه آماری پژوهش تکمیل گردید و پس از ویرایش مفهومی برخی از سوالات، ابزار اندازه گیری از روایی صوری برخوردار گردید. تمامی شاخص های برازش، سوالها بالای ۰/۹ هستند و این نشان دهنده مورد قبول بودن گویه ها است. خلاصه نتایج تحلیل عاملی تاییدی در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

جدول شماره ۲. نتایج تحلیل عاملی تاییدی ابزارهای پژوهش

سوالات	پرسش نامه	نتایج تحلیل عاملی تاییدی	نتیجه گیری
سوالات ۱ تا ۱۷	اخلاق کار اسلامی	$\chi^2/df = ۰/۹۹$, $GFI = ۰/۹۷$, $AGFI = ۰/۹۶$, $RMSEA = ۰/۰۰۰$	برازش مدل مناسب است
سوالات ۱۸ تا ۳۸	رفتارهای انحرافی در محیط کار	$\chi^2/df = ۰/۸۸$, $GFI = ۰/۹۷$, $AGFI = ۰/۹۶$, $RMSEA = ۰/۰۰۰$	برازش مدل مناسب است
سوالات ۳۹ تا ۵۳	سیاست سازمانی ادراک شده	$\chi^2/df = ۰/۹۲$, $GFI = ۰/۹۵$, $AGFI = ۰/۹۳$, $RMSEA = ۰/۰۰۱$	برازش مدل مناسب است
سوالات ۵۴ تا ۵۷	بی نزاکتی سرپرست	$\chi^2/df = ۰/۹۳$, $GFI = ۰/۹۴$,	برازش مدل مناسب است



به منظور سنجش پایایی یک نمونه ی اولیه شامل ۳۰ پرسشنامه پیش آزمون شد و سپس با استفاده از داده های به دست آمده میزان ضریب قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که تمامی متغیرها بالای ۰/۷ هستند و این نشان دهنده مورد قبول بودن گویه ها است.

جدول (۳) ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه پژوهش

مؤلفه ها	ضریب آلفای کرونباخ
اخلاق کار اسلامی	۰/۹۰
رفتارهای انحرافی در محیط کار	۰/۹۰
سیاست سازمانی ادراک شده	۰/۸۸
بی نزاکتی سرپرست	۰/۸۰

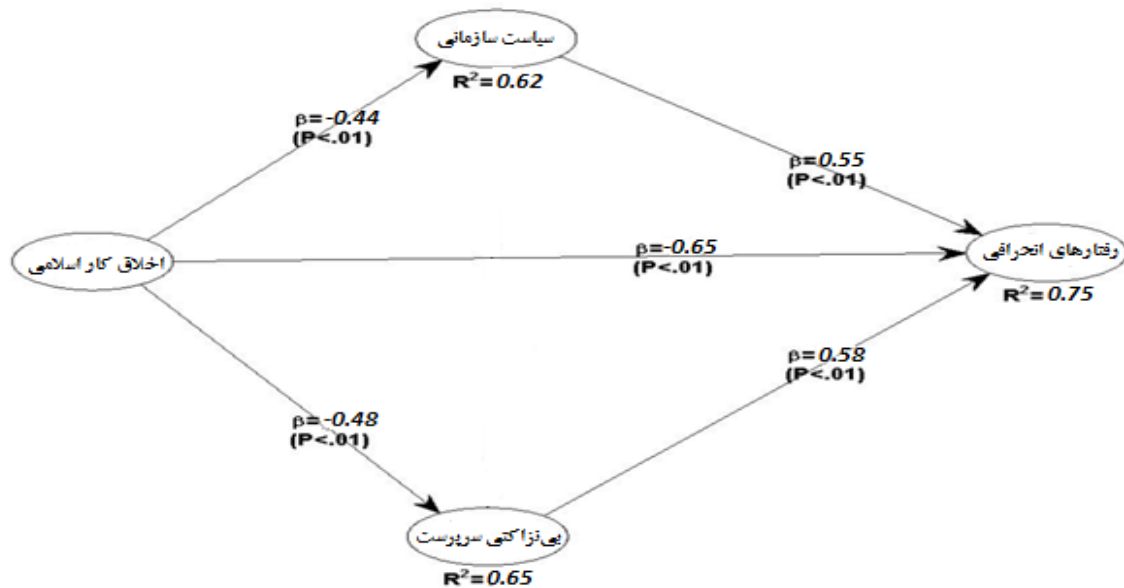
۴- یافته‌های پژوهش

بررسی اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کننده ها نشان داد که ۹۵٪ متاهل و ۵٪ مجرد بودند. ۲۰٪ دارای مدرک کارشناسی، ۷۰٪ کارشناسی ارشد و ۱۰٪ هم دارای مدرک دکتری بودند. میانگین سن آن‌ها ۴۵ سال و میانگین سابقه کاری ۱۲ سال بود.

جدول (۴) اطلاعات توصیفی و وضعیت نرمال بودن متغیرهای پژوهش با آزمون کولموگروف اسمیرنوف (K-S)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کولموگروف-اسمیرنوف	مقدار معناداری
اخلاق کار اسلامی	۳/۵۵	۰/۶۲	۱/۸۰۸	۰/۱۱۳
رفتارهای انحرافی در محیط کار	۴/۰۵	۰/۵۶	۱/۷۰۵	۰/۱۱۱
سیاست سازمانی ادراک شده	۴/۳۳	۰/۶۵	۱/۸۷۷	۰/۱۴۵
بی‌نزاکتی سرپرست	۴/۴۴	۰/۶۳	۱/۸۵۵	۰/۱۲۹

با توجه به جدول (۴) سطح معناداری متغیرها از سطح ۰/۰۵ بزرگتر است ($P > 0.05$) پس نرمال بودن داده‌ها تایید می‌شود و می‌توان برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. مدل اصلی پژوهش



شکل ۲ مدل اصلی پژوهش

جدول (۵) برازش مدل

شاخص‌های مورد بررسی	مقدار استاندارد	مقدار مدل	نتیجه گیری
---------------------	-----------------	-----------	------------

برازش مدل مناسب است	۲/۲۵	کمتر از ۳/۳ در حالت ایده آل	AM F
برازش مدل مناسب است	۱/۰۱	مقدار مناسب بیشتر از ۲۵/۰	GOF
برازش مدل مناسب است	۱	حالت ایده آل ۱	SPR
برازش مدل مناسب است	۱	حالت ایده آل ۱	RSCR
برازش مدل مناسب است	۱	بیش از ۷/۰	SSR
برازش مدل مناسب است	۱	بیش از ۷/۰	NLBDR

با توجه به جدول (۵) مدل وضعیت مناسب و ایده آلی دارد لذا برازش مدل معنادار است.

جدول (۶) همبستگی بین متغیرهای مکنون و خطا

بی‌نزاکتی سرپرست	سیاست سازمانی ادراک شده	رفتارهای انحرافی در محیط کار	اخلاق کار اسلامی
۰/۶۲	۰/۵۸	۰/۵۶	(۰/۹۶)
۰/۵۹	۰/۶۱	(۰/۹۲)	۰/۶۲
۰/۵۸	(۰/۹۱)	۰/۵۲	۰/۶۱
(۰/۹۵)	۰/۵۹	۰/۶۵	۰/۶۳

جدول (۸) نتیجه کلی آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه	آماره t	R ^۲	β	ادعای فرضیه‌های پژوهش	فرضیه
تأیید	< ۰/۰۰۱	۰/۷۵۰	۰/۶۵۰	اخلاق کار اسلامی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار تأثیر دارد.	اول
تأیید	< ۰/۰۰۱	۰/۶۲۵	-۰/۴۴۴	سیاست سازمانی ادراک شده تأثیر دارد.	دوم
تأیید	< ۰/۰۰۱	۰/۶۵۵	-۰/۴۸۷	بی‌نزاکتی سرپرست تأثیر دارد.	سوم
تأیید	< ۰/۰۰۱	۰/۵۵۴		رفتارهای انحرافی در محیط کار تأثیر دارد.	چهارم
تأیید	< ۰/۰۰۱	۰/۵۸۲		سیاست سازمانی ادراک شده بر رفتارهای انحرافی در محیط کار تأثیر دارد.	پنجم

یک فرض زیربنایی مدل پیشنهادی حاضر، وجود مسیرهای واسطه‌ای بود که این روابط با استفاده از روش بوت‌استرپ^۱ بررسی شدند. نتایج بوت‌استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای مدل پیشنهادی را می‌توان در جدول ۸ مشاهده نمود. همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهد، حد پایین فاصله اطمینان برای سیاست سازمانی ادراک شده، به عنوان متغیر میانجی بین اخلاق کار اسلامی با رفتارهای انحرافی در محیط کار (۰/۰۹۹۰) و حد بالای آن (۰/۰۲۲۰) است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان، ۹۵ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت‌استرپ ۵۰۰۰ است. با توجه به این که صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، این رابطه واسطه‌ای معنی‌دار است؛ بنابراین سیاست سازمانی ادراک شده در بین رابطه بین اخلاق کار اسلامی با رفتارهای انحرافی در محیط کار، به عنوان متغیر میانجی ایفای نقش می‌کند؛ همچنین، حد پایین فاصله اطمینان برای بی‌نزاکتی سرپرست، به عنوان متغیر میانجی بین اخلاق کار اسلامی با رفتارهای انحرافی در محیط کار (۰/۰۹۱۱) و حد بالای آن (۰/۰۱۱۱) است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان، ۹۵ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت‌استرپ ۵۰۰۰ است. با توجه به این که صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، این رابطه واسطه‌ای معنی‌دار است؛ بنابراین برای بی‌نزاکتی سرپرست در بین رابطه بین اخلاق کار اسلامی با رفتارهای انحرافی در محیط کار، به عنوان متغیر میانجی ایفای نقش می‌کند.

جدول (۷) نتایج بوت‌استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای مدل پیشنهادی

^۱ - Bootstrap

مسیر	مقدار	بوت	سوگیری	خطای	سطح اطمینان ۰/۹۵
				استاندارد	حد پایین حد بالا
اخلاق کار اسلامی - سیاست سازمانی ادراک شده - رفتارهای انحرافی در محیط کار	۰/۰۴۳۳	۰/۰۴۲۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۰۱	۰/۰۹۹۰ ۰/۰۲۲۰
اخلاق کار اسلامی - بی‌نزاکتی سرپرست - رفتارهای انحرافی در محیط کار	۰/۰۴۱۱	۰/۰۴۱۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۱۱	۰/۰۹۱۱ ۰/۰۱۱۱

نهایتاً جهت برازش کلی مدل، از شاخص‌هایی همچون میانگین نرخ تورم واریانی، شاخص نیکویی برازش کلی، میانگین ضریب مسیر و میانگین ضریب تعیین استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول (۸) شاخص‌های برازش کلی مدل از نرم افزار وارپ پی ال اس

شاخص‌های برازش	میزان	ملاک	معناداری	تفسیر
میانگین نرخ تورم واریانس ^۱	۲/۳۳۵	<۵ قابل قبول، ایده آل	-	برازش مطلوب
شاخص نیکویی برازش کلی ^۲	۰/۶۵۰	>۰/۱ ضعیف، >۰/۲۵ متوسط، >۰/۳۶ عالی	-	برازش مطلوب
میانگین ضریب مسیر ^۳	۰/۵۲۵	<۰/۰۵	<۰/۰۰۱	برازش مطلوب
میانگین ضریب تعیین ^۴	۰/۶۷۳	<۰/۰۵	<۰/۰۰۱	برازش مطلوب

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، نشان داد این‌که چگونه پایبندی کارکنان به اخلاق کار اسلامی می‌تواند به کاهش اثرات منفی سیاست‌های سازمانی و بی‌نزاکتی محیط کار بر رفتارهای انحرافی در محیط کار کمک کند. همان‌طور که با استفاده از نظریه حفاظت از منابع فرض شد، رابطه منفی بین اخلاق کار اسلامی با نقش میانجی سیاست سازمانی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار تایید شد. نتایج نشان داد که سیاست سازمانی واسطه این رابطه منفی است. علاوه بر این، بی‌نزاکتی سرپرست در یک محیط سیاسی، رابطه بین سیاست سازمانی و رفتارهای انحرافی در محیط کار را میانجی می‌کند. با این حال، مشخص شد کارکنانی که از اصول اخلاق کار اسلامی پیروی می‌کردند نسبت به بی‌نزاکتی سرپرست انعطاف‌پذیر بودند و کمتر درگیر رفتارهای انحرافی در محیط کار بودند. پژوهش حاضر، کمک‌های نظری به ادبیات موجود در مورد اخلاق کار اسلامی، رفتارهای انحرافی در محیط کار و سیاست سازمانی می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر، رابطه منفی ثابتی را بین پایبندی کارکنان به اخلاق کار اسلامی و ادراکات آن‌ها از سیاست و رفتارهای انحرافی در محیط کار نشان می‌دهد که با پژوهش‌های قبلی همسو است، که تایید می‌کنند اخلاق کار اسلامی به عنوان یک منبع روان‌شناختی عمل می‌کند، کارکنان را برای نشان دادن رفتارهای اجتماعی و به طور همزمان بازدارنده آن‌ها می‌کند. از درگیر شدن در اقدامات غیرمولد مانند سیاست اداری و رفتارهای انحرافی در محیط کار (گوتسیس و کورتزی، ۲۰۱۰؛ اسلام و همکاران، ۲۰۲۱؛ جاوید و همکاران، ۲۰۱۹). با تأیید این یافته‌های قبلی،

^۱ -Average Variance Inflation Factor (AVIF)

^۲ -Goodness-of Fit Index (GOF)

^۳ -Average path coefficient (APC)

^۴ -Average R-squared (ARS)



پژوهش حاضر، درک نقش اخلاق کار اسلامی را به عنوان منبعی ارزشمند برای شکل‌دهی رفتار کارکنان در بافت سازمانی تقویت می‌کند. به‌ویژه در ایران، جایی که اکثریت جمعیت به ایمان اسلامی اعتقاد دارند. ثانیاً، پژوهش حاضر، به دنبال بررسی ارتباط بین اخلاق کار اسلامی و رفتارهای انحرافی در محیط کار و در عین حال بررسی نقش میانجی سیاست سازمانی در این رابطه بود. نتایج پژوهش حاضر، از نقش میانجی سیاست سازمانی در رابطه بین اخلاق کار اسلامی و رفتارهای انحرافی در محیط کار پشتیبانی می‌کند. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های قبلی انجام شده توسط کروپانزانو و لی (۲۰۰۶) و فریس و همکاران (۱۹۹۶) مطابقت دارد که نشان می‌دهد کارکنانی که به اخلاق کار اسلامی پایبند هستند، کمتر درگیر سیاست‌های سازمانی می‌شوند، در نتیجه منجر به کاهش رفتارهای انحرافی در محیط کار می‌شود. با تکرار و بسط این یافته‌های قبلی، مطالعه ما این درک را تقویت می‌کند که اخلاق کار اسلامی تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌های سازمانی دارد، که به نوبه خود بر وقوع رفتارهای انحرافی در محیط کار تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، درک محیط کار به عنوان سیاسی، که در آن کارکنان معتقدند باید در رقابت برای منابع محدودی مانند قدرت، روابط، یا پست‌های کلیدی شرکت کنند (فریس و همکاران، ۱۹۸۹؛ کاجمار و فریس، ۱۹۹۱)، با افزایش رفتارهای انحرافی در محیط کار اونیل و همکاران (۲۰۱۳) با این حال، افرادی که به اخلاق کار اسلامی پایبند هستند معتقدند که اعمال آن‌ها دائماً توسط خداوند مشاهده می‌شود و بر اساس اعمال خود قضاوت و پاداش را پیش بینی می‌کنند (جاوید و همکاران، ۲۰۱۷). این اعتقاد دینی آن‌ها را از انجام رفتارهای انحرافی باز می‌دارد. علاوه بر این، انرژی مثبت به دست آمده از اخلاق کار اسلامی تمرکز قوی بر انجام وظایف خود را به بهترین شکل ممکن تقویت می‌کند و به اشتراک‌گذاری منافع با دیگران را ترویج می‌کند، در نتیجه نیاز به درگیر شدن در رفتارهای سیاسی را کاهش می‌دهد. با برجسته کردن تأثیر اخلاق کار اسلامی در جلوگیری از رفتارهای انحرافی در محیط کار در زمینه سیاست سازمانی، پژوهش حاضر، به درک عمیق‌تر عواملی که رفتار کارکنان را شکل می‌دهند و مداخلاتی را با هدف ارتقای رفتار اخلاقی در سازمان‌ها کمک می‌کند. ثالثاً، بررسی نقش میانجی بی‌نزاکتی سرپرست در رابطه بین اخلاق کار اسلامی و رفتارهای انحرافی در محیط کار است. یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهد بی‌نزاکتی سرپرست، به عنوان یک عامل استرس‌زای مهم در محیط کار، رفتارهای انحرافی در محیط کار تقویت می‌کند، که با پژوهش‌های جواهر و شرورز (۲۰۱۸) و نصیر و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی دارد. وجود بی‌نزاکتی سرپرست در محیط سازمانی احتمال درگیر شدن کارکنان در رفتارهای انحرافی را افزایش می‌دهد، زیرا توانایی آن‌ها را برای انجام مؤثر مسئولیت‌های شغلی خود مختل می‌کند، همان‌طور استس و وانگ (۲۰۰۸) و اسلیتر و همکاران (۲۰۱۲) تایید کردند ترکیبی از سیاست سازمانی و بی‌نزاکتی سرپرست، یک محیط کاری سمی ایجاد می‌کند که فشار را بر کارکنان افزایش می‌دهد و آن‌ها را وادار می‌کند تا به رفتارهای انحرافی به عنوان مکانیزم مقابله متوسل شوند، همان‌طور که وو و همکاران (۲۰۱۴) پیشنهاد کردند. این یافته‌ها بر اهمیت پرورش فرهنگ محیط کار مثبت تأکید می‌کند که استرس‌های محیط کار را به حداقل می‌رساند و رفتار سازمانی مثبت را ترویج می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی که اثرات واسطه‌ای منابع شخصی را بر رفتارهای انحرافی در محیط کار بررسی کرده‌اند، مطابقت دارد، همان‌طور که کروپانزانو و لی (۲۰۰۶) و فریس و همکاران (۱۹۹۶) این امر را تایید کردند. بر اساس این ادبیات، پژوهش حاضر، نقش مهم اخلاق کار اسلامی را به عنوان یک منبع شخصی که می‌تواند تأثیر منفی رفتار سازمانی سیاسی و بی‌نزاکتی سرپرست را بر رفتارهای انحرافی در محیط کار کاهش دهد، تقویت می‌کند. نتایج داد که کارکنانی که از اصول اخلاق کار اسلامی حمایت می‌کنند، علی‌رغم وجود عوامل استرس‌زا در محیط کار مانند بی‌نزاکتی سرپرست، به احتمال زیاد رفتارهای مثبتی از خود نشان می‌دهند. این نشان می‌دهد که اخلاق کار اسلامی می‌تواند به عنوان یک عامل محافظتی در برابر رفتارهای انحرافی در محیط کار عمل کند (جاوید و همکاران، ۲۰۱۷). این یافته‌ها این تصور را تقویت می‌کنند که افراد با پایگاه منابع شخصی قوی برای هدایت عوامل استرس‌زا در محیط کار و حفظ رفتارهای مثبت مجهزتر هستند (کروپانزانو و لی، ۲۰۰۶).



پژوهش حاضر پیامدهای عملی ارزشمندی را برای دانشگاه‌ها و رهبران آن ارائه می‌دهد به ویژه آن‌هایی که در کشورهای مسلمان مانند ایران (دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری) که کارکنان مسلمان هستند. اولاً، دانشگاه‌ها باید ترویج اصول قوی اخلاق کار اسلامی در محیط کار را در اولویت قرار دهند. مشخص شده است که اخلاق کار اسلامی به طور مثبت بر رفتارهای اخلاقی کارکنان تأثیر می‌گذارد (راواس و همکاران، ۲۰۱۸) و می‌تواند نقش مهمی در کاهش رفتارهای کاری غیرمولد مانند سیاست‌های سازمانی ایفا کند بنابراین رهبران دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری باید کارکنان را تشویق کنند که از این اصول پیروی کنند و آن‌ها را در فرهنگ سازمانی ارتقا دهند. برای ایجاد یک محیط کاری مثبت و اخلاقی، دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری می‌توانند آموزش‌هایی را به رهبران و کارکنان خود ارائه دهند تا رفتارهای اخلاقی را ترویج کنند و رفتارهای انحرافی در محیط کار را به حداقل برسانند. این را می‌توان با تقویت اهمیت اخلاق کار اسلامی در محیط کار (علی و الکاظمی، ۲۰۰۷) و ترویج ارزش‌های اخلاقی از بالا به پایین در فرهنگ سازمانی (اپلباوم و همکاران، ۲۰۰۵) به دست آورد. چنین آموزش‌هایی می‌تواند به کارکنان کمک کند تا هنجارهای قابل قبول محیط کار را درک کنند و به آن‌ها پایبند باشند و در نتیجه باعث کاهش بی‌نزاکتی سرپرست و رفتارهای انحرافی در محیط کار شود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کارکنان با باورهای قوی اخلاق کار اسلامی نسبت به عوامل استرس‌زا در محیط کار انعطاف‌پذیرتر هستند و کمتر در مواجهه با رفتار سازمانی سیاسی و بی‌نزاکتی محیط کار درگیر رفتارهای انحرافی هستند (جاوید و همکاران، ۲۰۱۷). برای کاهش تأثیر عوامل استرس‌زا در محیط کار بر رفتارهای انحرافی کارکنان، دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری باید آموزش‌هایی را به کارکنان و رهبران ارائه دهند تا به طور مؤثر تعارض و استرس محیط کار را مدیریت کنند. ارائه توانمندسازی ساختاری، مانند دسترسی به اطلاعات، پشتیبانی، منابع، و فرصت‌های رشد نیز می‌تواند به کاهش اثرات مضر سیاست‌های سازمانی درک شده و بی‌نزاکتی محیط کار کمک کند.

در نهایت، دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری باید اقدامات پیشگیرانه‌ای برای به حداقل رساندن اثرات منفی بی‌نزاکتی در محیط کار و سیاست‌های سازمانی درک شده بر رفتارهای انحرافی در محیط کار انجام دهند. برای رسیدگی به بی‌نزاکتی در محیط کار و سیاست سازمانی ادراک شده، دانشگاه‌ها باید فرهنگ احترام متقابل ایجاد کنند و آموزش‌هایی را برای کارکنان در تمام سطوح برای مدیریت تعارض و استرس ارائه دهند. با ترویج اصول اخلاق کار اسلامی در دانشگاه‌ها، رهبران می‌توانند فرهنگ رفتار اخلاقی را تقویت کنند و رفتارهای انحرافی در محیط کار را کاهش دهند، بنابراین منجر به بهبود اثربخشی سازمانی می‌شود.

References

- Aman-Ullah, A. and Mehmood, W. (۲۰۲۳), "Role of Islamic work ethics in shaping employees' behaviour: evidence from the banking sector in Azad Jammu and Kashmir", *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, ۱۴ (۷), ۱۰۳۳-۱۰۴۷. <https://doi.org/10.1108/JIABR-12-2021-0309>.
- Abbas, M., Raja, U., Darr, W., & Bouckenoghe, D. (۲۰۱۴). Combined effects of perceived politics and psychological capital on job satisfaction, turnover intentions, and performance. *Journal of Management*, ۴۰(۷), ۱۸۱۳-۱۸۳۰. <https://doi.org/10.1177/0149206312450243>
- Ahmad, S., & Owoyemi, M. Y. (۲۰۱۲). The concept of Islamic work ethic: An analysis of some salient points in the prophetic tradition. *International Journal of Business & Social Science*, ۲(۲۰), ۱۱۶-۱۲۳.
- Asghar, Marya . Ahmad, Zohaib(۲۰۱۷) Impact of Abusive Supervision on Workplace Deviance Behavior; Role of Interactional Justice. *Current Economics and Management Research. Curr. Eco. Man. Res.*, ۳(۱)-۱۱.



- Akhmadi, A., Hendryadi, S., Sumail, L. O., Pujiwati, A., & Pujiwati, A. (۲۰۲۳). Islamic work ethics and employees' prosocial voice behavior: The multi-role of organizational identification. *Cogent Social Sciences*, 9(1), ۲۱۷۴۰۶۴. <https://doi.org/10.1080/23311886.2023.2174064>
- Ali, A. (۱۹۸۸). Scaling an Islamic work ethic. *The Journal of Social Psychology*, 128(5), ۵۷۵-۵۸۳. <https://doi.org/10.1080/00224545.1988.9922911>
- Ali, A. J. (۱۹۹۲). The Islamic work ethic in Arabia. *The Journal of Psychology*, 127(5), ۵۰۷-۵۱۹. <https://doi.org/10.1080/00223980.1992.10543384>
- Ali, A. J., & Al-Kazemi, A. A. (۲۰۰۷). Islamic work ethic in Kuwait. *Cross Cultural Management: An International Journal*, 14(2), ۹۳-۱۰۴. <https://doi.org/10.1108/13527760710745071>
- Ali, A. J., & Al-Owaihian, A. (۲۰۰۸). Islamic work ethic: A critical review. *Cross Cultural Management: An International Journal*, 15(1), ۵-۱۹. <https://doi.org/10.1108/13527760810848791>
- Andersson, L. M., & Pearson, C. M. (۱۹۹۹). Tit for tat? The spiraling effect of incivility in the workplace. *The Academy of Management Review*, 24(3), ۴۵۲-۴۷۱. <https://doi.org/10.2307/259136>
- Appelbaum, S. H., Deguire, K. J., & Lay, M. (۲۰۰۵). The relationship of ethical climate to deviant workplace behaviour. *Corporate Governance the International Journal of Business in Society*, 4(4), ۴۳-۵۵. <https://doi.org/10.1108/14720700510616587>
- Atta, M., & Khan, M. J. (۲۰۱۶). Perceived organizational politics, organizational citizenship behavior and job attitudes among university teachers. *Journal of Behavioural Sciences*, 27(2), ۲۱-۳۸.
- Bashir, M., Abrar, M., Yousaf, M., Saqib, S., & Shabbir, R. (۲۰۱۹). Organizational politics and workplace deviance in unionized settings: Mediating role of job stress and moderating role of resilience. *Psychology Research and Behavior Management*, 12, ۹۴۳-۹۵۹. <https://doi.org/10.2147/PRBM.S213772>
- Bennett, R. J., & Robinson, S. L. (۲۰۰۰). Development of a measure of workplace deviance. *Journal of Applied Psychology*, 85(3), ۳۴۹. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.85.3.349>
- Bennett, R. J., & Robinson, S. L. (۲۰۰۳). The past, present, and future of workplace deviance research.
- Bouma, G., Haidar, A., Nyland, C., & Smith, W. (۲۰۰۳). Work, religious diversity and Islam. *Asia Pacific Journal of Human Resources*, 41(1), ۵۱-۶۱. <https://doi.org/10.1177/1038411103041001022>
- Bowling, N. A., & Beehr, T. A. (۲۰۰۶). Workplace harassment from the victim's perspective: A theoretical model and meta-analysis. *Journal of Applied Psychology*, 91(5), ۹۹۸. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.91.5.998>
- Chen, C.-Y., & Li, C.-I. (۲۰۱۳). Assessing the spiritual leadership effectiveness: The contribution of follower's self-concept and preliminary tests for moderation of culture and managerial position. *The Leadership Quarterly*, 24(1), ۲۴۰-۲۵۵. <https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2012.11.004>
- Chernyak-Hai, L., & Tziner, A. (۲۰۱۴). Relationships between counterproductive work behavior, perceived justice and climate, occupational status, and leader-member exchange. *Journal of Work and Organizational Psychology*, 20, ۱-۱۲.
- Christian, J. S., & Ellis, A. P. (۲۰۱۴). The crucial role of turnover intentions in transforming moral disengagement into deviant behavior at work. *Journal of Business Ethics*, 119(2), ۱۹۳-۲۰۸. <https://doi.org/10.1007/s10551-013-1631-4>
- Crawford, W. S., Lamarre, E., Kacmar, K. M., & Harris, K. J. (۲۰۱۹). Organizational politics and deviance: Exploring the role of political skill. *Human Performance*, 32(2), ۹۲-۱۰۶. <https://doi.org/10.1080/08959280.2019.1697100>
- Cropanzano, R., & Li, A. (۲۰۰۶). Organizational politics and workplace stress. In E. Vigoda-Gadot & A. Drory (Eds.), *Handbook of organizational politics* (pp. ۱۳۹-۱۶۰). Edward Elgar Publishing Limited.



- De Clercq, D., Rahman, Z., & Haq, I. U. (۲۰۱۹). Explaining helping behavior in the workplace: The interactive effect of family-to-work conflict and Islamic work ethic. *Journal of Business Ethics*, ۱۵۵(۴), ۱۱۶۷-۱۱۷۷. <https://doi.org/10.1007/s10551-017-3541-3>
- Dunlop, P. D., & Lee, K. (۲۰۰۴). Workplace deviance, organizational citizenship behavior, and business unit performance: The bad apples do spoil the whole barrel. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, ۲۵(۱), ۶۷-۸۰. <https://doi.org/10.1002/job.۲۴۳>
- Düşmezkalender, E., Secilmis, C., & Yilmaz, V. (۲۰۲۱). The effect of Islamic work ethic on person-organization fit and workplace deviance in hotels. *International Journal of Islamic & Middle Eastern Finance & Management*, ۱۴(۱), ۱۶۴-۱۸۲. <https://doi.org/10.1108/IMEFM-05-2019-0198>
- Emerson, T. L., & Mckinney, J. A. (۲۰۱۰). Importance of religious beliefs to ethical attitudes in business. *Journal of Religion and Business Ethics*, ۱(۲), ۵.
- Estes, B., & Wang, J. (۲۰۰۸). Integrative literature review: Workplace incivility: Impacts on individual and organizational performance. *Human Resource Development Review*, ۱(۲), ۲۱۸-۲۴۰. <https://doi.org/10.1177/1534484308315066>
- Ferris, G. R., Frink, D. D., Galang, M. C., Zhou, J., Kacmar, K. M., & Howard, J. L. (۱۹۹۶). Perceptions of organizational politics: Prediction, stress-related implications, and outcomes. *Human Relations*, ۴۹(۲), ۲۳۳-۲۶۶. <https://doi.org/10.1177/001872679604900206>
- Ferris, G. R., & Kacmar, K. M. (۱۹۹۲). Perceptions of organizational politics. *Journal of Management*, ۱۸(۱), ۹۳-۱۱۶. <https://doi.org/10.1177/014920639201800107>
- Gotsis, G. N., & Kortezi, Z. (۲۰۱۰). Ethical considerations in organizational politics: Expanding the perspective. *Journal of Business Ethics*, ۹۳, ۴۹۷-۵۱۷.
- Hayes, A. F. (۲۰۱۳). *Introduction to mediation, moderation, and conditional process analysis: A regression-based approach*. Guilford Press.
- Hershcovis, M. S., & Barling, J. (۲۰۱۰). Towards a multi-foci approach to workplace aggression: A meta-analytic review of outcomes from different perpetrators. *Journal of Organizational Behavior*, ۳۱(۱), ۲۴-۴۴. <https://doi.org/10.1002/job.621>
- Hobfoll, S. E. (۲۰۰۱). The influence of culture, community, and the nested-self in the stress process: Advancing conservation of resources theory. *Applied Psychology*, ۵۰(۳), ۳۳۷-۴۲۱. <https://doi.org/10.1111/1466-0597.00062>
- Hofstede, G. (۱۹۸۳). Dimensions of national cultures in fifty countries and three regions. In J.B. Deregowski, S. Dziurawiec and R.C. Annis (eds), *Expiscations in Cross-Cultural Psychology*, ۳۳۵-۳۵۵.
- Hofstede, G. (۱۹۹۱). *Cultures and organizations. Intercultural cooperation and its importance for survival. Software of the mind*. Mc Iraw-Hill.
- Hogan, R., & Kaiser, R. B. (۲۰۰۵). What we know about leadership. *Review of General Psychology*, ۹(۲), ۱۶۹-۱۸۰. <https://doi.org/10.1037/1089-2680.9.2.169>
- Husin, W. N. W., & Kernain, N. F. Z. (۲۰۲۰). The influence of individual behaviour and organizational commitment towards the enhancement of Islamic work ethics at Royal Malaysian Air Force. *Journal of Business Ethics*, ۱۶۶(۳), ۵۲۳-۵۳۳. <https://doi.org/10.1007/s10551-019-04118-۷>
- Islam, T., Ahmed, I., Usman, A., & Ali, M. (۲۰۲۱). Abusive supervision and knowledge hiding: The moderating roles of future orientation and islamic work ethics. *Management Research Review*, ۴۴(۱۲), ۱۵۶۵-۱۵۸۲.



- Javed, B., Bashir, S., Rawwas, M. Y., & Arjoon, S. (۲۰۱۷). Islamic work ethic, innovative work behaviour, and adaptive performance: the mediating mechanism and an interacting effect. *Current Issues in Tourism*, ۲۰(۶), ۶۴۷-۶۶۳.
- Javaid, M., Jaaron, A. A. M., & Abdullah, N. H. B. (۲۰۲۲). Relationship between big five personality traits and knowledge sharing behavior: Moderating role of Islamic work ethics. *Cross Cultural & Strategic Management*, ۲۹(۴), ۷۹۸-۸۲۳. <https://doi.org/10.1108/CCSM-01-2021-0015>
- Javed, B., Bashir, S., Rawwas, M. Y., & Arjoon, S. (۲۰۱۷). Islamic work ethic, innovative work behaviour, and adaptive performance: The mediating mechanism and an interacting effect. *Current Issues in Tourism*, ۲۰(۶), ۶۴۷-۶۶۳. <https://doi.org/10.1080/13683500.2016.1171830>
- Javed, B., Fatima, T., Yasin, R. M., Jahanzeb, S., & Rawwas, M. Y. (۲۰۱۹). Impact of abusive supervision on deviant work behavior: The role of Islamic work ethic. *Business Ethics: A European Review*, ۲۸(۲), ۲۲۱-۲۳۳. <https://doi.org/10.1111/beer.12212>
- Jawahar, I., & Schreurs, B. (۲۰۱۸). Supervisor incivility and how it affects subordinates' performance: A matter of trust. *Personnel Review*, ۴۱(۳), ۷۰۹-۷۲۶. <https://doi.org/10.1108/PR-01-2017-0022>
- Kacmar, K. M., & Baron, R. A. (۱۹۹۹). *Organizational politics: The state of the field, links to related processes, and an agenda for future research*. In G. R. Ferris (Ed.), *Research in human resources management*, (Vol ۱۷, pp. ۱-۳۹). Elsevier Science/JAI Press.
- Kacmar, K. M., & Carlson, D. S. (۱۹۹۷). Further validation of the perceptions of politics scale (POPS): A multiple sample investigation. *Journal of Management*, ۲۲(۵), ۶۲۷-۶۵۸. <https://doi.org/10.1177/014920639702300502>
- Kacmar, K. M., & Ferris, G. R. (۱۹۹۱). Perceptions of organizational politics scale (POPS): Development and construct validation. *Educational and Psychological Measurement*, ۵۱(۱), ۱۹۳-۲۰۵.
- Khan, K., Abbas, M., Gul, A., & Raja, U. (۲۰۱۵). Organizational justice and job outcomes: Moderating role of Islamic work ethic. *Journal of Business Ethics*, ۱۲۶(۲), ۲۳۵-۲۴۶. <https://doi.org/10.1007/s10551-013-1937-2>
- Kim, D., Fisher, D., & McCalman, D. (۲۰۰۹). Modernism, Christianity, and business ethics: A worldview perspective. *Journal of Business Ethics*, ۹۰(۱), ۱۱۵. <https://doi.org/10.1007/s10551-009-0031-2>
- Maqbool, M., Lyu, B., Ullah, S., Khan, M.T., Abeden, A.Z.u. and Kukreti, M. (۲۰۲۴), "Abusive supervisor triggers counterproductive work behaviors in nursing staff: role of psychological contract breach and Islamic work ethics", *Leadership & Organization Development Journal*, Vol. ۴۵ No. ۳, pp. ۴۶۱-۴۷۷. <https://doi.org/10.1108/LODJ-06-2023-0295>.
- Maslyn, J. M., & Fedor, D. B. (۱۹۹۸). Perceptions of politics: Does measuring different foci matter? *Journal of Applied Psychology*, ۸۳(۴), ۶۴۵. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.83.4.645>
- Meisler, G., & Vigoda-Gadot, E. (۲۰۱۴). Perceived organizational politics, emotional intelligence and work outcomes: Empirical exploration of direct and indirect effects. *Personnel Review*, ۴۳(۱), ۱۱۶-۱۳۵. <https://doi.org/10.1108/PR-02-2012-0040>
- Memon, K. R., & Ghani, B. (۲۰۲۰). The relationship between psychological contract and voice behavior—a social exchange perspective. *Asian Journal of Business Ethics*, ۹(۲), ۲۵۷-۲۷۴. <https://doi.org/10.1007/s13520-020-00109-4>
- Miller, B. K., Rutherford, M. A., & Kolodinsky, R. W. (۲۰۰۸). Perceptions of organizational politics: A meta-analysis of outcomes. *Journal of Business and Psychology*, ۲۲(۳), ۲۰۹-۲۲۲. <https://doi.org/10.1007/s10869-008-9061-0>



- Murtaza, G., Abbas, M., Raja, U., Roques, O., Khalid, A., & Mushtaq, R. (۲۰۱۶). Impact of Islamic work ethics on organizational citizenship behaviors and knowledge-sharing behaviors. *Journal of Business Ethics*, ۱۳۳(۲), ۳۲۵-۳۳۳. <https://doi.org/10.1007/s10551-014-2396-0>
- Naseer, S., Raja, U., & Donia, M. B. L. (۲۰۱۶). Effect of perceived politics and perceived support on bullying and emotional exhaustion: The moderating role of type a personality. *The Journal of Psychology*, ۱۵۰(۵), ۶۰۶-۶۲۴. <https://doi.org/10.1080/00223980.2016.1154809>
- O'Neill, T. A., Lee, N. M., Radan, J., Law, S. J., Lewis, R. J., & Carswell, J. J. (۲۰۱۳). The impact of "non-targeted traits" on personality test faking, hiring, and workplace deviance. *Personality & Individual Differences*, ۵۵(۲), ۱۶۲-۱۶۸.
- Pearson, C. M., & Porath, C. L. (۲۰۰۵). On the nature, consequences and remedies of workplace incivility: No time for "nice"? Think again. *Academy of Management Perspectives*, ۱۹(۱), ۷-۱۸. <https://doi.org/10.5465/ame.2005.10841946>
- Podsakoff, P. M., MacKenzie, S. B., Lee, J.-Y., & Podsakoff, N. P. (۲۰۰۳). Common method biases in behavioral research: A critical review of the literature and recommended remedies. *Journal of Applied Psychology*, ۸۸(۵), ۸۷۹. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.88.5.879>
- Porath, C., & Pearson, C. (۲۰۱۳). The price of incivility. *Harvard Business Review*, ۹۱(۱-۲), ۱۱۴-۱۲۱.
- Rawwas, M. Y., Javed, B., & Iqbal, M. N. (۲۰۱۸). Perception of politics and job outcomes: Moderating role of Islamic work ethic. *Personnel Review*, ۴۷(۱), ۷۴-۹۴. <https://doi.org/10.1108/PR-03-2016-0068>
- Rokhman, W. (۲۰۱۰). The effect of Islamic work ethics on work outcomes. *EJBO-Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*. http://ejbo.jyu.fi/pdf/ejbo_vol10_no1_pages_21-27.pdf
- Roscoe, J. T. (۱۹۷۵). *Fundamental research statistics for the behavioral sciences*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Rosen, C. C. (۲۰۰۶). *Politics, stress, and exchange perceptions: A dual process model relating organizational politics to employee outcomes*. University of Akron.
- Schilpzand, P., De Pater, I. E., & Erez, A. (۲۰۱۶). Workplace incivility: A review of the literature and agenda for future research. *Journal of Organizational Behavior*, ۳۷(S1), S۵۷-S۸۸. <https://doi.org/10.1002/job.1976>
- Sekaran, U., & Bougie, R. (۲۰۱۶). *Research methods for business: A skill building approach*. John Wiley & Sons.
- Sliter, K. A., Sliter, M. T., Withrow, S. A., & Jex, S. M. (۲۰۱۲). Employee adiposity and incivility: Establishing a link and identifying demographic moderators and negative consequences. *Journal of Occupational Health Psychology*, ۱۷(۴), ۴۰۹. <https://doi.org/10.1037/a0029862>
- Spence Laschinger, H. K., Leiter, M., Day, A., & Gilin, D. (۲۰۰۹). Workplace empowerment, incivility, and burnout: Impact on staff nurse recruitment and retention outcomes. *Journal of Nursing Management*, ۱۷(۳), ۳۰۲-۳۱۱. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2834.2009.09999.x>
- Suryani, S., Sudrajat, B., Hendryadi, H., Oktrivina, A., Hafifuddin, H., & Ali Buto, Z. (۲۰۲۱). Can Islamic work ethics encourage knowledge-sharing behaviors? The role of job embeddedness and organizational identification. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, ۱۲(۸), ۱۱۸۱-۱۱۹۹. <https://doi.org/10.1108/JIABR-03-2021-0103>
- Taylor, S. G., Bedeian, A. G., & Kluemper, D. H. (۲۰۱۲). Linking workplace incivility to citizenship performance: The combined effects of affective commitment and conscientiousness. *Journal of Organizational Behavior*, ۳۳(۷), ۸۷۸-۸۹۳. <https://doi.org/10.1002/job.۷۷۳>
- Tepper, B. J. (۲۰۰۷). Abusive supervision in work organizations: Review, synthesis, and research agenda. *Journal of Management*, ۳۳(۳), ۲۶۱-۲۸۹. <https://doi.org/10.1177/0149206307300812>



- Vigoda, E. (۲۰۰۰). Organizational politics, job attitudes, and work outcomes: Exploration and implications for the public sector. *Journal of Vocational Behavior*, ۵۱(۳), ۳۲۶-۳۴۷. <https://doi.org/10.1006/jvbe.1999.1742>
- Vigoda, E. (۲۰۰۱). Reactions to organizational politics: A cross-cultural examination in Israel and Britain. *Human Relations*, ۵۴(۱۱), ۱۴۸۳-۱۵۱۸. <https://doi.org/10.1177/001872670105411004>
- Vigoda-Gadot, E., & Talmud, I. (۲۰۱۰). Organizational politics and job outcomes: The moderating effect of trust and social support. *Journal of Applied Social Psychology*, ۴۰(۱۱), ۲۸۲۹-۲۸۶۱. <https://doi.org/10.1111/j.1559-1816.2010.06833.x>
- Vigoda-Gadot, E., Vinarski-Peretz, H., & Ben-Zion, E. (۲۰۰۳). Politics and image in the organizational landscape: An empirical examination among public sector employees. *Journal of Managerial Psychology*, ۱۸(۸), ۷۶۴-۷۸۷. <https://doi.org/10.1108/02683940310511872>
- Vigoda, E., & Cohen, A. (۲۰۰۲). Influence tactics and perceptions of organizational politics: A longitudinal study. *Journal of Business Research*, ۵۵(۴), ۳۱۱-۳۲۴. [https://doi.org/10.1016/S0148-2963\(00\)0134-X](https://doi.org/10.1016/S0148-2963(00)0134-X)
- Vigoda-Gadot, E. (۲۰۰۷). Redrawing the boundaries of OCB? An empirical examination of compulsory extra-role behavior in the workplace. *Journal of Business and Psychology*, ۲۱(۳), ۳۷۷-۴۰۵. <https://doi.org/10.1007/s10869-006-9034-5>
- Weber, M. (۱۹۹۲). *Die protestantische Ethik und der "Geist" des Kapitalismus*. Verlag Wirtschaft und Finanzen.
- Wu, L. Z., Zhang, H., Chiu, R. K., Kwan, H. K., & He, X. (۲۰۱۴). Hostile attribution bias and negative reciprocity beliefs exacerbate incivility's effects on interpersonal deviance. *Journal of Business Ethics*, ۱۲۰, ۱۸۹-۱۹۹.
- Yousef, D. A. (۲۰۰۱). Islamic work ethic—a moderator between organizational commitment and job satisfaction in a cross-cultural context. *Personnel review*.
- Zettler, I., & Hilbig, B. E. (۲۰۱۰). Honesty—humility and a person—situation interaction at work. *European Journal of Personality*, ۲۴(۷), ۵۶۹-۵۸۲. <https://doi.org/10.1002/per.757>
- Zhang, Y., & Liao, Z. (۲۰۱۵). Consequences of abusive supervision: A meta-analytic review. *Asia Pacific Journal of Management*, ۳۲(۴), ۹۵۹-۹۸۷. <https://doi.org/10.1007/s10490-015-9420-0>
- Zia, M. Q., Naveed, M., Fasih, S. T., Aleem, M. U., & Ramish, M. S. (۲۰۲۲). The interactive effect of Islamic work ethics and leader-member exchange on workplace deviance behaviour and adaptive performance. *International Journal of Ethics and Systems*, ۳۸(۳), ۵۳۰-۵۴۸. <https://doi.org/10.1108/IJOES-06-2021-0123>



The effect of Islamic work ethics on deviant behaviors in the workplace through supervisor incivility and perceived organizational policies



Abbas Ghaedamini Harouni

Instructor, Department of Management, University of Applied Sciences of Artistic culture of Drijeno Center, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran (corresponding author)
abbasghaedamini۲۰۲۰@gmail.com



Mehsan Hemtizadeh

Bachelor's student, cultural management, Comprehensive University of Applied Sciences, Artistic culture of Drijeno Center, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran
mhsanhmtyzadh@gmail.com

Received: ۲۰۲۴ December ۱۳ | Revised: ۲۰۲۵ January ۱۰ | Accepted: ۲۰۲۵ January ۱۵

Abstract

The aim of the current research was to investigate the effect of Islamic work ethics on deviant behaviors in the workplace with the mediating role of perceived organizational policy and supervisor incivility.

The present study was applied in terms of purpose and descriptive in terms of correlational data collection. The statistical population of the present study was made up of all the employees of Chaharmahal and Bakhtiari provinces in the number of ۲۲۰۰ people, and ۶۰۰ people were selected as a sample through the stratified sampling method proportional to the volume through Cochran's sampling formula.

The research tools were Ali's Islamic Work Ethics Questionnaire (۱۹۹۲), Bennett and Robinson's Workplace Deviance Questionnaire (۲۰۰۰), Kachmar and Carlson's (۱۹۹۷) Perceived Organizational Policy Questionnaire, and Cortina et al.'s (۲۰۰۱) Incivility Questionnaire. The basis, content, form and structure validity were examined and after the necessary terms validity was confirmed and from On the other hand, the reliability of the questionnaires was estimated by Cronbach's alpha method as ۰,۹۰, ۰,۹۰, ۰,۸۸ and ۰,۸۰ respectively. Data analysis was done at two descriptive and inferential levels including structural equation modeling.

The results of the research showed that Islamic work ethics had a negative effect on deviant behaviors in the workplace, and the coefficient of this effect was -0.65 , and also, the results showed that the perceived organizational policy and impoliteness of the supervisor play a mediating role between Islamic work ethics on deviant behaviors in It had a work environment.

Key words: Islamic work ethics, perceived organizational politics, incivility of the supervisor, deviant behaviors in the work environment



اولویت‌بندی ابعاد توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی در جمهوری اسلامی ایران^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶



زهرا قربان زاده

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۶۴۳۵-۰۸۱۴

ghorbanzadeh.zahra376@gmail.com



امین نیک پور (نویسنده مسئول)

دانشیار، گروه مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۱-۷۵۵۹-۴۹۸۰

nikpour2003@yahoo.com



زهرا شگوه

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۱۸۱۶-۷۸۲۴

shokoh.azaduniversity@gmail.com



شهین شرفی

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۷۸۶۱-۷۳۳X

sharif_49@yahoo.com

^۱ <https://doi.org/10.71810/JNAPA.2020.1194673>

چکیده

هدف از این تحقیق، اولویت‌بندی ابعاد توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی برای دولت جمهوری اسلامی ایران است. این تحقیق به‌عنوان یک مطالعه توسعه‌ای- کاربردی طراحی شده و از نظر ماهیت و روش، به‌صورت پیمایشی انجام شده است. برای گردآوری داده‌ها، از ابزارهای متنوعی شامل مراجعه به اسناد و مدارک معتبر، مصاحبه با خبرگان و توزیع پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه در رشته‌های مدیریت توسعه و علوم سیاسی است که با مباحث اسلامی آشنا هستند، همچنین اساتید حوزه و روحانیون که در زمینه مدیریت دولتی و علوم سیاسی تخصص دارند، در نظر گرفته شده‌اند. در این تحقیق، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تکنیک دیمتل بهره‌گیری شده است که به بررسی روابط بین ابعاد مختلف توسعه سیاسی کمک می‌کند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که بُعد مشارکت مؤثر سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین بُعد در میان ابعاد توسعه سیاسی شناسایی شده است. این یافته نشان‌دهنده اهمیت بالای مشارکت شهروندان در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی است که می‌تواند به تقویت حس مسئولیت‌پذیری و ایجاد یک فرهنگ سیاسی سالم و پویا منجر شود. علاوه بر این، بُعد مردم‌سالاری دینی به‌عنوان تأثیرپذیرترین بُعد شناخته شده است که نشان‌دهنده ارتباط عمیق آن با سایر ابعاد توسعه سیاسی است. این تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک راهنمای عملی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد و به طراحی برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه سیاسی که مشارکت شهروندان را تقویت می‌کند، کمک کند.

کلمات کلیدی: توسعه سیاسی، آموزه‌های اسلامی، دولت جمهوری اسلامی ایران، دیمتل

۳- مقدمه

اگر در ابتدای دهه ۱۹۶۰ میلادی بیشتر به بُعد اقتصادی توسعه در کشورها توجه می‌شد، امروزه ابعاد دیگر توسعه، به ویژه توسعه سیاسی، نیز مورد توجه و اقبال قرار گرفته است. در واقع، امروزه توسعه سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم و ضروری توسعه به‌شمار می‌رود؛ به طوری که عده‌ای زیادی از اندیشمندان بر این باورند توسعه اقتصادی بدون توسعه سیاسی امکان‌پذیر نیست (**مشکات و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۵**). همچنین، برخی از اندیشمندان معتقدند که علت توسعه نیافتگی بعضی از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، با وجود امکانات مادی مناسب برای توسعه را باید در توسعه نیافتگی سیاسی و وجود استبداد سیاسی گسترده و فراگیر در آن کشورها جستجو کرد (**معمارزاده‌طهران و پاک‌طینت، ۱۳۸۵، ۷**). توسعه سیاسی، به معنای افزایش ظرفیت نظام در پاسخ‌گویی به نیازها، خواسته‌ها و تقاضاهای مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی است (**جهانگیری، ۱۳۹۴، ۲**). توسعه سیاسی، مجموعه فعالیت‌هایی برای هدایت جامعه در جهت ایجاد شرایط مطلوب زندگی مطابق با نظام ارزشی مورد پذیرش جامعه است (**Dolab, ۲۰۱۸**). همچنین برخی از نظریه‌پردازان و متخصصان، توسعه سیاسی را معادل نوسازی سیاسی به کار گرفته‌اند (**معمارزاده‌طهران و احمدی، ۱۳۹۲، ۹۲**). به طور کلی، می‌توان گفت که شکل‌گیری روند توسعه سیاسی، مستلزم تغییرات



اجتماعی بلندمدتی است که طی آن نظام تقسیم کار، قشریندی اجتماعی، نظام سیاسی و فرهنگ، دستخوش تغییر و تحول واقع می‌شود؛ بنابراین در تکوین آن، عمل عاملین اجتماعی و سیاسی، منافع گروه‌ها، اقشار و طبقات و گرایش آن‌ها به تغییر یا مقاومت نقش دارد. بر این اساس می‌توان گفت توسعه سیاسی ماهیتی برآیندی دارد و تکوین آن در هر کشوری رویکرد خاص خود را دارد (رجب‌زاده، ۱۳۷۸، ۱-۲).

از سوی دیگر باید گفت، نظام اداری اگرچه نظام مستقلاً محسوب می‌شود، در عین حال خرده‌نظامی است در درون نظام سیاسی که با خرده‌نظام‌های دیگر در تعامل است و پیوسته با آن‌ها دادوستد دارد، از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در حقیقت، تعامل نظام‌های دیگری همچون نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی با نظام اداری حائز اهمیت زیادی است؛ زیرا این نظام‌ها بدون برخورداری کشور از نظام اداری کارآمد، قادر به اداره خویش نیستند. بدین ترتیب ماهیت و عملکرد نظام اداری هر کشور ریشه در عوامل مختلف دارد که مهم‌ترین آن نظام سیاسی حاکم بر آن است (عابدی‌اردکانی و سلطانی، ۱۳۹۹: ۶۳۰). همچنین می‌توان گفت که نظام اداری و تحولات آن، تحت تأثیر نظام سیاسی و فضای باز یا بسته سیاسی آن قرار دارد. بنابراین شایسته است به دنبال توسعه نظام اداری، هم‌زمان توسعه و اصلاحات سیاسی نیز پیگیری شود (Hesstvedt & Christensen, ۲۰۲۳).

از طرفی باید گفت، توسعه سیاسی یک مفهوم غربی است که بر مبنای مؤلفه‌های مدرنیسم شکل گرفته است و اگر بخواهد در فرهنگ کشور ایران مطرح شود، ناگزیر است تن به پالایش و تحول بدهد؛ بدین معنا که باید بسیاری از ابعاد غربی خود را از دست داده و ابعاد بومی پیدا کند (مشکات و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵). در واقع، کاربست شاخصه‌های توسعه سیاسی نظام معنایی غرب در نظام جمهوری اسلامی ایران ناکارآمدی این شاخصه را نشان می‌دهد (شیرودی، ۱۳۹۳، ۸۹). لذا، باید گفت که الگوهای توسعه سیاسی غربی اغلب برای کشورهای غربی راهگشا و مفید بوده است و به کارگیری آن‌ها برای سایر کشورها از جمله ایران، به عنوان تنها الگوی مناسب پیشرفت و توسعه، عقلانی به نظر نمی‌رسد. در واقع، بیشتر الگوهای غربی به دلیل غیربومی بودن و نداشتن توجه دقیق به مسائل و مشکلات جامعه ما، با موانع و محدودیت‌هایی مواجه بوده‌اند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۸). از این رو باید به دنبال الگوهایی رفت که با فرهنگ و جامعه اسلامی ایران همخوانی داشته باشند. حال آنکه یکی از راهکارهای اساسی برای برون رفت از مشکلات در جوامع اسلامی از جمله کشور ایران، توجه به مدیریت اسلامی و مطالعه و به کارگیری مبانی و اصول این مکتب است. در واقع می‌توان گفت که دین اسلام در تمام شئون زندگی انسان از جمله مدیریت خرد و کلان سخن دارد و به کارگیری آن‌ها تعالی انسان و پیشرفت سازمان‌ها و جوامع را در پی خواهد داشت (فروزنده‌دهکردی و جوکار، ۱۴۰۲، ۵۱).

مسئله اصلی این تحقیق، شکاف میان مفاهیم توسعه سیاسی غربی و نیازهای فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به ناکارآمدی الگوهای توسعه سیاسی غربی در پاسخ به چالش‌های خاص جامعه ایرانی و عدم انطباق آن‌ها با مؤلفه‌های بومی، این تحقیق به دنبال نوآوری در ارائه الگوهایی است که بر اساس آموزه‌های اسلامی و مدیریت اسلامی شکل گرفته‌اند. هدف این تحقیق اولویت‌بندی ابعاد توسعه سیاسی با توجه به مبانی اسلامی است تا بتواند راهکارهای مؤثری برای برون رفت از مشکلات موجود در نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد و به تعالی انسان و پیشرفت سازمان‌ها و جوامع کمک کند.

۴- ادبیات تحقیق

توسعه سیاسی، از مفاهیمی است که پس از جنگ جهانی دوم وارد ادبیات توسعه شده است (نظری و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۴۹). واژه توسعه سیاسی، از دو کلمه توسعه و سیاست تشکیل شده است. توسعه، به معنای بهبود، رشد و گسترش همه



شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی است (سیف‌زاده، ۱۳۹۶: ۷۹). سیاست، به معنای تدابیری است که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۹، ۱۴۰). توسعه سیاسی، به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است (لک زایی و اسم حسینی، ۱۳۹۱، ۳۷). دستیابی به توسعه سیاسی، یعنی فرایندی که در جریان آن، نظام‌های ساده اقتداگرایی سیاسی، جای خود را به نظام‌های حق رأی همگانی، احزاب سیاسی و بروکراسی‌های مدنی می‌دهند و نیازمند آگاهی و حرکت عمومی شهروندان از یک سو و پذیرش اراده حاکمان از سوی دیگر است (پریزاد و سلیمانی، ۱۴۰۱، ۱۱). اهداف توسعه سیاسی، شامل ایجاد دموکراسی، برابری، ثبات، مشروعیت، مشارکت، نهادی کردن، قابلیت، هویت، نفوذ، توزیع، همبستگی، عقلایی کردن، امنیت، رفاه، عدالت و آزادی است (معمارزاده طهران و پاک طینت، ۱۳۸۵، ۸). با اینکه واژه توسعه و توسعه سیاسی از واژه‌های جدید است و آن‌ها را به عینه نمی‌توان در متون اسلامی مشخص ساخت، اما با توجه به جامعیت دین مبین اسلام، می‌توان این مفهوم را تبیین و تحلیل کرد. در اسلام اصول و قواعدی وجود دارد که می‌تواند مبنای استنباط مباحث توسعه سیاسی باشد. اصولی مثل برخورداری انسان از عقلانیت، اختیار و آزادی، نفی اکراه در پذیرش دین، اصل مشورت و مشارکت و بیعت مردم با رهبران دینی، امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی مردم، اصل مسئولیت‌پذیری آحاد مردم در قبال حفظ حکومت و ده‌ها اصل دیگر که مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با نظام سیاسی و اداری جامعه اسلامی بوده، به نوعی تشکیل دهنده زیرساخت توسعه سیاسی و به ویژه فرهنگ سیاسی‌اند که در باورها و احساسات مردم و تلقی ذهنی و عملکرد آن‌ها درباره نظام سیاسی و تحقق آن تأثیر دارند. علاوه بر این، در اسلام بنیان‌هایی وجود دارد که چارچوب توسعه را در ابعاد مختلف، به ویژه در بُعد توسعه سیاسی تعیین می‌کنند. برای نمونه، اعتقاد به توحید و ربوبیت الهی به صورت زیربنایی، روابط حاکم بین خداوند و انسان و همچنین بین انسان‌ها با یکدیگر را مشخص می‌سازد یا اصل خلیفه الهی انسان که نقش او را در مسئولیت‌های مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در تمامی سطوح مشخص می‌سازد یا اصل تزکیه که مفهوم اسلامی توسعه به شدت از آن متأثر است. زیرا تزکیه فی‌نفسه به حل مشکل توسعه انسانی در تمامی ابعاد از طریق تهذیب نگرش‌ها و روابط اشاره دارد و نتیجه آن، رستگاری و سعادت در دنیا و آخرت است. در پرتو این اصول بنیادین، می‌توان نتیجه گرفت که اولاً، کانون اقدامات توسعه‌ای و محور فرایند توسعه در اسلام، انسان است. توسعه اسلامی، به معنای توسعه انسان و رسیدن به مقام و منزلت انسان کامل و بهبود محیط مادی و فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. دوماً، توسعه از دیدگاه اسلام، مفهومی فراگیر بوده و ابعاد اخلاقی، معنوی و مادی را در بر می‌گیرد. از این رو، توسعه، فعالیتی هدفمند و ارزش محور تلقی می‌شود که هدف از آن، افزایش آسایش و آرامش انسان در تمامی ابعاد است. اسلام فقط به دنبال رفاه در این دنیا نیست، بلکه در پی سعادت اخروی انسان نیز هست و از نظر اسلام، هیچ‌گونه تضادی بین این دو وجود ندارد. در مقابل، سعادت اخروی در رهیافت‌های معاصر از توسعه نادیده گرفته شده است و رفاه مطلق مادی که هدف توسعه در غرب است، در اسلام برای انسان کمال مطلوب نبوده و هدف از آفرینش و خلقت انسان نیز آن نبوده است، بلکه آن‌ها به صورت ابزاری برای رسیدن به اهداف عالی که دین مبین اسلام تعیین کرده است، جلوه‌گر می‌شوند (اسم حسینی و لک زایی، ۱۳۹۹: ۵۵۵-۵۵۶). تلویزیون با افزایش تعداد کانال‌های خود در حال توسعه شیوه‌های تبلیغی در راستای تجارتي بوده که به هدف ویژه خود زودتر دسترسی پیدا کند.

پیشینه تحقیق

امیرمظاهری و همکاران (۱۴۰۲) تحقیقی تحت عنوان «واکاوی ابعاد توسعه سیاسی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که در برنامه ششم توسعه، از میان ده مؤلفه توسعه سیاسی، مؤلفه‌های نهادمندی و



پیچیدگی ساختار اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی دولت، قانون‌مداری، عقلانیت و خردورزی، توسعه اقتصادی، ظرفیت دولت، آزادی سیاسی، مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و امنیت روانی و سیاسی مورد توجه بوده و به سه مؤلفه آزادی سیاسی، مشارکت سیاسی و رقابت سیاسی پرداخته نشده است. [ملکی و همکاران \(۱۴۰۱\)](#) تحقیقی تحت عنوان «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی شهر زنجان» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که نگرش دانشجویان، به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان، در بین دانشجویان میان‌سال، بستگی به مدیریت توسعه سیاسی دولت، مدیریت توسعه اقتصادی دولت و میزان شرکت در انتخابات دارد. [میرخلیلی و همکاران \(۱۴۰۱\)](#) تحقیقی تحت عنوان «شناسایی و بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای تبیین الگوی توسعه سیاسی در ایران» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که الگوی توسعه سیاسی مبتنی بر پیشرفت اسلامی ایرانی، دارای ۱۰ مؤلفه اصلی است که هر یک از این مؤلفه‌ها ضمن ارتباط با یکدیگر، دارای اهمیت و وزنی مشخص در مدل تبیینی الگو هستند. [ملکشاهی و همکاران \(۱۴۰۰\)](#) تحقیقی تحت عنوان «بررسی تأثیر توسعه سیاسی بر حکمرانی خوب بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که مؤلفه‌های توسعه سیاسی (مشارکت، رقابت، انسجام و اعتماد) رابطه مستقیم و معناداری با الگوی حکمرانی خوب دارند. به عبارت دیگر، پیش شرط تحقق حکمرانی خوب در کشور، تحقق الزامات و شرایط توسعه سیاسی است. [عزیزی و همکاران \(۱۳۹۷\)](#) تحقیقی تحت عنوان «تحقق توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که شاخص‌های توسعه سیاسی (مشارکت سیاسی، مردم‌سالاری دینی، برابری و آزادی)، در این الگو منطبق بر شریعت بوده و با پایبندی به اجرای عدالت در فضای سیاست‌گذاری جامعه، زمینه توسعه سیاسی مطلوب فراهم شده است. [Sigachev \(۲۰۲۴\)](#) به تحلیل و مقایسه مفاهیم و شیوه‌های توسعه اجتماعی-سیاسی جوامع مدرن می‌پردازد و هدف آن بررسی تأثیر ناپایداری‌های اقتصادی و اجتماعی-سیاسی بر اهداف و انتخاب‌های سیاست توسعه در قرن ۲۱ است. نویسندگان با استفاده از روش بررسی انتقادی، مفاهیم "توسعه وابسته"، "توسعه همگام" و "توسعه مستقل" را تحلیل کرده و با ارائه نمونه‌هایی از برزیل، آرژانتین، چند کشور اتحادیه اروپا و روسیه، مشکلات و تناقضات مرتبط با انواع مختلف توسعه را شناسایی می‌کنند. در نهایت، نتیجه‌گیری نمودند که گفتمان علمی و سیاسی روسیه شامل مفاهیم متنوع توسعه است که نشان‌دهنده وجود دینامیک‌های اجتماعی-سیاسی مختلف در روسیه معاصر است و شرایط لازم برای انتقال به توسعه مستقل و حاکمیتی جامعه و دولت مدرن روسیه ترسیم می‌شود. [Gabriel \(۲۰۲۴\)](#) به بررسی سیستماتیک کردن مجموعه‌ای از ابزارها برای تحلیل بعد ژئوپولیتیکی توسعه پرداخت و بر انتقال کنونی قدرت جهانی و ظهور چین و دیگر قدرت‌های نوظهور تمرکز داشت. برای این منظور، از یک رویکرد متدولوژیک استفاده کرد که شامل بررسی نظریه‌های کلیدی برای درک توسعه و بعد ژئوپولیتیکی آن است و در چهار محور تحلیل سازماندهی می‌شود: ۱- موضوع توسعه، ۲- شرایط تاریخی-مکانی، ۳- مقیاس و ۴- ظرفیت‌های استراتژیک اجتماعی-دولتی. در نهایت، اهمیت توجه به این محورها برای درک دینامیک‌های توسعه در یک زمینه جهانی در حال تغییر و تدوین استراتژی‌هایی برای پاسخ به چالش‌های ژئوپولیتیکی معاصر مورد تأکید قرار می‌گیرد. [Kingsbury \(۲۰۰۷\)](#) تحقیقی تحت عنوان «توسعه سیاسی» را انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که دمکراسی و کارایی دستگاه‌های اجرایی از جمله مهم‌ترین ابعاد توسعه سیاسی هستند.

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر، از نظر هدف، توسعه‌ای- کاربردی و از حیث ماهیت و روش، پیمایشی است. همچنین این تحقیق از نظر زمانی، از نوع تحقیقات تک مقطعی است. جامعه آماری تحقیق، شامل ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه در رشته‌های مدیریت توسعه و علوم سیاسی آشنا با مباحث اسلامی و همچنین اساتید حوزه و روحانیون آشنا به موضوعات مدیریت دولتی و علوم سیاسی هستند که از تمامی آنان نظرخواهی شده است. معیارهای انتخاب خبرگان در این تحقیق شامل آشنایی با مباحث اسلامی و علوم سیاسی، تجربه و تخصص در رشته‌های مدیریت توسعه و علوم سیاسی، و همچنین داشتن سابقه تدریس در دانشگاه یا حوزه‌های مرتبط است. این معیارها به منظور اطمینان از دقت و اعتبار نظرات ارائه شده توسط خبرگان انتخاب شده‌اند. همچنین، تنوع در زمینه‌های تخصصی خبرگان به غنای نتایج تحقیق کمک می‌کند.

مشخصات جمعیت شناختی خبرگان در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول (۱) مشخصات جمعیت شناختی خبرگان

مورد	جنسیت	مدرک تحصیلی	سابقه شغلی	حوزه تخصصی	محل فعالیت
خبره ۱	مرد	دکتری تخصصی	۱۶ سال	مدیریت تطبیقی و توسعه	مدرس دانشگاه
خبره ۲	مرد	دکتری تخصصی	۲۲ سال	مدیریت تطبیقی و توسعه	مدرس دانشگاه
خبره ۳	مرد	حوزوی سطح ۴	۱۹ سال	تفسیر و علوم قرآن	مدرس حوزه
خبره ۴	مرد	حوزوی سطح ۴	۱۸ سال	فلسفه و کلام اسلامی	مدرس دانشگاه
خبره ۵	زن	دکتری تخصصی	۲۰ سال	علوم سیاسی	مدرس دانشگاه
خبره ۶	مرد	دکتری تخصصی	۲۳ سال	علوم سیاسی	مدرس دانشگاه
خبره ۷	مرد	کارشناسی ارشد	۱۹ سال	علوم سیاسی	استانداری
خبره ۸	مرد	کارشناسی ارشد	۲۵ سال	علوم سیاسی	استانداری
خبره ۹	مرد	دکتری تخصصی	۲۸ سال	علوم سیاسی	مدرس دانشگاه
خبره ۱۰	زن	دکتری تخصصی	۲۶ سال	مدیریت خط‌مشی‌گذاری عمومی	مدرس دانشگاه
خبره ۱۱	زن	دکتری تخصصی	۲۳ سال	مدیریت تطبیقی و توسعه	مدرس دانشگاه
خبره ۱۲	زن	دکتری تخصصی	۱۷ سال	مدیریت تطبیقی و توسعه	مدرس دانشگاه
خبره ۱۳	مرد	حوزوی سطح ۴	۲۲ سال	فلسفه و کلام اسلامی	مدرس حوزه
خبره ۱۴	مرد	حوزوی سطح ۴	۱۹ سال	تفسیر و علوم قرآن	مدرس حوزه
خبره ۱۵	مرد	حوزوی سطح ۴	۲۴ سال	معارف اسلامی	مدرس دانشگاه

در این تحقیق به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از مطالعات کتابخانه‌ای (بررسی اسناد و مدارک)، مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است؛ بدین ترتیب که ابتدا ابعاد توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای مورد شناسایی قرار گرفت (منابع مورد بررسی شامل کتب و مقالاتی است که در این خصوص نگارش شده است). سپس به منظور نهایی‌سازی فهرست ابعاد توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی برای نظام جمهوری اسلامی ایران، از خبرگان مربوطه

مصاحبه به عمل آمد. پرسشنامه مورد استفاده از این تحقیق نیز، دیمتل^۱ است که اولویت‌بندی ابعاد توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی برای دولت جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. روش دیمتل یک تکنیک تحلیلی است که برای شناسایی و تحلیل روابط بین عوامل مختلف در یک سیستم استفاده می‌شود. این روش به ویژه در زمینه‌های تصمیم‌گیری و مدیریت پروژه کاربرد دارد. در دیمتل، ابتدا عوامل مختلف شناسایی می‌شوند و سپس با استفاده از نظرات کارشناسان، روابط بین این عوامل تعیین می‌شود. این روابط به صورت ماتریس نمایش داده می‌شوند و با استفاده از الگوریتم‌های خاص، شدت و نوع تأثیر هر عامل بر دیگر عوامل مشخص می‌شود. نتیجه نهایی این تحلیل، کمک به تصمیم‌گیرندگان در اولویت‌بندی و مدیریت مؤثرتر عوامل مختلف در یک سیستم است. در پرسشنامه دیمتل، سطوح اندازه‌گیری را می‌توان در چهار سطح تقسیم نمود و با اعداد ۰، ۱، ۲ و ۳ که به ترتیب بیانگر عدم ارتباط و اثرگذاری، سطح پایین اثرگذاری، سطح بالای اثرگذاری و سطح بسیار بالای اثرگذاری هستند، نشان داد. نحوه نمره‌دهی پرسشنامه در جدول ۲ آمده است:

جدول (۲) نمره‌گذاری پرسشنامه دیمتل

عدم ارتباط و اثرگذاری	سطح پایین اثرگذاری	سطح بالای اثرگذاری	سطح بسیار بالای اثرگذاری
۰	۱	۲	۳

روایی تحقیق به معنای اعتبار و صحت ابزارهای مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها است. در این تحقیق، برای اطمینان از روایی پرسشنامه دیمتل و دیگر ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات، از نظرات خبرگان و اساتید دانشگاه در رشته‌های مدیریت توسعه و علوم سیاسی استفاده شده است. این نظرات به شناسایی و تأیید ابعاد توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی کمک کرده و اطمینان حاصل می‌کند که پرسشنامه به درستی مفاهیم مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کند. همچنین، بررسی منابع کتابخانه‌ای و مقالات مرتبط به عنوان مبنای نظری تحقیق، به تقویت روایی آن کمک کرده است. پایایی تحقیق به ثبات و قابلیت تکرار نتایج اشاره دارد. در این تحقیق، برای ارزیابی پایایی پرسشنامه دیمتل، از روش‌های آماری مناسب استفاده خواهد شد تا اطمینان حاصل شود که نتایج به دست آمده از پاسخ‌های خبرگان، در شرایط مشابه و با استفاده از ابزار یکسان، قابل تکرار هستند. به علاوه، با توجه به استفاده از مصاحبه و بررسی اسناد و مدارک، پایایی داده‌ها از طریق مقایسه و تطبیق نتایج به دست آمده از این روش‌ها نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. این اقدامات به تضمین پایایی و اعتبار نتایج تحقیق کمک می‌کند.

۴- یافته‌ها

دیمتل، یک تکنیک از روش‌های تصمیم‌گیری است که مبتنی بر مقایسه‌های زوجی می‌باشد. از تکنیک دیمتل می‌توان برای شناسایی و بررسی رابطه بین ابعاد، روابط علت و معلولی و ایجاد نگاشت روابط شبکه استفاده نمود و روابط تأثیرپذیر یا تأثیرگذار عناصر را استخراج کرده و رابطه بین عوامل را به صورت ساختاری نظام‌مند نمایش می‌دهد. این تکنیک مبتنی بر نمودارهایی است که می‌تواند عوامل درگیر را به دو گروه علت و معلول تقسیم نماید و رابطه میان آن‌ها را به صورت یک مدل ساختاری قابل درک درآورد.

با فرض اینکه n عامل بر سیستم مورد نظر اثر می‌گذارند، باید یک سیستم اندازه‌گیری ایجاد نمود که روابط علی و معلولی میان عوامل را اندازه‌گیری کند. سطوح اندازه‌گیری را می‌توان در چهار سطح تقسیم نمود و با اعداد ۰، ۱، ۲ و ۳ نشان داد که

^۱ DEMATEL

به ترتیب بیانگر عدم ارتباط و اثرگذاری، سطح پایین اثرگذاری، سطح بالای اثرگذاری و سطح بسیار بالای اثرگذاری هستند (Lin & Wu, 2008).

با استفاده از نظر افراد خبره، رابطه و سطح اثرگذاری میان عوامل به دست می‌آید. خروجی این عمل یک ماتریس مربعی است که روابط مستقیم میان عوامل را نشان می‌دهد. این ماتریس را ماتریس روابط مستقیم می‌نامند و هر درایه X_{ij} از آن نشان‌دهنده سطح اثرگذاری عنصر i بر روی عنصر j است. عناصر روی قطر اصلی این ماتریس صفر هستند و این بدان معناست که عوامل به صورت مستقیم بر خودشان اثر نمی‌گذارند ($X_{ii}=0$). ماتریس روابط مستقیم الگوی توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی در جدول ۳ و ماتریس روابط کل الگوی مذکور در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول (۳) ماتریس روابط مستقیم برای الگوی توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی

ابعاد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
جهان‌بینی اصیل سیاسی-اسلامی	۰/۰۰۰	۰/۳۵۴	۱/۲۱۳	۲/۳۱۱	۲/۹۸۶	۱/۸۵۶	۲/۰۰۳	۰/۵۹۸	۱/۲۵۴
انسجام فرهنگ سیاسی سازمانی	۰/۳۵۴	۰/۰۰۰	۰/۷۵۹	۱/۸۲۵	۱/۲۶۸	۱/۴۴۵	۲/۷۸۱	۱/۰۰۹	۲/۰۳۶
عقلانیت و خردورزی	۱/۲۱۳	۰/۷۵۹	۰/۰۰۰	۲/۵۸۹	۱/۸۳۶	۰/۸۶۴	۲/۱۴۸	۱/۵۶۹	۱/۵۶۹
عدالت‌محوری	۲/۳۱۱	۱/۸۲۵	۲/۵۸۹	۰/۰۰۰	۱/۲۶۹	۰/۲۶۹	۱/۸۲۴	۲/۶۵۸	۱/۸۷۵
ابتناء بر معنویت	۲/۹۸۶	۱/۲۶۸	۱/۸۳۶	۱/۲۶۹	۰/۰۰۰	۰/۷۸۲	۱/۷۰۹	۱/۹۸۵	۲/۰۳۶
حکومت قانون	۱/۸۵۶	۱/۴۴۵	۰/۸۶۴	۰/۲۶۹	۰/۷۸۲	۰/۰۰۰	۱/۵۸۷	۲/۰۰۰	۱/۶۴۸
مشارکت مؤثر سیاسی	۲/۰۰۳	۲/۷۸۱	۱/۳۳۶	۱/۸۲۴	۱/۷۰۹	۱/۵۸۷	۰/۰۰۰	۱/۵۶۸	۲/۰۶۸
مردم‌سالاری دینی	۰/۵۹۸	۱/۰۰۹	۲/۱۴۸	۲/۶۵۸	۱/۹۸۵	۲/۰۰۰	۱/۵۶۸	۰/۰۰۰	۲/۰۸۹
مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی	۱/۲۵۴	۲/۰۳۶	۱/۵۶۹	۱/۸۷۵	۲/۰۳۶	۱/۶۴۸	۲/۰۶۸	۲/۰۸۹	۰/۰۰۰

جدول (۴) ماتریس روابط کل برای الگوی توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی

ابعاد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
جهان‌بینی اصیل سیاسی-اسلامی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
انسجام فرهنگ سیاسی سازمانی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
عقلانیت و خردورزی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
عدالت‌محوری	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
ابتناء بر معنویت	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
حکومت قانون	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مشارکت مؤثر سیاسی	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
مردم‌سالاری دینی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰

بردار برتری (D+R) و بردار ارتباط (D-R) دو مفهوم کلیدی در تحلیل دیمتال هستند که به بررسی روابط بین عوامل مختلف در یک سیستم کمک می‌کنند.

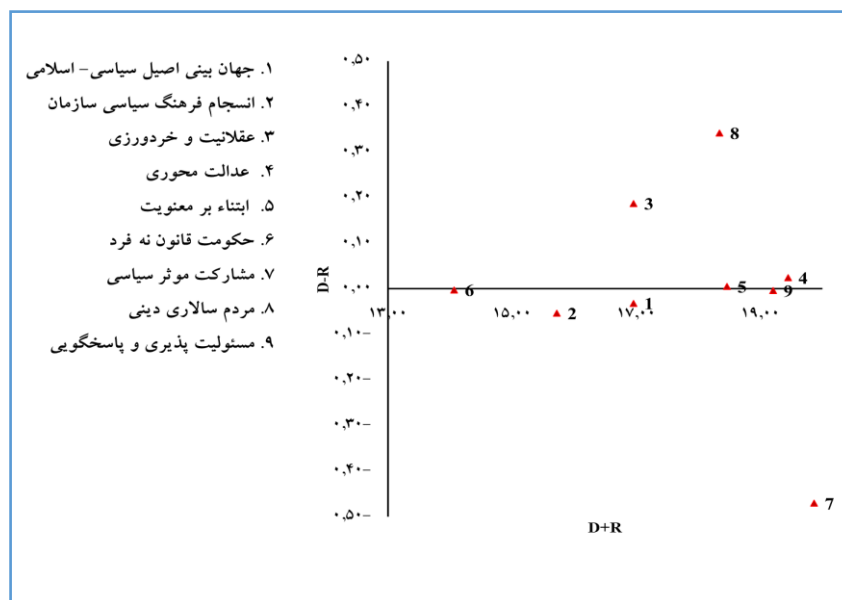
بردار برتری (D+R) به مجموع تأثیرات مثبت و منفی هر بعد اشاره دارد. هر چه مقدار این بردار بیشتر باشد، نشان‌دهنده تعامل و ارتباط بیشتر آن بعد با سایر عوامل سیستم است. این به معنای آن است که آن بعد نقش مهم‌تری در

دینامیک کلی سیستم ایفا می‌کند و می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر دیگر عوامل داشته باشد. بنابراین، شناسایی ابعادی با D+R می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان کمک کند تا بر روی آن‌ها تمرکز بیشتری داشته باشند و منابع را به سمت تقویت این ابعاد هدایت کنند.

بردار ارتباط (D-R) نیز به خالص تأثیرگذاری هر بُعد در سیستم اشاره دارد. این بردار نشان می‌دهد که آیا یک بُعد تأثیرگذار است یا تأثیرپذیر. اگر مقدار D-R بیش از صفر باشد، به این معناست که آن بُعد تأثیرگذار قطعی است و می‌تواند بر دیگر عوامل تأثیر بگذارد. در مقابل، اگر مقدار آن کمتر از صفر باشد، نشان‌دهنده این است که آن بُعد بیشتر تحت تأثیر سایر عوامل قرار دارد و تأثیرگذاری کمتری دارد. این اطلاعات به تحلیلگران کمک می‌کند تا درک بهتری از ساختار و دینامیک سیستم داشته باشند و تصمیمات بهتری در راستای مدیریت و بهبود عملکرد سیستم اتخاذ کنند.

جدول (۵) ماتریس تأثیرگذاری و تأثیرپذیری برای الگوی توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی

ابعاد	تأثیرگذاری (D)	تأثیرپذیری (R)	D+R	D-R
جهان‌بینی اصیل سیاسی - اسلامی	۸/۴۶۴	۸/۴۹۵	۱۶/۹۵۸	-۰/۰۳۱
انسجام فرهنگ سیاسی سازمانی	۷/۸۳۴	۷/۸۸۸	۱۵/۷۲۲	-۰/۰۵۳
عقلانیت و خردورزی	۸/۵۷۳	۸/۳۸۵	۱۶/۹۵۸	۰/۱۸۸
عدالت‌محوری	۹/۷۳۳	۹/۷۰۸	۱۹/۴۴۲	۰/۰۲۵
ابتناء بر معنویت	۹/۲۳۱	۹/۲۲۶	۱۸/۴۵۷	۰/۰۰۶
حکومت قانون	۷/۰۳۲	۷/۰۳۴	۱۴/۰۶۷	-۰/۰۰۲
مشارکت مؤثر سیاسی	۹/۶۹۷	۱۰/۱۶۸	۱۹/۸۶۵	-۰/۴۷۱
مردم‌سالاری دینی	۹/۳۴۱	۸/۹۹۸	۱۸/۳۳۹	۰/۳۴۲
مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی	۹/۵۹۹	۹/۶۰۲	۱۹/۲۰۱	-۰/۰۰۴



شکل (۱) نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نهایی الگوی توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی



نتایج تحلیل دیمتال الگوی توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی در جدول ۵ و شکل ۱ نشان می‌دهد بُعد «مشارکت مؤثر سیاسی» با اهمیت‌ترین بُعد و بُعد «مردم‌سالاری دینی» تأثیرپذیرترین بُعد بوده است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، در ابتدا ابعاد توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان مورد شناسایی قرار گرفت. این ابعاد، در نه دسته جهان‌بینی اصیل سیاسی-اسلامی، انسجام فرهنگ سیاسی سازمانی، عقلانیت و خردورزی، عدالت‌محوری، ابتناء بر معنویت، حکومت قانون، مشارکت مؤثر سیاسی، مردم‌سالاری دینی و مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی طبقه‌بندی شدند. سپس این ابعاد با استفاده از تکنیک دیمتال مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از تکنیک دیمتال نشان می‌دهد که بُعد مشارکت مؤثر سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین بُعد در میان ابعاد توسعه سیاسی شناسایی شده است. این نتیجه به‌خوبی نشان‌دهنده این است که برای تحقق توسعه سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، نیاز به مشارکت فعال و مؤثر شهروندان در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی وجود دارد. مشارکت سیاسی نه‌تنها به تقویت حس مسئولیت‌پذیری در میان مردم کمک می‌کند، بلکه به ایجاد یک فرهنگ سیاسی سالم و پویا نیز می‌انجامد. به‌عبارتی، هرچه مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای سیاسی بیشتر باشد، به همان اندازه می‌توان به تحقق اهداف توسعه سیاسی نزدیک‌تر شد.

از سوی دیگر، بُعد مردم‌سالاری دینی به‌عنوان تأثیرپذیرترین بُعد در این تحقیق شناسایی شده است. این امر نشان‌دهنده این است که اصول مردم‌سالاری دینی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران، تحت تأثیر سایر ابعاد توسعه سیاسی قرار دارد. به‌عبارتی، برای تقویت مردم‌سالاری دینی، باید به سایر ابعاد مانند عدالت‌محوری، عقلانیت و خردورزی و انسجام فرهنگ سیاسی توجه ویژه‌ای شود. این ارتباط متقابل بین ابعاد مختلف توسعه سیاسی می‌تواند به ایجاد یک نظام سیاسی کارآمد و پاسخگو منجر شود که در آن حقوق و آزادی‌های شهروندان به‌خوبی رعایت شود.

تحقیق حاضر با مطالعات پیشین در زمینه توسعه سیاسی، به‌ویژه در زمینه توجه به مؤلفه‌های اسلامی، تفاوت‌های قابل توجهی دارد. به‌عنوان مثال، در تحقیق [امیرمظاهری و همکاران \(۱۴۰۲\)](#)، مؤلفه‌های مختلف توسعه سیاسی شناسایی شده‌اند، اما به مؤلفه‌های مشارکت سیاسی و آزادی سیاسی توجه نشده است. در مقابل، تحقیق حاضر به‌طور خاص بر روی ابعاد توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی تمرکز کرده و بُعد مشارکت مؤثر سیاسی را به‌عنوان مهم‌ترین بُعد شناسایی کرده است. همچنین، در تحقیق [میرخلیلی و همکاران \(۱۴۰۱\)](#)، الگوی توسعه سیاسی مبتنی بر پیشرفت اسلامی ایرانی دارای ۱۰ مؤلفه اصلی است، در حالی که تحقیق حاضر ابعاد توسعه سیاسی را در نه دسته مشخص طبقه‌بندی کرده و بر اهمیت ارتباط متقابل بین این ابعاد تأکید دارد. نتایج تحقیق [ملکشاهی و همکاران \(۱۴۰۰\)](#) نیز بر تأثیر مؤلفه‌های توسعه سیاسی بر حکمرانی خوب تأکید دارد، در حالی که تحقیق حاضر به‌طور خاص به تأثیر مشارکت سیاسی بر تحقق اهداف توسعه سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. محدودیت‌های تحقیق حاضر شامل این است که نتایج به‌دست‌آمده تنها بر اساس نظرات خبرگان و اساتید دانشگاهی است و ممکن است به‌طور کامل نمایانگر دیدگاه‌های عمومی جامعه نباشد. همچنین، تمرکز تحقیق بر ابعاد توسعه سیاسی بر اساس



آموزه‌های اسلامی ممکن است به محدودیت‌هایی در بررسی سایر مؤلفه‌های توسعه سیاسی که در مطالعات پیشین مطرح شده‌اند، منجر شود. در مجموع می‌توان گفت، این نتایج می‌تواند به‌عنوان یک راهنمای عملی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به اهمیت مشارکت مؤثر سیاسی و تأثیر آن بر مردم‌سالاری دینی، لازم است که برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه سیاسی به‌گونه‌ای طراحی شوند که مشارکت شهروندان را در فرآیندهای سیاسی تقویت کنند. این امر می‌تواند شامل ایجاد بسترهای قانونی و اجتماعی مناسب برای مشارکت، آموزش و آگاهی‌بخشی به مردم در زمینه حقوق و مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی، و همچنین تقویت نهاد‌های مدنی و اجتماعی باشد.

منابع

- آقابخشی، علی. و افشاری‌راد، مینو. (۱۳۸۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: انتشارات چاپار، چاپ سوم.
- اسم‌حسینی، غلامرضا. و لک‌زایی، نجف. (۱۳۹۹). میان‌ی اخلاقی توسعه سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره). *مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۴(۳)، ۵۴۳-۵۶۴. <https://sid.ir/paper/۳۸۶۸۲۳/fa>
- امیرمظاهری، امیرمسعود، علمی، محمود، مؤمنی‌راد، اکبر. و احمدزاده گلی، حسین. (۱۴۰۲). واکاوی ابعاد توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران. *مجله جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۲(۱)، ۲۲۵-۲۳۴، ۲۵۰، ۱۰، ۲۲۰۳۴-۲۲۵، jeds.۲۰۲۳.۵۵۵۴۶,۱۷۱۰
- پریزاد، رضا. و سلیمانی، محمدمهدی. (۱۴۰۱). نقش نهاد ملی حمایت از حقوق بشر در پیشبرد توسعه سیاسی جمهوری اسلامی. *مجله پژوهش ملل*، ۷(۸۲)، ۷-۳۶.
- جهانگیری، مسعود. (۱۳۹۴). توسعه سیاسی و موانع آن در ایران و کشورهای خاورمیانه. *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی*، تهران، ایران. <https://sid.ir/paper/۸۳۷۳۷۱/fa> SID.
- رجب‌زاده، احمد. (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی توسعه: بررسی تطبیقی-تاریخی ایران و ژاپن*. تهران: انتشارات سلمان.
- سیف‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). *پانزده مدل نوسازی توسعه و دگرگونی سیاسی*. تهران: انتشارات قومس، چاپ سوم.
- شیرودی، مرتضی. (۱۳۹۳). شاخصه‌های سیاسی توسعه و پیشرفت از منظر اسلام با تکیه بر حکومت امام مهدی (عج). *مجله انتظار موعود*، ۱۴(۴۵)، ۸۵-۱۰۲. https://www.entizar.ir/article_۷۵۲۳۸.html
- عابدی‌اردکانی، محمد. و سلطانی، لقمان. (۱۳۹۹). رابطه نظام اداری و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (با بهره‌گیری از الگوی نظری جاگورایب). *مجله سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۵۰(۲)، ۶۲۹-۶۴۹. https://www.entizar.ir/article_۷۵۲۳۸.html
- عزیزی، حسن، شفیعی، اسماعیل. و گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۷). تحقق توسعه سیاسی در الگوی ایرانی پیشرفت. *مجله مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، ۶(۱۱)، ۱۵۷-۱۸۳.
- فروزنده‌دهکردی، لطف‌الله. و جوکار، علی‌اکبر. (۱۴۰۲). *مدیریت اسلامی و الگوهای آن*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ پانزدهم.
- لک‌زایی، نجف. و اسم‌حسینی، غلامرضا. (۱۳۹۱). الگوهای توسعه سیاسی با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره). *مجله مطالعات انقلاب اسلامی*، ۹(۲۹)، ۳۵-۶۰.



- مشکات، محمد، امیری، اقبال. و خواجه، علی. (۱۳۹۴). جایگاه دین در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران. *مجله پژوهش‌های سیاسی*، (۱۵)۵، ۲۴-۴۴.
- معمارزاده‌طهران، غلامرضا. و احمدی، مسعود. (۱۳۹۲). *مدیریت تطبیقی: اصول، مبانی، نظریه‌ها و الگوهای رایج*. تهران: انتشارات اندیشه‌های گوهربار، چاپ چهارم.
- معمارزاده‌طهران، غلامرضا. و پاک‌طینت، اقبال. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی. *مجله کنترولر*، (۲۱)۴۱، ۱-۲۵.
- ملکشاهی، مجتبی، کشیشیان‌سیرکی، گارینه. و حسنی‌فر، عبدالرحمن. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر توسعه سیاسی بر حکمرانی خوب بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. *مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، (۴۶)۱۲، ۱۳۵-۱۶۰.
- ملکی، پرویز، ظهراپی، چنور، صدقی، ذبیح‌الله. و جهانگیری، علیرضا. (۱۴۰۱). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی شهر زنجان). *مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، (۵۶)۲۱، ۳۶۹-۳۹۳.
- میرخلیلی، سیدحسین، ابوالفضل، حسین. و صالحی‌فارسانی، علی. (۱۴۰۱). شناسایی و بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای تبیین الگوی توسعه سیاسی در ایران. *مجله سیاست متعالیه*، (۳۹)۱۰، ۲۴۱-۲۶۸.
- نظری، سیدغنی، بشیری‌گیوی، حسین. و جنتی، سعید. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی مورد مطالعه جوانان شهر خلخال. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، (۱)۶، ۱۳۷-۱۴۶.

References

- Dolab, M. (۲۰۱۸). *Parties and elites are two major indicators in the country's political structure*. University of Cambridge, London, England. [۱۰,۲۲۰۳۴/jgeog.۲۰۲۴,۲۸۹۲۰۹,۳۱۲۲](https://www.jgeog.۲۰۲۴/۲۸۹۲۰۹,۳۱۲۲)
- Gabriel, Merino, E (۲۰۲۴). La dimensión geopolítica del desarrollo. *Desarrollo, Estado y Espacio* ۳(۱), Artículo e۰۰۴۲. https://www.memoria.fahce.unlp.edu.ar/art_revistas/pr.۱۸۰۷۳/pr.۱۸۰۷۳.pdf
- Hesstvedt, S. & Christensen, J. (۲۰۲۳). Political and administrative control of expert groups-A mixed- methods study. *Governance*, ۳۶(۲), ۳۳۷-۳۵۷.
- Kingsbury, D. (۲۰۰۷). *Political Development*. New York, NY: Routledge.
- Lin, C. & Wu, W. (۲۰۰۸). A causal analytical method for group decision making under fuzzy environment. *Expert Systems with Applications*, ۳۴(۱), ۲۰۵-۲۱ [DOI: 10.1016/j.eswa.۲۰۰۶.۰۸.۰۱۲](https://doi.org/10.1016/j.eswa.۲۰۰۶.۰۸.۰۱۲)
- Sigachev, Владимир, Игоревич, Пантин., М., I., . (۲۰۲۴). Socio-political development of modern societies: concepts, practices, problems (examples from latin american countries, the eu, and russia). *Вестник Пермского университета*, ۱۸(۲):۵-۱۴. doi: ۱۰,۱۷۰۷۲/۲۲۱۸-۱۰۶۷-۲۰۲۴-۲-۵-۱۴ [doi: 10.17072/2218-1067-2024-2-5-14](https://doi.org/10.17072/2218-1067-2024-2-5-14)



**Prioritization of the dimensions of political development based on
Islamic teachings in the Islamic Republic of Iran**



Zahra Ghorbanzadeh

PhD Student, Department of Management, Kerman Branch, Islamic Azad University,
Kerman, Iran.

ORCID:۰۰۲-۶۴۳۵-۰۸۱۴

ghorbanzadeh.zahra376@gmail.com



Amin Nikpour (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Management, Kerman Branch, Islamic Azad
University, Kerman, Iran

ORCID:۰۰۰۱-۷۵۵۹-۴۹۸۰

nikpour2003@yahoo.com



Zahra Shokoh

Assistant Professor, Department of Management, Kerman Branch, Islamic Azad University,
Kerman, Iran.

ORCID:۰۰۰۲-۱۸۱۶-۷۸۲۴

shokoh.azaduniversity@gmail.com



Shahin Sharifi

Assistant Professor, Department of Management, Kerman Branch, Islamic Azad University,
Kerman, Iran.

ORCID:۰۰۰۲-۷۸۶۱-۷۳۳X

sharif_49@yahoo.com

Received: ۲۰۲۴ December ۲۷ | Revised: ۲۰۲۵ January ۱۱ | Accepted: ۲۰۲۵ January ۱۵



Abstract

The aim of this research is to prioritize the dimensions of political development based on Islamic teachings for the government of the Islamic Republic of Iran. This study is designed as a developmental-applied research and is conducted in a survey manner.

To collect data, various tools have been utilized, including reviewing credible documents, interviewing experts, and distributing questionnaires. The statistical population of this research includes ۱۰ university professors in the fields of development management and political science who are familiar with Islamic topics, as well as seminary professors and clergy who specialize in governmental management and political science. In this research, the DEMATEL technique has been employed to analyze the data, which helps in examining the relationships between different dimensions of political development.

The results indicate that the dimension of effective political participation has been identified as the most important among the dimensions of political development.

This finding highlights the significant role of citizen participation in political and social processes, which can enhance the sense of responsibility and foster a healthy and dynamic political culture. Additionally, the dimension of religious democracy has been recognized as the most influenced dimension, indicating its deep connection with other dimensions of political development.

This research can serve as a practical guide for policymakers and decision-makers in the Islamic Republic of Iran, assisting in the design of programs and policies that strengthen citizen participation in political processes.

Keywords:

Political Development, Islamic Teachings, Government Of The Islamic Republic Of Iran, DEMATEL.



بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر توسعه مدیریت ورزش قهرمانی استان سمنان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲



سیدعلیرضا حسینی خو

دانشجوی دکتری جامعه شناسی گرایش اقتصاد و توسعه، گروه جامعه شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۲۹۲-۹۲۴۷

seyedalirezahosseini@khou@gmail.com



حبیب الله کریمیان (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه جامعه شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۰۶۲۳-۷۵۸۹

[آدرس ایمیل](mailto:adrs@imil.com)



اسماعیل ذیحی

استادیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار، ایران.

ORCID: ۰۰۰۹-۰۰۰۷-۲۱۲۸-۳۹۹۳

szabihi77@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر توسعه مدیریت ورزش قهرمانی استان سمنان می‌باشد. این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی است. رویکرد روش‌شناختی به موضوع کمی و روش پیمایش است. معلمان ورزش، کارشناسان ورزشی (دارای مدرک ورزشی)، پیشکسوتان ورزشی (باسابقه قهرمانی ملی و بین‌المللی) و روسای هیئت‌های ورزشی استان سمنان به‌عنوان جامعه آماری پژوهش در نظر گرفته شده‌اند. برای محاسبه حجم نمونه نیز از جدول مورگان استفاده شد که نمونه آماری ۲۱۲ نفر به دست آمد. با استفاده از ادبیات و پیشینه تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته آماده گردید. برای ارزیابی روایی صوری و محتوایی پرسشنامه و بررسی صحت‌وسقم سؤالات، پرسشنامه به ۱۵ نفر از کارشناسان و متخصصان مدیریت ورزشی توزیع گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از رویکرد همبستگی استفاده شد. نتایج نشان داد بین عامل حقوق و دستمزد با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بین عامل شادابی و نشاط با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بین عامل کمیت و کیفیت زیرساخت‌های ورزشی با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

^۱ <https://doi.org/10.71810/JNAPA.2025.1194210>



داشته و این عامل بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان مؤثر است. بین عامل هزینه‌های ورزش با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود داشته و این عامل نیز بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان مؤثر است. با توجه به نتایج محدودیت‌های اجرایی و عدم همکاری برخی از نمونه‌های تحقیق و بی‌توجهی آن‌ها نسبت به تکمیل پرسشنامه را می‌توان به‌عنوان سختی کار در نظر گرفت.

کلمات کلیدی: شادابی و نشاط، توسعه ورزش قهرمانی، کمیت و کیفیت زیرساخت‌های ورزشی

۵- مقدمه

ورزش و تحرک از گذشته‌ی دور به‌عنوان یک واقعیت و اصل در ساختار اجتماعی جوامع انسانی وجود داشته و قسمی از زندگی روزمره‌ی انسان‌ها را در برمی‌گیرد. به‌طور کل با توجه ب اهمیت ویژه و الزام سلامتی و پیامدهای آن می‌توان ورزش را به‌عنوان وسیله‌ی مناسبی برای مقابله با بحران سلامتی در نظر گرفت، داشتن جامعه سالم نیازمند تشبیت راهکارهای علمی و عملی برای ایجاد سلامتی و شادی در افراد جامعه است (Karegar et al, ۲۰۲۳). مشارکت افراد در فعالیت‌های فیزیکی و بدنی سبب توسعه اجتماعی، شناختی و روانی و در سطح بالاتر سبب بهبود تناسب‌اندام می‌گردد. اساساً توسعه ورزش قهرمانی در ارتباط با افزایش مشارکت و ترویج فرصت‌ها و مزایای حضور در فعالیت‌های ورزشی است. مشارکت در ورزش و فعالیت‌های بدنی دامنه گسترده‌ای از مفاهیم از قبیل حضور شهروندان در ورزش‌هایی که قانونمند بوده، و نهایتاً توسعه ورزش همگانی، حرفه‌ای و قهرمانی را به هم مرتبط می‌کند، بدیهی است هر کشوری از این موج فزاینده عقب بیافتد، به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند خلأ ایجادشده را پر نماید و نهایتاً تفاوت‌ها در بهره‌وری از تأثیرات ورزش و فعالیت‌های حرکتی روشن و واضح خواهند بود (Salami, ۲۰۱۴).

بنابراین برای درک بهتر در طرح‌های توسعه ورزش قهرمانی چنانچه عوامل مؤثر بر آن به‌خوبی شناسایی شود، سبب توسعه بیشتر ورزش در تمام دوره‌ها می‌شود. همچنین شناسایی موانعی که بر سر راه مشارکت ورزش قهرمانی وجود دارد می‌تواند کمک شایانی به رفع آن‌ها و ارائه راهکارهای مؤثری در زمینه بالابردن مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و توسعه آن گردد. به عقیده (Nave, ۲۰۰۲) موانع یا محدودیت‌ها، مسیر یا فرایند پیشرفت به سمت هدف را سست می‌کنند. محدودیت‌ها یک سری از موارد وابسته به یکدیگر هستند که به حالت زنجیروار حرکت به سمت هدف را ضعیف می‌کند (Abbott, Pepping & Collins, ۲۰۱۵).

در این راستا برخی از محققین توسعه ورزش قهرمانی را در چند سطح در نظر گرفته‌اند. ابل و سندرا^۱ (۲۰۰۷) به بررسی مهارت‌های پایه‌ای پرداخته و دریافته‌اند که تجهیزات ورزش موردنیاز و همچنین برنامه‌ریزی برای این برنامه‌ها یکی از نکات ضروری برای گسترش این ورزش‌ها می‌باشد. (Glanz & Bishop, ۲۰۱۰) به بررسی برنامه‌ی توسعه‌ای پرداخته‌اند و تأثیر اولویت‌های فرهنگی را در این برنامه‌ها تأثیرگذار دانسته‌اند. انجمن ایرلند (Gi-Yong, ۲۰۱۴) نیز در پژوهشی به بررسی موانع شرکت در ورزش و فعالیت بدنی پرداختند و نشان دادند که موانع اجتماعی و فرهنگی، موانع عملی، و موانع دانش به‌عنوان موانع اصلی انتخاب شدند. (French & Thomas, ۲۰۱۲) بر اساس مدل سلسله مراتبی نیز، سه دسته از موانع را شناسایی کردند: موانعی که به افراد و یا نیروهای انسانی مرتبط با برنامه‌ها مرتبط است، موانعی که به ارتباطات افراد یا دانش آموزان مربوط است و دسته‌ی آخر موانعی که به موانع ساختاری مربوط‌اند که مربوط به سیاست‌گذاری می‌باشند.

^۱ Abel & Sandra

به‌طور کلی ورزش قهرمانی، از مختصات حیاتی برای توسعه ملت‌ها و دولت‌های مدرن به حساب می‌آید (فاکندر و همکاران^۱، ۲۰۱۷). توسعه ورزش قهرمانی مجموعه عواملی است که میزان موفقیت هر استان را در ورزش قهرمانی نشان می‌دهد؛ این عوامل می‌توانند از تعداد ورزشکاران قهرمان تا مدال‌های کسب‌شده این ورزشکاران در رقابت‌های المپیک، جهانی، آسیایی و ملی متغیر باشند. (Dobyns & Gabel, ۲۰۰۸) نیز حمایت مالی، سازمان‌ها و ساختارهای سیاسی ورزش، مشارکت، استعدادیابی و سیستم توسعه، حمایت پس از قهرمانی از ورزشکاران، تسهیلات و تأسیسات ورزشی، انتخاب مربیان و توسعه مربیگری، رقابت‌ها و مسابقات بین‌المللی و تحقیقات علمی را از جمله عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی یک کشور معرفی کرده‌اند. همچنین، مطالعات نشان می‌دهند که عوامل اقتصادی و زمینه‌های جغرافیایی و اجتماعی نیز نقش مهمی در توسعه ورزش قهرمانی و موفقیت ورزشی دارند (Bocarro et al, ۲۰۱۲).

بنابراین، به نظر می‌رسد که متغیرهای کلان توسعه ملی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌توانند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر میزان توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی تأثیرگذار باشند. توسعه اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان عوامل کلیدی در ظرفیت و توان تولید اقتصادی هر استان شناخته می‌شوند و ورزش، به‌ویژه ورزش قهرمانی، به‌عنوان یک فعالیت خدماتی، به‌طور قابل توجهی به این توسعه وابسته است. از این رو، توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در حوزه ورزش قهرمانی به‌طور مستقیم به توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی آن‌ها مرتبط است. استان سمنان با وجود برخورداری از نیروی انسانی جوان و مستعد در بسیاری از رشته‌های ورزشی، به دلیل عدم توجه کافی به مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی، نتوانسته است در توسعه ورزش قهرمانی به‌گونه‌ای که شایسته‌اش است، موفق عمل کند. گسترش ورزش قهرمانی در این استان می‌تواند به بهره‌مندی مردم و اقشار مختلف از فواید آن منجر شود. ورزش قهرمانی تأثیرات سیاسی و اجتماعی متعددی در ابعاد داخلی و بین‌المللی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به نقش آن در تقویت ارزش‌های اجتماعی، افزایش روح همبستگی ملی، و ارتقاء مشارکت سیاسی و رفاه اجتماعی اشاره کرد. با توجه به تأثیرات عمیق ورزش قهرمانی از عوامل اقتصادی و نقش آن در کسب افتخارات ملی، ضروری است که به‌عنوان ابزاری مناسب برای توسعه در سطوح مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تدابیری اندیشیده شود. در این راستا، پدیده ورزش قهرمانی در استان سمنان به‌عنوان یک مسئله اجتماعی-اقتصادی قابلیت تبدیل به موضوعی پژوهشی را دارد. هدف این پژوهش شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان است و به این سؤال اساسی پاسخ داده خواهد شد که چه عوامل اقتصادی بر توسعه ورزش قهرمانی در این استان تأثیرگذار هستند. شکاف موجود در این زمینه، عدم شناخت دقیق از عوامل اقتصادی مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان است. در حالی که بسیاری از استان‌ها به‌طور مؤثر از ظرفیت‌های ورزشی خود بهره‌برداری می‌کنند، سمنان هنوز در این زمینه به‌طور کامل شکوفا نشده است. نوآوری در این پژوهش می‌تواند به شناسایی و تحلیل دقیق‌تر این عوامل کمک کند و راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت ورزش قهرمانی در استان ارائه دهد. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک نقشه راه برای سیاست‌گذاران و مسئولان استان سمنان عمل کند تا با اتخاذ تصمیمات مناسب، زمینه‌های توسعه ورزش قهرمانی را فراهم آورند و از این طریق به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم این استان کمک کنند.

۶- ادبیات تحقیق

در دوران مدرن، ورزش‌های قهرمانی فراتر از یک رویداد ورزشی ساده، تکامل یافته و به‌عنوان ابزاری برای کسب مزیت رقابتی میان کشورها دیده می‌شوند. برای دستیابی به این هدف، بسیاری از کشورها برنامه‌ریزی‌های بلندمدت را اتخاذ کرده و سرمایه‌گذاری‌های کلانی در زمینه‌های مالی، مادی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی انجام داده‌اند تا سطح ورزش‌های قهرمانی خود را بهبود بخشند (Armstrong, ۱۹۹۹; Balyi and Hamilton, ۲۰۰۴; Mujika et al., ۲۰۱۸). کشورها تلاش می‌کنند تا دستاوردهای ورزشی، اقتصادی و سیاسی خود را به جامعه جهانی نشان دهند و با میزبانی و شرکت در رقابت‌های

^۱ Faulkner et al.

مهمی مانند بازی‌های المپیک، بازی‌های آسیایی و قهرمانی‌های جهانی، آسیایی و بین‌المللی، هیجان و شوق را در میان مردم خود ایجاد کنند. بنابراین، توسعه و موفقیت مؤثر ورزش‌های قهرمانی در هر کشوری نیازمند درک عمیق از نقاط قوت و ضعف کشور در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. دستیابی به مدال‌ها و افتخارات بین‌المللی در رقابت‌های بزرگ ورزشی به‌عنوان لحظه‌ای مهم محسوب می‌شود که پتانسیل و قابلیت‌های واقعی یک کشور را به نمایش می‌گذارد. به همین دلیل، سیاستمداران و مسئولان ورزشی از کشورهای مختلف به تأثیرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رویدادهای ورزشی بین‌المللی مانند بازی‌های المپیک توجه دارند و تلاش می‌کنند تا عوامل استراتژیک مؤثر بر آن را شناسایی کنند تا از طریق برنامه‌ریزی در خصوص آن‌ها، بالاترین افتخارات ورزشی را کسب کنند (Shipway, ۲۰۰۷, Winand et al., ۲۰۱۶, Torres-Ronda et al., ۲۰۲۲, Steinmuller et al., ۲۰۱۴). در حال حاضر، موفقیت بین‌المللی ورزشکاران در رقابت‌های المپیک و دیگر مسابقات بین‌المللی به‌عنوان معیاری برای شهرت و جایگاه کشورهای مربوطه در سطح جهانی محسوب می‌شود. رتبه‌ای که در این رقابت‌ها به دست می‌آید، به‌عنوان معیاری برای سنجش موفقیت در بسیاری از ورزش‌های مهم به شمار می‌رود. درحالی‌که فلسفه ورزش قهرمانی بر مشارکت به‌جای پیروزی و رقابت بین کشورها تأکید دارد، جامعه بین‌المللی هنوز هم از تعداد مدال‌های کسب‌شده به‌عنوان معیاری برای موفقیت یک کشور در این ورزش استفاده می‌کند. در سال‌های اخیر، رقابت میان کشورها برای کسب مدال در مسابقات بین‌المللی شدت یافته و منجر به افزایش بودجه‌های ورزشی و سیستم‌های حرفه‌ای توسط دولت‌ها و سازمان‌های ورزشی در سراسر جهان شده است (Emara, Simpson et al., ۲۰۱۷, Till and Baker, ۲۰۲۰ et al., ۲۰۲۰). همگنی در سیستم‌های ورزشی به یک هنجار برای کشورها تبدیل شده است تا به موفقیت بین‌المللی دست یابند، زیرا اکثر آن‌ها یک سیستم استاندارد را دنبال می‌کنند. مشاهده‌شده که افزایش بودجه‌های ورزشی می‌تواند منجر به کسب مدال‌های بیشتری در المپیک شود (Cruickshank and Mujika, ۲۰۱۷ Collins, ۲۰۱۲).

صنعتی شدن ورزش و تفریح سالم یکی از رویدادهای مهم قرن گذشته بوده است. موفقیت ورزشی اکنون با تفاوت در ارزش مدال‌ها (بر اساس طلا، نقره و برنز) دریافتی یک کشور در دو دوره بازی‌های ورزش قهرمانی تعریف می‌شود (Fletcher, Pankowiak et al., ۲۰۲۳, Vasco et al., ۲۰۲۳ and Arnold, ۲۰۱۱). در ارزیابی موفقیت ورزشی یک کشور، اگر تعداد مدال‌ها نسبت به دوره قبلی افزایش یابد، ارزش یک به آن اختصاص داده می‌شود که نشان‌دهنده موفقیت است، درحالی‌که اگر بهبودی وجود نداشته باشد، ارزش صفر به آن داده می‌شود که نشان‌دهنده شکست است. بر این اساس حوزه ورزش به یک همگرایی از عوامل سیاسی، اجتماعی، جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک تبدیل شده است (Dane et al., ۲۰۲۲, Mondalizadeh and Kavyani, ۲۰۲۳ al., ۲۰۲۲). واضح است که عوامل محیطی نقش مهمی در شکل‌گیری توسعه ورزش‌های قهرمانی یک کشور ایفا می‌کنند و چندین مطالعه به این نتیجه رسیدند که عوامل اقلیمی، جغرافیایی، سیاسی، آموزشی و بهداشتی ممکن است به‌طور فردی یا جمعی بر بهبود عملکرد ورزش‌های قهرمانی یا دستیابی به افتخارات بین‌المللی و مدال‌های ورزش قهرمانی تأثیر بگذارند. بر اساس تحقیقات کستونا (Čustonja & Škorić, ۲۰۱۱)، تولید ناخالص داخلی (GDP) می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر موفقیت و کسب مدال‌های ورزش قهرمانی تأثیر بگذارد. علاوه بر این، گزارش کمیته بین‌المللی نشان می‌دهد که ده کشور توسعه‌یافته بیش از نیمی از مدال‌ها و افتخارات را در المپیک ۲۰۰۸ پکن کسب کرده‌اند که این ادعا را تأیید می‌کند. مطالعه لیندفلت (Lindfelt, ۲۰۱۰) نشان می‌دهد که استراتژی‌های ورزشی نخبگان، از جمله عوامل سیاسی (اصلاحات اجرایی دولتی)، سیاسی (سیاست‌های اتحادیه اروپا)، اقتصادی، قانونی و محیطی می‌توانند تأثیر قابل‌توجهی بر ورزش‌های قهرمانی داشته باشند. Van Tuyckom (۲۰۱۰) تأکید می‌کند که سرمایه‌گذاری در تأسیسات، امکانات، مسابقات و توسعه اجتماعی، به‌عنوان بخشی از استراتژی‌های توسعه اقتصادی، می‌تواند منجر به رشد رتبه‌های المپیک و جهانی یک کشور شود (Martindale et al., ۲۰۰۵).

بنابراین توسعه ورزش‌های ملی جزء جدایی‌ناپذیر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی یک کشور است. ترویج ورزش در تمام بخش‌ها منجر به افزایش فعالیت اجتماعی و بهره‌وری ملی می‌شود و موفقیت یک کشور در ورزش‌های قهرمانی شهرت و شناسایی جهانی آن را افزایش می‌دهد (Watson, ۲۰۱۷; Talpey and Siesmaa, ۲۰۱۷). افتخار و عزت ملی از جمله عواملی هستند که روحیه ملی را تقویت می‌کنند و دستاوردها و پیامدهای توسعه ورزش‌های ملی تأثیرات عمیقی دارند که منجر به رونق اقتصادی و اجتماعی می‌شود. بنابراین، این بخش به‌عنوان پایه‌ای اصلی برای توسعه منابع انسانی سالم در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند تأثیر مثبتی بر دستیابی به جوامع سالم و بهبود کیفیت زندگی داشته باشد. نقش عملکردی آن می‌تواند جامعه ایران را به‌عنوان کشور پیشرو در منطقه جنوب غرب آسیا معرفی کند و امکان تعامل با جهان را فراهم آورد. علاوه بر این، شواهد و تجربیات نشان می‌دهد که ورزش می‌تواند ابزاری مؤثر و کم‌هزینه برای دستیابی به اهداف توسعه باشد (Herold et al., ۲۰۱۹; Bergeron et al., ۲۰۱۵).

دبیر کل سازمان ملل (UN) در سال ۲۰۰۲ کمیته اجرایی را تشکیل داد تا نقش ورزش در فعالیت‌های توسعه، به‌ویژه در سطح جامعه را بررسی کند و حمایت بیشتری از این فعالیت‌ها را در میان دولت‌ها و سازمان‌های ورزشی ترویج دهد (Development and Peace, ۲۰۰۳; Burnett, ۲۰۱۰). مدل مولا چهار نوع ورزش را دسته‌بندی می‌کند: جهانی، آموزشی، قهرمانی و حرفه‌ای. درحالی‌که بسیاری از کشورها در فعالیت‌های ورزشی در این دسته‌ها شرکت می‌کنند، کمبود اولویت‌بندی دقیق در برنامه‌ها و ابتکارات ورزشی برای توسعه ورزش وجود دارد. این مطالعه به دنبال پاسخ به یک سؤال تحقیق خاص در مورد فرآیند و اولویت‌بندی توسعه ورزش، به‌ویژه در حوزه ورزش و ورزش‌های قهرمانی است. سنگاپور به‌عنوان مثالی از کشوری که به‌طور استراتژیک از ورزش به‌عنوان ابزاری برای توسعه ملی استفاده کرده، علی‌رغم عدم کسب شناخت بین‌المللی برای دستاوردهای ورزشی خود، مطرح می‌شود. در سنگاپور، ورزش به‌عنوان ابزاری برای تقویت همبستگی اجتماعی و تسهیل پیشرفت ملی به‌کاررفته است (Bloyce and Smith, ۲۰۰۹). ورزش‌ها به‌عنوان ابزاری برای فعالیت‌های اجتماعی اخلاقی در نظر گرفته می‌شوند و ارزش‌ها از طریق فعالیت‌های ورزشی از دوران کودکی در افراد و اعضای جامعه نهادینه می‌شود. نتایج یک نظرسنجی اخیر نشان می‌دهد که مفهوم "ورزش برای سلامت" و "سلامت برای ثروت" در میان مردم سنگاپور به‌شدت پذیرفته شده است. ورزش‌های قهرمانی جزء مهمی از سازمان‌های اجتماعی مرتبط با ورزش هستند که به بازی‌ها و ورزش‌های رقابتی و سازمان‌یافته اشاره دارند که هدف آن‌ها دستیابی به نتایج و رتبه‌های بهتر است و افراد ماهر در آن‌ها شرکت می‌کنند. امروزه کشورها متوجه شده‌اند که توسعه ورزش‌های قهرمانی و بهره‌مندی از مزایای مستقیم و غیرمستقیم آن نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب است (De Bosscher, De Claudino et al., ۲۰۱۹; Knop, Van Bottenburg, and Shibli, ۲۰۰۶).

عوامل را که کشورها باید در نظر بگیرند تا از توسعه ورزش‌های قهرمانی بهره‌مند شوند، به نه مؤلفه تقسیم‌بندی کرده‌اند که به سه دسته تقسیم می‌شوند: ورودی، که شامل منابع انسانی و مالی است؛ پذیرش، که شامل استراتژی‌ها و سیاست‌هایی است که توسعه ورزش‌های قهرمانی را تسهیل می‌کند؛ و خروجی، که نتیجه توسعه ورزش‌های قهرمانی است و با تعداد ورزشکاران و عملکرد آن‌ها در مدال‌های المپیک و دیگر مسابقات تعیین می‌شود (De Bosscher et al., ۲۰۰۶). Zhang and Bao (۲۰۱۳) تأثیر رویکرد ساختاریافته به فعالیت‌های ورزشی در تمام سنین مهم را بررسی کرده و اهمیت توسعه ورزش‌های پایه را شناسایی کرده‌اند. آن‌ها همچنین تأثیر فرهنگ و منطق هر ورزش در منطقه خود بر پیشرفت آن را شناسایی کرده و بیان کرده‌اند که هر ورزشی برای پیشرفت نیاز به حمایت از دانش‌آموزان آن منطقه دارد. تحلیل تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که تعداد زیادی از محققان گزارش‌های جامعی در مورد پیشرفت دانش در حوزه‌های مختلف ارائه داده‌اند (Chen et al., ۲۰۲۳). Khan et al., ۲۰۲۴, Wang et al., ۲۰۲۴. این مطالعات و مقالات پیشین به‌خوبی اهمیت پیشرفت علمی در زمینه‌های



مختلف، از جمله نوآوری‌ها، مدیریت عملکرد بالا و غیره را نشان می‌دهند (Lyu et al., ۲۰۲۴, Huang et al., ۲۰۲۳, Yang et al., ۲۰۲۰).

مطالعات داخلی بسیاری نیز به موضوع تحقیق این مطالعه پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، اسماعیل پور و همکاران (۱۴۰۰) به شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه ورزش تربیتی و بررسی تأثیرگذاری این عوامل بر یکدیگر پرداختند. با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسنادی و پویا محیطی، ۳۹ عامل در شش حوزه شناسایی شدند. نتایج نشان داد که سیستم ناپایدار است و پنج دسته عامل قابل‌شناسایی هستند. در نهایت، ۱۵ عامل کلیدی مانند سیاست‌های مراکز آموزشی، ارزیابی مستمر، و ظهور فناوری‌های نوین، بیشترین تأثیر را بر آینده ورزش تربیتی کشور دارند. رنجبری و چمن‌گلی (۱۳۹۸) به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های ورزشی حکمت‌محور طراحی شد و از روش پیمایشی پرداختند. جامعه آماری شامل ۲۰۰ نفر از استادان دانشگاه، دانشجویان دکتری و مدیران وزارت ورزش و جوانان بود و ابزار تحقیق شامل پرسشنامه محقق‌ساخته بود. نتایج نشان داد که پنج عامل فرهنگی، انسانی، رهبری، محیطی و چشم‌انداز حدود ۷۵ درصد از واریانس‌های توسعه حکمت‌محوری را تبیین کرده و رهبری به‌عنوان مهم‌ترین عامل در ایجاد سازمان‌های ورزشی حکمت‌محور شناسایی شد. رضایی و همکاران (۱۳۹۷) به تحلیل عوامل مؤثر بر صنعت ورزش ایران انجام شده و از روش کیفی نظریه داده بنیاد پرداختند. یافته‌ها نشان داد که مهم‌ترین موانع توسعه صنعت ورزش ایران، سیاست‌زدگی و ورود افراد بازنشسته نظامی و دولتی به این صنعت هستند، در حالی که مؤلفه‌هایی نظیر مدیریت اثربخش و توسعه زیرساخت‌ها به‌عنوان عوامل کلیدی در توسعه این صنعت شناسایی شدند. ملائی و همکاران (۱۳۹۷) به تعیین میزان اثرگذاری ابعاد و شاخص‌های توسعه ملی و متغیرهای جغرافیایی بر توسعه ورزش قهرمانی استان‌های کشور پرداختند. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و ۳۹ شاخص توسعه ملی، ۵ متغیر جغرافیایی و ۴۸ شاخص ورزشی انجام شد. نتایج نشان داد که بیشترین ضریب اثرگذاری در ابعاد کلان توسعه مربوط به توسعه فرهنگی و اجتماعی است، در حالی که در متغیرهای جغرافیایی، مساحت استان و متوسط سالانه بارش بیشترین تأثیر را دارند. این یافته‌ها می‌تواند در تدوین برنامه‌های توسعه و تخصیص منابع مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به موارد فوق، این مطالعه به دنبال پر کردن شکاف موجود در ادبیات در مورد عوامل مؤثر برای توسعه ورزش‌های حرفه‌ای در مقابل قهرمانی است. در حالی که تحقیقات قبلی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش را بررسی کرده‌اند، تعداد کمی از مطالعات به اولویت‌های خاص هر حوزه پرداخته‌اند. علاوه بر این، تحقیقات در مورد استراتژی‌های تفکیک‌پذیر برای بهینه‌سازی نتایج ورزش‌های حرفه‌ای و قهرمانی محدود است (Huang et al., ۲۰۲۱, Wang et al., ۲۰۲۳, Cai et al., ۲۰۲۳, Yang and Zhang, ۲۰۲۲).

۳- روش تحقیق

این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و بر مبنای روش انجام کار در دسته تحقیقات تحلیلی و از نوع پیمایشی قرار گرفته است. معلمان ورزش، کارشناسان ورزشی (دارای مدرک ورزشی)، پیشکسوتان ورزشی (باسابقه قهرمانی ایران و بین‌المللی) و روسای هیئت‌های ورزشی استان سمنان به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش در نظر گرفته شده‌اند که بر اساس استعلام به‌عمل آمده از اداره کل ورزش و جوانان استان سمنان تفکیک آن‌ها در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول (۱) جامعه آماری پژوهش به تفکیک

شهرستان

ردیف	عنوان	سمنان	شاهرود	دامغان	گرمسار
	روسای هیئت‌های ورزشی	۴۸	۴۰	۳۸	۳۶
	معلمان ورزش	۷۵	۶۹	۴۱	۲۷
	کارشناسان ورزشی	۱۳	۱۱	۱۰	۷
	پیشکسوتان ورزشی	۱۷	۱۴	۱۱	۸
	جمع شهرستان	۱۵۳	۱۳۴	۱۰۰	۷۸
	مجموع نهایی			۴۶۵	

برای محاسبه حجم نمونه نیز از جدول مورگان استفاده شد که نمونه آماری ۲۱۲ به دست آمد. روش نمونه‌گیری به دلیل گستردگی و تنوع جامعه آماری، به صورت خوشه‌ای اتفاقی در نظر گرفته شده است. در این تحقیق با استفاده از ادبیات و پیشینه تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته آماده گردید.

پایایی: برای اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه، از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. در این راستا، یک نمونه کوچک از جامعه آماری شامل ۱۵ نفر انتخاب و پرسشنامه در میان آن‌ها توزیع گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS۲۱، میزان آلفای کرونباخ محاسبه شد. این ضریب نشان‌دهنده همبستگی داخلی بین سؤالات پرسشنامه است و به ما این امکان را می‌دهد که ارزیابی کنیم که آیا سؤالات به‌طور یکپارچه و هماهنگ، مفهوم موردنظر را اندازه‌گیری می‌کنند یا خیر. نتایج به‌دست‌آمده از این محاسبه، پایایی مناسب پرسشنامه را تأیید می‌کند.

روایی: به‌منظور تعیین روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، این ابزار در میان ۱۵ نفر از خبرگان و متخصصین مدیریت ورزشی شامل اساتید دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام نور و همچنین دانشجویان مقطع دکترا توزیع شد. این افراد نظرات و پیشنهادات خود را در خصوص روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها ارائه کردند و با ایجاد تغییرات جزئی، به بهبود کیفیت پرسشنامه کمک کردند. پس از دریافت و بررسی پرسشنامه‌ها با همکاری استاد راهنما، نظرات و پیشنهادات اعمال گردید. این فرآیند به ما اطمینان می‌دهد که پرسشنامه به‌طور مؤثر و دقیق، مفاهیم موردنظر را اندازه‌گیری می‌کند. (جدول ۲). در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها برای خلاصه کردن و طبقه‌بندی داده‌های خام از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

جدول (۲) ضریب آلفای کرونباخ متغیرها

ردیف	مؤلفه	ضریب آلفا
۱	حقوق و دستمزد	۰/۸۱۲
۲	شادابی و نشاط	۰/۸۳۶
۳	کیفیت و کمیت زیرساخت‌های ورزشی	۰/۷۹۶
۴	هزینه‌های ورزش	۰/۸۴۲

۵- یافته‌ها

از مجموع ۲۱۲ نفر نمونه مورد مطالعه ۱۶۳ نفر (۷۶٫۸۹ درصد) مرد و ۴۹ نفر (۲۳٫۱۱ درصد) زن بوده‌اند. ۴۷ نفر (۲۲٫۱۷ درصد) در بازه سنی تا ۴۰ سال، ۷۲ نفر (۳۳٫۹۶ درصد) در بازه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۹۳ نفر (۴۳٫۸۷ درصد) نیز در بازه سنی ۵۱ سال و بیشتر از آن قرار داشته‌اند. ۵۵ نفر (۲۵٫۹۴ درصد) تا ۱۰ سال، ۷۴ نفر (۳۴٫۹۱ درصد) بین ۱۱ تا ۲۰ سال و ۸۳ نفر (۳۹٫۱۵ درصد) نیز ۲۱ سال و یا بیشتر از آن سابقه فعالیت در حوزه ورزشی داشته‌اند.

جدول (۳) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی میان عامل حقوق و دستمزد با توسعه ورزش قهرمانی ۰/۶۲۰ است و ضریب تعیین ۰/۳۸۴ به‌دست‌آمده است که نشان می‌دهد ۳۸ درصد از واریانس توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان به عامل حقوق و دستمزد مربوط می‌شود. چون این مقدار درجه آزادی را در برنمی‌گیرد، لذا از ضریب تعیین تعدیل‌شده استفاده می‌-

شود که آن نیز برابر با ۳۸ درصد است. مقدار آماره‌ی دوربین واتسون در محدوده‌ی ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد و نشان از مستقل بودن مشاهدات دارد که یکی از شرایط مهم رگرسیون است.

جدول (۳) خلاصه مدل آماری^b

مدل	R	R ^۲	R ^۲ اصلاح شده	خطای استاندارد تخمین زده شده	دوربین - واتسون
۱	۰/۶۲۰ ^a	۰/۳۸۴	۰/۳۸۰	۶۴/۷۶۲۱۲	۲/۸۴۸

a: عامل حقوق و دستمزد (عامل ثابت-پیش‌بینی کننده)

b: توسعه ورزشی (متغیر وابسته)

جدول (۴) جدول آنووا

مدل	مجموع مربعات	df	میانگین مربعات	F	Sig
رگرسیون	۴۰۲۹۴۶/۴۱۱	۱	۴۰۲۹۴۶/۴۱۱	۹۶/۰۷۴	۰/۰۰۰ ^b
باقی مانده	۶۴۵۸۹۶/۲۸۱	۲۱۰	۴۱۹۴/۱۳۲		
کل	۱۱۰۴۸۸۴۲/۶۹۲	۲۱۱			

a: توسعه ورزشی (متغیر وابسته)

b: عامل حقوق و دستمزد (عامل ثابت-پیش‌بینی کننده)

همچنین سطح معنی داری به دست آمده نشان می‌دهد که رگرسیون در سطح ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین مدل رگرسیون خطی برآورد شده قابل قبول است. معنادار بودن ضرایب رگرسیونی در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول (۵) جدول ضرایب

مدل	B	ضرایب غیراستاندارد		t	sig
		خطای استاندارد	ضرایب استاندارد		
ثابت	۷۲/۵۲۷	۲۵/۴۰۲	بتا	۲/۸۵۵	۰/۰۰۵
عامل حقوق و دستمزد	۱۴/۸۴۷	۱/۵۱۵	۰/۶۲۰	۹/۸۰۲	۰/۰۰۰

a: متغیر وابسته - توسعه ورزشی

جدول (۵) نشان داد که عامل حقوق و دستمزد ۶۲ درصد از تغییرات را بر واریانس متغیر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان ایجاد می‌نماید. این مقدار در سطح معنی داری $p \leq 0/05$ معنی دار می‌باشد. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که بین عامل حقوق و دستمزد با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود داشته و همچنین عامل حقوق و دستمزد بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان مؤثر است.

جدول (۶) خلاصه مدل آماری^b

مدل	R	R ^۲	R ^۲ اصلاح شده	خطای استاندارد تخمین زده شده	دوربین - واتسون
۱	۰/۶۶۸ ^a	۰/۴۴۶	۰/۴۴۳	۶۱/۴۰۲۰۱	۲/۴۹۷

a: عامل شادی و نشاط (عامل ثابت-پیش‌بینی کننده)

b: توسعه ورزشی (متغیر وابسته)

نتایج ارائه شده در جدول (۶) نشان می‌دهد که همبستگی بین عامل شادابی و نشاط و توسعه ورزش قهرمانی برابر با ۰,۶۶۸ است. همچنین، ضریب تعیین به دست آمده ۰,۴۴۶ می‌باشد که بیانگر این است که ۴۴ درصد از تغییرات در توسعه ورزش

قهرمانی در استان سمنان به عامل شادابی و نشاط مربوط می‌شود. از آنجاکه این مقدار شامل درجه آزادی نمی‌شود، از ضریب تعیین تعدیل‌شده نیز استفاده شده است که آن نیز برابر با ۴۴ درصد است. مقدار آماره‌ی دوربین واتسون در محدوده‌ی ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد و نشان از مستقل بودن مشاهدات دارد که یکی از شرایط مهم رگرسیون است.

جدول (۷) جدول آنووا

مدل	مجموع مربعات	df	میانگین مربعات	F	Sig
رگرسیون	۴۶۸۲۳۰/۷۵۲	۱	۴۶۸۲۳۰/۴۷۲	۱۲۴/۱۹۲	.۰/۰۰۰ ^b
باقی‌مانده	۵۸۰۶۱۱/۹۴۰	۲۱۰	۳۷۷۰/۲۰۷		
کل	۱۰۴۸۸۴۲/۶۹۲	۲۱۱			

a: توسعه ورزشی (متغیر وابسته)

b: عامل نشاط و شادابی (عامل ثابت-پیش‌بینی کننده)

همچنین سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که رگرسیون در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. بنابراین مدل رگرسیون خطی برآورد شده قابل قبول است. معنادار بودن ضرایب رگرسیونی در جدول (۷) نشان داده شده است.

جدول (۸) جدول ضرایب

مدل	B	ضرایب غیراستاندارد		t	sig
		خطای استاندارد	ضرایب استاندارد		
ثابت	۹۶/۳۹۶	۲۰/۳۳۳	بتا	۴/۷۴۱	.۰/۰۰۰
عامل شادابی و نشاط	۱۳/۶۸۷	۱/۲۲۸	۰/۶۶۸	۱۱/۱۴۴	.۰/۰۰۰

a متغیر وابسته - توسعه ورزشی

نتایج جدول (۸) به بررسی مدل ضرایب تأثیر می‌پردازد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که عامل شادابی و نشاط ۶۶ درصد از تغییرات را بر واریانس متغیر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان ایجاد می‌نماید. این مقدار در سطح معنی‌داری $p \leq 0.05$ معنی‌دار می‌باشد. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که بین عامل شادابی و نشاط با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود داشته و همچنین عامل شادابی و نشاط بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان مؤثر است.

جدول (۹) خلاصه مدل آماری^b

مدل	R	R ^۲	R ^۲ اصلاح‌شده	خطای استاندارد تخمین زده‌شده	دوربین - واتسون
۱	۰/۶۲۶ ^a	۰/۳۹۱	۰/۳۸۷	۶۴/۳۸۵۵۷	۱/۷۵۱

a: عامل کمیت و کیفیت (عامل ثابت-پیش‌بینی کننده)

b: توسعه ورزشی (متغیر وابسته)

نتایج موجود در جدول (۹) حاکی از آن است که همبستگی بین عامل کمیت و کیفیت زیرساخت‌های ورزشی و توسعه ورزش قهرمانی به مقدار ۰,۶۲۶ رسیده است. همچنین، ضریب تعیین محاسبه‌شده ۰,۳۹۱ می‌باشد که نشان می‌دهد ۳۹ درصد از تغییرات در توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان به عامل کمیت و کیفیت زیرساخت‌های ورزشی مرتبط است. از آنجایی‌که این مقدار شامل درجه آزادی نمی‌شود، از ضریب تعیین تعدیل‌شده استفاده شده که آن نیز برابر با ۳۸ درصد است. مقدار آماره‌ی دوربین واتسون در محدوده‌ی ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد و نشان از مستقل بودن مشاهدات دارد که یکی از شرایط مهم رگرسیون است.

جدول (۱۰) جدول آنووا

Sig	F	میانگین مربعات	df	مجموع مربعات	مدل
.۰/۰۰۰ ^b	۹۹/۰۰۷	۴۱۰۴۳۵/۴۴۹	۱	۴۱۰۴۳۵/۴۴۹	رگرسیون
		۴۱۴۵/۵۰۲	۲۱۰	۶۳۸۴۰۷/۲۴۳	باقی مانده
			۲۱۱	۱۰۴۸۸۴۲/۶۹۲	کل

a: توسعه ورزشی (متغیر وابسته)

b: عامل کمیت و کیفیت (عامل ثابت-پیش‌بینی کننده)

همچنین سطح معنی داری به دست آمده نشان می‌دهد که رگرسیون در سطح ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین مدل رگرسیون خطی برآورد شده قابل قبول است. معنادار بودن ضرایب رگرسیونی در جدول (۱۰) نشان داده شده است.

جدول (۱۱) جدول ضرایب

sig	t	ضرایب استاندارد		مدل
		ضرایب غیراستاندارد	خطای استاندارد	
		B	بتا	
.۰/۰۰۰	۵/۰۶۰	۱۰۸/۷۲۰	۲۱/۴۸۶	ثابت
.۰/۰۰۰	۹/۹۵۰	۱۳/۲۱۰	۰/۶۲۶	عامل کمیت و کیفیت

a متغیر وابسته - توسعه ورزشی

نتایج جدول (۱۱) نشان داد که عامل کمیت و کیفیت زیرساخت‌های ورزشی ۶۲ درصد از تغییرات را بر واریانس متغیر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان ایجاد می‌نماید. این مقدار در سطح معنی داری $p \leq 0.05$ معنی دار می‌باشد. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که بین عامل کمیت و کیفیت زیرساخت‌های ورزشی با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود داشته و همچنین عامل کمیت و کیفیت زیرساخت‌های ورزشی بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان مؤثر است.

جدول ۱۲: خلاصه مدل آماری^b

مدل	R	R ^۲	R ^۲ اصلاح شده	خطای استاندارد تخمین زده شده	دوربین - واتسون
۱	۰/۴۶۸ ^a	۰/۲۱۹	۰/۲۱۴	۷۲/۹۵۱۹۸	۲/۳۳۴

a: عامل هزینه‌های ورزشی (عامل ثابت-پیش‌بینی کننده)

b: توسعه ورزشی (متغیر وابسته)

نتایج ارائه شده در جدول (۱۲) نشان می‌دهد که همبستگی بین عامل هزینه‌های ورزشی و توسعه ورزش قهرمانی به مقدار ۰,۴۶۸ رسیده است. همچنین، ضریب تعیین به دست آمده ۰,۲۱۹ می‌باشد که بیانگر این است که ۲۱ درصد از تغییرات در توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان به عامل هزینه‌های ورزشی مرتبط است. از آنجا که این مقدار شامل درجه آزادی نمی‌شود، از ضریب تعیین تعدیل شده نیز استفاده شده که آن نیز برابر با ۲۱ درصد است. مقدار آماره ی دوربین واتسون در محدوده ی ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد و نشان از مستقل بودن مشاهدات دارد که یکی از شرایط مهم رگرسیون است.

جدول (۱۳) جدول آنووا

Sig	F	میانگین مربعات	df	مجموع مربعات	مدل
.۰/۰۰۰ ^b	۴۳/۰۰۷	۲۲۹۲۵۶/۰۰۱	۱	۲۲۹۲۵۶/۰۰۱	رگرسیون
		۵۳۲۱/۹۹۱	۲۱۰	۸۱۹۵۸۶/۶۹۱	باقی مانده

a: توسعه ورزشی (متغیر وابسته)

b: عامل هزینه های ورزشی (عامل ثابت-پیش بینی کننده)

همچنین سطح معنی داری بدست آمده نشان میدهد که رگرسیون در سطح ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین مدل رگرسیون خطی برآورد شده قابل قبول است. معنادار بودن ضرایب رگرسیونی در جدول (۱۳) نشان داده شده است.

جدول (۱۴) جدول ضرایب

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		sig	t
	B	خطای استاندارد	بتا	خطای استاندارد		
ثابت	۲۰۸/۶۰۳	۱۷/۴۱۳			۰/۰۰۰	۱۱/۹۸۰
عامل کمیت و کیفیت	۹/۱۰۴	۱/۳۸۷	۰/۴۶۸		۰/۰۰۰	۶/۵۶۳

a متغیر وابسته - توسعه ورزشی

نتایج جدول (۱۴) به بررسی مدل ضرایب تاثیر میپردازد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که عامل هزینه های ورزشی ۴۶ درصد از تغییرات را بر واریانس متغیر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان ایجاد مینماید. این مقدار در سطح معنی داری $p \leq 0/05$ معنی دار می باشد. در نتیجه می توان نتیجه گرفت که بین عامل هزینه های ورزشی با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود داشته و همچنین عامل هزینه های ورزشی بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان مؤثر است.

۵- بحث و نتیجه گیری

نتایج تاثیر عامل حقوق و دستمزد در توسعه ورزش قهرمانی، نشان داد ضریب همبستگی میان عامل حقوق و دستمزد با توسعه ورزش قهرمانی ۰/۶۲۰ است و ضریب تعیین ۰/۳۸۴ به دست آمده است که نشان داد ۳۸ درصد از واریانس توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان به عامل حقوق و دستمزد مربوط می شود. چون این مقدار درجه آزادی را در بر نمی گیرد، لذا از ضریب تعیین تعدیل شده استفاده شد که آن نیز برابر با ۳۸ درصد است. مقدار آماره ی دوربین واتسون در محدوده ی ۱،۵ تا ۲،۵ قرار داشت و نشان از مستقل بودن مشاهدات دارد که یکی از شرایط مهم رگرسیون است. همچنین سطح معنی داری بدست آمده نشان داد که رگرسیون در سطح ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین مدل رگرسیون خطی برآورد شده قابل قبول است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که عامل حقوق و دستمزد ۶۲ درصد از تغییرات را بر واریانس متغیر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان ایجاد مینماید. این مقدار در سطح معنی داری $p \leq 0/05$ معنی دار می باشد. در نتیجه می توان نتیجه گرفت که بین عامل حقوق و دستمزد با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود داشته و همچنین عامل حقوق و دستمزد بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان مؤثر است. از طرف دیگر نتایج به دست آمده از آزمون و بررسی این فرضیه همسو با نتایج تحقیقات قنبری، فراهانی و قربانی (۱۴۰۰) و ژاگ و همکاران (۲۰۲۰) بوده و با آنها همخوانی دارد چراکه ایشان نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که میزان حقوق و دستمزد دریافتی ورزشکاران یکی از عوامل اساسی در توسعه ورزش قهرمانی آنها بوده است.

نتایج تاثیر عامل شادابی و نشاط در توسعه ورزش قهرمانی، نشان داد ضریب همبستگی میان عامل شادابی و نشاط با توسعه ورزش قهرمانی ۰/۶۶۸ است و ضریب تعیین ۰/۴۴۶ به دست آمده است که نشان داد ۴۴ درصد از واریانس توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان به عامل شادابی و نشاط مربوط می شود. چون این مقدار درجه آزادی را در بر نمی گیرد، لذا از ضریب تعیین تعدیل شده استفاده شد که آن نیز برابر با ۴۴ درصد است. مقدار آماره ی دوربین واتسون در محدوده ی ۱،۵ تا ۲،۵ قرار داشت و نشان از مستقل بودن مشاهدات دارد که یکی از شرایط مهم رگرسیون است. همچنین سطح معنی داری بدست آمده نشان داد که رگرسیون در سطح ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین مدل رگرسیون خطی برآورد شده قابل قبول

است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که عامل شادابی و نشاط ۶۶ درصد از تغییرات را بر واریانس متغیر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان ایجاد مینماید. این مقدار در سطح معنی داری $p \leq 0/05$ معنی دار می‌باشد. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که بین عامل شادابی و نشاط با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود داشته و همچنین عامل شادابی و نشاط بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان مؤثر است.

نتایج تاثیر عامل کمیت و کیفیت زیرساختهای ورزشی در توسعه ورزش قهرمانی، نشان داد ضریب همبستگی میان عامل کمیت و کیفیت زیرساختهای ورزشی با توسعه ورزش قهرمانی ۰/۶۲۶ است و ضریب تعیین ۰/۳۹۱ به دست آمده است که نشان داد ۳۹ درصد از واریانس توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان به عامل کمیت و کیفیت زیرساختهای ورزشی مربوط می‌شود. چون این مقدار درجه آزادی را در بر نمی‌گیرد، لذا از ضریب تعیین تعدیل شده استفاده شد که آن نیز برابر با ۳۸ درصد است. مقدار آماره ی دوربین واتسون در محدوده ی ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد و نشان از مستقل بودن مشاهدات دارد که یکی از شرایط مهم رگرسیون است. همچنین سطح معنی داری بدست آمده نشان داد که رگرسیون در سطح ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین مدل رگرسیون خطی برآورد شده قابل قبول است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که عامل کمیت و کیفیت زیرساختهای ورزشی ۶۲ درصد از تغییرات را بر واریانس متغیر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان ایجاد مینماید. این مقدار در سطح معنی داری $p \leq 0/05$ معنی دار می‌باشد. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که بین عامل کمیت و کیفیت زیرساختهای ورزشی با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود داشته و همچنین عامل کمیت و کیفیت زیرساختهای ورزشی بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان مؤثر است.

نتایج تاثیر عامل هزینه های ورزش بر توسعه ورزش قهرمانی نشان داد ضریب همبستگی میان عامل هزینه های ورزشی با توسعه ورزش قهرمانی ۰/۴۶۸ است و ضریب تعیین ۰/۲۱۹ به دست آمد که نشان داد ۲۱ درصد از واریانس توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان به عامل هزینه های ورزشی مربوط می‌شود. چون این مقدار درجه آزادی را در بر نمی‌گیرد، لذا از ضریب تعیین تعدیل شده استفاده شد که آن نیز برابر با ۲۱ درصد است. مقدار آماره ی دوربین واتسون در محدوده ی ۱,۵ تا ۲,۵ قرار داشت و نشان از مستقل بودن مشاهدات دارد که یکی از شرایط مهم رگرسیون است. همچنین سطح معنی داری بدست آمده نشان داد که رگرسیون در سطح ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین مدل رگرسیون خطی برآورد شده قابل قبول است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که عامل هزینه های ورزشی ۴۶ درصد از تغییرات را بر واریانس متغیر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان ایجاد مینماید. این مقدار در سطح معنی داری $p \leq 0/05$ معنی دار می‌باشد. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که بین عامل هزینه های ورزشی با توسعه ورزش قهرمانی رابطه مثبت معناداری وجود داشته و همچنین عامل هزینه های ورزشی بر توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان مؤثر است. از طرف دیگر نتایج به دست آمده از آزمون و بررسی این فرضیه همسو با نتایج تحقیقات فارمر و آرنودن (۲۰۱۹) بوده و با آن‌ها همخوانی دارد چراکه ایشان نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که عامل هزینه های ورزشی بر توسعه ورزش قهرمانی تاثیرگذار است.

در مجموع می‌توان گفت، نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین همخوانی دارد که تأکید بر اهمیت این عوامل در توسعه ورزش قهرمانی دارند (Chen et al., ۲۰۲۳, Wang et al., ۲۰۲۴, Khan et al., ۲۰۲۴). در مقایسه با نتایج تحقیق حاضر، مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که توسعه ورزش‌های ملی جزء جدایی‌ناپذیر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی یک کشور است. ترویج ورزش در تمامی بخش‌ها می‌تواند منجر به افزایش فعالیت اجتماعی و بهره‌وری ملی شود و موفقیت در ورزش‌های قهرمانی شهرت و شناسایی جهانی کشورها را افزایش می‌دهد همچنین، دبیرکل سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ به بررسی نقش ورزش در فعالیت‌های توسعه پرداخته و تأکید کرده است که ورزش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تقویت همبستگی اجتماعی و تسهیل پیشرفت ملی به کار رود (Burnett, ۲۰۱۰). نتایج این تحقیق می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمینه توسعه ورزش قهرمانی در استان سمنان و سایر مناطق کشور مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش به لحاظ زمانی به سال ۱۴۰۱ و از لحاظ مکانی به استان سمنان محدود شده است. بنابراین، نتایج به دست آمده ممکن است به طور کامل قابل تعمیم به سایر استان‌ها یا دوره‌های زمانی دیگر نباشد. همچنین، ممکن است عوامل دیگری که بر توسعه ورزش قهرمانی تأثیرگذار هستند، در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته باشند. به علاوه، داده‌های جمع‌آوری شده ممکن است تحت تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی خاصی قرار گرفته باشند که در این پژوهش لحاظ نشده‌اند. این موارد می‌تواند بر نتایج و تحلیل‌های ارائه شده تأثیر بگذارد و نیاز به احتیاط در تعمیم نتایج به سایر زمینه‌ها را ایجاد می‌کند. با توجه به نتایج و محدودیت فوق، پیشنهاد می‌شود:

سازمان ورزش و جوانان استان سمنان به افزایش و همسان‌سازی حقوق و دستمزد ورزشکاران حرفه‌ای در تمامی رشته‌های انفرادی و تیمی بپردازد. این اقدام می‌تواند به جذب و حفظ استعدادهای ورزشی کمک کند و موجب توسعه بیشتر ورزش قهرمانی در استان شود.

اجرای نمودن راهکارهای افزایش شادابی و نشاط ورزشکاران قهرمانی باید در دستور کار قرار گیرد. برگزاری برنامه‌های تفریحی و ورزشی، ایجاد فضاهای مناسب برای تمرین و استراحت، و فراهم کردن امکانات رفاهی می‌تواند به بهبود روحیه و انگیزه ورزشکاران کمک کند.

جذب سرمایه‌های حداکثری از بخش‌های دولتی و خصوصی برای تقویت و بهبود زیرساخت‌های ورزش قهرمانی در استان سمنان، هم از لحاظ کیفی و هم کمی، ضروری است. این امر می‌تواند به ایجاد فضاهای ورزشی مناسب و افزایش امکانات آموزشی و تمرینی کمک کند.

شناسایی و اجرایی کردن عوامل مؤثر بر کاهش هزینه‌های جاری ورزش قهرمانی در استان سمنان می‌تواند به بهبود وضعیت مالی ورزشکاران و سازمان‌های ورزشی کمک کند و موجبات توسعه ورزش قهرمانی را فراهم آورد.

همچنین پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی در سایر استان‌ها و در دوره‌های زمانی مختلف پرداخته و نتایج را با یافته‌های این پژوهش مقایسه کنند. این کار می‌تواند به درک بهتری از وضعیت ورزش قهرمانی در سطح ملی کمک کند و راهکارهای بهتری برای توسعه آن ارائه دهد.

منابع و مآخذ

- اسماعیل پور باریکی اسماعیل، شجاعی وحید، حامی محمد. عوامل مؤثر بر توسعه ورزش تربیتی ایران با رویکرد آینده پژوهی. رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. ۱۴۰۰؛ ۹ (۳۵): ۱۷۹-۱۹۲. URL: <http://ntsmj.issma.ir/article-fa.html/۱۸۱۲-۱>
- رضایی، شمس الدین، و صالحی پور، مژگان. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه صنعت ورزش ایران با رویکرد داده بنیاد. مدیریت منابع انسانی در ورزش، ۶ (۱)، ۸۹-۱۰۷. SID. <https://sid.ir/paper/۳۷۶۹۰۸/fa>
- رنجبری، شیدا، و چمن گلی، عبدالله. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ی سازمان های ورزشی حکمت محور. رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، ۷ (۲۵)، ۱۰۷-۱۱۹. SID. <https://sid.ir/paper/۳۷۱۹۵۶/fa>
- ملاتی، مینا، رضانی نژاد، رحیم، یاسوری، مجید، و کاوسی، شراره. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی استان های ایران. SID. <https://sid.ir/paper/۳۷۷۷۸۵/fa> و ارائه الگوی پیشنهادی. مدیریت ورزشی (حرکت). ۱۰ (۴)، ۷۵۷-۷۷۵.

References

- Abbott, B. C., Pepping, G. J., & Collins, D. (۲۰۱۵). Unnatural Selection: Talent Identification AndDevelopment In Sport. *Nonlinear Dynamics, Psychology And Life Sciences Journal* ۱(۹), ۶۱-۸۸. PMID: ۱۵۶۲۹۰۶۸
- Armstrong, K. L. (۱۹۹۹). A quest for a market: A profile of the consumers of a professional women's basketball team and the marketing implications. *Women in Sport and Physical Activity Journal*, ۸, ۱۰۳-۱۲۶. DOI: <https://doi.org/۱۰.۱۱۲۳/wspaj.۸.۲.۱۰۳>



- Balyi, I., & Hamilton, A. (۲۰۰۴). Long-term athlete development: Trainability in childhood and adolescence. *Olympic Coach*, ۱۶, ۴-۹. [DOI: 10.5040/9781492596318](https://doi.org/10.5040/9781492596318)
- Bergeron, M. F., Mountjoy, M., Armstrong, N., Chia, M., Coˆte, J., Emery, C. A., Faigenbaum, A., Hall, G., Kriemler, S., & Leglise, M. (۲۰۱۵). International Olympic Committee consensus statement on youth athletic development. *British Journal of Sports Medicine*, ۴۹, ۸۴۳-۸۵۱. [DOI: 10.1136/bjsports-2015-094962](https://doi.org/10.1136/bjsports-2015-094962)
- Bloyce, D., & Smith, A. (۲۰۰۹). *Sport policy and development: An introduction*: Routledge .
- Bonci, C. M., Bonci, L. J., Granger, L. R., Johnson, C. L., Malina, R. M., Milne, L. W., Ryan, R. R., & Vanderbunt, E. M. (۲۰۰۸). National athletic trainers' association position statement: Preventing, detecting, and managing disordered eating in athletes. *Journal of Athletic Training*, ۴۳, ۸۰-۱۰۸. [DOI: 10.4085/1062-6050-43.1.80](https://doi.org/10.4085/1062-6050-43.1.80)
- Bocarro, J. N., Kanters, M., Ester, C., M., F., Casper, J., Suau, J., & McKenzie, T. (۲۰۱۲). School sport policy and school-based physical activity environments and their association with observed physical activity in middle school children. *Health & Place*, ۱۸, ۳۱-۳۸. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2011.08.007>
- Burnett, C. (۲۰۱۰). Sport-for-development approaches in the South African context: A case study analysis. *South African Journal for Research in Sport, Physical Education and Recreation*, ۳۲, ۲۹-۴۲. [DOI: 10.4314/sajrs.v32i1.54088](https://doi.org/10.4314/sajrs.v32i1.54088)
- Cai, L., Yan, S., Ouyang, C., Zhang, T., Zhu, J., Chen, L., Ma, X., & Liu, H. (۲۰۲۳). Muscle synergies in joystick manipulation. *Frontiers in Physiology*, ۱۴, ۱۲۸۲۲۹۵. <https://doi.org/10.3389/fphys.2023.1282295>
- Chen, G., Chen, P., Wang, Y., & Zhu, N. (۲۰۲۳). Research on the development of an effective mechanism of using public online education resource platform: TOE model combined with FS-QCA. *Interactive Learning Environments*, ۱-۲۵. <https://doi.org/10.1080/10494820.2023.2251038>
- Claudino, J. G., Capanema, D. d. O., de Souza, T. V., Serrao, J. C., Machado Pereira, A. C., & Nassis, G. P. (۲۰۱۹). Current approaches to the use of artificial intelligence for injury risk assessment and performance prediction in team sports: A systematic review. *Sports Medicine-Open*, ۵, ۱-۱۲. <https://doi.org/10.1186/s40798-019-0202-3>
- Cruikshank, A., & Collins, D. (۲۰۱۲). Culture change in elite sport performance teams: Examining and advancing effectiveness in the new era. *Journal of Applied Sport Psychology*, ۲۴, ۳۳۸-۳۵۵. <https://doi.org/10.1080/10413200.2011.650819>
- Custonja, Z., & Skorˆ ić, S. (۲۰۱۱). Winning medals at the Olympic games—does Croatia have any chance? *Kinesiology*, ۴۳, ۱۰۷-۱۱۴.
- Dane, K., Simms, C., Hendricks, S., West, S. W., Griffin, S., Nugent, F. J., Farrell, G., Mockler, D., & Wilson, F. (۲۰۲۲). Physical and technical demands and preparatory strategies in female field



collision sports: A scoping review. *International Journal of Sports Medicine* DOI: [10.1055/a-1839-6040](https://doi.org/10.1055/a-1839-6040)

De Bosscher, V., De Knop, P., Van Bottenburg, M., & Shibli, S. (۲۰۰۶). A conceptual framework for analysing sports policy factors leading to international sporting success. *European sport management quarterly*, ۶, ۱۸۵-۲۱۵. <https://doi.org/10.1080/16184740600955087>

Development, U. N. I.-A. T. F. o. S. f., & Peace. (۲۰۰۳). *Sport for development and peace towards achieving the millennium development goals: United Nations Publications.*

Dobyns, J. H., & Gabel, G. T. (۲۰۱۸). *Gymnast wrist. Hand Clin*, ۶(۳), ۴۹۳-۵۰۵.

Emara, A. K., Ng, M. K., Cruickshank, J. A., Kampert, M. W., Piuze, N. S., Schaffer, J. L., & King, D. (۲۰۲۰). Gamer's health guide: Optimizing performance, recognizing hazards, and promoting wellness in esports. *Current Sports Medicine Reports*, ۱۹, ۵۳۷-۵۴۵. DOI: [10.1249/JSR.0000000000000787](https://doi.org/10.1249/JSR.0000000000000787)

French, K., & Thomas, J. (۲۰۱۲). The relation of knowledge development to children's basketball performance. In ۲۰۱۳ American Psychological Association.

Fletcher, D., & Arnold, R. (۲۰۱۱). A qualitative study of performance leadership and management in elite sport. *Journal of Applied Sport Psychology*, ۲۳, ۲۲۳-۲۴۲. <https://doi.org/10.1080/10413200.2011.559184>

Gi-YongKoo. (۲۰۱۴). Sport sponsorship match-up effect on consumer based brand equity : An application of the schematic information process. (unpublished doctoral degree dissertation). Florida State University. DOI: <https://doi.org/10.14738/abr.1010.13289>

Glanz, K., & Bishop, D. B. (۲۰۱۰). The role of behavioral science theory in development and implementation of public health interventions. *Annual review of public health*, ۳۱(۱), ۳۹۹-۴۱۸. DOI: [10.1146/annurev.publhealth.012809.103604](https://doi.org/10.1146/annurev.publhealth.012809.103604)

Herold, M., Goes, F., Nopp, S., Bauer, P., Thompson, C., & Meyer, T. (۲۰۱۹). Machine learning in men's professional football: Current applications and future directions for improving attacking play. *International Journal of Sports Science & Coaching*, ۱۴, ۷۹۸-۸۱۷. DOI: [10.1177/1747995419887935](https://doi.org/10.1177/1747995419887935)

Huang, C., Tu, Y., Han, Z., Jiang, F., Wu, F., & Jiang, Y. (۲۰۲۳). Examining the relationship between peer feedback classified by deep learning and online learning burnout. *Computers & Education*, ۲۰۷, Article ۱۰۴۹۱۰. DOI: [10.1016/j.compedu.2023.104910](https://doi.org/10.1016/j.compedu.2023.104910)

Karegar, A., Rasool, N., & Salimi, M. (۲۰۲۲). Explaining health-oriented influencing factors on institutionalizing sports in Iranian families. *Scientific Research Monthly Journal of Public Health Faculty, Yazd*, (۱). URL: <http://tbj.ssu.ac.ir/article-1-3321-en.html>

Khan, D., Alonazi, M., Abdelhaq, M., Al Mudawi, N., Algarni, A., Jalal, A., & Liu, H. (۲۰۲۴). Robust human locomotion and localization activity recognition over multisensory. *Frontiers in Physiology*, ۱۵, Article ۱۳۴۴۸۸۷. <https://doi.org/10.3389/fphys.2024.1344887>



- Lara-Bercial, S., & Mallett, C. J. (۲۰۱۶). The practices and developmental pathways of professional and Olympic serial winning coaches. *International Sport Coaching Journal*, ۳, ۲۲۱-۲۳۹.
[DOI: 10.1123/iscj.2016-0083](https://doi.org/10.1123/iscj.2016-0083)
- Nave, D. (۲۰۰۲). How to compare six sigma, lean and the theory of constraints. *Quality progress*, ۳۵(۳), ۷۳-۸۰.
- Salami, F. (۲۰۱۴). Description of barriers to women's participation in sports activities: Research project report. Tehran: Tarbiat Moallem University. [DOI: 10.13189/saj.2021.090320](https://doi.org/10.13189/saj.2021.090320)
- Lindfelt, M. (۲۰۱۰). Elite sports in tension: Making identification the core moral norm for professional sports in the future. *Sport in Society*, ۱۳, ۱۸۶-۱۹۸. <https://doi.org/10.1080/17430430903522913>
- Lyu, W., Huang, Y., & Liu, J. (۲۰۲۴). The multifaceted influence of multidisciplinary background on placement and academic progression of faculty. *Humanities and Social Sciences Communications*, ۱۱, ۱-۲۱. [DOI: 10.1057/s41599-024-02818-8](https://doi.org/10.1057/s41599-024-02818-8)
- Martindale, R. J., Collins, D., & Daubney, J. (۲۰۰۵). Talent development: A guide for practice and research within sport. *Quest*, ۵۷, ۳۵۳-۳۷۵. [DOI: 10.1080/00336297.2005.10491862](https://doi.org/10.1080/00336297.2005.10491862)
- Mondalizadeh, Z., & Kavyani, E. (۲۰۲۳). Feasibility study of launching sports start-ups: A case study in the sports shoe industry. *Sports Business Journal*, ۳, ۱۱۵-۱۳۳. <https://doi.org/10.22051/sbj.2023.430921077>
- Mujika, I., Halson, S., Burke, L. M., Balagué, G., & Farrow, D. (۲۰۱۸). An integrated, multifactorial approach to periodization for optimal performance in individual and team sports. *International Journal of Sports Physiology and Performance*, ۱۳, ۵۳۸-۵۶۱. [DOI: 10.1123/ijsp.2018-0093](https://doi.org/10.1123/ijsp.2018-0093)
- Pankowiak, A., Brockett, C., De Bosscher, V., & Westerbeek, H. (۲۰۲۳). National Paralympic sport policies influencing a country's Paralympic success. *International Journal of Sport Policy and Politics*, ۱۱-۲۱. <https://doi.org/10.1080/19406940.2023.2196992>
- Shipway, R. (۲۰۰۷). Sustainable legacies for the ۲۰۱۲ Olympic Games. *Journal of the Royal Society for the Promotion of Health*, ۱۲۷, ۱۱۹-۱۲۴. [DOI: 10.1177/1466422407077344](https://doi.org/10.1177/1466422407077344)
- Simpson, N., Gibbs, E., & Matheson, G. (۲۰۱۷). Optimizing sleep to maximize performance: Implications and recommendations for elite athletes. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*, ۲۷, ۲۶۶-۲۷۴. [DOI: 10.1111/sms.12703](https://doi.org/10.1111/sms.12703)
- Steinmuller, P. L., Kruskall, L. J., Karpinski, C. A., Manore, M. M., Macedonio, M. A., & Meyer, N. L. (۲۰۱۴). Academy of nutrition and dietetics: Revised ۲۰۱۴ standards of practice and standards of professional performance for registered dietitian nutritionists (competent, proficient, and expert) in sports nutrition and dietetics. *Journal of the Academy of Nutrition and Dietetics*, ۱۱۴, ۶۳۱-۶۴۱. [DOI: 10.1016/j.jand.2013.12.021](https://doi.org/10.1016/j.jand.2013.12.021)
- Talpey, S. W., & Siesmaa, E. J. (۲۰۱۷). Sports injury prevention: The role of the strength and conditioning coach. *Strength & Conditioning Journal*, ۳۹, ۱۴-۱۹. [DOI: 10.1519/SSC.0000000000000301](https://doi.org/10.1519/SSC.0000000000000301)



- Till, K., & Baker, J. (۲۰۲۰). Challenges and [possible] solutions to optimizing talent identification and development in sport. *Frontiers in Psychology*, ۱۱, ۶۶۴ .
<https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00664>
- Torres-Ronda, L., Beanland, E., Whitehead, S., Sweeting, A., & Clubb, J. (۲۰۲۲). Tracking systems in team sports: A narrative review of applications of the data and sport specific analysis. *Sports Medicine-Open*, ۸, ۱-۲۲ .DOI:10.1186/s40798-022-00408-z
- Vasco, P., Moscatelli, F., La Torre, M. E., Valenzano, A., Monda, V., Cibelli, G., de Stefano, M. I., Marsala, G., Dalia, C., & Bassi, P. (۲۰۲۳). Role of technology innovation in telemedicine: focus on sport nutrition. *Applied Sciences*, ۱۳, ۴۸۳۷ .<https://doi.org/10.3390/app13084837>
- Van Tuyckom, C. (۲۰۱۰). Going for gold!: welfare characteristics and Olympic success: Lisrel-model. In: Lambert Academic Publishing. DOI:10.1007/s11135-010-9351-y
- Wang, K., Boonpratong, A., Chen, W., Ren, L., Wei, G., Qian, Z., Lu, X., & Zhao, D. (۲۰۲۳). The fundamental property of human leg during walking: Linearity and nonlinearity. *IEEE Transactions on Neural Systems and Rehabilitation Engineering*, ۳۱, ۴۸۷۱-۴۸۸۱ . DOI: 10.1109/TNSRE.2023.2339801
- Wang, K., Williams, H., Qian, Z., Wei, G., Xiu, H., Chen, W., Lu, X., Jin, J., Ren, L., & Liang, W. (۲۰۲۴). Design and evaluation of a smooth-locking-based customizable prosthetic knee joint. *Journal of Mechanisms and Robotics*, ۱۶, Article 041008 .DOI:10.1115/1.4062498
- Watson, A. M. (۲۰۱۷). Sleep and athletic performance. *Current Sports Medicine Reports*, ۱۶, ۴۱۳-۴۱۸ .
- Winand, M., Scheerder, J., Vos, S., & Zintz, T. (۲۰۱۶). Do non-profit sport organisations innovate? Types and preferences of service innovation within regional sport federations. *Innovation*, ۱۸, ۲۸۹-۳۰۸ .DOI:10.1080/14479338.2016.1235985
- Yang, F., & Zhang, J. (۲۰۲۲). Traditional Chinese sports under China's health strategy. *Journal of Environmental and Public Health*, ۲۰۲۲ .DOI:10.1155/2022/1381464
- Zhang, J., & Bao, Y. (۲۰۱۳). My views on the development of China's sports. *Journal of Hebei Institute of Physical Education*, ۲, ۳۳-۴۱ . <https://doi.org/10.22089/smrj.2017.454.1143>



Examining the Economic Factors Influencing the Development of Elite Sports Management in Semnan Province



Seyed Alireza Hosseini Khou

PhD Student, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

ORCID:۳-۳۲۹۲-۹۲۴۷

seyedalirezahosseinihou@gmail.com



Habibollah Karimian (Corresponding Author)

Assistant Professor, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

ORCID:۳-۰۶۲۳-۷۵۸۹

safarnavadeh@skiff.com



Esmacil Zabihi

Assistant Professor, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

ORCID:۷-۲۱۲۸-۳۹۹۳

szabihi۷۷@gmail.com

Received: ۲۰۲۴ December ۲۲ | Revised: ۲۰۲۵ January ۱۵ | Accepted: ۲۰۲۵ January ۱۸

Abstract

The present research investigates the economic factors that influence the development of championship sports in Semnan Province. This applied study employs a quantitative methodological approach, utilizing a survey method.

The statistical population comprises physical education teachers, sports experts with relevant degrees, veteran athletes with national and international championship experience, and heads of sports federations in the region. The sample size was determined using Morgan's table, resulting in ۲۱۲ participants.

A researcher-designed questionnaire was developed based on existing literature and prior research. To ensure the validity of the questionnaire, it was distributed to ۱۰ experts and specialists in sports management for assessment of face and content validity. Data analysis was conducted using a correlational approach.

The findings revealed several significant positive relationships: between salary and wages and the development of championship sports; between vitality and enthusiasm and the



development of championship sports; and between the quantity and quality of sports infrastructure and the development of championship sports.

These results indicate that both financial compensation and the quality of infrastructure play crucial roles in promoting championship sports in Semnan Province. Additionally, a significant positive relationship was found between sports expenses and the development of championship sports, highlighting the importance of financial investment in this area.

However, the study faced limitations, including operational constraints and a lack of cooperation from some participants, as well as their indifference towards completing the questionnaire, which posed challenges in the research process. Overall, the study underscores the importance of economic factors in enhancing championship sports development.

Keywords: Vibrancy and Vitality, Development of Elite Sports, Quantity and Quality of Sports Infrastructure



مدل خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی. مطالعه موردی: سازمان امور مالیاتی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶



اسحاق رحیمی

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

ORCID: ۰۰۰۰۰۰۰۰۲-۲۱۴۳-۱۱۸X

eshagh_90@yahoo.com



مهدی بابائی اهری

استادیار، گروه مدیریت و حسابداری، موسسه عالی ادیبان، گرمسار، ایران. (نویسنده مسئول)

ORCID: ۰۰۰۹-۰۰۰۶-۶۲۵۴-۸۰۶۵

taghizadeh@skiff.com



حامد رحمانی

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۱-۵۳۰۹-۷۴۰۶

rahmani2024@yahoo.com

چکیده

هدف تحقیق حاضر، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدل خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی ایران با مطالعه‌ی موردی در سازمان امور مالیاتی کشور است. به لحاظ فلسفه‌ی پژوهش، تحقیق حاضر پژوهشی تفسیری و از حیث هدف در دسته‌ی پژوهش‌های نظری-کاربردی قرار دارد. رویکرد پژوهشی این تحقیق، قیاسی-تحلیلی بوده و به دنبال الگویی از داده‌های اکتشافی، با روش تحلیل کیفی است. از نظر روش تحلیل داده‌ها، اکتشافی و از نظر ماهیت داده‌ها و شیوه‌ی تحلیل یافته‌های پژوهش، تحلیلی کیفی بوده و به دنبال شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدل با استفاده از روش کیفی مرور سیستماتیک است. برای شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و مفاهیم کلیدی تحقیق، تعداد ۶۶۸ مقاله‌ی منتشر شده در نشریات علمی معتبر خارجی، بین سال‌های ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۴ با جستجوی کلمات کلیدی و پس از استخراج با استفاده از روش مرور سیستماتیک، بررسی شد. در تحقیق حاضر، ضمن مطالعه‌ی ابعاد مدیریت دانش، مضامین مدیریت دانش در سازمان امور

^۱ <https://doi.org/10.71810/JNAPA.2025.1190549>



مالیاتی کشور جهت شکل‌گیری رویکرد دانشی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی، شناسائی شد. نتایج تحقیق در قالب شناسایی عوامل تأثیرگذار در خط‌مشی‌گذاری سازمان امور مالیاتی که شامل: عوامل محیطی- عوامل سازمانی- عوامل فردی- عوامل فراسازمانی و همچنین شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های عوامل شناسایی‌شده، قابل‌ارائه است. پژوهشگر مدل پیشنهادی خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش، در سازمان امور مالیاتی کشور را ارائه نمود. نتایج تحقیق حاضر نشان‌دهنده اهمیت شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدل خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش در سازمان امور مالیاتی کشور است که می‌تواند به بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و افزایش کارایی در این سازمان منجر شود.

کلمات کلیدی: خط‌مشی‌گذاری عمومی، مدیریت دانش، سازمان‌های دولتی، سازمان امور مالیاتی کشور

۷- مقدمه

زندگی انسان امروز، از هر سو با خط‌مشی‌های عمومی پیوند خورده است و هر لحظه از زندگی او به گونه‌ای با خط‌مشی‌های عمومی ارتباط دارد. مسائلی چون آلودگی محیط‌زیست، بهداشت عمومی، آموزش، امنیت جامعه، ارائه خدمات عمومی و بسیاری مسائل دیگر همه در متن خط‌مشی‌های عمومی قرار دارند. دولت در معنای وسیع خود با قدرت نظم‌آفرینی که در قالب وضع و اجرای خط‌مشی‌های عمومی شکل می‌گیرد به انضمام روابط اجتماعی همت می‌گمارد و امور جامعه را سامان می‌بخشد. از این‌رو آگاهی از مفهوم خط‌مشی‌های عمومی، چگونگی وضع و نحوه اجرای آن از ضرورت‌های اولیه در شناخت دولت و جامعه به شمار می‌رود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴). سازمان‌های عصر ما نقش‌ها و مأموریت‌هایی فراتر از نقش‌های سنتی برعهده گرفته‌اند و در محیط سیاسی و اجتماعی وظایف جدیدی به آن‌ها محول گردیده است. سازمان‌های امروزی از قالب یک‌نهاد صرفاً اداری، صنعتی یا اقتصادی خارج شده، به صورت نهادهای اجتماعی- سیاسی درآمده‌اند که علاوه بر انجام وظایف فنی، باید نسبت به محیط‌های اجتماعی- سیاسی خود، بیش از پیش حساس و آگاه باشند. مدیران چنین سازمان‌هایی باید نسبت به مسائل برون سازمانی بینش و آگاهی‌های خود را توسعه بخشند و سیاست‌های و خط‌مشی‌های جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند، درک نمایند. مدیران امروز دیگر نمی‌توانند خود را در دایره‌ی سازمان، محدود و محصور کنند و بازتاب‌های اجتماعی- سیاسی را نادیده انگارند (الوانی، ۱۴۰۱).

خط‌مشی شامل قواعد و رهنمودهایی است که محدوده‌ی اقدامات دولت در یک حوزه را مشخص می‌کند و خط‌مشی‌گذاری تبلور خواسته‌ها و انتظارات عمومی است که فرآیند تصمیم‌گیری دولت به شکل برنامه و قانون نمایان می‌شود و دارای تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی شهروندان است. خط‌مشی‌گذاری بر محیط اطراف خود تأثیر می‌گذارد و از آن متأثر می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۴۰۰). خط‌مشی‌گذاری به منزله یکی از اولویت‌های هر کشور، همواره در کانون توجه کارگزاران و دانشگاهیان قرار دارد و هر روزه دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های دولتی در جست‌وجوی راه‌حلی برای مسائل و مشکلات نظام اداری هستند. دستور کار، مرحله آغازین و منشاء خط‌مشی‌های دولتی و حساس‌ترین مرحله از چرخه‌ی خط‌مشی است که به شیوه پیدایش یا نشدن مسائل، آن چنان که شایسته توجه به حکومت‌ها باشد، می‌پردازد (ابوالحسنی رنجبر و همکاران، ۱۳۹۷). دانش موتور محرکه‌ی توسعه‌ی دانایی محور بوده، توجه به آن نقش فزاینده‌ای در رشد سازمان‌ها و جوامع خواهد داشت. مدیریت دانش، مدیریت کل سرمایه‌ی فکری سازمان، خلق، کسب، تسهیم، نگهداری و به کارگیری دانش مناسب در سازمان توسط نیروی انسانی و زیرساخت‌های فرهنگی و فن‌آوری و ارتباطات است که دستاورد آن تولید ارزش از دارایی‌های ناملموس

سازمان، حفظ مزیت رقابتی و روزآمدی و ایجاد سازمان یادگیرنده است (ربیعی و همکاران؛ ۱۳۹۷: ۵۸). مدیریت دانش به‌نوعی راهبرد سازمان در نوآوری جهت افزایش وفاداری و رضایت کارکنان است (Purwanto, ۲۰۲۰). در شرایطی که محیط دائماً در حال تغییر می‌باشد، دستگاه‌های مالیاتی بایستی تمرکز مشخص و ویژه‌ای بر روی اهداف خود داشته باشند و دائماً رویکردها و رویه‌های عملیاتی خود را بازبینی نمایند تا اطمینان حاصل نمایند که در حال استفاده از منابع در اختیار خود، با بهترین اثربخشی و کارایی می‌باشند. با اجرای این امور است که دستگاه‌های مالیاتی پیشرو و موفق در جهان، چهره‌ی خود نزد مردم را بهبود بخشیده و سازماندهی اجرایی فرآیندهای کاری خود را بهینه می‌سازند. به منظور ایجاد و برخورداری از یک سازمان مالیاتی مطلوب، بایستی فرآیندهای عملیاتی این سازمان به خوبی شناسایی و به بهترین شکل به مورد اجرا گذاشته شود (دلخواه و آریا، ۱۳۹۷).

در اجرای مقررات ماده ۵۹ قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مأموریت تشخیص و وصول درآمدهای مالیات به سازمان امور مالیاتی کشور به‌عنوان یکی از معاونت‌های وزارت اقتصاد و دارایی، وفق قوانین و مقررات محول شده است. مطابق سند چشم‌انداز، سازمان امور مالیاتی می‌بایست سازمانی هوشمند، قانون‌مدار و مورد اطمینان ذی‌نفعان باشد. مسئله اصلی تحقیق حاضر، بررسی شکاف‌های موجود در پیاده‌سازی مدل خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی، به ویژه در سازمان امور مالیاتی است. با توجه به تغییرات مداوم محیط و نیاز به بهبود کارایی و اثربخشی در فرآیندهای مالیاتی، این مطالعه به شناسایی نقاط ضعف و چالش‌های موجود در مدیریت دانش و خط‌مشی‌گذاری می‌پردازد. نوآوری این مطالعه در ارائه یک مدل جامع و کاربردی برای ادغام مدیریت دانش در فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری عمومی است که می‌تواند به بهبود عملکرد سازمان‌های دولتی کمک کند. سؤال اصلی تحقیق این است که چگونه می‌توان با استفاده از رویکرد مدیریت دانش، فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری عمومی را در سازمان امور مالیاتی بهینه‌سازی کرد و به چه نتایجی در راستای بهبود کارایی و رضایت شهروندان دست یافت؟

۸- ادبیات تحقیق

در ده سال گذشته، دولت‌ها، وزارتخانه‌ها و آژانس‌ها شیوه‌های مدیریت دانش (KM)^۱ را باهدف ایجاد سیستم‌های نوآورانه و پیچیده‌تر که افراد را به اطلاعات و دانش متصل می‌کند، پذیرفته‌اند. در ادبیات نظری این حوزه، مثال‌های مختلفی وجود دارد که استفاده موفق از سیاست‌ها و راه‌حل‌های مدیریت دانش در سطوح مختلف دولت را مورد تأکید قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، از سال ۲۰۰۲، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) هر سال یک نظرسنجی از شیوه‌های مدیریت دانش برای وزارتخانه‌ها، ادارات و آژانس‌های دولتی در کشورهای عضو OECD منتشر می‌کند و بیش از ۲۰۰ مورد از شیوه‌های مدیریت دانش از طریق وبسایت آن‌ها قابل دسترسی است^۲ (César, et al, ۲۰۲۴).

بر اساس این دستورالعمل، یک عامل اصلی برای پذیرش ابتکارات مدیریت دانش در خدمات دولتی، تغییر فرهنگ سازمانی است. به‌ویژه، به نظر می‌رسد دولت‌ها با چهار مسئله حیاتی مواجه هستند. اول، افزایش کارایی در خدمات دولتی، به‌عنوان مثال، با اتصال پایگاه‌های اطلاعاتی در سطوح مختلف دولت و فراتر از مرزهای کشوری. به‌عنوان مثال، «پروژه خروج»^۳، یک ابتکار مدیریت دانش ارتش ایالات متحده، شیوه‌های مدیریت دانش و فن‌ها را ترویج می‌کند و همچنین همکاری بین نوآموزان و کارشناسان را تقویت می‌کند و بر جمع‌آوری و کاربرد دانش، به‌ویژه دانش ضمنی، تمرکز دارد تا یادگیری سازمانی را تقویت کرده و قابلیت‌های سازمانی را در سراسر وزارت دفاع ایالات متحده افزایش دهد (E-Government Institute, ۲۰۰۴; Saman et al, ۲۰۲۴).

^۱ knowledge management
www.oecd.org

^۳ Project Exodus

عامل دوم، توسعه سیستم‌های جدید یا تجدیدنظر در سیستم‌های قدیمی برای بهبود عملکرد کلی و استفاده از یک پایگاه دانش وسیع‌تر، یکپارچه‌تر و قابل‌دسترسی است. به‌عنوان‌مثال، اداره آمار استرالیا^۱ (ABS) از سال ۱۹۹۳ یک مدیر دانش داشته است، همان سالی که استراتژی دانش به نام «استراتژی مدیریت اشیا»^۲ را پذیرفت و به همراه آن، معرفی Lotus Notes برای ترویج استفاده از فروم‌های بحث مشترک به‌عنوان جایگزینی برای ایمیل انجام شد. (Chatwin, ۲۰۰۴). از آن زمان، ابتکارات جدید مدیریت دانش، رفتارهای اطلاعاتی و ابزارهای متعددی برای تقویت فرهنگ‌سازمانی که به به اشتراک‌گذاری دانش و اطلاعات ارزش می‌دهد، توسعه یافته است و به کارکنان ABS کمک می‌کند تا مقادیر زیادی از اطلاعات آماری را جمع‌آوری، تحلیل و منتشر کنند. همچنین، چند صد پایگاه داده گروهی وجود دارد که تقریباً سه برابر تعداد تیم‌های سازمانی تعریف شده آن‌ها است و همه این‌ها به طور موازی با ساختار سازمانی تعریف شده آژانس کار می‌کنند. (Lourdes, ۲۰۲۴).

عامل سوم، بهبود مسئولیت‌پذیری و کاهش ریسک از طریق اتخاذ تصمیمات آگاهانه و حل سریع‌تر مسائل، با پشتیبانی از دسترسی به اطلاعات یکپارچه و شفاف در سراسر مرزهای سازمانی است. به‌عنوان‌مثال، «چارچوب بهترین شیوه»^۳ دولت الکترونیکی اتحادیه اروپا، نمونه اخیر در کشف دانش و انتقال هدفمند آن و تبادل بهترین شیوه‌ها از تجربیات در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی، اروپایی و بین‌المللی را ارائه می‌دهد (Europa, ۲۰۰۵). خدمات درآمد داخلی ایالات‌متحده یک ابتکار جدید مدیریت دانش را در ایالات‌متحده پیاده‌سازی کرده است که از «پایگاه دانش راهنمای درآمد داخلی»^۴ خود پشتیبانی می‌کند که یک شبکه الکترونیکی قابل جستجو و لینک‌پذیر از اطلاعات و داده است تا ابزارهای پیشرفته آنلاین مدیریت مالیاتی را برای کارکنان خود و خدمات بهتر به عموم با هزینه کمتر فراهم کند (E-Government Institute, ۲۰۰۴). همچنین، با آگاه‌تر شدن جامعه و جستجوی راه‌حل‌های فردی، بخش عمومی باید تصمیمات خود را در مورد مسائل پیچیده سیاستی شفاف‌تر کند. اخیراً، چندین بحث سیاسی داغ، اگر نگوئیم بحران، در مورد مسائلی مانند مهاجرت غیرقانونی که در «مسئله تمپا»^۵ استرالیا مشاهده می‌شود، وجود داشته است. همچنین وجود برنامه تسلیحات هسته‌ای عراق و انگیزه‌های دولت‌ها در حمایت از ایالات‌متحده در جنگ عراق، یا ورشکستگی ناگهانی شرکت‌های بزرگ مانند انرون و ورلدکام در ایالات‌متحده، هولزمن AG در آلمان و خطوط هوایی انستت و بیمه HIH در استرالیا از جمله این نمونه‌ها هستند. همه این مثال‌ها نشان می‌دهد که شهروندان به طور فزاینده‌ای از مواضع و تصمیمات دولت‌ها (عدم تصمیم‌گیری) سؤال می‌کنند و خواستار ارائه منابع اطلاعاتی هستند. (Rakesh et al, ۲۰۲۴).

عامل چهارم، ارائه خدمات بهتر و مقرون به‌صرفه‌تر به ذینفعان، مانند تقویت همکاری‌ها با عموم و پاسخگویی به آن‌ها است. دولت الکترونیکی، به‌عنوان‌مثال، به طور فزاینده‌ای روش‌های سنتی دسترسی به خدمات عمومی از طریق بازدیدهای شخصی، تماس‌های تلفنی و ارائه خدمات را با ابعاد جدیدی مانند ابزارهای اطلاعات آنلاین، خدمات الکترونیکی مانند پایگاه‌های داده قابل جستجو یا خدمات پیامکی، خطوط راهنمای حریم خصوصی و امنیت، دسترسی به زبان‌های خارجی و معلولین و ارتباطات عمومی بر اساس ویژگی‌های مختلفی مانند ایمیل یا عملکردهای جستجو که به شهروندان کمک می‌کند تا با مقامات دولتی تماس بگیرند و از اطلاعات موجود در وبسایت‌ها استفاده کنند، جایگزین می‌کند (West, ۲۰۰۵). دولت الکترونیکی به سازمان‌ها در تمام سطوح این امکان را می‌دهد که: بیشتر باز و شفاف باشند و در نتیجه مشارکت دموکراتیک را تقویت کنند، بیشتر خدمات‌محور باشند و خدمات شخصی‌سازی شده و فراگیر به هر شهروند ارائه دهند و بیشتر تولیدی باشند و حداکثر ارزش‌آفرینی را ارائه دهند. (Europa, ۲۰۰۵).

^۱ Australian Bureau of Statistics

^۲ ABS object management strategy

^۳ good practice framework

^۴ internal revenue manual knowledge base

^۵ Tampa affair

بنابراین همکاری با ذینفعان مانند بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه برای توسعه سیاست‌های عمومی مؤثر حیاتی است. به عبارت دیگر، سیاست‌های عمومی و تغییرات عمده در سیاست‌ها اغلب به ورودی و حمایت چندین ذینفع نیاز دارند که ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی از آنچه سیاست‌ها باید باشند، داشته باشند. به همین دلیل، سیاست‌های عمومی ممکن است مبهم باشند و به چالش‌های مدیریت دانش مؤثر کمک کنند. (OECD, ۲۰۰۱) علاوه بر این، انتظار می‌رود که شفافیت در توسعه سیاست به طور فزاینده‌ای توسط ذینفعان مورد انتظار باشد و دولت‌ها نیز بر آن تأکید بیشتری می‌کنند و نیازمند درک بهتری از پیامدهای علمی و اجتماعی گزینه‌های مختلف سیاستی و انتقال این دانش به ذینفعان است (Santos, ۲۰۲۴).

مشارکت ذینفعان در مدیریت دانش

در سیاست دولتی، ذینفعان می‌توانند هر شخص یا سازمانی باشد که منافع آن‌ها به طور مثبت یا منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این شامل سازمان‌های دولتی و کسب‌وکارهای خصوصی، مقامات محلی، جامعه عمومی و سایر طرف‌های ذینفع مانند سازمان‌های داوطلبانه و جامعه، گروه‌های محروم، گروه‌های بومی و افرادی با زمینه‌های زبانی غیربومی است. هر خدمت عمومی شامل دامنه وسیعی از روابط بین سیاست‌گذاران و ذینفعان آن‌ها است و تقویت همکاری با این ذینفعان به طور بالقوه یک راه مؤثر از نظر هزینه برای به دست آوردن دانش خوب یا باکیفیت بهتر در یک محیط با منابع محدود است. در واقع، مشروعیت سیاست عمومی اکنون اغلب به یک فرآیند تبادل بین جامعه و دولت وابسته است (Adams and Hess, ۲۰۰۱; Quirchmayr and Tagg, ۲۰۰۲).

با توجه به تعاملات متعدد درون بخش دولتی (به‌عنوان مثال، تلاش‌های مشترک بین وزارتخانه‌ها یا آژانس‌های مختلف مانند وزارت تجارت، مقامات گردشگری ایالت و دانشگاه‌های مختلف)، بین ادارات دولتی مختلف (به‌عنوان مثال، پیشرفت‌های اتحادیه اروپا که منجر به همکاری نزدیک‌تر سیاست‌های عمومی ملی می‌شود) و بین بخش‌های دولتی و ذینفعان (به‌عنوان مثال، بین وزارت بهداشت عمومی و یک آژانس تبلیغاتی که یک آگهی تلویزیونی برای یک کمپین ضد سیگار تولید می‌کند) و تأثیر آن‌ها بر سیاست و ارائه خدمات، دامنه مدیریت دانش در بخش دولتی واضح است (Amon, ۲۰۲۴).

اگرچه هیچ شکی نیست که مدیریت دانش نقش بیشتری در خدمات عمومی ایفا می‌کند، اما تحقیقات کمی و راهنماهای محدودی در مورد چگونگی توسعه مشارکت‌های مؤثر مدیریت دانش و سیاست عمومی با ذینفعان وجود دارد. بحث‌های زیر برخی از مسائل و چالش‌های اصلی را که دولت‌ها و سازمان‌های مختلف بخش عمومی در ارائه سیاست‌های عمومی باکیفیت بهتر از طریق مشارکت با ذینفعان با آن‌ها مواجه هستند، بررسی می‌کند. چارچوب‌های مربوط به بخش خصوصی و عمومی متفاوت هستند. اول، بخش خصوصی معمولاً تحت تأثیر محیط رقابتی خود (به‌عنوان مثال، بازارها، محصولات، فرآیندهای کسب‌وکار، فناوری‌ها و غیره) قرار دارد، در حالی که بخش عمومی بر ارائه اطلاعات و خدمات متمرکز است. دوم، در حالی که بخش خصوصی معمولاً به سهامداران وابسته است، بخش عمومی بر منافع ذینفعان متمرکز است و تمایل دارد که چندین طرف را در فرآیند درگیر کند، بنابراین مدیریت آن پیچیده‌تر است. (Cong and Pandya, ۲۰۰۳).

رابطه دولت و ذینفعان در فرآیند مدیریت دانش

چندین رویکرد برای طبقه‌بندی فرآیند مدیریت دانش وجود دارد (DiBella and Nevis, ۱۹۹۷; Beckman, ۱۹۹۷; McAdam and Reid, ۲۰۰۰). یکی از راه‌های توصیف فرآیند مدیریت دانش به‌عنوان چهار مرحله اصلی مرتبط با

یکدیگر است که هر یک دارای بعد علمی و اجتماعی زیرین است: (McAdam and Reid, ۲۰۰۰)

۱. ساخت دانش
۲. تجسم دانش
۳. انتشار دانش
۴. کاربرد دانش

بر اساس این چهار مرحله، هدف اصلی مشارکت‌های دولت و ذینفعان تسهیل انتقال مؤثر دانش علمی و اجتماعی است که توسط ذینفعان در اختیار دولت‌ها قرار می‌گیرد. این دانش سپس باید به طور مؤثر در دولت (به‌عنوان مثال، در فرآیندها، شیوه‌ها، فرهنگ) ضبط و تجسم شود، منتشر شود و در نهایت برای ایجاد سیاست عمومی به کار رود. به نظر می‌رسد که رابطه دولت و ذینفعان برای مرحله ساخت دانش از اهمیت بیشتری برخوردار است. این دیدگاه همچنین با اهداف تجاری که عمدتاً بر انتقال یک‌طرفه دانش از مشتری به سازمان تأکید می‌کند، سازگار است (Blosch, ۲۰۰۰). با این حال، یک دیدگاه بخش عمومی از ذینفع به مشتری به نظر می‌رسد بیشتر به انتقال دوطرفه دانش نزدیک باشد (Barnes et al., ۲۰۰۳) که نشان می‌دهد دولت‌ها همچنین باید بر فرآیندهای مدیریت دانش تمرکز کنند که انتقال برخی از دانش‌ها به ذینفعان را نیز شامل می‌شود. در واقع، یک انتقال دوطرفه دانش می‌تواند به دولت‌ها در دستیابی به مشارکت و اشتراک دانش بیشتر از سوی ذینفعان کمک کند و در عین حال مسئولیت‌پذیری عمومی را نشان دهد. بعد سیاسی سیاست عمومی به این معناست که مشارکت ذینفعان به خودی خود ممکن است برای اهداف دولت مرکزی باشد. به‌عنوان مثال، ادراکات جامعه در مورد کیفیت سیاست عمومی احتمالاً تحت تأثیر این قرار می‌گیرد که دولت‌ها چقدر خوب ذینفعان را مدیریت می‌کنند، مثلاً از طریق شمول یا مشارکت‌های همکاری (Adams and Hess, ۲۰۰۱). البته، اگر ادراکات ذینفعان مثبت باشد، می‌تواند به نتایج مطلوب برای دولت‌ها به شکل حمایت سیاسی و رأی تبدیل شود. به نظر می‌رسد که مشارکت‌های مؤثر دولت و ذینفعان برای شیوه‌های مؤثر مدیریت دانش و توسعه سیاست عمومی خوب ضروری است. همچنین به نظر می‌رسد که ذینفعان می‌توانند راهنمایی بهتر و مقرون به‌صرفه‌تری برای توسعه سیاست خوب نسبت به روش‌های جایگزین موجود برای دولت‌ها، مانند عقلانیت اقتصادی و تفکر تاریخی ارائه دهند (Adams and Hess, ۲۰۰۱). با این حال، فرآیندهای مرتبط با مسئولیت‌پذیری دموکراتیک و عمومی می‌تواند به راحتی به عنوان ناکارآمد ارائه شود و توافق جامعه وسیع‌تر اغلب به راحتی گرفته می‌شود (Deakin, ۲۰۰۲). در حالی که می‌توان شباهت‌هایی بین مشارکت‌های مبتنی بر دانش که توسط بخش خصوصی و عمومی دنبال می‌شود، ترسیم کرد، تفاوت‌های مشخصی نیز وجود دارد. بخش عمده‌ای از دانش منتقل شده در مشارکت‌های دولت و ذینفعان عمدتاً از تعاملات اجتماعی ناشی می‌شود و به شکل ضمنی و مفهومی است (Wiig, ۲۰۰۲). این عمدتاً به این دلیل است که عملکردهای دولتی، از جمله توسعه سیاست، به شدت بر تعامل اجتماعی متکی است؛ و دانش ناشی از تعامل اجتماعی به مراتب دشوارتر از دانش علمی که بخش خصوصی معمولاً بر آن تمرکز بیشتری دارد، ضبط می‌شود (McAdam and Reid, ۲۰۰۰). اگرچه از منظر مفهومی به نظر می‌رسد که به راحتی می‌توان پذیرفت که مشارکت‌های مؤثر ذینفعان برای مدیریت دانش خوب و توسعه سیاست عمومی مهم است، اما در عمل، دستیابی به این هدف به دلیل دیدگاه‌های متنوع ذینفعان و ظرفیت‌های بسیار متفاوت آن‌ها برای تعامل مؤثر با سازمان‌های بخش عمومی دشوار است. علاوه بر این، دولت‌ها اغلب باید بین داشتن دانش کافی در مورد چگونگی پیشبرد یک مسئله سیاستی - که ممکن است به دلایل مسئولیت‌پذیری به خوبی با درگیر کردن ذینفعان کارشناسی به دست آید - منابع موجود و مشارکت وسیع ذینفعان در فرآیندهای همکاری تعادل برقرار کنند (Wiig, ۲۰۰۲).

پیشینه تحقیق

(César et al, ۲۰۲۴) به ارائه شواهد تجربی درباره رابطه بین فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش در سازمان‌های بخش عمومی در کلمبیا پرداختند. این تحقیق بر اساس اطلاعات به دست آمده از یک نظرسنجی که به کارکنان در موقعیت‌ها و حوزه‌های مختلف چهار سازمان دولتی در سطح دپارتمانی کلمبیا اعمال شده، انجام شده است. نظرسنجی شامل ۲۲ سؤال برای اندازه‌گیری فرهنگ سازمانی و ۱۹ سؤال برای اندازه‌گیری مدیریت دانش بود. نتایج نشان می‌دهد که قوی‌ترین همبستگی بین ساختار سازمانی انعطاف‌پذیر و رهبری که توسعه قابلیت‌های کارکنان برای ثبت و استفاده از دانش را تقویت می‌کند، وجود دارد. علاوه بر این، برای دستیابی به کارایی، سازمان‌های عمومی باید سازگاری با محیط، مدیریت مشخص و رفتار انسانی مبتنی بر ارزش را ترویج دهند و موانعی مانند بوروکراسی و مدیریت ناکارآمد را برطرف کنند و مدیریت دانش مناسبی را انجام



دهند. [Saman et al \(۲۰۲۴\)](#) به شناسایی عوامل کلیدی موفقیت و شکست در پیاده‌سازی سیستم‌های مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی پرداختند. این تحقیق از روش‌شناسی نظرسنجی توصیفی استفاده کرده و داده‌ها را از طریق مصاحبه‌های تصادفی و پرسشنامه‌ها جمع‌آوری کرده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که عوامل کلیدی موفقیت برای سیستم‌های مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی شامل همکاری، فضای باز، آموزش کارکنان، خلاقیت و نوآوری، حذف موانع سازمانی، سیاست‌های پاداش، الگوهای رفتاری و تمرکز است. برعکس، عدم توجه به رسمی بودن، مشارکت کارکنان، فناوری‌های همکاری، زیرساخت‌های شبکه و سخت‌افزاری، پیچیدگی، کارکنان IT و اعتماد می‌تواند موانع قابل توجهی برای پیاده‌سازی موفق ایجاد کند. [Lourdes\(۲۰۲۴\)](#) به اندازه‌گیری سطوح بلوغ قابلیت مدیریت دانش در کشورهای بنگلادش، کامبوج، جمهوری دموکراتیک خلق لائوس، مغولستان، میانمار، نپال و سریلانکا پرداختند. این کشورها بر اساس تعاریف ارائه‌شده توسط دفتر منطقه‌ای آسیا و اقیانوسیه صندوق بین‌المللی پول (IMF) در آوریل ۲۰۲۲ شناسایی شدند. در این تحقیق مشخص شد که استانداردهای موجودی برای اندازه‌گیری سطح آمادگی مدیریت دانش در یک سازمان، به‌ویژه در دولت‌ها وجود ندارد. اگر یک سازمان برای اجرای مدیریت دانش آماده باشد، احتمال شکست کاهش می‌یابد. همچنین، شواهد مشخصی برای شناسایی سطح آمادگی کشورهای مورد بررسی وجود ندارد؛ بنابراین، توصیه می‌شود که یافته‌ها برای تحقیقات آینده باید درک بهتری از عوامل تعیین‌کننده مدیریت دانش ارائه دهند و همچنین برای اندازه‌گیری آمادگی مدیریت دانش، به‌ویژه در مؤسسات دولتی، روش‌های بهتری تدوین شود. علاوه بر این، ابتکارات دولتی و مؤسسات آموزش عالی باید فرصت‌های آموزشی بهتری برای حرفه‌ای‌های اطلاعات از طریق دوره‌ها یا برنامه‌های مدیریت دانش در سطوح تحصیلات تکمیلی فراهم کنند، زیرا دامنه یادگیری در این زمینه محدود است.

[کریمی و رئیس \(۱۴۰۳\)](#) در تحقیق خود به بررسی تأثیر مدیریت دانش کارکنان واحدهای گردشگری در کیفیت خدمات گردشگری با میانجیگری قابلیت پویا پرداختند. جامعه آماری پژوهش را کارکنان آژانس‌های مسافرتی شهر شیراز تشکیل می‌دهند که ۱۱۹ نفر از آن‌ها با فرمول کوکران به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. مدل مفهومی در قالب چهار فرضیه، بررسی رابطه میان مدیریت دانش با قابلیت پویا، رابطه معنی‌دار میان قابلیت پویا و کیفیت خدمات گردشگری، رابطه میان مدیریت دانش و کیفیت خدمات گردشگری و درنهایت رابطه معنادار میان مدیریت دانش و استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری حاکی از وجود رابطه معنادار میان مدیریت دانش و قابلیت پویا و نبود رابطه میان قابلیت پویا و کیفیت خدمات گردشگری است. [عابدینی و همکاران \(۱۴۰۳\)](#) به بررسی مدیریت دانش با رویکرد چابکی سازمانی مبتنی بر رایانش ابری در صنعت بیمه سلامت ایران پرداخته است. بر اساس تحلیل مضمون ۶ مضمون اصلی شناسایی شده است. این ۶ مضمون عبارتند از بلوغ، تصمیم‌گیری مبتنی بر دانش، انعطاف ساختاری، دانش‌محوری، جامعه‌گرایی و بومی‌سازی رایانش ابری. یکی از نتایج اصلی این رویکرد، افزایش سرعت واکنش در مواجهه با تغییرات سریع در بازار بیمه است. یکی از نتایج اصلی این رویکرد، افزایش سرعت واکنش در مواجهه با تغییرات سریع در بازار بیمه است. ابر به‌عنوان یک زیرساخت اصلی، امکان ارائه سرویس‌های بیمه بهبودیافته و تسریع در فرآیندهای تصمیم‌گیری و پاسخ به نیازهای مشتریان را فراهم می‌کند. این رویکرد می‌تواند کمک کند تا سازمان‌های بیمه از تجربه کاربری بهتری برخوردار شوند و در نتیجه، رضایت مشتریان و افزایش تعاملات با آنان را تضمین کنند. [جباری و همکاران \(۱۴۰۳\)](#) به بررسی نظام‌مند و ترکیب یافته‌های بررسی‌های قبلی و ارزیابی وضعیت فعلی تحقیقات در مورد استفاده از شبکه‌های اجتماعی در اشاعه دانش پرداختند. در این پژوهش از روش مرور نظام‌مند ادبیات برای جمع‌آوری و مرور مطالعات با پیروی از یک روش مرور از پیش تعریف‌شده، ادغام استراتژی‌های جستجوی خودکار و دستی، به منظور پوشش دادن همه مقالات تحقیقاتی مرتبط منتشر شده در این بازه زمانی استفاده شده است. جستجوی نظام‌مند با توجه به کلمات کلیدی به ۲۵۳ برون‌داد پژوهشی رسید که در نهایت ۳۷ برون‌داد پژوهشی منطبق با معیارها جهت تحلیل عمیق تعیین شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بر اشاعه دانش



از طریق شبکه‌های اجتماعی متمرکز است و سه فعالیت اصلی کاربرد شبکه‌های اجتماعی را شناسایی می‌کند که شامل فرآیندهای جستجوی دانش، اشاعه دانش و تعامل اجتماعی است.

۳- روش تحقیق

به لحاظ فلسفه‌ی پژوهش، تحقیق حاضر پژوهشی تفسیری و از حیث هدف در دسته‌ی پژوهش‌های نظری کاربردی قرار دارد. رویکرد پژوهشی این تحقیق، رویکردی قیاسی تحلیلی بوده و به دنبال الگویی از داده‌ها، با روش کیفی است. از نظر روش تحلیل داده‌ها، اکتشافی و از نظر ماهیت داده‌ها و شیوه‌ی تحلیل یافته‌های پژوهش، تحلیلی کیفی بوده و به دنبال ارائه‌ی مدل خط‌مشی‌گذاری با رویکرد مدیریت دانش در سازمان امور مالیاتی کشور با استفاده از روش کیفی مرور سیستماتیک است. هدف اولیه از انجام یک مرور سیستماتیک، یافتن، ارزیابی و ترکیب شواهد تحقیقاتی باکیفیت بالا و قابل اجرا به‌منظور پرداختن به یک پرسش خاص است. در گام‌های نخستین پس از تعیین سؤال پژوهشی و انعقاد پروتکل، به جستجو و انتخاب متون پرداخته شد. فرآیند انتخاب مقالات بر اساس ساختار پیشنهاد شده‌ی پریسما انجام شد (Moher et al., ۲۰۰۹). بر اساس اهداف این تحقیق، انتخاب و جستجو در پایگاه‌های ایبیسکو^۱، اریک^۲، اسکوپوس^۳ و وب آف ساینس^۴ انجام گردید تا مقالات باکیفیت بالا و مرتبط حاصل شود.

جستجوی و انتخاب اسناد با استفاده از کلید واژه‌های فارسی و انگلیسی صورت گرفت. کلید واژه‌های فارسی شامل مواردی چون سیاست‌گذاری عمومی، فرآیند سیاست‌گذاری، ابزارهای سیاست‌گذاری، ارزیابی سیاست‌گذاری، اشتراک‌گذاری دانش، خلق دانش، ذخیره‌سازی دانش، بازیابی دانش، کاربرد دانش، دیوانسالاری، بروکراسی، نظام اداری، مدیریت دولتی، مالیات، نظام مالیاتی، درآمدهای مالیاتی و اداره مالیات می‌باشد. در زبان انگلیسی نیز از کلید واژه‌هایی مانند:

Public policymaking, Policy process, Policy instruments, Policy evaluation, Knowledge sharing, Knowledge creation, Knowledge storage, Knowledge retrieval, Knowledge application, Public administration, Bureaucracy, Administrative system, Government management, Taxation, Tax system, Tax revenue, Tax administration

استفاده شد.

جستجو با عملگرهای بولی AND و OR انجام شد شناسایی و دسته‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های مرتبط با مدل خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی ایران، از طریق بررسی کامل تمام مقاله‌های دربرگیرنده‌ی موضوع مورد مطالعه که در پایگاه‌های علمی منتخب بودند، انجام شد. دو نفر از تیم محققان این تحقیق کار جستجوی پایگاه‌های داده را به‌صورت مستقل انجام دادند. علاوه بر این از متخصصان حوزه مربوطه برای معرفی منابع مرتبط مشورت گرفته شد. تعداد مقالات جستجو شده بر اساس کلیدواژه‌های مورد نظر، در پایگاه وب آف ساینس ۱۶۹ مقاله، پایگاه اسکوپوس ۲۹۶ مقاله و در پایگاه ایبیسکو ۲۰۳ مقاله بود. پس از وارد کردن مقالات در نرم‌افزار مندلی^۵ و حذف موارد تکراری، تعداد ۶۶۸ مقاله باقی ماند (جدول ۱).

جدول (۱). تعداد کل مقالات پس از حذف موارد تکراری

پایگاه داده‌ها	اسکوپوس	ایبیسکو	وب آف ساینس	مجموع
فراوانی	۲۹۶	۲۰۳	۱۶۹	۶۶۸

جدول (۲). فهرست مقالات منتشر شده از ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴

سال انتشار	تعداد مقاله منتشر شده	درصد
------------	-----------------------	------

^۱. EBSCO
^۲. ERIC
^۳. Scopus
^۴. Web of Science
^۵. Mendeley



فصلنامه علمی رویکردهای نو در مدیریت دولتی

The scientific quarterly of
New Approaches in Public Administration

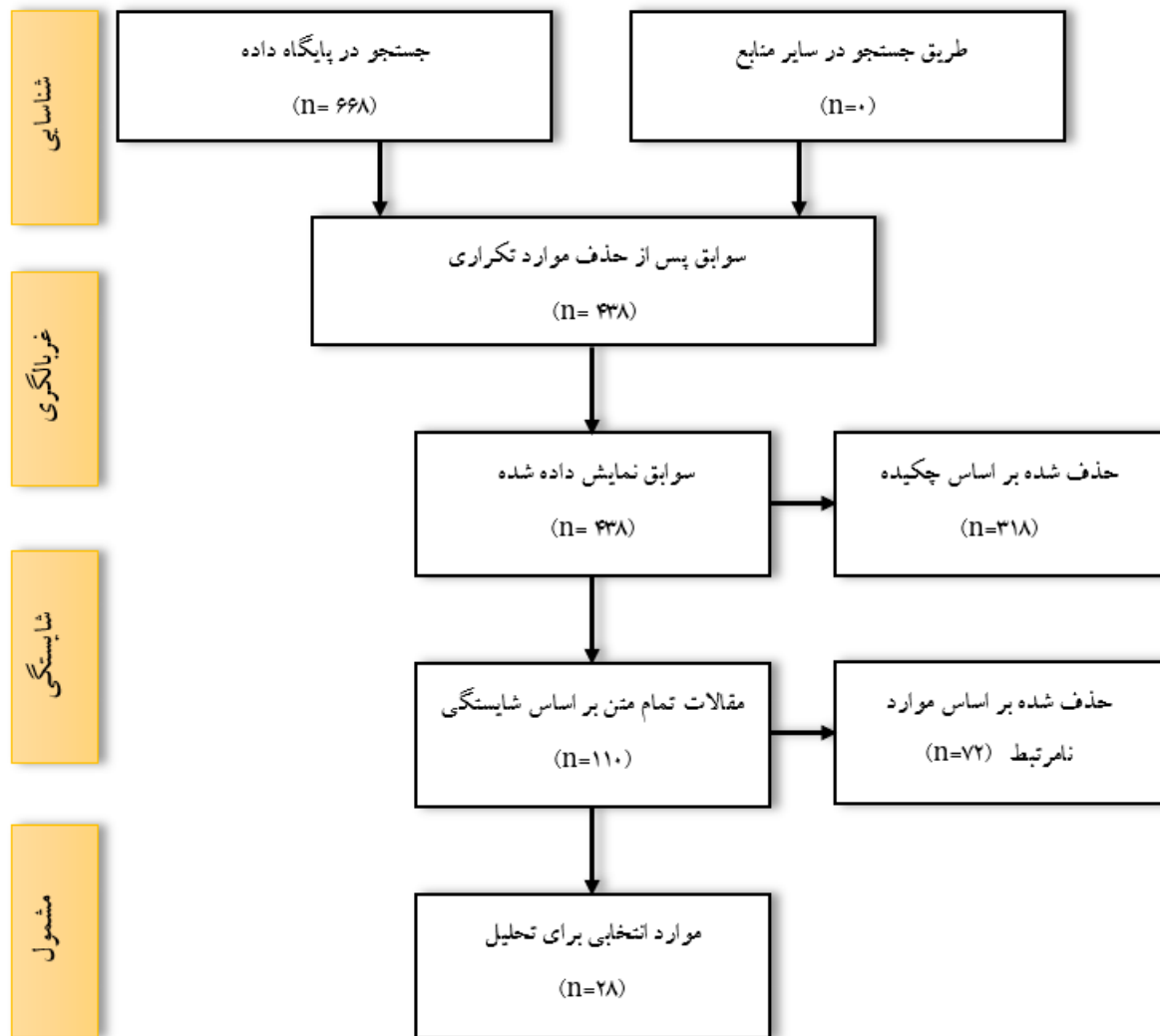


JNAPA

۳.۵٪	۲۳	۲۰۱۸
۲.۵٪	۱۶	۲۰۱۹
۳٪	۱۹	۲۰۲۰
۵٪	۳۴	۲۰۲۱
۱۳٪	۸۲	۲۰۲۲
۲۶٪	۱۷۶	۲۰۲۳
۴۷٪	۳۱۸	۲۰۲۴
۱۰۰٪	۶۶۸	جمع

در گام بعدی ابتدا، پژوهشگر به بررسی ۵ درصد از مقالات پرداختند تا ضریب توافق^۱ بین ارزیابان را بر اساس معیارهای شمول و حذف محاسبه کنند. سپس، جستجو در مابقی مقالات ادامه یافت و با توجه به عنوان و چکیده، موارد نامرتب حذف شدند. در مرحله بعد، با مطالعه کامل متن مقالات باقی مانده، موارد غیرمرتبط دیگر نیز کنار گذاشته شدند. معیارهای شمول و حذف در این پژوهش شامل مقالات انگلیسی زبان منتشر شده در نشریات علمی داوری شده بود. این مطالعه محدودیت زمانی خاصی نداشت و تمام مقالات مرتبط با موضوع پژوهش تا زمان انجام جستجو را در بر می گرفت.

^۱. Inter-rater reliability



شکل (۱). نمودار جریان مطالعات موجود در مرور

در مرحله عنوان و چکیده خوانی، بعد از بررسی ۶۹۸ مقاله با غربالگری بر اساس چکیده و حذف مقالات نامرتبط به مبحث، مقالات شایسته ارزیابی به ۱۱۰ مقاله تقلیل یافت و در پایان با تمرکز بر مقالاتی که دارای تلویحاتی از ابعاد و مؤلفه‌های مدل خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش در سازمان مالیاتی بودند و شاخص‌هایی داشتند، تعداد مقالات به ۲۸ مورد رسید.

روایی و پایایی: به منظور اطمینان از دقت و صحت نتایج به‌دست‌آمده، روایی یافته‌ها توسط ۵ متخصص در حوزه موضوعی مربوطه تأیید شد. همچنین، پایایی کدگذاری با استفاده از شاخص توافق بین ارزیاب‌ها مورد بررسی قرار گرفت. ضریب توافق بین دو کدگذار با استفاده از روش کاپای کوهن محاسبه شد و نتایج نشان داد که پیش از بحث درباره اختلافات، ضریب کاپا ۰.۸۶ به‌دست آمده است که نشان‌دهنده توافق بالا و قابل قبولی بین کدگذاران است. این میزان به استناد [Landis & Koch \(۱۹۷۷\)](#) به‌عنوان توافق بالا در نظر گرفته می‌شود و پس از شناسایی و بحث درباره موارد اختلافی، کدگذاران توانستند به توافق نهایی دست یابند.

۶- یافته‌ها

در این پژوهش، برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از شیوه بررسی اسنادی استفاده شد. تعداد ۶۶۸ مقاله معتبر منتشر شده در مجلات علمی خارجی در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۲۴ گردآوری گردید. از این تعداد، ۵ درصد از مقالات به‌طور تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند تا ضریب توافق بین ارزیابان بر اساس معیارهای شمول و حذف محاسبه شود. این رویکرد این امکان را می‌دهد که به‌طور سیستماتیک و دقیق به تجزیه و تحلیل مقالات بپردازد و نتایج معتبر و قابل اعتمادی به دست آورد.

در مرحله اول، پژوهشگر به‌طور مستقل حدود ۵ درصد از مقالات (۱۱۰ مورد) را که به صورت تصادفی با نرم‌افزار اکسل انتخاب شده بودند، کدگذاری کرد. پس از این مرحله، مقالات باقی‌مانده به‌طور مساوی بین دو محقق تقسیم شد و موارد نامرتب یا غیرمرتبط حذف گردید. در مرحله بعد، برای کدگذاری و استخراج داده‌های ۲۸ تحقیق انتخاب شده، از همان روش و رویکرد به کار گرفته شده در مرحله اول استفاده شد. برای ارزیابی دقت و اعتبار این مرحله، ضریب همبستگی درون‌گروهی (ICC) برای ۱۰ درصد از مقالات کدگذاری شده محاسبه گردید که مقدار آن ۰.۸۴ به دست آمد. این میزان ضریب همبستگی نیز به‌طور کلی مطلوب و بیانگر توافق قابل قبول درون گروهی است و این روند تضمین‌کننده دقت و صحت در فرایند کدگذاری و استخراج داده‌ها می‌باشد. داده‌های استخراج شده در قالب ۶ بُعد مدیریت دانش، ۴ بعد عوامل مرتبط بر خط‌مشی‌گذاری عمومی و ۲۲ مؤلفه، مورد بررسی، تجزیه و تحلیل و کدگذاری قرار گرفت.

جدول (۴). ابعاد، مؤلفه‌ها و نشانگرها

مؤلفه‌ها	عوامل	ابعاد مدیریت دانش	مؤلفه‌ها	عوامل	ابعاد مدیریت دانش
میزان اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی (سهم مالیات از بودجه)			میزان اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی (سهم مالیات از بودجه)		
ذی‌نفعان سیستم مالیاتی (شهرداری‌ها- دهیارهای و ...)			ذی‌نفعان سیستم مالیاتی (شهرداری‌ها- دهیارهای و ...)		
نگرش مردم نسبت به پرداخت مالیات	فرهنگ و باطنی	فرهنگ و باطنی	نگرش مردم نسبت به پرداخت مالیات	عوامل محیطی	فرهنگ و باطنی
مسائل فرهنگی (میزان پابندی به هویت ملی /مذهبی)			مسائل فرهنگی (میزان پابندی به هویت ملی /مذهبی)		
فعالان چرخه‌ی اقتصادی (تولیدی- بازرگانی- خدماتی)		فرهنگ و باطنی	فعالان چرخه‌ی اقتصادی (تولیدی- بازرگانی- خدماتی)		فرهنگ و باطنی
پیشرفت‌های تکنولوژیکی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)			پیشرفت‌های تکنولوژیکی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)		
تنقیح مالیاتی (بازنگری قوانین مالیاتی- اصلاح و بهبود قوانین)		فرهنگ و باطنی	تنقیح مالیاتی (بازنگری قوانین مالیاتی- اصلاح و بهبود قوانین)	عوامل محیطی	فرهنگ و باطنی
شناسایی منابع جدید مالیاتی (مؤدیان جدید) جلوگیری از فرار مالیاتی (کتمان درآمد- پولشویی و ...)			شناسایی منابع جدید مالیاتی (مؤدیان جدید) جلوگیری از فرار مالیاتی (کتمان درآمد- پولشویی و ...)		
انطباق مالیاتی (مقایسه‌ی مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی)			انطباق مالیاتی (مقایسه‌ی مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی)		

<p>روحیه‌ی مالیاتی (میزان اعتقاد به سیستم مالیاتی) انصاف مالیاتی (رعایت انصاف در مالیات ستانی) میزان تمکین مالیاتی مؤدیان (افزایش توافقات- کاهش اعتراض)</p>	<p>روحیه‌ی مالیاتی (میزان اعتقاد به سیستم مالیاتی) انصاف مالیاتی (رعایت انصاف در مالیات ستانی) میزان تمکین مالیاتی مؤدیان (افزایش توافقات- کاهش اعتراض)</p>	<p>عوامل فردی</p>
<p>فرهنگ‌سازمانی (ارزش‌ها، انتظارات و روش‌هایی هدایت فعالیت کارکنان)</p>	<p>فرهنگ‌سازمانی (ارزش‌ها، انتظارات و روش‌هایی هدایت فعالیت کارکنان)</p>	
<p>دانش خاص سازمانی (دانش و تجربه‌های منحصر به فرد)</p>	<p>دانش خاص سازمانی (دانش و تجربه‌های منحصر به فرد)</p>	
<p>احتکار دانش (عدم اشتراک دانش و نگهداری آن توسط افراد)</p>	<p>احتکار دانش (عدم اشتراک دانش و نگهداری آن توسط افراد)</p>	
<p>تعهد سازمانی (تعهد اعضای سازمان به اهداف و ارزش‌های آن)</p>	<p>تعهد سازمانی (تعهد اعضای سازمان به اهداف و ارزش‌های آن)</p>	<p>عوامل سازمانی</p>
<p>خودکارآمدی (اعتقاد به قابلیت خود) تسهیم دانش (لذت و رضایت از اشتراک‌گذاری دانش)</p>	<p>خودکارآمدی (اعتقاد به قابلیت خود) تسهیم دانش (لذت و رضایت از اشتراک‌گذاری دانش)</p>	
<p>تمایل به یادگیری (علاقه به یادگیری و به‌روزرسانی دانش)</p>	<p>تمایل به یادگیری (علاقه به یادگیری و به‌روزرسانی دانش)</p>	
<p>اعتماد (وجود اعتماد میان اعضای سازمان) خط‌مشی‌های کلان نظام سیاسی کشور برنامه‌های اقتصادی دولت</p>	<p>اعتماد (وجود اعتماد میان اعضای سازمان) خط‌مشی‌های کلان نظام سیاسی کشور برنامه‌های اقتصادی دولت</p>	
<p>مسایل زیست محیطی (رفع آلاینده‌گی و پسماند) روابط بین‌الملل (ارتباطات خارجی با سایر کشورها)</p>	<p>مسایل زیست محیطی (رفع آلاینده‌گی و پسماند) روابط بین‌الملل (ارتباطات خارجی با سایر کشورها)</p>	<p>عوامل محیطی</p>
<p>میزان اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی (سهم مالیات از بودجه)</p>	<p>میزان اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی (سهم مالیات از بودجه)</p>	
<p>ذی‌نفعان سیستم مالیاتی (شهرداری‌ها- دهیارهای و ...)</p>	<p>ذی‌نفعان سیستم مالیاتی (شهرداری‌ها- دهیارهای و ...)</p>	
<p>نگرش مردم نسبت به پرداخت مالیات مسایل فرهنگی (میزان پایبندی به هویت ملی /مذهبی)</p>	<p>نگرش مردم نسبت به پرداخت مالیات مسایل فرهنگی (میزان پایبندی به هویت ملی /مذهبی)</p>	
<p>فعالان چرخه‌ی اقتصادی (تولیدی- بازرگانی- خدماتی)</p>	<p>فعالان چرخه‌ی اقتصادی (تولیدی- بازرگانی- خدماتی)</p>	<p>عوامل سازمانی</p>
<p>پیشرفت‌های تکنولوژیکی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)</p>	<p>پیشرفت‌های تکنولوژیکی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)</p>	
<p>تنقیح مالیاتی (بازنگری قوانین مالیاتی- اصلاح و بهبود قوانین)</p>	<p>تنقیح مالیاتی (بازنگری قوانین مالیاتی- اصلاح و بهبود قوانین)</p>	
<p>شناسایی منابع جدید مالیاتی (مؤدیان جدید) جلوگیری از فرار مالیاتی (کتمان درآمد- پولشویی و ...)</p>	<p>شناسایی منابع جدید مالیاتی (مؤدیان جدید) جلوگیری از فرار مالیاتی (کتمان درآمد- پولشویی و ...)</p>	
<p>انطباق مالیاتی (مقایسه‌ی مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی)</p>	<p>انطباق مالیاتی (مقایسه‌ی مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی)</p>	<p>عوامل سازمانی</p>
<p>روحیه‌ی مالیاتی (میزان اعتقاد به سیستم مالیاتی) انصاف مالیاتی (رعایت انصاف در مالیات ستانی)</p>	<p>روحیه‌ی مالیاتی (میزان اعتقاد به سیستم مالیاتی) انصاف مالیاتی (رعایت انصاف در مالیات ستانی)</p>	

میزان تمکین مالیاتی مؤدیان (افزایش توافقات- کاهش اعتراض)	میزان تمکین مالیاتی مؤدیان (افزایش توافقات- کاهش اعتراض)	عوامل فردی	
فرهنگ‌سازمانی (ارزش‌ها، انتظارات و روش‌هایی هدایت فعالیت کارکنان)	فرهنگ‌سازمانی (ارزش‌ها، انتظارات و روش‌هایی هدایت فعالیت کارکنان)		
دانش خاص سازمانی (دانش و تجربه‌های منحصر به فرد)	دانش خاص سازمانی (دانش و تجربه‌های منحصر به فرد)		
احتکار دانش (عدم اشتراک دانش و نگهداری آن توسط افراد)	احتکار دانش (عدم اشتراک دانش و نگهداری آن توسط افراد)		
تعهد سازمانی (تعهد اعضای سازمان به اهداف و ارزش‌های آن)	تعهد سازمانی (تعهد اعضای سازمان به اهداف و ارزش‌های آن)		
خودکارآمدی (اعتقاد به قابلیت خود)	خودکارآمدی (اعتقاد به قابلیت خود)		
تسهیم دانش (لذت و رضایت از اشتراک‌گذاری دانش)	تسهیم دانش (لذت و رضایت از اشتراک‌گذاری دانش)		
تمایل به یادگیری (علاقه به یادگیری و به‌روزرسانی دانش)	تمایل به یادگیری (علاقه به یادگیری و به‌روزرسانی دانش)		
اعتماد (وجود اعتماد میان اعضای سازمان)	اعتماد (وجود اعتماد میان اعضای سازمان)		
خط‌مشی‌های کلان نظام سیاسی کشور	خط‌مشی‌های کلان نظام سیاسی کشور		عوامل فراسازمانی
برنامه‌های اقتصادی دولت	برنامه‌های اقتصادی دولت		
مسائل زیست محیطی (رفع آلاینده‌گی و پسماند)	مسائل زیست محیطی (رفع آلاینده‌گی و پسماند)		
روابط بین‌الملل (ارتباطات خارجی با سایر کشورها)	روابط بین‌الملل (ارتباطات خارجی با سایر کشورها)		
میزان اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی (سهم مالیات از بودجه)	میزان اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی (سهم مالیات از بودجه)		
ذی‌نفعان سیستم مالیاتی (شهرداری‌ها- دهیارهای و ...)	ذی‌نفعان سیستم مالیاتی (شهرداری‌ها- دهیارهای و ...)		
نگرش مردم نسبت به پرداخت مالیات	نگرش مردم نسبت به پرداخت مالیات	عوامل محیطی	
مسائل فرهنگی (میزان پایبندی به هویت ملی /مذهبی)	مسائل فرهنگی (میزان پایبندی به هویت ملی /مذهبی)		
فعالان چرخه‌ی اقتصادی (تولیدی- بازرگانی- خدماتی)	فعالان چرخه‌ی اقتصادی (تولیدی- بازرگانی- خدماتی)		
پیشرفت‌های تکنولوژیکی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)	پیشرفت‌های تکنولوژیکی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)		
تنقیح مالیاتی (بازنگری قوانین مالیاتی- اصلاح و بهبود قوانین)	تنقیح مالیاتی (بازنگری قوانین مالیاتی- اصلاح و بهبود قوانین)		
شناسایی منابع جدید مالیاتی (مؤدیان جدید)	شناسایی منابع جدید مالیاتی (مؤدیان جدید)		
جلوگیری از فرار مالیاتی (کتمان درآمد- پولشویی و ...)	جلوگیری از فرار مالیاتی (کتمان درآمد- پولشویی و ...)		
انطباق مالیاتی (مقایسه‌ی مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی)	انطباق مالیاتی (مقایسه‌ی مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی)		
روحیه‌ی مالیاتی (میزان اعتقاد به سیستم مالیاتی)	روحیه‌ی مالیاتی (میزان اعتقاد به سیستم مالیاتی)		
انصاف مالیاتی (رعایت انصاف در مالیات ستانی)	انصاف مالیاتی (رعایت انصاف در مالیات ستانی)		
میزان تمکین مالیاتی مؤدیان (افزایش توافقات- کاهش اعتراض)	میزان تمکین مالیاتی مؤدیان (افزایش توافقات- کاهش اعتراض)	عوامل سازمانی	
میزان تمکین مالیاتی مؤدیان (افزایش توافقات- کاهش اعتراض)	میزان تمکین مالیاتی مؤدیان (افزایش توافقات- کاهش اعتراض)		
فرهنگ‌سازمانی (ارزش‌ها، انتظارات و روش‌هایی هدایت فعالیت کارکنان)	فرهنگ‌سازمانی (ارزش‌ها، انتظارات و روش‌هایی هدایت فعالیت کارکنان)		
دانش خاص سازمانی (دانش و تجربه‌های منحصر به فرد)	دانش خاص سازمانی (دانش و تجربه‌های منحصر به فرد)		
احتکار دانش (عدم اشتراک دانش و نگهداری آن توسط افراد)	احتکار دانش (عدم اشتراک دانش و نگهداری آن توسط افراد)		
تعهد سازمانی (تعهد اعضای سازمان به اهداف و ارزش‌های آن)	تعهد سازمانی (تعهد اعضای سازمان به اهداف و ارزش‌های آن)		
خودکارآمدی (اعتقاد به قابلیت خود)	خودکارآمدی (اعتقاد به قابلیت خود)		
تسهیم دانش (لذت و رضایت از اشتراک‌گذاری دانش)	تسهیم دانش (لذت و رضایت از اشتراک‌گذاری دانش)		
تمایل به یادگیری (علاقه به یادگیری و به‌روزرسانی دانش)	تمایل به یادگیری (علاقه به یادگیری و به‌روزرسانی دانش)		
اعتماد (وجود اعتماد میان اعضای سازمان)	اعتماد (وجود اعتماد میان اعضای سازمان)		
خط‌مشی‌های کلان نظام سیاسی کشور	خط‌مشی‌های کلان نظام سیاسی کشور	عوامل سازمانی	
برنامه‌های اقتصادی دولت	برنامه‌های اقتصادی دولت		
مسائل زیست محیطی (رفع آلاینده‌گی و پسماند)	مسائل زیست محیطی (رفع آلاینده‌گی و پسماند)		
روابط بین‌الملل (ارتباطات خارجی با سایر کشورها)	روابط بین‌الملل (ارتباطات خارجی با سایر کشورها)		
میزان اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی (سهم مالیات از بودجه)	میزان اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی (سهم مالیات از بودجه)		
ذی‌نفعان سیستم مالیاتی (شهرداری‌ها- دهیارهای و ...)	ذی‌نفعان سیستم مالیاتی (شهرداری‌ها- دهیارهای و ...)		
نگرش مردم نسبت به پرداخت مالیات	نگرش مردم نسبت به پرداخت مالیات		
مسائل فرهنگی (میزان پایبندی به هویت ملی /مذهبی)	مسائل فرهنگی (میزان پایبندی به هویت ملی /مذهبی)		
فعالان چرخه‌ی اقتصادی (تولیدی- بازرگانی- خدماتی)	فعالان چرخه‌ی اقتصادی (تولیدی- بازرگانی- خدماتی)		
پیشرفت‌های تکنولوژیکی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)	پیشرفت‌های تکنولوژیکی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)		
تنقیح مالیاتی (بازنگری قوانین مالیاتی- اصلاح و بهبود قوانین)	تنقیح مالیاتی (بازنگری قوانین مالیاتی- اصلاح و بهبود قوانین)		
شناسایی منابع جدید مالیاتی (مؤدیان جدید)	شناسایی منابع جدید مالیاتی (مؤدیان جدید)		
جلوگیری از فرار مالیاتی (کتمان درآمد- پولشویی و ...)	جلوگیری از فرار مالیاتی (کتمان درآمد- پولشویی و ...)		
انطباق مالیاتی (مقایسه‌ی مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی)	انطباق مالیاتی (مقایسه‌ی مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی)		
روحیه‌ی مالیاتی (میزان اعتقاد به سیستم مالیاتی)	روحیه‌ی مالیاتی (میزان اعتقاد به سیستم مالیاتی)		
انصاف مالیاتی (رعایت انصاف در مالیات ستانی)	انصاف مالیاتی (رعایت انصاف در مالیات ستانی)		
میزان تمکین مالیاتی مؤدیان (افزایش توافقات- کاهش اعتراض)	میزان تمکین مالیاتی مؤدیان (افزایش توافقات- کاهش اعتراض)		

تسهیم دانش (انتشار دانش)

فرهنگ سازمانی (ارزش‌ها، انتظارات و روش‌هایی هدایت فعالیت کارکنان)	فرهنگ سازمانی (ارزش‌ها، انتظارات و روش‌هایی هدایت فعالیت کارکنان)
دانش خاص سازمانی (دانش و تجربه‌های منحصر به فرد)	دانش خاص سازمانی (دانش و تجربه‌های منحصر به فرد)
احتکار دانش (عدم اشتراک دانش و نگهداری آن توسط افراد)	احتکار دانش (عدم اشتراک دانش و نگهداری آن توسط افراد)
تعهد سازمانی (تعهد اعضای سازمان به اهداف و ارزش‌های آن)	تعهد سازمانی (تعهد اعضای سازمان به اهداف و ارزش‌های آن)
خودکارآمدی (اعتقاد به قابلیت خود)	خودکارآمدی (اعتقاد به قابلیت خود)
تسهیم دانش (لذت و رضایت از اشتراک‌گذاری دانش)	تسهیم دانش (لذت و رضایت از اشتراک‌گذاری دانش)
تمایل به یادگیری (علاقه به یادگیری و به‌روزرسانی دانش)	تمایل به یادگیری (علاقه به یادگیری و به‌روزرسانی دانش)
اعتماد (وجود اعتماد میان اعضای سازمان)	اعتماد (وجود اعتماد میان اعضای سازمان)
خط‌مشی‌های کلان نظام سیاسی کشور	خط‌مشی‌های کلان نظام سیاسی کشور
برنامه‌های اقتصادی دولت	برنامه‌های اقتصادی دولت
مسائل زیست محیطی (رفع آلاینده‌گی و پسماند)	مسائل زیست محیطی (رفع آلاینده‌گی و پسماند)
روابط بین‌الملل (ارتباطات خارجی با سایر کشورها)	روابط بین‌الملل (ارتباطات خارجی با سایر کشورها)

خلق دانش: طبق نظر نوناکا (۱۹۹۴)، بهات (۲۰۰۰)، سالیس بوری (۲۰۰۸) و کابا و رامایا (۲۰۱۷)، به نقل از روسلند و همکاران (۲۰۲۰)، خلق دانش، اولین مرحله در چرخه‌ی حیات دانش و مؤلفه‌ی آغازگر مدیریت دانش است (Rakesk et al., ۲۰۲۰). در حقیقت این کارکنان هستند که فرآیند یادگیری سازمانی را تشویق می‌کنند. آن‌ها دانش ضمنی (دانش پنهان) خود را با فرآیند بیرونی ساختن به دانش آشکار تبدیل می‌کنند و آن را برای استفاده‌ی سازمانی آماده می‌سازند. همچنین از طریق فرآیند درونی سازی، دانش آشکار سازمانی را به دانش ضمنی فردی تبدیل می‌کنند و از آن برای خلق دانش جدید استفاده می‌نمایند. (احمدی و صالحی: ۱۴۰۳: ۸۱-۸۲). فرآیند خلق دانش می‌تواند بوسیله سیستم‌های مدیریت دانش مانند ابزارهای همکاری و شبکه‌های متخصصان صورت گیرد که برای مرتبط کردن افرادی که ممکن است علاقه‌ای مشترک در رابطه با یک ایده‌ی در حال پیدایش داشته باشند بسیار مفید است. انجمن‌های مباحثه به‌عنوان ابزاری مفید برای یافتن ایده‌ها و نظرات افراد مختلف، بکار گرفته می‌شوند (Benbya, ۲۰۰۸). خلق دانش، نتیجه‌ی تأثیر متقابل افراد و دانش آشکار و پنهان است، به واسطه تعامل فرد با دیگران، دانش نهان برون‌سازی شده، به اشتراک گذارده می‌شود. همچنین افراد در این فرآیندها از راه مدیریت دانش، با به دست آوردن بینش و تجربه‌ی سازمانی خود یا توسط کارکنان دیگر، دانش را خلق، منتشر و درونی می‌کنند (احمدی و صالحی: ۱۴۰۳: ۱۳۵-۱۳۶).

جذب دانش: مفهوم ظرفیت جذب دانش به دیدگاه کلانی برمی‌گردد که توانایی اقتصاد را برای بهره‌گیری و جذب اطلاعات و منابع خارجی مدنظر قرار می‌دهد. کوهن و لوینتال در سال ۱۹۹۰ این مفهوم کلان اقتصادی را به حوزه‌ی نظریه‌های سازمانی وارد کردند و ظرفیت جذب را به‌عنوان توانایی یک سازمان برای تشخیص ارزش اطلاعات جدید از منابع بیرونی، شبیه‌سازی و به‌کارگیری آن برای اهداف تجاری در نظر گرفتند. ظرفیت جذب به خودی خود هدف نیست، اما می‌تواند برون‌دادهای سازمانی مهمی چون عملکرد نوآورانه را خلق کند (Kostopoulos, ۲۰۱۱). گردآوری و جذب دانش، شامل تسهیل خلق و تکثیر اطلاعات در زمینه‌های مشترک است (احمدی و صالحی: ۱۴۰۳: ۴۳۱). جذب دانش، به فعالیت‌هایی بر می‌گردد که وضعیت منابع دانشی سازمان را از طریق ذخیره‌سازی و توزیع داخلی دانش کسب شده، انتخاب شده، یا تولید شده، تغییر می‌دهند.

سازماندهی دانش: در فرآیند سازماندهی دانش، بیشترین توجه بر روی دانش عینی متمرکز شده است که می‌تواند در قالب‌های ساختاریافته، نیمه ساختاریافته یا غیر ساختاریافته دسته‌بندی شود. سازماندهی دانش، بیشتر در برگیرنده‌ی فعالیت‌های پردازش دانش است. در این مرحله، دانش به شکل مناسبی تبدیل می‌گردد (ربیعی و همکاران؛ ۱۴۰۰: ۱۵۵).

ذخیره‌سازی دانش: قدم چهارم در فرآیند مدیریت دانش بر توسعه‌ی فرآیندی جهت تسخیر، ثبت و سازماندهی نظام‌مند رویه‌ها و خروجی‌های کلیدی دانش و همچنین بر یافتن، جمع‌آوری و سازماندهی دانش داخلی و بهترین تجربیات، تمرکز دارد. به اعتقاد رادینگ^۱ دانش خامی (داده و اطلاعات) که در اختیار قرار می‌گیرد باید در مکانی ذخیره شود که بتوان آن را مدیریت، حفظ و در دسترس دیگران قرار داد. داشتن مکانیزم‌هایی برای ذخیره و بازیافت انواع داده‌ها، اطلاعات و دانش از اهمیت بالایی برخوردار است. بیشتر سازمان‌ها سیستم‌های مختلفی از قبیل کنترل موجودی، سیستم‌های بودجه‌بندی، سیستم‌های اداری برای ذخیره‌ی داده‌ها یا حقایق سخت، دارند اما چنین سیستم‌هایی را برای ذخیره‌ی اطلاعات و دانش نرم، ندارند (ربیعی و همکاران؛ ۱۳۹۷: ۷۲). حافظه‌ی سازمانی، صرفاً توانایی نگهداری دانش صریح (آشکار) را دارد. اگر سازمان‌ها به دنبال دستیابی به یک مدیریت دانش مؤثر هستند نباید تنها به ایجاد حافظه‌ی سازمانی بسنده کنند، بلکه باید به حافظه‌ی فردی نیز توجه کنند این حافظه مهم‌ترین منبع و مخزن دانش نهفته است. مدیریت دانش زمانی مؤثر خواهد بود که این دو حافظه‌ی سازمانی در کنار هم وجود داشته باشند و یکدیگر را تقویت کنند (ربیعی و همکاران؛ ۱۴۰۰: ۱۵۷).

تسهیم دانش: تسهیم دانش یک فرآیند ارتباطی تعاملی بین افراد در یک گروه است که روابطی متقابلی را برای دستیابی به اهداف مشترک ایجاد می‌کند (Kessel et all, ۲۰۱۲). تسهیم دانش فرآیندی از تعامل اجتماعی بوده که امکان فرصت‌هایی را جهت اشتراک تجربیات از طریق ایجاد حوزه‌ی روابط غیررسمی، فراهم آوری امکانات برای مشاهده، گوش دادن و تقلید از بهترین شیوه‌ها، فراهم می‌کند (Panahi et all, ۲۰۲۰). تسهیم دانش هسته و اساس مدیریت دانش است. فعالیت‌های تسهیم دانش نظیر اشتراک تجربیات و دانش، به افراد کمک می‌کند تا مشکلات کاری را بر اساس تجربیات موجود حل کنند. به همین ترتیب، از تسهیم دانش افراد، دانش کاری بیشتر برای بهبود اثربخشی، عملکرد و کارایی فرآیندهای کاری به دست می‌آید. افزایش فعالیت‌های تسهیم دانش برافزایش عملکرد فردی نیز تأثیر می‌گذارد (Wening & Harsono, ۲۰۱۶).

بکارگیری دانش: زمانی که کارکنان بهترین تجربیات را در موقعیت‌های جدید برای بهبود عملکردشان به کار می‌گیرند، آن تجربیات را جرح و تعدیل نموده، آن‌ها را پالایش و اصلاح می‌کنند و مجموعه‌ی جدیدی از بهترین تجربیات را به دست می‌آورند. گام نهایی در فرآیند مدیریت دانش تسخیر بهترین تجربیات و اضافه کردن آن‌ها به کارکردهای مدیریت دانش است به طوری که در آینده بتواند در دسترس دیگران قرار داده شود. از دیدگاه اکثر پژوهشگران مدیریت دانش، این مرحله مهم‌ترین مرحله‌ی فرآیند می‌باشد. به اعتقاد آن‌ها مزیت رقابتی نصیب سازمان‌هایی که بهترین دارایی دانشی را دارند، نمی‌شود بلکه متعلق به سازمان‌هایی است که به بهترین صورت از دانش خود در عمل استفاده می‌کنند (ربیعی و همکاران؛ ۱۳۹۷: ۷۲).

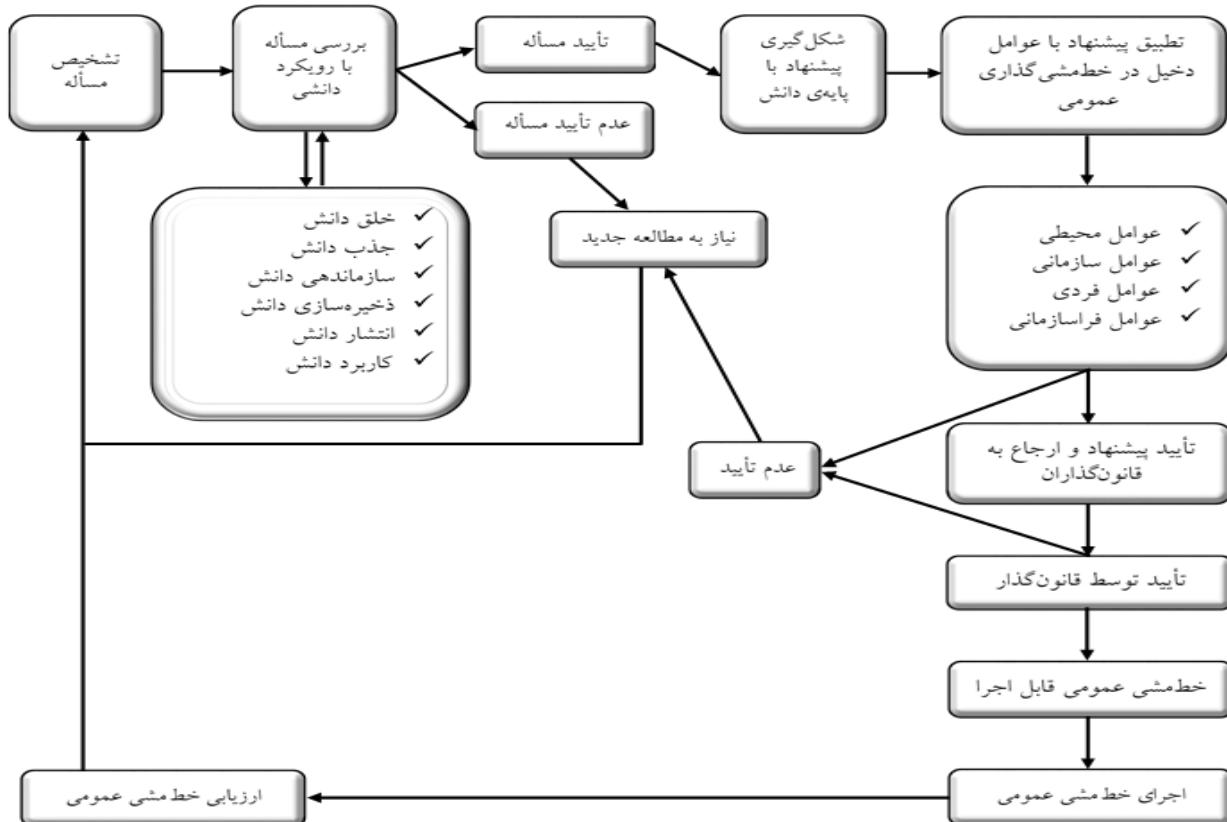
جدول شماره (۵). مضامین سازمان دهنده و فراگیر پژوهش

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده
مضامین فراگیر دانش (ایجاد)	اکتساب دانش	مضامین فراگیر عملیات	میزان اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی (سهم مالیات از بودجه)
	تبادل دانش		دی‌نفعان سیستم مالیاتی (شهرداری‌ها- دهیارهای و ...)
	بازسازی و ترکیب دانش		نگرش مردم نسبت به پرداخت مالیات

^۱. Radding

فهم دانش	عوامل سازمانی
جذب دانش از منابع بیرونی	مسائل فرهنگی (میزان پایبندی به هویت ملی / مذهبی)
شبیه‌سازی	فعالان چرخه اقتصادی (تولیدی - بازرگانی - خدماتی)
تسهیل خلق دانش	پیشرفت‌های تکنولوژیکی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)
پردازش دانش	تنقیح مالیاتی (بازنگری قوانین مالیاتی - اصلاح و بهبود قوانین)
مستندسازی دانش	شناسایی منابع جدید مالیاتی (مؤدیان جدید)
حذف دانش اضافی	جلوگیری از فرار مالیاتی (کتمان درآمد - پولشویی و ...)
ثبت و طبقه‌بندی دانش	انطباق مالیاتی (مقایسه‌ی مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی)
محافظت از دانش	روحیه‌ی مالیاتی (میزان اعتقاد به سیستم مالیاتی)
ذخیره‌ی دانش در مخازن دانشی	انصاف مالیاتی (رعایت انصاف در مالیات ستانی)
تعیین سطح دسترسی و محرمانگی دانش	میزان تمکین مالیاتی مؤدیان (افزایش توافقات - کاهش اعتراض)
	فرهنگ‌سازمانی (ارزش‌ها، انتظارات و روش‌هایی هدایت فعالیت کارکنان)
به اشتراک‌گذاری دانش (تسهیم و انتقال دانش)	عوامل فردی
انتشار دانش (به اشتراک‌گذاری دانش و تجربیات)	دانش خاص سازمانی (دانش و تجربه‌های منحصر به فرد)
آموزش و انتقال	احتکار دانش (عدم اشتراک دانش و نگهداری آن توسط افراد)
متناسب و هماهنگ نمودن	تعهد سازمانی (تعهد اعضای سازمان به اهداف و ارزش‌های آن)
تجمیع دانش	خودکارآمدی (اعتقاد به قابلیت خود)
دسترسی به دانش	تسهیم دانش (لذت و رضایت از اشتراک‌گذاری دانش)
استفاده از دانش برای تحلیل وضعیت موجود	تمایل به یادگیری (علاقه به یادگیری و به‌روزرسانی دانش)
استفاده از دانش برای بهبود وضعیت	اعتماد (وجود اعتماد میان اعضای سازمان)
ترسیم وضعیت مطلوب	خط‌مشی‌های کلان نظام سیاسی کشور
استفاده از دانش برای یادگیری و اجماع بازیگران	برنامه‌های اقتصادی دولت
استفاده از دانش برای بهبود تصمیم‌گیری	مسائل زیست محیطی (رفع آلاینده‌گی و پسماند)
استفاده از دانش برای پاسخ به موقعیت‌های خاص	روابط بین‌الملل (ارتباطات خارجی با سایر کشورها)
به‌کارگیری دانش	عوامل فراسازمانی

مدل پیشنهادی تحقیق بر اساس جدول فوق به صورت زیر قابل ارائه است:



شکل (۲). مدل مفهومی تحقیق

مدل خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش در سازمان‌های دولتی، به ویژه در سازمان امور مالیاتی، شامل ابعاد و مؤلفه‌های متنوعی است که به شناسایی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر فرآیندهای مالیاتی می‌پردازد. در این مدل، مضامین سازمان‌دهنده شامل عوامل محیطی، سازمانی، فردی و فراسازمانی هستند که هر یک به نوبه خود بر اکتساب، تبادل و پردازش دانش تأثیر می‌گذارند. به‌عنوان مثال، میزان اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی و نگرش مردم نسبت به پرداخت مالیات به‌عنوان عوامل محیطی، در کنار فرهنگ‌سازمانی و روحیه مالیاتی به‌عنوان عوامل سازمانی، نقش مهمی در شکل‌گیری رویکرد دانشی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی دارند. علاوه بر این، مضامین فراگیر مانند اکتساب دانش، تبادل دانش و به اشتراک‌گذاری دانش، به فرآیندهای خلق، پردازش و استفاده از دانش در سازمان امور مالیاتی اشاره دارند. این مؤلفه‌ها به تسهیل یادگیری و بهبود تصمیم‌گیری در سازمان کمک می‌کنند و به شناسایی منابع جدید مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی می‌انجامند. همچنین، عوامل فردی مانند اعتماد، تمایل به یادگیری و تسهیم دانش، به تقویت فرهنگ یادگیری و بهبود تعاملات درون‌سازمانی کمک می‌کنند. در نهایت، این مدل با توجه به ابعاد مختلف، به سازمان امور مالیاتی کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از دانش موجود، به بهبود فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری و افزایش کارایی در جمع‌آوری و مدیریت درآمدهای مالیاتی بپردازد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها نتیجه‌ی همکاری و تعارض بین تعداد زیادی از بازیگران است که شامل خط‌مشی‌گذاران، بوروکرات‌ها، گروه‌های ذی‌نفع خارجی و داخلی و ... هستند. قدرت گروه‌های ذی‌نفع به وسیله‌ی کنترل منابع بیشتر، به‌دست آوردن اطلاعات، پوشش رسانه‌ای، شناخت بازیگران دیگر و شناخت اعتبار آن‌ها تعیین می‌شود (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵: ۳۷۵). شناسایی بازیگران کلیدی شبکه‌ها و خرده سیستم‌های خط‌مشی، دلایلی که آن‌ها را گرد هم می‌آورد، چگونگی تعامل آن‌ها و اینکه تعاملات آن‌ها چه تأثیری بر خط‌مشی دارد، سوالاتی است که توجه بسیاری از محققان خط‌مشی را به خود جلب کرده است

(Howlett, ۲۰۱۷: ۲۳۳-۲۵۰). از نظر کنیس و اشنايدر^۱، شبکه‌های خطمشی، شکل جدیدی از حکمرانی را (با مختصات غالبیت روابط غیر رسمی، نامتمرکز و افقی) شکل می‌دهند. تعریف شبکه‌ی خطمشی به این‌سان، بر این نکته تأکید دارد که فرآیند خطمشی به نحوی کامل و جامع به وسیله‌ی ترتیبات نهادی، ساختاردهی می‌شود. بر این سیاق، سازمان‌های دولتی به‌هیچ‌وجه بازیگران راهبر در فرآیند خطمشی نیستند. کنیس و اشنايدر، نوعی افزایش در قلمرو، بخشی‌سازی^۲، تمرکززدایی، پاره‌پارگی^۳، اطلاعات سالای^۴ (افزایش اهمیت اطلاعات) و فراملی‌سازی^۵ خطمشی‌گذاری را مشاهده می‌کنند. در محیط رقابتی امروزی، سازمان‌ها بیشتر از گذشته به دارایی‌های دانشی نیاز دارند. جستجو برای بهترین گزینه‌های خطمشی‌های عمومی اغلب شامل فرآیند بسیار پیچیده‌ای از تعاملات دانشی درون و برون سازمانی است (Bourgon, ۲۰۰۷: ۱۱). مدیریت دانش زمانی می‌تواند برای سازمان مثمر ثمر واقع شود که از مرحله‌ی تئوری وارد فاز عملیاتی شود، بدین‌معنی که سیستم مدیریت دانش باید در سازمان پیاده‌سازی شود (ربیعی و همکاران؛ ۱۳۹۷: ۹۱). برای تحقق این مهم و پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر مشخص نمودن ابعاد، مؤلفه‌ها و مفاهیم کلیدی مدل خطمشی‌گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش در سازمان امور مالیاتی کشور بر اساس یافته‌های حاصل از بررسی و تحلیل تحقیقات صورت گرفته خارجی، استفاده از نظرات خبرگان مالیاتی، تحلیل مضامین و بحث صورت گرفته مطابق شکل شماره ۲ مدل خطمشی‌گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش در سازمان امور مالیاتی کشور به دست آمده است. در این مدل عوامل تأثیرگذار بر چرخه‌ی خطمشی‌گذاری عمومی در سازمان امور مالیاتی کشور شامل: عوامل محیطی، عوامل سازمانی، عوامل فردی و عوامل فراسازمانی می‌باشد که ابعاد مدیریت دانش (ایجاد دانش- جذب دانش- سازماندهی دانشی- ذخیره‌سازی دانش، تسهیم دانش و بکارگیری دانش) و کارکردهای آن در هر یک از عوامل بررسی و تحلیل شده است.

تا اواخر دهه‌ی ۸۰ شمسی مالیات‌ستانی در ایران به شیوه‌ی سنتی و کارمندمحور (غالباً علی‌الرأس) بود و درآمدهای مالیاتی به‌عنوان یکی از منابع جانبی درآمدی، برای دولت محسوب می‌شد و عمده‌ی درآمد دولت از فروش مواد خام علی‌الخصوص نفت بوده است. به دنبال تغییرات در معادلات سیاسی، وضع تحریم‌های یکجانبه علیه کشور، برآوردها در خصوص اتمام ذخایر نفتی و نیاز دولت به ایجاد منابع پایدار درآمدی جهت پیشبرد طرح‌های اقتصادی و عمرانی، خودکفایی اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی، کاهش فاصله‌ی طبقاتی و افزایش رفاه عمومی و ... ضروری است که همگام با تغییرات عصر حاضر، خطمشی‌های مالیاتی نیز مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرند و خطمشی‌گذاری سنتی به خطمشی‌گذاری دانش‌محور تبدیل شود. نتایج تحقیق به شناسایی عوامل تأثیرگذاری در فرآیند خطمشی‌گذاری دانشی در سازمان امور مالیاتی کشور که شامل عوامل محیطی و مؤلفه‌های آن که شامل (میزان اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی- ذی‌نفعان سیستم مالیاتی- نگرش مردم نسبت به مالیات- مسایل فرهنگی- فعالان چرخه‌ی اقتصادی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی)، عوامل سازمانی و مؤلفه‌های آن که شامل (شناسایی منابع جدید مالیاتی- جلوگیری از فرار مالیاتی- انطباق مالیاتی- تنقیح مالیاتی- روحیه‌ی مالیاتی- انصاف مالیاتی- تمکین مالیاتی، فرهنگی سازمانی)، عوامل فردی و مؤلفه‌های آن که شامل (دانش خاص سازمانی- لذت بردن از تسهیم دانش- مایل به یادگیری کارکنان- اعتماد سازمانی- خودکارآمدی- احتکار دانش و تعهد سازمانی) و عوامل فراسازمانی شامل (خطمشی‌های کلان، برنامه‌های اقتصادی دولت، مسائل زیست‌محیطی و ارتباطات خارجی)، انجامید. یافته‌های تحقیق با اهداف سند چشم‌انداز سازمان امور مالیاتی کشور از جمله:

✓ مطالعه، بررسی و شناخت موانع نظام مالیاتی و برنامه‌ریزی جهت رفع آن‌ها.

۱. Kenis & Schneider
۲. Sectorization
۳. Fragmentation
۴. Informatization
۵. Trans nationalization

- ✓ اظهار نظر و ارائه پیشنهادهای لازم در زمینه تدوین سیاستها و خطمشی‌های مالیاتی در اجرای وظایف قانونی مربوط.
- ✓ تنظیم سیاست‌های اجرایی برای اخذ مالیات در کشور و نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های مصوب.
- ✓ اتخاذ تدابیر لازم در خصوص چگونگی اجرای قوانین و مقررات مالیاتی از طریق تهیه و تنظیم آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم و طراحی نظام‌ها و روش‌های اجرایی برای تشخیص و وصول مالیات.
- ✓ اجرای دقیق و کامل و ارائه پیشنهادهای اصلاحی مورد نیاز در خصوص قوانین و مقررات مالیاتی کشور و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها.
- ✓ طراحی، تدوین و اجرای پروژه‌های پژوهشی و اجرایی جهت بهبود وضع نظام مالیاتی کشور در زمینه‌هایی از قبیل اصلاح ساختار مالیاتی، ثبت نام و راهنمایی مودیان، گسترش خوداظهاری، انجام ممیزی‌های مؤثر، حسابداری مالیاتی، وصول و اجرا برای تسریع و تدقیق عملیات مالیاتی.
- ✓ مطالعه، بررسی و پژوهش مداوم در زمینه قوانین و مقررات مالیاتی و ارائه پیشنهاد یا انجام اقدامات لازم برای اصلاح و تکمیل آن‌ها از طریق مراجع قانونی ذی‌ربط.
- ✓ مطالعه تطبیقی، بررسی و پژوهش مستمر در نظام‌های پیشرو مالیاتی کشورهای منتخب برای بهبود سیستم مالیاتی کشور
- ✓ مطالعه و بررسی به منظور یافتن راه کارهای مناسب شناسایی منابع مالیاتی و افزایش و توسعه ظرفیت‌های مالیاتی کشور و پیشنهاد آن به وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ✓ طراحی، اجرا و بهسازی نظام جامع مالیاتی کشور و ایجاد شبکه اطلاعاتی فراگیر مکانیزه و استفاده از روش‌های نوین و ابزارهای پیشرفته برای تحقق درآمدهای مالیاتی.
- ✓ و ...

نتایج تحقیق حاضر در زمینه طراحی مدل خطمشی‌گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش در سازمان امور مالیاتی کشور، بر اهمیت تعامل سازنده با مراکز دانشگاهی و خبرگان تأکید دارد و به نقش مدیریت دانش در بهبود فرآیندهای خطمشی‌گذاری و تصمیم‌گیری می‌پردازد. این در حالی است که در مطالعه **کریمی و رئیس (۱۴۰۳)**، تأثیر مدیریت دانش بر کیفیت خدمات گردشگری با میانجیگری قابلیت پویا بررسی شده و نشان می‌دهد که هرچند مدیریت دانش با قابلیت پویا رابطه معناداری دارد، اما این قابلیت تأثیری بر کیفیت خدمات ندارد. همچنین، **عابدینی و همکاران (۱۴۰۳)** به افزایش سرعت واکنش به تغییرات بازار بیمه با رویکرد چابکی سازمانی مبتنی بر رایانش ابری اشاره کرده‌اند که به بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و رضایت مشتریان کمک می‌کند. در تحقیق حاضر نیز به بهینه‌سازی فرآیندهای عملیاتی و اتخاذ تصمیمات مبتنی بر دانش تأکید شده است. در نهایت، **جباری و همکاران (۱۴۰۳)** بر استفاده از شبکه‌های اجتماعی در اشاعه دانش تأکید دارند که با تأکید تحقیق حاضر بر تعامل با بازیگران دانشی همسو است. به طور کلی، نتایج تحقیق حاضر نشان‌دهنده اهمیت مدیریت دانش به‌عنوان ابزاری کلیدی در بهبود خطمشی‌گذاری عمومی و تصمیم‌گیری در سازمان امور مالیاتی است و می‌تواند به‌عنوان یک الگوی موفق در سایر سازمان‌ها نیز مورد استفاده قرار گیرد.

محدودیت تحقیق حاضر به عدم دسترسی به داده‌های جامع و به‌روز در خصوص تعاملات بین‌سازمانی و تجربیات موفق بین‌المللی در زمینه خطمشی‌گذاری مالیاتی مربوط می‌شود. همچنین، توجه ناکافی به ابعاد غیر اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر خطمشی‌گذاری، می‌تواند به چالش‌های بلندمدت در اجرای مدل پیشنهادی منجر شود. لذا بر اساس مفاهیم و الگوهای حاصل از تحلیل مضامین و یافته‌های این پژوهش و در مقایسه با ادبیات و مبانی نظری پژوهش، پیشنهادهای و نکات زیر در راستای پیاده‌سازی و غنای رویکرد دانش‌محور در سازمان امور مالیاتی کشور قابل ارائه است:

از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خلق دانش، جذب دانش، ذخیره‌سازی دانش، سازماندهی دانش، تسهیم دانش و بکارگیری دانش در سازمان امور مالیاتی، تعامل سازنده‌ی سازمان با مراکز دانشگاهی، فعالان اقتصادی و خبرگان مالیاتی در همه‌ی سطوح سازمان در جهت کسب دانش به‌عنوان یک ابزار قدرت و کسب منفعت در دست خطمشی‌گذاران است. وجود رویکردی درون‌زا



و برون نگر به تولید و جذب دانش برای خطمشی گذاری جامع در سازمان امور مالیاتی کشور به معنای تعامل سازنده و استفاده از علم و تجربه‌ی خبرگان و بازیگران دانشی این حوزه و الگو گیری از دستگاه‌ها و تجربیات موفق بین‌المللی برای خطمشی گذاری و پیشنهاد و اصلاح قوانین موجود که مورد تأکید خبرگان و همسو با مطالعات پژوهش است که در چرخه‌ی مدیریت دانش، نیازمند توجه جدی است. ایجاد یک پایگاه امن برای ذخیره‌سازی دانش کدگذاری و طبقه‌بندی شده بر اساس نیاز خطمشی گزاران (مراجع تصمیم‌گذار) موجبات تدوین خطمشی‌های مبتنی بر دانش، اخذ تصمیمات درست و جلوگیری از تغییرات مستمر و زاید در قوانین مالیات می‌شود. همچنین با عنایت به چند بعدی بودن مسائل و مشکلات امروزی، توجه صرف به جنبه‌ی درآمدی (اقتصادی) مالیات و غفلت از عوامل مؤثر بر خطمشی گذاری در این حوزه از جمله: عوامل محیطی، عوامل سازمانی، عوامل فردی و عوامل فراسازمانی که ابعاد هر یک از عوامل مذکور در متن مقاله تشریح شده است، خطمشی گذاری در سازمان امور مالیاتی کشور را در بلندمدت به چالش خواهد کشید. نتایج تحقیق در قالب طراحی مدل خطمشی گذاری عمومی با رویکرد مدیریت دانش در سازمان امور مالیاتی کشور، قابل ارائه است.

در مجموع، برای بهبود خطمشی گذاری در سازمان امور مالیاتی کشور، پیشنهاد می‌شود که یک شبکه همکاری میان سازمان و مراکز دانشگاهی، فعالان اقتصادی و خبرگان مالیاتی ایجاد شود تا تبادل دانش و تجربیات به‌طور مؤثرتری انجام گیرد. همچنین، توسعه یک پایگاه داده امن و جامع برای ذخیره‌سازی و کدگذاری دانش مرتبط با قوانین مالیاتی و تجارب موفق بین‌المللی می‌تواند به تسهیل تصمیم‌گیری‌ها و کاهش تغییرات غیرضروری در قوانین کمک کند. علاوه بر این، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سمینارهای تخصصی برای کارکنان سازمان و ذی‌نفعان می‌تواند به ارتقاء سطح آگاهی و توانمندی‌های آنان در زمینه مدیریت دانش و خطمشی گذاری کمک کند. در نهایت، توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی مرتبط با مالیات و ایجاد سازوکارهایی برای تعامل با جامعه می‌تواند به بهبود نگرش عمومی نسبت به پرداخت مالیات و افزایش تمکین مالیاتی مؤدیان منجر شود.

منابع و مآخذ

ابوالحسنی رنجبر، احمد، دانش فرد، کرم‌اله، فقیهی، ابوالحسن، (۱۳۹۷)، دستور کار خطمشی‌های اصلاح نظام اداری در ایران مبتنی بر نقش کانون های تفکر و شبکه‌های اجتماعی، *چشم انداز مدیریت دولتی*، سال نهم، شماره ۳۴، ص ۱۵-۴۲.

<https://ensani.ir/file/download/article/۱۵۶۰۷۴۹۸۳۶-۹۵۱۰-۲۱۲.pdf>

احمدی، سید علی‌اکبر، صالحی، علی، (۱۴۰۳)، مدیریت دانش، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۴۰۳.

الوانی، سیدمهدی، (۱۴۰۱)، *تصمیم‌گیری و تعیین خطمشی دولتی*، انتشارات سمت، پژوهشکده‌ی تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی، چاپ بیست و سوم، تابستان ۱۴۰۱.

الوانی، سیدمهدی، شریف‌زاده، فتاح، (۱۳۹۴)، *فرآیند خطمشی‌گذاری عمومی*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۴. انصاری، محمدرضا، قیومی، عباسعلی، صالحی امیری، سیدرضا، عزیزآبادی فراهانی، فاطمه، قدمی، محسن، (۱۴۰۰)، ارائه الگوی خطمشی گذاری فرهنگی با رویکرد تحول (مورد مطالعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران)، *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۱۱، شماره ۳۹.

https://sspp.iranjournals.ir/article_۲۴۵۸۷۳_efb۸efdv۵۵eaaev۴۶۰۶۶۲۲ed۴۱۹۶۶d۳۷.pdf

جباری، لیلا، زندیان، فاطمه، شریف، عاطفه، حسن زاده، محمد، (۱۴۰۳)، اشاعه دانش مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی: یک مرور نظام‌مند، *مجله: کتابداری و اطلاع‌رسانی* پاییز ۱۴۰۳ - شماره ۱۰۷، از ۶۱ تا ۹۰ <http://noo.rs/l۹gm>

دانایی فرد، حسن، (۱۳۹۵)، *گفتارهای جدید در خطمشی‌گذاری عمومی*، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم، نوبت چهارم، سال ۱۳۹۵.



دلخواه، جلیل، نادر، آریا، (۱۳۹۷)، عوامل کلیدی در مدیریت سازمان‌های امور مالیاتی (مطالعه‌ی موردی سازمان امور مالیاتی کشور)، *پژوهشنامه‌ی مالیاتی*، شماره ۲۶، ص ۱۹۳-۲۲۰. URL: <http://taxjournal.ir/article-۱-۱۵۳۷-fa.html>

ربیعی، علی، معالی، مهناز، (۱۴۰۰)، *مدیریت دانش فرآیندها، رویکردها، به‌کارگیری دستنامه پیاده‌سازی*، انتشارات تیسرا ساغر مهر، شماره نشر ۴۷، چاپ سوم، تابستان ۱۴۰۰.

ربیعی، علی، هوشیان ثابت‌لاهیجانی، محیا، (۱۳۹۷)، *ارتقای مدیریت دانش در سازمان‌ها*، انتشارات تیسرا، شماره نشر ۴۹، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۷، تهران.

عابدینی، حامد، هاشم زاده خوراسگانی، غلامرضا، حقیقت منفرد، جلال، (۱۴۰۳)، طراحی شبکه مضامین مدیریت دانش در صنعت بیمه سلامت ایران، *مجله: مدیریت بهداشت و درمان*، پاییز ۱۴۰۳ - شماره ۶۰، از ۷ تا ۲۰ <https://sanad.iau.ir/Journal/jhm/Article/۱۱۰۷۳۱۸/FullText>

کریمی، نگار، رئیس‌ی، حسین، (۱۴۰۳)، بررسی تأثیر مدیریت دانش کارکنان واحدهای گردشگری در کیفیت خدمات با نقش میانجیگری قابلیت‌های پویا (مطالعه موردی: آژانس‌های مسافرتی شهر شیراز)، *مجله: گردشگری و اوقات فراغت*، پاییز و زمستان ۱۴۰۳ - شماره ۱۸ (از ۳۷ تا ۶۳) tj.۲۰۲۴.۴۴۰۳۷۳.۱۱۵۰/۱۰.۲۲۱۳۳

References

- Adams, D. and Hess, M. (۲۰۰۱), Community in public policy: fad or foundation?’, *Australian Journal of Public Administration*, Vol. ۶۰ No. ۲, pp. ۱۳-۲۳. [10.1111/1467-8500.00205](https://doi.org/10.1111/1467-8500.00205)
- Amon, A. (۲۰۲۴). Analyzing the Challenges and Opportunities of Knowledge Management in Government Agencies in Egypt. *African Journal of Information and Knowledge Management*. ۳. ۱-۱۲. [doi: 10.47760/ajikm.2280](https://doi.org/10.47760/ajikm.2280)
- Barnes, M. Newman, J., Knops, A. and Sullivan, H. (۲۰۰۳), Constituting ‘the public’ in public participation, *Public Administration*, Vol. ۸۱ No. ۲, pp. ۳۷۹-۹۹. <https://doi.org/10.1111/1467-9299.00352>
- Beckman, T. (۱۹۹۷), ‘A methodology for knowledge management’, in Hamza, M.H. (Ed.), *Proceedings of the IASTED International Conference on Artificial Intelligence and Soft Computing, Iasted Acta Press*, Banff, pp. ۲۹-۳۲.
- Benbya, H. (۲۰۰۸). *Knowledge Management, Systems Implementation: Lessons from the Silicon Valley*. Oxford: Chandos Publishing.
- Blosch, M. (۲۰۰۰), ‘Customer knowledge’, *Knowledge and Process Management*, Vol. ۷ No. ۴, pp. ۲۶۵-۸. [DOI: 10.1109/HICSS.2000.180](https://doi.org/10.1109/HICSS.2000.180)
- Bourgon, J. (۲۰۰۷). Responsive, Responsible and Respected Government: Towards a New Public Administration Theory. *International Review of Administrative Sciences*, ۷۳(۱), ۷-۲۶.
- César, A., Bernal-Torres., Anne, Marie, Zwerg-Villegas., Loyda, Lily, Gómez-Santos., Germán, Fracica-Naranjo., Josefernando, Giraldo. (۲۰۲۴). Organizational culture and knowledge management as strategies to improve the efficiency in the public organizations sector of emerging countries. *Journal of infrastructure, policy and development*, [doi: 10.24294/jipd.v8i9.5381](https://doi.org/10.24294/jipd.v8i9.5381)
- Chatwin, D. (۲۰۰۴), ‘Enabling knowledge management at the ABS’, *Commonwealth of Australia, Information Management Office, Parkes*, available at: www.agimo.gov.au/practice/km_case_studies/abs (accessed ۷ May ۲۰۰۵).
- Cong, X. and Pandya, K.V. (۲۰۰۳), Issues of knowledge management in the public sector’, *Electronic Journal of Knowledge Management*, Vol. ۱ No. ۲, pp. ۲۵-۳۳. [DOI: 10.4236/ti.2013.42011](https://doi.org/10.4236/ti.2013.42011)

- Deakin, N. (۲۰۰۲), "Public-private partnerships: a UK case study", *Public Management Review*, Vol. ۴ No. ۲, pp. ۱۳۳-۴۷. [DOI: ۱۰,۱۰۸۰/۱۴۶۱۶۶۷۰۲۱۰۱۳۰۵۰۷](https://doi.org/10.1080/14616670210130507)
- DiBella, A. and Nevis, E. (۱۹۹۷), *How Organisations Learn: An Integrated Strategy For Building Learning Capability*, Jossey-Bass, San Francisco, CA.
- E-Government Institute (۲۰۰۴), "E-government announces knowledge management winners", E-Government Institute, Washington, DC, available at: [www.e-gov.com/showPR.asp?id % ۲۰۸](http://www.e-gov.com/showPR.asp?id%۲0۸) (accessed ۷ May ۲۰۰۵).
- Europa (۲۰۰۵), "Framework to reinforce the exchange of good practices in e-government: a contribution to eEurope ۲۰۰۵", available at: http://europa.eu.int/information_society/activities/egovernment_research/gpf/doc/good_practices_framework_baseline_final.pdf (accessed ۷ May ۲۰۰۵).
- Howlett, M. & Mukherjee, I. & Koppenjan, J. (۲۰۱۷). Policy Learning and Policy Network in Theory and Practice: The Role of Policy Brokers in the Indonesian Biodiesel Policy Network. *Policy and Society*, ۳۶(۲), ۲۳۳-۲۵۰.
- Kessel, M., Kratzer, J. & Schultz, C. (۲۰۱۲). Psychological safety, knowledge sharing, and creative performance in healthcare teams. *Creativity & Innovation Management*, ۲۱(۲): ۱۴۷-۱۵۷.
- Kostopoulos, K., Papalexandris, A., Papachroni, M., & Ioannou, G. (۲۰۱۱). Absorptive Capacity, Innovation, and Financial Performance. *Journal of Business Research*, ۶۴(۱۲), ۱۳۳۵-۱۳۴۳.
- Landis, J. R., and G. G. Koch. (۱۹۷۷). The Measurement of Observer Agreement for Categorical Data. *Biometrics* ۳۳ (۱): ۱۵۹-۷۴. [Doi: ۱۰,۲۳۰۷/۲۵۲۹۳۱۰](https://doi.org/10.2307/2529310).
- Lourdes, Melody, Villanueva. (۲۰۲۴). Knowledge management readiness of government institutions of developing countries in asia: a systematic literature review. *Social Science Research Network*, [doi: ۱۰,۲۱۳۹/ssrn.۴۸۴۵۰۹۹](https://doi.org/10.2139/ssrn.4845099)
- McAdam, R. and Reid, R. (۲۰۰۰), "A comparison of public and private sector perceptions and use of knowledge management", *Journal of European Industrial Training*, Vol. ۲۴ No. ۶, pp. ۳۱۷-۲۹. [DOI: ۱۰,۱۱۰۸/۰۳۰۹۰۵۹۰۰۱۰۳۴۷۴۲۴](https://doi.org/10.1108/0309059010347424)
- Moher D, Liberati A, Tetzlaff J, Altman DG, (۲۰۰۹) Preferred reporting items for systematic reviews and meta analyses: The PRISMA Statement. *PLoS Med* ۶(۷). & *Education*, ۱۶۸, ۱۰۴۲۱۲. *PLoS Med* ۶(۷). *Education*, ۱۶۸, ۱۰۴۲۱۲. [DOI: ۱۰,۱۱۶/j.jclinepi.۲۰۰۹,۰۶,۰۰۵](https://doi.org/10.116/j.jclinepi.2009.06.005)
- OECD (۲۰۰۱), "Knowledge management: learning-by-comparing experiences from private firms and public organisations", Summary Record of the High Level Forum, ۸-۹ February, Copenhagen, PUMA/HRM (۲۰۰۱) CERI/CD (۲۰۰۱) ۲, pp. ۱-۲۸, available at: [www.oalis.oecd.org/olis/2001/doc.nsf/43bb6130e0e87e0fc12069fa00d004c/c12069a004c676e3c12069a0b00489d23/\\$FILE/JT0109192.PDF](http://www.oalis.oecd.org/olis/2001/doc.nsf/43bb6130e0e87e0fc12069fa00d004c/c12069a004c676e3c12069a0b00489d23/$FILE/JT0109192.PDF) (accessed ۲۹ January ۲۰۰۴).
- Panahi, B., Lali Sarabi, A. & Maheri Kalajahi, E. (۲۰۲۰). The Study of the customer relationship management effect on knowledge management with the mediating role of employee empowerment. *Sciences and Techniques of Information Management*, ۶(۱): ۵۰-۷۸. [in persian]
- Purwanto, A. (۲۰۲۰). The role of job satisfaction in the relationship between transformational leadership, knowledge management, work environment and performance. *Solid State Technology*, ۶۳(۲): ۲۹۳-۳۱۴.



- Quirchmayr, G. and Tagg, R. (۲۰۰۲), "An architectural concept for knowledge integration in inter-administration computing", Conference Proceedings of the ۳rd International Workshop by International Federation for Information Processing, Copenhagen, ۲۳-۲۴ May Trauner, Linz, pp. ۶۷-۷۷.
- Rakesh, Ramchurn., Mohd, Saiful, Izwaan, Saadon., Herman, Shah, Anuar., Mohd, Fathi, Abu, Yaziz., Wan, Mohd, Al, Faizee, Wan, Ab, Rahaman. (۲۰۲۴). ۴. A comprehensive framework for strategic knowledge management in civil service organisations of Mauritius. *Multidisciplinary Science Journal*, doi: [۱۰,۳۱۸۹۳/multiscience.۲۰۲۴۲۰۳](https://doi.org/10.31893/multiscience.2024203)
- Saman, Foroutani., Nasim, Fahimian., Reyhaneh, Jalalinejad., Morteza, Hezarkhani., Samaneh, Mahmoudi., Behrooz, Gharleghi. (۲۰۲۴). ۲. Navigating Knowledge Management Implementation Success in Government Organizations: A type-۲ fuzzy approach. doi: [۱۰,۴۸۵۵۰/arxiv.۲۴۰۶,۱۲۳۴۰](https://doi.org/10.48550/arxiv.2406.12340)
- Santos, Montano., Julio, Montano., Baldemar, Quiroz., Jeny, Alcahuaman., Luis, Fernando, Espejo-Chacón. (۲۰۲۴). ۶. Knowledge Management in Local Governments: A Boost or a Brake on Productivity?. *Journal of ecohumanism*, doi: [۱۰,۶۲۷۰۴/joe.v3i7,4308](https://doi.org/10.62704/joe.v3i7.4308)
- West, D.M. (۲۰۰۵), *Digital Government: Technology and Public Sector Performance*, University Press, Princeton, NJ.
- Wening, N. & Harsono, M. (۲۰۱۶). Relationship between knowledge sharing to individual performance. *International Journal of Research in Business Management*, ۴(۱): ۶۷-۷۸.
- Wiig, K.M. (۲۰۰۲), Knowledge management in public administration, *Journal of Knowledge Management* Vol. ۶ No. ۳, pp. ۲۲۴-۳۹.
<http://dx.doi.org/10.1108/13673270210434331>



Public Policy Making Model with a Knowledge Management Approach in Government Organizations: A Case Study of the Tax Administration



Eshagh Rahimi

PhD student in Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

ORCID: 0000-0002-2143-118X

eshagh_90@yahoo.com



Mahdi Babay Ahari

Assistant Professor, Department of Management and Accounting, Higher Institute of Adiban, Garmsar, Iran. (Corresponding Author)

ORCID: 0009-0006-6254-8065

taghizadeh@skiff.com



Hamed Rahmani

Assistant Professor, Department of Public Management, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

ORCID: 0000-0001-5309-7406

rahmani2024@yahoo.com

Received: ۲۰۲۵ January ۵ | Revised: ۲۰۲۵ January ۱۷ | Accepted: ۲۰۲۵ January ۱۸

Abstract

The aim of this research is to identify the dimensions and components of the public policy-making model with a knowledge management approach in Iranian government organizations, with a case study on the Tax Administration. In terms of research philosophy, this study is interpretive and falls under the category of theoretical-applied research in terms of its objectives. The research approach is deductive-analytical, seeking to model exploratory data through qualitative analysis methods. Regarding data analysis methods, it is exploratory, and in terms of the nature of the data and the analysis of research findings, it is qualitative, aiming to identify the dimensions and components of the model using a systematic review qualitative method. To identify the dimensions, components, and key concepts of the research, a total of ۶۶۸ articles published in reputable international scientific journals between ۲۰۱۸ and ۲۰۲۴ were examined through keyword searches and systematic review methods. In this study, while examining the dimensions of knowledge management, the themes of knowledge management in the Tax Administration were identified to form a knowledge-based approach for public policy-making. The results of the research include identifying influential factors in the policy-making of the Tax Administration, which consist of environmental factors, organizational factors, individual factors, and extra-organizational factors, as well as identifying the dimensions and components of the identified factors. The researcher presented a proposed public policy-making model with a knowledge management approach in the Tax Administration. The findings of this research highlight the importance of identifying the dimensions and components of



فصلنامه علمی رویکردهای نو در مدیریت دولتی

The scientific quarterly of
New Approaches in Public Administration



JNAPA

the public policy-making model with a knowledge management approach in the Tax Administration, which can lead to improved decision-making processes and increased efficiency in this organization.

Keywords: Public Policy-Making, Knowledge Management, Government Organizations, Tax Administration.